روزنامه اقتصادی ایران

صدای بخش خصوصی ایران

جهان صنعت

سه‌شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ ■ ۲۸ شعبان ۱۴۴۷ ■ ۱۷ فوریه ۲۰۲۶

سال بیست ودوم ■ شماره ۶۰۲۲ ■ ۱۶ صفحه ■ قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

گروسی در دیدار با عراقچی در ژنو:

مذاکرات جامعی داشتم

۲

گزارش میدانی «جهان‌صنعت» از بهشت‌زهرا به مناسبت چهلم جانباختگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴

وطن در سوگ

مصائب تبصره ۴۸ و گزارش اغراق‌آمیز ضابطان ۲

شمع‌ها خاموش نمی‌شوند ۱۲

پرونده ویژه

سرمقاله

از ماتم سرو قدشان...

فاطمه رحیمی*

بوی خون هنوز در هوا نفس می‌کشد؛ بویی همچون خاطره‌ای سمج که روح را در انزوا می‌خورد و می‌تراشد در اذهان عمومی جریان دارد. شامگاه هجدهم و نوزدهم دی‌ماه لحظه‌ای نبود که بتواند به‌سادگی از حافظه این سرزمین عبور کند. صدای افتادن سروقامتانی که با امیدی ساده از خانه بیرون رفتند و هرگز بازنگشتند در گوش شهر مانده اســت؛ صدایی که نه با گذر ۴۰روز خاموش شد و نه با آمدن برف‌های زمستانی آرام گرفت. گویی زمان هم در برابر آن غروب‌های سنگین مکث کرده و هنوز جرات عبور کامل از آن ساعات را ندارد.

ادامه در همین صفحه

یادداشت

چند پرسش بی‌پاسخ، ۴۰ روز پس از واقعه

علیرضا کیانپور

۴۰روز از یــکی از تلخ‌تریــن رویدادهای سیاسی-اجتماعی ایران گذشــت. صحبت از اعتراضات دی‌ماه۱۴۰۴ اســت و حوادث تلخ پس از آن اعتراضات؛ اعتراضاتی که دست‌کم در آغاز واکنشی بود به وخامت روزافزون بحران معیشتی-اقتصادی که حالا در آستانه مراسم چهلم هزاران جان جوانی که از دست رفت، کماکان ثابت‌قدم ایســتاده و مقابل زیست و معیشت ما به‌اصطلاح زندگان این جامعه مصیبت‌زده، سخت‌جانی می‌کند.

ادامه در همین صفحه

دیدگاه

گلوله پاسخ اعتراض نیست

احسان نیازمند

دی‌ماه امســال خیابان‌هــا دوباره روایتگر صدایی شــدند که سال‌هاست زیر بار گرانی، بیکاری و فشــارهای معیشــتی انباشته شده است. مردمی که سفره‌هایشان کوچک‌تر شده و امیدشان نحیف‌تر در روزهای ۱۸و ۱۹دی به خیابان آمدند تا بگویند طاقتشان به سر آمده و کارد به استخوانشان رسیده است.

ادامه در صفحه ۲

نقدروز

له کردن بی‌سروصدای مردم

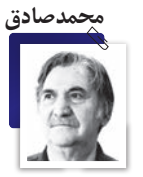

محمدصادق جنان‌صفت

شهروندان ایرانی بدون چون‌وچرا زور برابری و ایستادگی در مقابل نهاد دولت را از دست داده و بی‌پناه و بی‌سنگرند. دره‌های ژرف و دشت‌های بی‌انتهایی پدیدار شده‌اند که نابرابری میان نهاد دولت و نهاد مردم را هر روز بیشتر از پیش می‌کنند. اختیارات دولت در شــرایط حاضر اگرچه در برابر نهادهای دیگر روندی کاهنده داشته اما در برابر مردم چاق و پرزورتر شده است. این وضعیت از سوهای گوناگون به له شدن ایرانیان در برخورد با دولت منجر شده است. یکی از راه‌هایی که موجب له شدن شهروندان شده ناتوانی دولت برای اجرای اختیارات خود مطابق قانون‌اساسی است.

دولت ناتوان هرجا و در هر مساله‌ای کم می‌آورد به شهروندان فشار می‌آورد و آنها را له می‌کند. برای اینکه با ابعاد بزرگ این له شدن‌ها آشنایی بیشتری پیدا کنیم برخی نمونه‌ها را می‌آوریم. داستان تلخ ارز و درآمدهای به دســت آمده از صادرات نفت می‌تواند مثال خوبی باشد. می‌دانیم که منابع به‌دست آمده از صادرات نفت متعلق به شهروندان است اما دولت آن را به خزانه خود در بانک مرکزی واریز می‌کند. اگر دولت می‌توانست با کارآمدی درآمد نفت که در بدترین وضعیت ســالانه به‌طور میانگین ۵۰میلیارد دلار است را به‌طور مستقیم به شهروندان می‌داد به هر ایرانی با حساب جمعیت ۹۰میلیونی عددی معادل ۵هزاردلار در سال می‌رسید. در صورتی که میانگین قیمت هر دلار ۱۵۰هزارتومان باشد به هر ایرانی در سال ۷۵میلیون تومان می‌رسد. سرانه درآمد ماهانه هر ایرانی در سال ۶میلیون تومان می‌شــود و برای یک خانواده سه نفره در ماه ۱۸میلیون تومان خواهد شد. دولت اما این میزان را برداشته و به‌صورت‌های گوناگون هزینه می‌کند. دولت در ایران انگار صدقه می‌دهد در حالی که منابع در اختیارش متعلق به مردم است.

اکنون و در یک‌سال تازه‌سپری‌شده در حالی که بسیاری از واردکنندگان نهاده‌های دامی، گوشــت و برنج و حتی دارو از دولت طلب ارزی دارند که این طلب بهنگام پرداخت نشده و این مساله به کند شدن واردات و جهش قیمت کالاهای اساسی منجر شده است و مردم زیر بار تورم مواد غذایی له شده‌اند. جدا از این دولت ناگهان با کمبود دلار و ریال روبه‌رو شد و تصمیم گرفت در بدترین وضعیت نرخ ارز را بالا ببرد و فشار این موضوع بر مردم وارد می‌شود. نمونه دیگر له شدن مردم زیر فشار دولت تعیین نرخ بهره بانکی زیر قیمت بازار غیررسمی پول و بسیار پایین‌تر از نرخ تورم است. از آنجایی که شرکت‌های دولتی و خصولتی بیشترین اعتبارات بانــکی را به خود اختصاص می‌دهند تثبیت نرخ بهره بانکی یعنی تاراج پس‌انداز مردم و له کردن آنها. دولت در تازه‌ترین تصمیم خود می‌خواهد نرخ رشد کارمندان را در بهترین حالت در عدد ۳۲درصد تثبیت کند که دست‌کم ۲۰درصد از نرخ تورم امسال کمتر است. نهادهای حاکمیتی به اسم حمایت از مردم آنها را له می‌کنند. بماند که در توزیع قدرت سیاسی وضعیت به مراتب وخیم‌تر است.

ادامه سرمقاله

از ماتم سرو قدشان...

آن روزها اعتراض از دل سفرهای کوچک آغاز شد؛ از جیب‌هــای خالی، از رویاهایی که هر روز عقب‌تر رانده می‌شد، از خستگی مزمنی که در نگاه جوانان خانه کرده بود. بسیاری نه سودای هیاهو داشتند و نه آرزوی قهرمانی بلکه تنها سهمی معمولی از زندگی می‌خواستند: کاری پایدار، سقفی امن و امیدی که هر صبح دلیل برخاستن باشد. فقدان این امید با جراحی اقتصادی دولت، دستمایه اعتراضات شد، خیابان‌ها زودتر از آنچه تصور می‌شد رنگ دیگری گرفت. خشم و ترس درهم پیچید، صداها بلند شد و ناگهان خبرها از کشته‌شدن‌ها آمد؛ از زخمی‌هایی که فرصت درمان نیافتند و بازنگشتن‌هایی که هیچ مادری برایش آماده نبود. ۴۰روز گذشــته است.۴۰روزی که هر صبحش با فهرستی تازه از غایبان آغاز شد و هر شبش با اشک خانواده‌هایی پایان یافت که هنوز باور نکرده‌اند جای خالی کنار ســفره دائمی شده است. این ۴۰روز فقط گذر تقویم نبود بلکه دوره‌ای از بهت، خشم، اندوه و انتظار بود. شهرها حالتی میان سکوت و التهاب داشتند، نه آرام آرام و نه کاملا آشفته. انگار همه نفس را در سینه حبس کرده بودند تا ببینند سرنوشت این زخم چه خواهد شد. آیا التیامی در کار هســت یا این درد قرار است به زخمی کهنه بدل شود. در روزهای نخست، شوک چون مه غلیظ بر همه‌چیز سایه انداخته بود. خیابان‌ها خلوت‌تر شدند، مغازه‌ها زودتر کرکره پایین کشیدند و مردم با نگاه‌هایی محتاط از کنار هم گذشتند حتی صداها آهسته‌تر شده بود. گویی شهر نمی‌خواست با هیاهو خاطره آن شب‌ها را تحریک کند اما اندک‌اندک روایت رنج مزمن مردمان دغدار ســر برآورد. خانواده‌هــا آغاز به روایت کردند؛ از جوانانی که هر کدام داستانی ناتمام داشتند. عددها چهره شدند و آمارها تبدیل به زندگی‌هایی که دیگر ادامه ندارند. آنچه مســلم است زیر پوست عادی‌نمایی زندگی در جامعه، اندوهی مداوم جریان دارد. گفت‌وگوها کوتاه‌تر شده و مکث‌ها طولانی‌تر. با نزدیک‌شدن به روز چهلم، شهر حالتی لرزان یافته. گویی میان سوگواری و ادامه ناگزیر زندگی معلق مانده است. مادرانی که هنوز لباس سیاه از تن درنیاورده‌اند، پدرانی که سکوتشان سنگین‌تر از هر فریادی است و دوستانی که جای خالی رفیقشان را در جمع حس می‌کنند. این چهلم فقط یک رسم نیست بلکه نوعی حافظه تاریخی است؛ تلاشی برای آنکه این فقدان به تاریکخانه فراموشی سپرده نشود. گرچه این روزها سرمای زمستان چندان گزنده نیست اما برودت واقعی از فقدان امیدی می‌آید که بسیاری از جوانان با خود بردند. اعتراضات معیشتی و اقتصادی فقط درباره اعداد و قیمت‌ها نبود بلکه درباره کرامت انسانی بود، درباره حق داشتن آینده‌ای قابل پیش‌بینی، درباره رویای ساده اما حیاتی زیستن بی‌هراس. مرگ آن همه جوان، صرف‌نظر از هر تفسیر سیاسی، زخمی عمیق بر پیکر جامعه گذاشته اســت؛ زخمی که نوشدارویی ندارد. امروز می‌توان رد آن ۴۰روز را در چهره شــهر دید. شهری که دیگر مثل قبل نفس نمی‌کشد، سرزمینی که می‌داند بخشی از آینده‌اش در خاک سرد آرمیده است و مردمی که هنوز میان اندوه، خشم و امیدی کمرنگ در رفت‌وآمدند. این خاطره حتی اگر ســال‌ها بگذرد و صداهایش آهسته‌تر شود، در جان این مرز و بوم باقی خواهد ماند، همچون زخمی که شاید روزی التیام یابد اما جای آن هرگز کاملا محو نمی‌شود.

***سردبیر**

ادامه یادداشت

چند پرسش بی‌پاسخ ۴۰روز پس از واقعه

هرچند آن نارضایتی‌های معیشتی که در نخستین روزهای دی‌ماه سر باز زد، تنها انگیزه آغاز اعتراضات بود و در ادامه، یکی، دو جین از مسائل حل‌نشده و گره‌های کور غیراقتصادی هم مورد مطالبه معترضان جان به لب رسیده، قرار گرفت و هرکدام به‌نحوی جای خود را در میان سیاهه مطالبات بر زمین مانده مردمی که در صدها شهر و شهرستان بزرگ و کوچک کشور دست به مطالبه‌گری خیابانی زده بودند، پیدا کرد.اعتراضات دی‌ماه۱۴۰۴ البته از جهات بسیاری با تجاربی که ازقضا هر یکی،دو سال یک‌بار از سرمی‌گذرانیم، متفاوت بود و اینکه این تفاوت‌ها از چه جنس و شکلی بودند موضوعی است که این روزها به سوژه اصلی و بحث‌های داغ تحلیلگران و کارشناسانی تبدیل شده که بر مسائل گوناگون سیاست،جامعه و اقتصاد نظر دارند؛ مباحثی که خوشمان بیاید یا نه، طی هفته‌ها و ماه‌های پیش‌رو صرف‌نظر از اینکه این ســرزمین و مردمانش در ادامه دستخوش حوادث و تحولاتی مشابه خواهند شد یا نه، کماکان ادامه خواهد یافت. با این همه حال که دست‌کم آن بهت و شگفت‌زدگی عمیقی-که به‌ویژه به‌دلیل خاموشی سراســری و قطعی اینترنت و انسداد تمامی ارتباطات تلفنی و پیامکی در اوج اعتراضات دوچندان شد- اندکی فرونشسته و این امکان وجود دارد که بشود درباره دلایلی که اینچنین داغی بر دل میلیون‌ها ایرانی گذاشت، تامل کنیم، شاید بد نباشد که دست‌کم درباره بعضی از اتفاق‌هایی که در اوج اعتراضات از ســر گذراندیم و نیز درباره آنچه در روزها و هفته‌های بعد رقم خورد و می‌خورد، طرح پرسش کنیم؛ پرسش‌هایی که البته بعضا بسیار بدیهی و دم‌دستی به نظر می‌آیند و حتی اینجا و آنجا هم مطرح شده‌اند اما از آنجا که هنوز پاسخ نگرفته‌اند، لاجرم باید تکرار شوند. دولت در دوازدهمین روز بهمن‌ماه، یعــنی بیش از ۲۰روز پس از اعتراضات ۱۸ و ۱۹دی‌ماه فهرستی را منتشر کرد تا آنطور که در همان روز از سوی دفتر ریاســت‌جمهوری اعلام شد، پاسخی دندان‌شکن داده باشد به تمامی ادعاهایی که به‌باور مسوولان، اقدام به «روایت‌سازی‌های غلط» کرده بودند. آنچه اما نه‌تنها در آن فهرست بلکه در دیگر توضیحات مقام‌های دولت و دستگاه قضایی نیز جایی نداشت، این بود که هرکدام از این بیش از ۳هزار جان بی‌گناه، در چه روزی و به چه دلیلی کشته شده‌اند. نکته‌ای که دست‌کم به این دلیل حائزاهمیت است که در جریان این اعتراضات نیز همچون تمامی تجارب پرشمار مشابه در این سال‌ها، مسوولان از تفکیک میان «اعتراض» و «اغتشاش» سخن گفته و در دور اخیر اعتراضات مشخصا تاکید کرده بودند اعتراضاتی را که تا پیش از روز ۱۸دی‌ماه در اقصا نقاط کشور برپا شده به رسمیت می‌شناسند. حال آنکه شماری هرچند کم‌شمار از این چندهزار جانباخته در روزهای آغازین اعتراضات کشته شده‌اند و با این همه همانطور که هیچ توضیحی درخصوص دلیل آنانی که در روزهای ۱۸ و ۱۹دی‌ماه جان باختند، ارائه نشده، درباره چگونگی کشته شدن معترضان در روزهای پیش از ۱۸دی‌ماه نیز پاسخی جز سکوت به افکار عمومی داده نشده است. در حالی که در روزهای پایانی دی‌ماه و روزهای آغازین بهمن‌ماه پیش از آنکه بالاخره همین فهرست حداقلی و نصفه و نیمه جانباختگان منتشر شود، بسیاری از ناظران و رسانه‌ها درخصوص شمار جانباختگان طرح پرسش می‌کردند و برخی برای توجیه کم‌کاری مسوولان در اطلاع‌رسانی به این مساله تلخ و دردناک، یعنی شمار چشمگیر و گستردگی نقاطی که در آن معترضان جان باخته‌اند، استناد می‌کردند و از دشوار بودن و زمان‌گیر بودن روند تجمیع آمار سخن می‌گفتند، پرسشی که هنوز هم کسی به آن پاسخ نداده، این است که اولا چه تعداد از معترضان در این مدت بازداشــت شده‌اند و ثانیا آیا تجمیع آمار بازداشت‌شدگان هم همچون تجمیع آمار هزاران جانباخته، روندی زمان‌بر است؟ البته که ما خوب می‌دانیم ضابطان پرونده‌هایی از این دست و نهاد بازداشت‌کننده متعدد و چندگانه هستند اما به هر حال پرونده تمامی این بازداشت‌شدگان توسط یک نهاد قضایی واحد مورد بررسی قرار می‌گیرد و با این حساب این نگرانی به سراغمان آمده که نکند از این پس ناچاریم علاوه‌بر نهادهای امنیتی موازی، نهادهای قضایی موازی را هم امری طبیعی در نظر بگیریم؟

بحث بازداشــت‌شــدگان اعتراضات اخیر البته یک جنبه دیگر هم دارد؛ چه آنکه در جریان اعتراضات اخیر و به‌ویژه حوادث پس از اعتراضات، علاوه‌بر بازداشــت گسترده معترضان، شاهد بازداشــت شماری از وکلا، پزشکان، هنرمندان و البته در نهایت چهره‌های سیاسی نیز بودیم. اتفاقی که خود باید سوژه و محور یادداشتی جداگانه باشــد. اینجا اما لازم است دست‌کم به آنچه درخصوص بازداشت علی شکوری‌راد، نایب‌رییس ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان رقم خورد، اشاره کنیم. چه آنکه این چهره سیــاسی حامی دولت، همین دیروز به زندان فشافویه منتقل شده است. حال آنکه در روزهای گذشته مسعود پزشکیان به‌عنوان بالاترین مقام اجرایی مملکت، دست‌کم در دو نوبت مدعی شده که می‌خواهد دســتور به آزادی او بدهد و علاوه‌بر آن، به او اختیاراتی بدهد تا راسا دلایل و چگونگی شکل‌گیری اعتراضات اخیر را بررسی کند. وعده‌ای که البته می‌شد حدس زد که سرنوشت بهتری از دیگر وعده‌های پزشکیان نداشته باشد که گفته‌اند هزار وعده خوبان، یکی وفا نکند!

این روزها دربــاره نحوه برخورد با معترضان بسیار صحبت شده اما به‌ویژه پس از انتشار تصاویری از اجساد جانباختگان در کهریزک در فضای مجازی، روشن شد این تنها تن‌های معترضان نبوده که به‌شدت مورد خشونت قرار گرفته‌اند بلکه همزمان و حتی در مقیاسی دردناک‌تر و موهن‌تر، پیکرهای بی‌جان جانباختگان نیز مورد بی‌مهری و اهانت قرار گرفته‌اند. آنچه اما در جریان انتشار این تصاویر دهشتناک کمتر موردتوجه قرار گرفت، نفس منتشر کردن این تصاویر تلخ بود و نیز اینکه چگونه در شرایطی که حتی ارتباطات پیامکی نیز مسدود و محدود شده و فضای به‌شدت امنیتی بر کشور حاکم بود، این تصاویر به سادگی با دوربین‌های تلفن همراه بازماندگان ثبت و ضبط و به همان ســادگی نیز به‌طور گسترده در فضای مجازی و متعاقبا فضای رسانه‌ای بازنشر شد. پرسشی که احتمالا همچون دیگر پرسش‌هایی که اینجا به آن اشاره شد و نیز همچون آنچه اینجا امکان طرح نداشت، با سکوت مسوولان مواجه می‌شود و مانند همیشه بی‌پاسخ می‌ماند. بماند که احتمالا حالا حتی همان مسوولان نیز به‌خوبی می‌دانند که عدم پاسخگویی به افکار عمومی لزوما به این معنا نیست که جامعه خود به هیچ احتمال و سناریویی نیندیشد و در تاریکی دنبال پاسخ نگردد!

پرسش روز

باز هم به سود چین کار می‌کنید؟

یکم- به‌نظــر می‌رســد در وزارت جهاد کشاورزی همه درها به سوی پکن باز می‌شود. عجب ادعایی، می‌شــود در این‌بــاره توضیح دهیــد؟ بله. به این خبر ارائه‌شــده از ســوی غلامرضا نوری‌قزلجه، وزیر جهاد کشــاورزی درباره تغییرات در اجرای روش تامین کالاهای اساسی توجه کنید: تاکنون روش اجرا به اینگونه بــود که وزارت نفت به تریدرهای نفتی و تجار محمولــه نفتی ارائه می‌داد و آنها محموله‌های نفتی را به فروش می‌رساندند و پس از آن نسبت به واردات کالا اقدام می‌کردند. از ســال آینده اما مقرر شــده وزارت کشاورزی کسانی را که نسبت به واردات کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی اقدام می‌کنند به وزارت نفت معرفی کند و این شرکت‌ها محموله‌های نفتی دریافت کنند و ارقام تهاتر را هم افزایش می‌دهیم.

دوم- خــب این خبر با چین چگونه ارتباط پیدا می‌کند؟ خبرهای پرشماری داریم که تنها خریدار نفت ایران در دنیای امروز شرکت‌های آزمنــد کوچــک چینــی هســتند بنابراین هر واردکننــده‌ای می‌خواهد تهاتــر نفت در برابر کالا کند ناگزیر خواهد شــد با کشور چین این کار را انجام دهــد. واردکننــدگان نهاده‌های دامی نیــز مجبورند با شــرکت‌های چینی این کار را انجام دهند.

سوم- حال پرسش در این داستان چیست؟ پرســش از وزیر جهاد کشــاورزی اســت که آیــا می‌داند چین یــکی از واردکنندگان عمده نهاده‌های دامی به‌ویژه ذرت و سویاســت؟ آیا وی و همکارانــش و همچنین در دولت کسی می‌داند اگر قرار بر تهاتر نهاده‌های دامی باشد و ناگزیری هم وجــود دارد باید منتظر افزایش قیمت باشیم. یعنی شــرکت‌های چینی واردات انجام دهند و سود خود را از واردات ببرند و آنگاه این نهاده‌ها را به تهاتر با نفت ایران تخصیص دهند؟ بهتر اســت پیش از اینکه تراستی‌های تازه پدیدار شوند فکر اساسی کنیم.

سازمان آگهی روزنامه جهان صنعت

جهان صنعت

سازمان آگهی شهرستان ها

از سراسر کشور

نماینده فعال می پذیرد

۰۹۱۲۲۹۷۶۶۰۴

۸۸۶۱۰۰۱۹-۲۱

www.jahanesanat.ir

جهان صنعت
سال بیست‌ودوم ■ سه‌شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ ■ شماره ۶۰۲۲

«جهان‌صنعت» رویدادهای ۴۰ روز گذشته را در گفت‌وگو با مریم کیان‌ارثی، حقوقدان بررسی کرد

مصائب تبصره ۴۸ و گزارش اغراق‌آمیز ضابطان

علی فریدونی- چهلم کشته‌شدگان اعتراضات دی‌ماه فرارسیده است. اعتراضاتی که با محوریت بازار و در واکنش به نوسانات قیمت دلار و گرانی سرسام‌آور آغاز و به دیگر عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشیده شد. اعتراضاتی که هزاران کشته برجای گذاشت؛ هزاران جانباخته‌ای که بنابر اعلام مقام‌ها و مسوولان رسمی، شمارشان از ۳هزار تن نیز فراتر رفت. باوجود گستردگی اعتراضات و حضور پرشمار معترضان در خیابان‌های صدها شهر بزرگ و کوچک، پاسخ درخوری از سوی حاکمیت دریافت نشد و به همین دلیل نیز سوالات بسیاری در رابطه با شمار بازداشتی‌ها، عاملان و آمران برخورد با معترضان و البته متعاقبا دلایل برخوردهای امنیتی و بازداشت چهره‌های شاخص و شهروندان عادی بی‌پاسخ باقی مانده است. اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ البته اولین اعتراضات از این نوع نبود. با این همه باتوجه به ده‌ها مطالبه بر زمین مانده معترضان و تداوم مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی شهروندان، بسیار بعید به نظر می‌رسد که آخرین نمونه نیز باشد. به‌ویژه آنکه خبری از شفافیت در مواجهه با اعتراضات نیست و عملا توضیح درخوری در رابطه با شمار دقیق جانباختگان، بازداشت‌شدگان و چند و چون رسیدگی قضایی به پرونده بازداشت‌شدگان ارائه نشده است. همان‌طور که درخصوص چگونگی برخورد با مسوولان خاطی در این ۴۰ روز در کار نیست. مجموعه این مسائل ما را بر آن داشت تا به سراغ مریم کیان‌ارثی برویم و از این حقوقدان و وکیل دادگستری که هم‌اکنون نیز وکالت برخی از بازداشت‌شدگان اعتراضات را برعهده دارد، درباره چند و چون شکل‌گیری اعتراضات و برخورد با آن به گفت‌وگو بپردازیم.

***

■ **در روزهای ۱۸ و ۱۹دی‌ماه شاهد اوج‌گیری اعتراضات بودیم و به نظر می‌رسد اغلب جانباختگان نیز در همین دو روز جان باخته‌اند اما به هر حال پیش از آن دو روز و مشخصا در روزهای آغازین اعتراضات هم برخی افراد کشته شدند و به نظر برخوردی به‌نسبت خشن با معترضان صورت گرفته است. همین موضوع ابهاماتی در رابطه با مساله «حق اعتراض» شهروندان که پیوسته مسوولان از آن سخن می‌گویند به‌وجود آورده است؛ این موضوع در قانون اساسی چه جایگاهی دارد و نظر شما در این خصوص چیست؟!**

اعتراض طبیعتا حق تمامی شهروندان است و در قانون اساسی نیز صراحتا بر آزادی بیان و عقاید تاکید شده و این آزادی شامل اعتراض به شرایط موجود، اعم از شرایط اجتماعی و اقتصادی نیز می‌شود. در واقع طبیعتا هر فردی باید از این حق برخوردار باشد. افزون بر آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به‌صراحت بر آزادی بیان و حق ابراز عقیده تاکید شده است و اصول قانون اساسی نیز این حق را تشریح می‌کند که افراد می‌توانند آزادانه دیدگاه‌ها و اعتراضات خود را بیان کنند. بنابراین اینکه با اعتراضات به‌نحوی خشونت‌آمیز برخورد شود، به معنای نقض فاحش حقوق انسانی و حقوق بشر است.

■ **در همین رابطه آیا در قانون اساسی محدودیت و چارچوبی برای میزان خشونت در برخورد با اعتراضات وجود دارد؟!**

متاسفانه می‌توانم بگویم اکثر غریب به اتفاق افراد بازداشت شده با استفاده از خشونت شدید بازداشت شده‌اند و بسیاری از آنها دارای جراحات جدی فیزیکی بودند و به‌علت شلوغی جمعیت، مورد مداوای لازم قرار نگرفته‌اند و حتی برای دسترسی به دارو مشکل داشته و دارند و شرایط برای آنها سخت بوده است. طبیعتا این خشونت به کار رفته در برخورد با معترضان خلاف قانون آئین دادرسی کیفری و قانون حقوق شهروندی است که به صراحت اعلام می‌کند که در زمان بازداشت به هیچ‌وجه ضابط اجازه به کار بردن رفتار خشونت‌آمیز را ندارد و متهم نیز باید از حقوق اولیه خود ازجمله ارتباط با خانواده و دسترسی و ملاقات با وکیل مستقل برخوردار باشد که متاسفانه هیچ‌یک از این حقوق در رابطه با بازداشت‌شدگان اخیر رعایت نشده است.

■ **نکته بعدی این است که حتی اگر تاخیر در اعلام شمار کشته‌شدگان باتوجه به شمار بسیار بالای آنان قابل‌پذیرش باشد اما تاخیر در اعلام شمار بازداشت‌شدگان بسیار عجیب به نظر می‌رسد؛ اکنون با وجود گذشت ۴۰ روز از زمان اوج اعتراضات، کماکان خبری از اعلام آمار شمار بازداشت‌شدگان نیست؛ این موضوع از نظر قانون چه جایگاهی دارد؟!**

این موضوع طبعا هیچ منطق حقوقی ندارد و برای من نیز به‌عنوان یک شهروند و حقوقدان قابل‌پذیرش نیست. دولت و حکومت موظف هستند که تعداد کشته‌شدگانی را که به وسیله خود آنها از سطح شهر جمع‌آوری شده‌اند، اعلام کنند. در واقع این آمار هم باید به سرعت اعلام شود؛ حال آنکه حتی هنوز هم بسیاری از خانواده‌ها خبری از فرزندان خود ندارند و اصلا نمی‌دانند که آنها زنده هستند یا خیر؛ همه اینها به‌وضوح مصداق عدم رعایت حقوق قانونی و فردی افراد است.

■ **نکته قابل‌توجه دیگر بازداشت برخی از اعضای جامعه مدنی ازجمله وکلا و پزشکان است؛ نظر شما در این رابطه چیست؟**

البته آنچه در اخبار و رسانه‌های رسمی مطرح می‌شود، این است که هیچ‌یک از اعضای کادر درمان یا وکلا به‌علت شغل خود بازداشت نشده‌اند اما می‌دانیم که اینطور نیست. خیلی از همکاران من در شهرهای مختلف ازجمله شیراز و تهران جزو وکلای مستقل هستند که در حوزه حقوق بشر فعالیت داشته و به بازداشت‌شدگان -چه در سال‌های دورتر و چه در سال‌های اخیر- مشاوره داده و کمک کرده‌اند و وکالت آنها را برعهده داشته یا حتی کسانی بوده‌اند که در صفحات خود، قانون آئین دادرسی را برای مردم به زبان ساده توضیح می‌دادند تا از حقوق اولیه خود آگاه باشند. طبیعی است که بازگو کردن قانون و مشاوره دادن به مردم جرم نیست و بازداشت این افراد خلاف قانون است. برای کادر درمان نیز موضوع به همین شکل است؛ در واقع هم وکلا و هم پزشکان به‌علت سوگندی که یاد می‌کنند، موظف هستند تا تخصص خود را در خدمت مردم قرار دهند و متاسفانه این دوستان به همین علت بازداشت شده‌اند.

■ **مساله بعدی، مساله دادخواهی و ضرورت آموختن از اشتباهات گذشته است که با توجه به اینکه شما فکر می‌کنم بیشتر درگیر این اتفاقات باشید، در ابتدا بگویید که ایرادهای روند کنونی دادرسی نسبت به معترضان بازداشت‌شده چیست؟! همچنین پیشنهادتان برای اینکه این روند اصلاح و تصریح شود، چیست؟!**

همانطور که بسیاری از وکلایی که در تمام این سال‌ها در این حوزه کار می‌کنند، متذکر شده‌اند بحث تبصره ماده(۴۸) آئین دادرسی کیفری است که در واقع حق تعیین وکیل مستقل را از بازداشت‌شدگان در پرونده‌های سیاسی و امنیتی می‌گیرد. در واقع این تبصره، نقض فاحش حقوق فردی، انسانی و قانونی متهم و بازداشت شده است؛ به این دلیل که این تبصره اعلام می‌کند، فقط وکلایی می‌توانند در مرحله تحقیقات مقدماتی ورود کنند که توسط رییس قوه قضاییه مورد تایید باشند. این فهرست به‌صورت سالانه از سوی دستگاه قضایی اعلام می‌شود؛ حال آنکه بسیاری از این وکلا تجربه پرونده سیاسی ندارند و بعضا مبالغ بسیار هنگفتی را نیز از بازداشت‌شدگان و خانواده‌شان تقاضا می‌کنند؛ در حالی که بسیاری از بازداشت‌شدگان از قشر کارگر، قشر متوسط یا ضعیف هستند و اصلا توانایی پرداخت حق‌الوکاله و دستمزدهای آنچنانی را ندارند.

متاسفانه این موضوع در هر دوره هم سخت‌تر می‌شود و تقریبا می‌توانم بگویم که در دوره اخیر، به ۹۵درصد از وکلای مستقل اجازه ورود به دادسرا داده نشده است و ما ناچار شدیم در مرحله دادگاه اعلام وکالت کنیم و پرونده را بخوانیم. این در حالی است که قانون صراحتا اعلام می‌کند که متهم در زمان بازداشت حق دارد به وکیل دسترسی داشته باشد و متاسفانه می‌توان گفت که این حق از اغلب بازداشت‌های اخیر سلب شده است؛ تا جایی که برخی از بازداشت‌شدگان از سر ناچاری یا به اصرار خانواده‌ها، از همان وکلای ذیل تبصره ۴۸ استفاده می‌کنند.

■ **تصاویری که از اجساد کشته‌شدگان منتشر شد نیز نشان‌دهنده نبود نظم و احترام لازم در برخورد با پیکر جانباختگان بود؛ آیا این موضوع از نظر قانونی چارچوب مشخصی دارد؟! همزمان ادعاهایی درخصوص دریافت مبالغی برای تحویل اجساد مطرح شده، آیا شما در جریان این مسائل قرار گرفته‌اید؟!**

در بعضی از تصاویری که منتشر شد حتی دستبند به دست‌شان بود و این نشان می‌دهد که فرد بازداشت شده و سپس فوت شده و داخل این کیسه‌ها بوده است. براساس برخی روایات بسیاری از اجساد از بیمارستان‌ها جمع‌آوری شده بودند. البته طبیعی است که این موضوع تخصص من نیست و نمی‌دانم بحث پزشکی قانونی و ترتیبی که باید درخصوص نحوه فوت، کالبدشکافی، زمان مرگ و مسائل اداری که درخصوص افرادی که فوت می‌کنند، رعایت می‌شود، چگونه است اما ظاهرا هیچ‌کدام از این موارد در مورد کشته‌شدگان اعتراضات اخیر رعایت نشده است. حتی به‌دلیل انباشتگی اجساد، احترام لازم به خانواده‌های داغدار گذاشته نمی‌شد. تصاویر تکان‌دهنده بود و به نظر من قطعا حرمت هیچ‌کدام از این افراد حفظ نشده بود.

اما در مورد بخش دوم سوال در واقع نمی‌توانم به‌طور موثق بگویم اما روایت‌هایی داشتم که این مبالغ از خانواده‌ها درخواست شده است. مثلا در یک مورد در اصفهان که با آنها تلفنی صحبت می‌کردم، اعلام کردند که این مبالغ را از خانواده مطالبه کرده‌اند. یا یک مورد در مشهد هم همینطور. البته نمی‌توانم به‌طور موثق بگویم اما خانواده‌ها این موارد را این‌گونه منتقل کرده‌اند که برای تحویل جنازه‌ها از آنها مبالغی خواسته می‌شد. البته مسوولان اعلام کردند که چنین چیزی صحت ندارد و اگر وجود دارد، اعلام شود اما به نظر این در سطح گسترده به خانواده‌ها گفته می‌شده و نمی‌توانیم بگوییم که مسوولان از این اتفاق اطلاعی نداشتند.

■ **توصیه شما برای هموار شدن مسیر رسیدگی به پرونده‌ها و طی شدن روند دادخواهی به‌طور اصولی چیست؟!**

اولا امیدوارم ریاست قوه قضاییه درخصوص تبصره۴۸ و دسترسی مردم به وکیل، به‌ویژه وکلای مستقل و مورد اعتمادشان، تسهیل کند و بازداشت‌شدگان بنابر قانون نباید با هیچ خشونتی بازداشت شوند. امیدوارم در آینده این موارد را نشنویم و هیچ فردی با خشونت بازداشت نشود و بازداشت‌شدگان بتوانند از حق داشتن وکیل بهره‌مند شوند.

همچنین نکته ویژه‌ای که من در پرونده‌ها دیدم، گزارش‌های اغراق‌آمیزی است که ضابطان در پرونده‌ها درج می‌کنند. این گزارش‌ها تاثیر بسیار زیادی در روند رای و حکمی که صادر می‌شود، دارد و در بسیاری از موارد با وقایع و روایتی که بازداشت شده تعریف می‌کند، متفاوت است.

ادامه دیدگاه

گلوله پاسخ اعتراض نیست

آنچه اما باید شنیده می‌شد با خشونت پاسخ داده شد. مسوولان هم تلاش کردند تا آنچه باید دیده می‌شد را در غبار روایت‌های رسمی گم کنند.در این میان مادرانی هستند که دیگر فرزندانشان به خانه بازنگشتند. جوانانی که حتی به ۱۸سالگی نرسیده بودند، نامشان به فهرست بلندبالای کشته‌شدگان افزوده شد. هیچ واژه‌ای توان توصیف اندوه خانواده‌هایی را ندارد که تنها «اعتراض» کرده بودند؛ حقی که حتی در قانون‌اساسی کشور نیز به رسمیت شناخته شده است. چگونه می‌توان حقی را که بر صفحه قانون نقش بسته، در میدان عمل نادیده گرفت؟هیچ منطقی نمی‌پذیرد که مطالبه نان و کار و کرامت انسانی با اسلحه پاسخ داده شود. تجربه جهانی نشان داده است که گفت‌وگو تنها راه عبور از بحران‌های اجتماعی است؛ نه انکار، نه فرافکنی و نه امنیتی‌سازی مطالبات مدنی. وقتی صدای اعتراض به جای آنکه شنیده شود، به‌عنوان تهدید تعریف می‌شود، نتیجه چیزی جز عمیق‌تر شدن شکاف میان مردم و حاکمیت نخواهد بود.

آنچه بر خشم عمومی افزوده تنها اصل ماجرا نیست بلکه به روایت‌های پس از آن نیز مربوط است. در برخی روایت‌ها بعضی جانباختگان به گونه‌ای معرفی شدند که گویی در سوی دیگر ماجرا ایستاده بودند. خانواده‌هایی که هنوز در شوک فقدان عزیزانشان هستند حالا باید بار سنگین این روایت‌ها را نیز به دوش بکشند. واقعا انصاف نیست که داغ یک عزیز با چنین نسبت‌ها و برچسب‌هایی دوچندان شود.

از سوی دیگر مجدد پای «عوامل بیگانه» و «تروریست‌ها» به میان کشیده شد. پرسشی ساده اما بی‌پاسخ باقی مانده است: اگر چنین شبکه‌های سازمان‌یافته‌ای در ایران وجود دارند که به آسانی در خیابان‌ها اقدامات تروریستی می‌کنند، دستگاه‌های عریض و طویل اطلاعاتی دقیقا مشغول چه کاری هستند؟ اگر تهدیدی تا این اندازه جدی است، چرا پیش از آنکه به جان مردم بیفتد، مهار نمی‌شود؟ و اگر چنین تهدیدی وجود ندارد، چرا اینگونه اظهارات بی‌محابا تکرار می‌شوند؟

در هر دو صورت، مسوولیت از دوش مدیران امنیتی برداشته نمی‌شود. در هر ساختار حکمرانی، پاسخگویی اصلی بدیهی است. وقتی جان شهروندان از دست می‌رود و جامعه دچار التهاب می‌شود، طبیعی‌ترین انتظار، شفافیت و قبول کردن مسوولیت است. استیضاح و بازخواست، ابزارهای قانونی هستند، نه تهدید، نه تسویه‌حساب سیاسی. مجلسی که قرار است وکیل ملت باشد، نمی‌تواند نسبت به چنین رخدادهایی بی‌تفاوت بماند.

مساله تنها اعطای مجوز حکومتی برای برگزاری اعتراضات نیست بلکه مساله اعتماد عمومی است؛ سرمایه‌ای که آسیب‌های جدی دیده و بازسازی آن شاید دیگر غیرممکن شده باشد. اعتراض با گلوله خاموش نمی‌شود بلکه با حقیقت، با گفت‌وگو و با عدالت پاسخ داده می‌شود. خانواده‌هایی که امروز عزادارند بیش از هر چیز خواهان روشن شدن حقیقت هستند. آنان پاسخ می‌خواهند، نه روایت‌های آماده و تکراری.

جامعه‌ای که در آن، راه‌های قانونی بیان نارضایتی بسته یا بی‌اثر تلقی شود، ناگزیر به خیابان پناه می‌برد. اگر قرار است امنیت پایدار برقرار بماند، باید ریشه‌های نارضایتی خشکانده شود؛ ریشه‌هایی که در تورم افسارگسیخته، تبعیض، فساد، رانت و بی‌توجهی به مطالبات انباشته‌شده مردم قرار دارد. امنیت، محصول رضایت است، نه نتیجه ارعاب.

شجاعت در پذیرش خطا، عذرخواهی صریح و ایجاد تغییرات اساسی و ریشه‌ای در ساختار حکومت حلقه‌های مفقوده میان ایرانیان و جمهوری اسلامی هستند. هیچ حکومتی از پذیرش مسوولیت تضعیف نمی‌شود بلکه از نادیده گرفتن حقیقت آسیب می‌بیند. صدای مردمی که شنیده نشود، در تاریخ ثبت خواهد شد و تاریخ، در قضاوت خود، نه مصلحت می‌شناسد و نه ملاحظه!

دیپلماسی

گروسی در دیدار با عراقچی در ژنو:

مذاکرات جامعی داشتم

ایرنا- وزیر امور خارجه ایران صبح روز دوشنبه با مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیدار کرد. سیدعباس عراقچی که روز یکشنبه در راس هیاتی به منظور انجام مذاکرات با آمریکا بر سر مساله هسته‌ای راهی ژنو شد، در پیامی در صفحه ایکس درباره سفرش به ژنو نوشت: «همراه با متخصصان هسته‌ای کشورمان با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای مباحث دقیق فنی دیدار خواهم کرد. همچنین پیش از آغاز رایزنی‌های دیپلماتیک با ایالات‌متحده در روز سه‌شنبه، با بدر البوسعیدی وزیر امور خارجه عمان ملاقات می‌کنم.» عراقچی همچنین خاطرنشان کرد: «با ابتکارات واقعی برای دستیابی به توافقی عادلانه و متوازن به ژنو آمده‌ام. آنچه مطلقا در دستور کار نیست تسلیم در برابر تهدید است.» همزمان رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در پیامی در صفحه خود در شبکه اجتماعی ایکس از دیدار و مذاکراتش با سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران در ژنو پیش از مذاکرات تهران- واشنگتن خبر داد. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی نوشت: «به تازگی مذاکرات فنی جامعی را با وزیر امور خارجه ایران که در تدارکات مذاکرات مهمی برای روز سه‌شنبه در ژنو است، داشتم.» همچنین وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران درباره این دیدار که در اقامتگاه وزیر خارجه در ژنو برگزار شد، اعلام کرد: «برخی موضوعات فنی مرتبط با همکاری‌های ایران و آژانس در چارچوب تعهدات پادمانی ایران و وفق قانون مصوب مجلس مورد بحث و تبادل‌نظر قرار گرفت.» وزارت خارجه ایران تصریح کرد: «در این دیدار نقطه نظرات فنی ایران در رابطه با مذاکرات هسته‌ای غیرمستقیم ایران - آمریکا مطرح شد.» بنابر این گزارش، آمریکا و ایران پیشتر در ۱۷بهمن در مسقط با میانجیگری عمان مذاکرات غیرمستقیمی درباره خطوط قرمز و طرح‌های خود برای ادامه مذاکرات هسته‌ای و لغو تحریم‌ها داشتند که آن را «خوب» توصیف کردند. واشنگتن گفته است که برنامه موشکی ایران، مسائل داخلی آن و نقش ایران در منطقه نیز باید در هرگونه مذاکرات با ایران حل‌وفصل شود. اگرچه ایران تاکید کرده توان دفاعی آن قابل مذاکره نیست و آماده است از موضع برابر تنها درباره برنامه هسته‌ای خود گفت‌وگو کند. دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا که یک ناوگروه و تجهیزات نظامی اضافی را در غرب آسیا مستقر کرده، گفته که برنامه مذاکره با ایران است اما همچنین در راستای رویکرد دوگانه او موسوم به «صلح از طریق قدرت» فرصت برای دیپلماسی را محدود اعلام و تهدید به اقدام نظامی کرده است. شایان ذکر است، سید عباس عراقچی در راس هیات دیپلماتیک ایرانی برای مذاکرات با آمریکا با میانجیگری عمان به ژنو سفر کرده است. این مذاکرات دور دوم از گفت‌وگوهای طرفین درباره برنامه هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌های آمریکاست که روز ۱۷فوریه (۲۸بهمن‌ماه) برگزار خواهد شد. دومین دور مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا قرار است روز سه‌شنبه در سفارت عمان در ژنو برگزار شود. این دور از مذاکرات هفت ماه پس از آن انجام می‌شود که آمریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی و در میانه مذاکرات هسته‌ای که آن را هم عمان میانجیگری می‌کرد به ایران و تاسیسات هسته‌ای‌اش حمله کرد و در عمل میز مذاکره را مورد هدف قرار داد. از حدود یک ماه پیش آمریکا برای بازگشت به میز مذاکره با ایران درخواست داد و بعد از چند بار تکرار درخواست مذکور و رفت و آمد مقامات کشورهای منطقه برای میانجیگری میان ایران و آمریکا با هدف کاهش تنش در منطقه و حل‌وفصل مساله هسته‌ای، ایران انجام این مذاکرات را با میانجیگری عمان پذیرفت. طی ۱۰روز گذشته رایزنی‌ها و رد و بدل پیام‌ها به طرق مختلف در جریان بوده است. به گفته رسانه‌های آمریکایی بخشی از ایده‌ها و پیشنهادات طرف آمریکایی در سفر علی لاریجانی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی کشورمان به عمان به طور مکتوب ارائه شده است.

گفت‌وگو

«جهان‌صنعت» در گفت‌وگو با علیرضا خامسیان، پیامدهای حوادث پس از اعتراضات دی‌ماه را بررسی کرد

گفت‌وگو به‌جای تقابل؛ ضرورتی برای نجات ملی

«جهان‌صنعت»- تحولات اخیر ایران ترکیبی از فشارهای اقتصادی، شکاف‌های اجتماعی و چالش‌های فرهنگی است که نیازمند اصلاحات ساختاری و گفت‌وگو است. تحولات اخیر در جامعه ایران تنها ناشی از فشارهای اقتصادی و معیشتی نیست. ریشه این نارضایتی‌ها در لایه‌های عمیق اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نهفته است که طی سال‌ها انباشته شده و اکنون به سطح بروز رسیده‌اند. کارشناسان تاکید می‌کنند که ساده‌سازی تحولات و نسبت دادن آنها صرفا به مسائل اقتصادی، تصویر واقعی جامعه را مخدوش می‌کند و مسیر اصلاحات را دشوارتر می‌سازد. تحلیل‌های موجود نشان می‌دهد که برای فهم کامل اتفاقات باید به ترکیبی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه کرد و صرفا روی یک بعد تمرکز نکرد. «جهان‌صنعت» برای بررسی و تحلیل عمیق این بحران به سراغ علیرضا خامسیان، پژوهشگر علوم سیاسی و فعال اجتماعی رفت تا ابعاد آن را تفصیل کند.

■ **جنگ ۱۲ روزه؛ فرصتی که از دست رفت**

علیرضا خامسیان می‌گوید: «جنگ ۱۲روزه نمادی از ایثار، همبستگی و اقتدار ملی بود. انتظار جامعه این بود که پس از آن تغییراتی در اداره کشور رخ دهد و سرمایه اجتماعی فعال به اصلاحات ساختاری منجر شود اما این فرصت به شکل ملموسی از دست رفت.» او توضیح می‌دهد: «دولت در آن مقطع، درگیر مدیریت مسائل روزمره مردم شد؛ فشارهای اقتصادی و الزامات معیشتی مانع تمرکز بر اصلاحات بلندمدت شد. در عین حال سایر ارکان حکومتی هم اقدام هماهنگی انجام ندادند. نتیجه آن شد که امید اولیه مردم به تغییرات محسوس، ناکام ماند.»

خامسیان معتقد است: «فرسایش سرمایه اجتماعی وقتی رخ می‌دهد که ظرفیت‌های جامعه برای مشارکت در تصمیم‌گیری به‌طور عملی فعال نشود. وقتی این اتفاق بیفتد، جامعه با واکنش‌های ناگهانی و گاه غیرقابل پیش‌بینی مواجه می‌شود.» او اضافه می‌کند: «نسل جوان اگر احساس کند صدایش شنیده نمی‌شود، به شکل هیجانی و اعتراضی واکنش نشان خواهد داد. تجربه اخیر نشان داد که بدون سازوکارهای موثر، سرمایه اجتماعی نمی‌تواند دوام بیاورد و اعتماد عمومی به راحتی فرسوده می‌شود.»

خامسیان همچنین درباره نقش تاریخ و خاطرات جمعی در شکل‌گیری انتظارات اجتماعی می‌گوید: «مردم با خاطرات ایثار و همبستگی، توقع داشتند دستاوردهای ملموسی در زندگی روزمره و مدیریت کشور دیده شود. وقتی این دستاوردها رخ نداد، امیدها ناامید و زمینه واکنش اجتماعی فراهم شد.»

■ **تقلیل‌گرایی اقتصادی؛ تحلیلی ناکامل**

در نگاه برخی، فشارهای اقتصادی مهم‌ترین محرک نارضایتی‌هاست اما خامسیان می‌گوید: «تحولات اخیر محصول انباشت مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. تمرکز صرف بر اقتصاد، تحلیل جامعه را سطحی می‌کند و لایه‌های واقعی بحران نادیده گرفته می‌شوند.» او توضیح می‌دهد: «کاهش اعتماد عمومی، شکاف نسلی و محدودیت‌های فرهنگی زمینه را برای واکنش‌های شدیدتر فراهم کرده است. نسل جدید که در فضای گسترده ارتباطات و اطلاعات جهانی رشد کرده، انتظار دارد حضورش در تصمیم‌سازی دیده شود. اگر این انتظار برآورده نشود، تعارض اجتماعی شدت می‌گیرد.» خامسیان اشاره می‌کند: «اقتصاد مهم است اما کافی نیست. محدودیت‌های فرهنگی، فقدان فرصت‌های خلاقیت و بیان آزاد باعث شده جامعه در وضعیت پیچیده‌ای قرار گیرد که واکنش‌ها را گسترده و متنوع می‌کند. ما نمی‌توانیم همه چیز را به نرخ تورم و گرانی نسبت دهیم؛ عوامل هویتی و اجتماعی هم نقشی اساسی دارند.» او درباره جزئیات بیشتر می‌گوید: «نوسانات اقتصادی و معیشتی، شکاف‌ها را تشدید کرده است اما انگیزه‌های اعتراضی به این محدود نمی‌شوند. اعتراض‌ها ترکیبی از مطالبات اقتصادی و تقاضای مشارکت و دیده شدن در تصمیم‌سازی هستند. جامعه‌ای که احساس کند فقط مصرف‌کننده تصمیمات است و صدایش شنیده نمی‌شود، دیر یا زود واکنش نشان خواهد داد.» خامسیان اضافه می‌کند: «عدم پاسخگویی به این نیازها و محدود کردن حضور نسل جوان در فرآیند تصمیم‌گیری، به‌تدریج منجر به کاهش سرمایه اجتماعی و تضعیف اعتماد عمومی می‌شود. این روند، زمینه بروز بحران‌های بزرگ‌تر را فراهم می‌کند.»

■ **اصلاح ادبیات رسمی و بازتعریف سیاست فرهنگی**

خامسیان معتقد است: «اصلاح ادبیات رسمی در مواجهه با مردم، به‌ویژه نسل جوان، ضروری است. هنوز در برخی سخنرانی‌ها و پیام‌ها نوعی ادبیات از موضع بالا دیده می‌شود که نسل جدید آن را نمی‌پذیرد.» او ادامه می‌دهد: «نسل جوان انتظار دارد حضورش در تصمیم‌گیری و گفت‌وگو دیده شود. صرفا شنیده شدن کافی نیست؛ اگر احساس کند نادیده گرفته شده، واکنش نشان خواهد داد.» او توضیح می‌دهد: «بازتعریف سیاست فرهنگی از کنترل‌محوری به گفت‌وگو، ایجاد فرآیندهای مستمر ارتباطی با نسل جوان و ارائه تصویری متوازن و منصفانه از تاریخ می‌تواند اعتماد و همکاری میان جامعه و حاکمیت را افزایش دهد. ارائه روایت متوازن از گذشته و حال، جلوی گرایش به نوستالژی یا واکنش‌های هیجانی را می‌گیرد و نسل جدید را به درک واقعیت‌های موجود هدایت می‌کند.»

خامسیان می‌گوید: «به‌روزرسانی روایتی برپایه تجربه زیسته مردم، نه‌صرفا مناسکی و مناسبتی عمل کردن می‌تواند بحران هویت و معنا را کاهش دهد. کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و آزادی باید برجسته شود تا نسل جوان احساس کند هویت دینی با زندگی واقعی او پیوند خورده است.» او درباره استمرار این اصلاحات تاکید می‌کند: «اجرای پراکنده و مقطعی برنامه‌ها کافی نیست. گفت‌وگو و ارتباط با نسل جوان به ویژه نسل موسوم به نسل Z باید مستمر و هدفمند باشد تا اثر واقعی داشته باشد و اعتماد بازسازی شود.»

■ **مشارکت جوانان، اصلاح رسانه و پرهیز از جزیره‌ای عمل کردن**

خامسیان تاکید می‌کند: «مشارکت واقعی جوانان در تصمیم‌سازی و مدیریت کشور شرط عبور از شکاف اجتماعی است. انتقال تدریجی قدرت تصمیم‌گیری به نسل جوان نباید صرفا نمادین باشد بلکه باید با آموزش‌وپرورش مدیران جوان و ایجاد فرصت واقعی همراه شود.» او می‌گوید: «نظام رسانه‌ای کشور نیز نیازمند اصلاحات اساسی است. فعالان رسانه‌ای، انسان رسانه‌های فعال و خلاق حامی میهن و فضای مجازی باید به رسمیت شناخته شوند و برای روایت‌سازی موثر و پاسخگویی به افکار عمومی، میدان عمل داشته باشند.» او اضافه می‌کند: «تجربه نشان داده است که جزیره‌ای عمل کردن ارکان حاکمیت، مانع اصلی اصلاحات و نوسازی ساختاری است. در کنار اقتدار، عقلانیت اجتماعی و درک تحولات نسلی باید تقویت شود. برخورد صرفا امنیتی یا محدودسازی رسانه‌ها، کارآمدی نخواهد داشت و اعتماد عمومی بیش از پیش تضعیف می‌شود.»

خامسیان همچنین در جمع‌بندی سخنانش می‌گوید: «هیچ شکافی ذاتا غیرقابل ترمیم نیست اما ترمیم آن مستلزم اراده، صداقت و استمرار است. اقدامات مقطعی و واکنشی کافی نیست و گفت‌وگو با نخبگان و جامعه باید به یک سازوکار دائمی تبدیل شود تا خروجی آن در سیاستگذاری‌ها دیده شود.» این پژوهشگر علوم سیاسی به شعارهایی بخش‌هایی از جامعه در حوادث دی‌ماه اشاره می‌کند و می‌گوید: شعارهای نوستالژیک الزاما به معنای تایید تمام‌عیار یک نظام پیشین نیستند بلکه بیان بعضا نمادین فقدان نظم، کارآمدی و کرامت در زمان حال هستند. خطر اصلی نه در خود نوستالژی بلکه در تبدیل آن به اسطوره‌ای غیرقابل نقد است؛ جایی که گذشته از حوزه تحلیل تاریخی خارج و به قلمرو تقدیس سیاسی منتقل می‌شود، به‌ویژه از سوی نسلی که در آن مقطع زمانی زیست نکرده‌اند.» خامسیان در پایان سخنانش هشدار می‌دهد: «بی‌توجهی به ضرورت‌ها، هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بیشتری به همراه خواهد داشت اما جامعه ایران همچنان ظرفیت بازسازی اعتماد، همبستگی و سرمایه اجتماعی خود را دارد مشروط بر آنکه تصمیم‌های دشوار و ضروری به تعویق نیفتد و ارکان حاکمیت همسو و همگرایانه عمل کنند.»

۱۱میلیارد دلار رسوب‌کرده رمزگشایی شد

دلارهای نفتی در ایستگاه واسطه‌ها

احسان کشاورز– ۱۱میلیارد دلار؛ عددی که اگر فقط یک سطر در گزارش‌های ارزی باشد شاید به‌چشم نیاید اما وقتی گفته می‌شود این مبلغ در حساب واسطه‌ها «رسوب» کرده و بخشی از آن شاید هرگز بازنگشته باشد ماجرا دیگر یک تاخیر اداری نبوده بلکه یک شکاف در قلب حکمرانی ارزی است. نفت فروخته شده، محموله تحویل داده شده، تاییدیه صادر شده اما دلارها کجاست؟ افشاگری مدیرعامل سابق شرکت بازرگانی نفت اگر حتی بخشی از آن درست باشد تصویری نگران‌کننده از سازوکار فروش نفت در اقتصاد کشور ترسیم می‌کند؛ سازوکاری که در آن «تایید انتقال» می‌تواند جای «انتقال واقعی» را بگیرد خریدار می‌تواند با پول نفت کشور یک تا دوماه تنفس بگیرد و سود این تاخیر میان او و واسطه تقسیم شود. این یعنی منابع ملی بی‌آنکه در بودجه ثبت شود یا مجوز اعتباری داشته باشد به‌اعتبار کوتاه‌مدت برای طرف خارجی تبدیل می‌شود. مساله فقط تخلف چند تراستی یا ضعف یک مدیر نبوده بلکه پرسش اصلی این است که چگونه در ساختاری که هر دلار آن برای ثبات بازار ارز حیاتی بوده امکان صدور تاییدیه‌های صوری وجود دارد؟ چه‌نهادی بازگشت واقعی ارز را راستی‌آزمایی می‌کند؟ به‌گفته مطرح‌کنندگان، چرا هشدارها جدی گرفته نشده و حتی با برچسب «مزخرف» کنار گذاشته شده است؟ اقتصاد ایران سال‌هاست زیر فشار تحریم به‌مسیرهای غیرمتعارف فروش نفت و انتقال ارز تن داده اما تحریم توجیهی برای تعلیق نظارت نیست. اگر فروش نفت به‌شبکه‌ای از شرکت‌های کم‌اعتبار و واسطه‌های فاقد پشتوانه مالی سپرده شده باشد ریسک نه در بیرون مرزها که در درون سازوکار تصمیم‌گیری شکل گرفته است. خالی‌خوانی‌های ارزی و تبانی‌های احتمالی صورت می‌گیرد. پرسش روشن است: آیا ۱۱میلیارد دلار فقط یک عدد در منازعات مدیریتی بوده یا نشانه‌ای از بحرانی عمیق‌تر در مدیریت درآمدهای نفتی؟ پاسخ به‌این پرسش فقط برای بازار ارز مهم نبوده بلکه برای اعتماد عمومی و اعتبار سیاستگذاری اقتصادی تعیین‌کننده است.

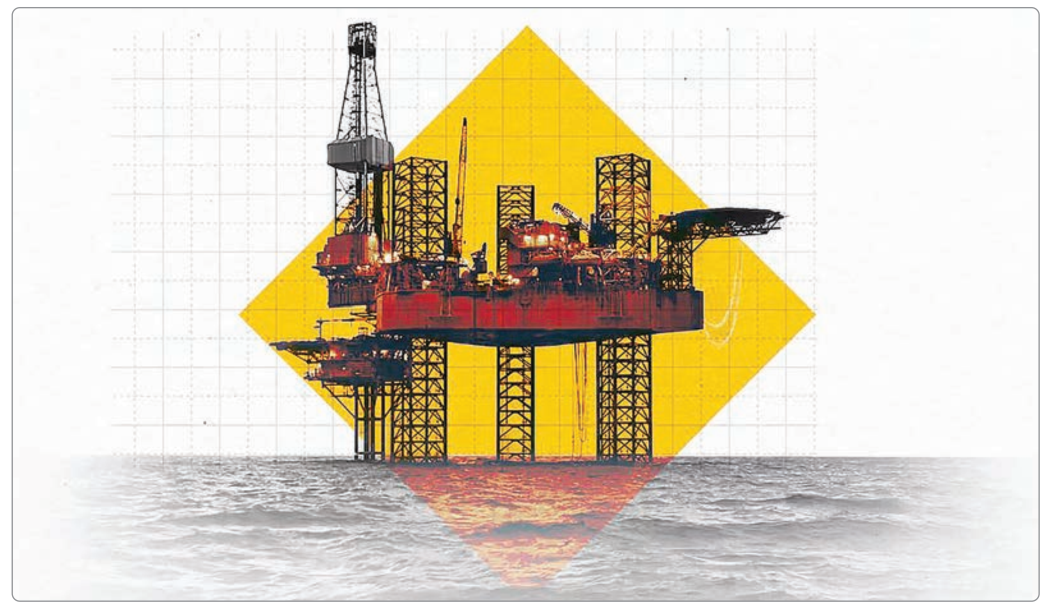

■ **تراستی‌ها؛ حلقه تاریک فروش نفت**

در اقتصاد تحریمی نفت فقط یک کالا نبوده بلکه یک معادله امنیتی–سیاسی است. هر بشکه‌ای که فروخته می‌شود باید به‌ارز تبدیل شده و هر دلار آن باید به‌چرخه اقتصاد بازگردد اما درست در همین نقطه حساس حلقه‌ای شکل گرفته که به‌جای شفافیت ابهام تولید می‌کند؛ حلقه‌ای به‌نام «تراستی‌ها». تراستی‌ها قرار بود راه‌حل دورزدن محدودیت‌های بانکی باشند؛ واسطه‌هایی برای تسهیل انتقال پول در شرایطی که شبکه رسمی مالی جهان در دسترس نیست اما آنچه اکنون مطرح شده تصویری متفاوت از این نقش ترسیم می‌کند: شبکه‌ای از واسطه‌های کم‌اعتبار و بعضا فاقد پشتوانه مالی جدی که به‌یکی از گلوگاه‌های اصلی گردش ارز نفتی تبدیل شدند. در این روایت مساله صرفا تاخیر در انتقال پول نبوده بلکه «قدرت نامرئی» واسطه‌ها در اقتصاد تحریم‌زده است. زمانی که فروش نفت خارج از چارچوب‌های مرسوم انجام می‌شود اطلاعات نامتقارن افزایش می‌یابد و امکان نظارت بر جریان واقعی وجوه کاهش پیدا می‌کند. درچنین‌ساختاری تراستی نه فقط یک واسطه بانکی بلکه بازیگری با قدرت چانه‌زنی بالا می‌شود؛ بازیگری که می‌تواند زمان انتقال را مدیریت کرده، تاییدیه صادر کند و حتی درباره اولویت‌بندی پرداخت‌ها تصمیم بگیرد. اگر ادعای رسوب میلیاردها دلار در حساب این واسطه‌ها درست باشد مساله دیگر صرفا تخلف فردی نبوده بلکه نشانه‌ای از ضعف حکمرانی ارزی است. در اقتصادی که دولت با کسری بودجه مزمن، فشار بر ذخایر ارزی و نوسانات بازار ارز مواجه است حتی یک ماه تاخیر در بازگشت چندمیلیارد دلار می‌تواند تعادل بازار را برهم بزند. این یعنی هزینه سیاسی و اقتصادی یک‌ضعف نهادی مستقیما به‌جامعه منتقل می‌شود. اقتصاد سیاسی تحریم معمولا به‌رشد شبکه‌های غیررسمی منجر می‌شود. هرچه مسیر رسمی تنگ‌تر شود مسیرهای غیرشفاف گسترده‌تر می‌شوند اما پرسش بنیادین اینجاست: آیا سازوکارهای نظارتی متناسب با این پیچیدگی رشد کردند یا فروش نفت به‌شبکه‌ای واگذار شده که از دل محدودیت‌ها متولد اما خود به‌یک ریسک ساختاری تبدیل شده است؟ تراستی‌ها اگرچه محصول تحریم هستند اما تبدیل‌شدن‌شان به«حلقه تاریک» فروش نفت نتیجه خلأ شفافیت و پاسخگویی در بالاترین سطح تصمیم‌گیری اقتصادی است.

■ **خالی‌خوانی ارزی در سایه تحریم**

در بازارهای مالی یک اصل ساده وجود دارد: تا پول ننشسته معامله کامل نشده است. در اقتصاد تحریمی ایران اما ظاهرا مرحله‌ای میان «فروش» و «وصول» شکل گرفته که در آن تاییدیه جای پول را می‌گیرد. اصطلاحی که این روزها درباره آن سخن گفته می‌شود «خالی‌خوانی ارزی» است یعنی صدور تاییدیه انتقال ارز بدون آنکه وجهی واقعا جابه‌جا شده باشد. براساس ادعاهای مطرح‌شده در برخی معاملات نفتی تراستی بانکی با خریدار به‌توافق می‌رسد که انتقال پول را به‌صورت صوری تایید کند درحالی‌که پرداخت واقعی یک‌تادوماه بعد انجام می‌شود. در این فاصله منابع ارزی در اختیار خریدار باقی می‌ماند و سود ناشی از نگهداری آن میان طرفین تقسیم می‌شود. اگر چنین سازوکاری صحت داشته باشد عملا کشور به‌خریدار نفت «اعتبار کوتاه‌مدت ارزی» اعطا کرده؛ اعتباری که نه در قرارداد رسمی ثبت شده و نه نرخ و وثیقه مشخصی دارد. در شرایط تحریم نبود دسترسی مستقیم به‌نظام بانکی بین‌المللی باعث شده فرآیند تسویه ارزی پیچیده، چندلایه و وابسته به‌واسطه‌ها شود. همین چندلایگی فضای خاکستری ایجاد می‌کند؛ فضایی که در آن راستی‌آزمایی انتقال واقعی وجوه دشوار می‌شود. وقتی تاییدیه از مسیرهای غیرشفاف صادر شود و نظارت بر حساب‌های واسطه‌ای محدود باشد مرز میان «تاخیر فنی» و «تخلف ساختاری» باریک می‌شود. پیامد چنین‌پدیده‌ای فقط حسابداری نیست. اگر حتی چندمیلیارد دلار از منابع ارزی کشور با تاخیر بازگردد برنامه‌ریزی ارزی بانک مرکزی، تامین واردات کالاهای اساسی و مدیریت بازار ارز تحت فشار قرار می‌گیرد. در اقتصادی که هر شوک ارزی می‌تواند به‌موج تورمی تبدیل شود خالی‌خوانی ارزی به‌معنای بازی با ثبات کلان است. مساله اصلی اما فراتر از یک تخلف احتمالی است؛ این پدیده نشان می‌دهد اقتصاد تحریمی چگونه به‌تولید سازوکارهای موازی و غیرشفاف می‌انجامد. هرچه فاصله با نظام مالی رسمی بیشتر شود وزن اعتماد شخصی، ارتباطات و توافق‌های غیررسمی بیشتر می‌شود و در همین نقطه است که اقتصاد سیاسی تحریم به‌بستری برای ریسک‌های پنهان ارزی تبدیل می‌شود؛ ریسک‌هایی که تا زمان بروز بحران در سایه باقی می‌مانند.

■ **پول نفت، تاییدیه‌های صوری**

در معاملات نفتی همه‌چیز با «بارنامه» آغاز می‌شود و باید با «وصول قطعی ارز» پایان یابد اما اگر پایان معامله نه با ورود دلار بلکه با یک تاییدیه کاغذی رقم بخورد چه؟ مساله دقیقا از همین‌جا آغاز می‌شود؛ جایی که تایید انتقال پول جایگزین انتقال واقعی پول می‌شود. براساس روایت مطرح‌شده در برخی موارد تراستی‌ها اعلام می‌کردند که پول نفت وصول و منتقل شده درحالی‌که وجهی عملا جابه‌جا نشده بود. این تاییدیه‌های صوری به‌ظاهر فرآیند فروش را تکمیل‌شده نشان می‌داد و امکان ثبت حسابداری درآمد را فراهم می‌کرد اما منابع ارزی همچنان در اختیار خریدار باقی می‌ماند. فاصله میان «ثبت درآمد» و «دریافت درآمد» همان شکاف خطرناکی است که می‌تواند میلیاردها دلار را در وضعیت تعلیق نگه دارد.

در چنین سازوکاری تاخیر یک یا دو ماهه در پرداخت فقط یک تاخیر زمانی نبوده بلکه نوعی اعتباردهی پنهان است. خریدار نفت بدون پرداخت فوری از منابع ارزی استفاده می‌کند و سود این دوره تنفس میان او و واسطه تقسیم می‌شود. این یعنی منابع ارزی کشور بدون مصوبه رسمی و بدون نرخ بهره مشخص در اختیار طرف خارجی قرار می‌گیرد. در شرایطی که دولت برای تامین ارز واردات کالاهای اساسی یا مدیریت بازار ارز با محدودیت مواجه است چنین اعتباری می‌تواند هزینه‌های سنگینی ایجاد کند. ابعاد مساله فقط اقتصادی نبوده بلکه سیاسی و نهادی هم هست. وقتی گزارش‌هایی درباره رسوب میلیاردها دلار در حساب‌های واسطه‌ای مطرح می‌شود پرسش کلیدی درباره سازوکار نظارت شکل می‌گیرد: چه نهادی انتقال واقعی وجوه را راستی‌آزمایی می‌کند؟ آیا تاییدیه تراستی برای ثبت نهایی کفایت دارد یا باید تسویه قطعی در شبکه بانکی قابل رهگیری باشد؟ تاییدیه‌های صوری اگر صحت داشته باشند نشان‌دهنده گسست میان «اطمینان اداری» و «اطمینان مالی» هستند. اقتصاد نفتی ایران سال‌هاست با تحریم، محدودیت نقل‌وانتقال و مسیرهای پیچیده تسویه مواجه بوده اما پیچیدگی نباید بهانه‌ای برای کمرنگ‌شدن کنترل‌ها باشد زیرا درنهایت آنچه اهمیت دارد نه کاغذ تایید بلکه دلاری است که باید به‌ذخایر ارزی کشور بازگردد.

■ **تبانی نفتی پشت درهای بسته**

در اقتصاد نفتی بسیاری از تصمیم‌ها پشت درهای بسته گرفته می‌شود اما آنچه نباید پشت درهای بسته بماند سرنوشت دلارهای حاصل از فروش نفت است. وقتی ادعا می‌شود خریدار نفت و تراستی بانکی بر سر زمان اعلام وصول و زمان واقعی پرداخت به‌توافق می‌رسند موضوع دیگر یک اختلاف حساب ساده نبوده بلکه پای «تبانی» درمیان است. روایت مطرح‌شده از سازوکاری سخن می‌گوید که در آن خریدار نفت از تراستی می‌خواهد انتقال وجه را زودتر از پرداخت واقعی تایید کند. پول اما یک‌تادوماه بعد جابه‌جا می‌شود. در این فاصله منابع ارزی در اختیار خریدار باقی می‌ماند و سود ناشی از این نگهداشت میان طرفین تقسیم می‌شود. اگر چنین مدلی رخ داده باشد به‌معنای آن است که بخشی از منابع ملی عملا به‌ابزار کسب سود خصوصی تبدیل شده است. تبانی در این سطح صرفا یک تخلف فردی نبوده بلکه نشانه‌ای از ضعف در معماری نهادی است. در ساختاری که فرآیند فروش نفت به‌دلیل تحریم‌ها غیرشفاف و چندلایه شده امکان شکل‌گیری روابط غیررسمی افزایش می‌یابد. هرچه مسیر رسمی انتقال پول محدودتر شود قدرت بازیگران واسطه بیشتر می‌شود. این افزایش قدرت اگر با نظارت متناسب همراه نباشد می‌تواند به‌سوءاستفاده سیستماتیک منجر شود. ابعاد کلان ماجرا نیز قابل تامل است. در شرایطی که اقتصاد با کمبود منابع ارزی، فشار بر بازار ارز و محدودیت در تامین واردات روبه‌رو است حتی تاخیر چندماهه در بازگشت چندمیلیارد دلار می‌تواند تعادل بازار را برهم بزند. این تاخیرها به‌طور غیرمستقیم می‌تواند به‌افزایش نرخ ارز، تشدید انتظارات تورمی و فشار بیشتر بر بودجه دولت بینجامد. تبانی نفتی اگر اثبات شود فقط مساله‌ای حقوقی نبوده بلکه مساله‌ای مرتبط با اعتماد عمومی است. اعتماد به‌اینکه درآمدهای نفتی که متعلق به‌همه شهروندان است در مسیری شفاف و قابل رصد مدیریت می‌شود. پشت درهای بسته شاید توافق‌هایی شکل بگیرد اما پیامدهای آن در بازار ارز و سفره مردم آشکار می‌شود و همین‌جاست که مساله از یک پرونده اداری فراتر می‌رود و به‌یک چالش حکمرانی تبدیل می‌شود.

ارز ترجیحی در پیچ آخر؟ اصلاح ناگزیر و اجرای پرهزینه

هما میرزایی– در روند حرکت به‌سمت تک‌نرخی‌کردن ارز کارشناسان بر مدیریت تدریجی بازار، کاهش فاصله نرخ‌ها و پرداخت هدفمند یارانه‌ها تاکید دارند؛ مسیری که اگر بدون طراحی سازوکار جبرانی و جلب اعتماد عمومی طی شود می‌تواند تبعات اقتصادی و اجتماعی به‌دنبال داشته باشد. ارز ترجیحی که ابتدا با هدف حمایت از مصرف‌کننده و کنترل قیمت کالاهای اساسی طراحی شد درعمل به‌بستری برای ایجاد رانت، ناکارآمدی در تخصیص منابع و تضعیف تولید داخلی تبدیل شد چراکه بخش عمده حمایت‌های ارزی به‌جای مصرف‌کنندگان نهایی در زنجیره توزیع و واسطه‌ها جذب و بهره اصلی آن نصیب گروه‌های پردرآمد شد. اگرچه بخش خصوصی و دولت بر لزوم این تغییر تاکید کردند چالش‌های اجرایی در دوره گذار همچنان باقی است: واحدهای تولیدی کوچک و متوسط با کمبود سرمایه در گردش برای تامین مواد اولیه مواجهند و بسته‌های حمایتی فعلی هنوز پاسخگوی نیاز واقعی آنها نیست. ازسوی دیگر هنوز فاصله قیمتی میان نرخ‌های مختلف ارز وجود دارد و برخی فعالان این فاصله را «گران‌سازی ارز ترجیحی» و نه تحقق واقعی ارز تک‌نرخی می‌دانند. سیاستگذاران بر لزوم تکمیل بسته‌های حمایتی، شفاف‌سازی مقررات و هم‌پوشانی سیاست‌ها با هدف افزایش شفافیت، کاهش رانت و تقویت تولید تاکید دارند. طبق آمارهای به‌دست‌آمده کالابرگ فعلی تنها ۲۷درصد از هزینه تحمیل‌شده به‌سبد مصرفی خانوار را جبران کرده و با ادامه روند تورمی نمی‌تواند شکاف‌های معیشتی را جبران کند. باوجود روند فعلی زمزمه‌هایی که مبنی بر افزایش کالابرگ به۳الی۴میلیون‌تومان برای هرنفر به‌گوش می‌رسد نیز چاره‌ساز نخواهد بود.

■ **امکان رهاسازی کامل بازار وجود ندارد**

شرایط کنونی اقتصاد ایران با الگوی تک‌نرخی متعارف در بسیاری از کشورهای جهان متفاوت است. در وضعیتی که منابع ارزی کشور محدود بوده امکان رهاسازی کامل بازار وجود ندارد و دولت ناگزیر از اعمال نوعی مدیریت و کنترل است. البته این مدیریت به‌معنای دخالت مستقیم و دستوری در قیمت‌گذاری نبوده بلکه ناظر بر تنظیم‌گری و مدیریت صحیح منابع ارزی است

■ **رویکردهای متفاوت در بانک مرکزی؛ از همتی دوره‌اول تا همتی دوره‌دوم**

در سال‌های گذشته رویکردهای متفاوتی در بانک مرکزی اجرا شده؛ از سیاست‌های دوره نخست ریاست عبدالناصر همتی در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران گرفته تا دوره ریاست علی صالح‌آبادی و سپس دوره دوم مدیریت همتی. این تغییر رویکردها نشان می‌دهد سیاست ارزی کشور در سال‌های اخیر فراز و فرودهای متعددی را تجربه کرده است.درمقطع اخیر بانک مرکزی تصمیماتی در جهت کاهش نرخ‌گذاری دستوری و محدودکردن زمینه‌های ایجاد رانت اتخاذ کرده است. ازجمله اقداماتی که انجام شد جمع‌آوری بخشی از رویه‌هایی بوده که در حوزه واردات منجر به‌شکل‌گیری رانت شده بود. ساختار بازار ارز از تعدد بازارها به‌سمت کاهش تعداد آنها حرکت کرد به‌طوری که به‌جای پنج‌بازار مجزا عملا دوبازار اصلی شکل گرفت. هرچند همچنان میان نرخ‌ها فاصله وجود دارد اما این فاصله نسبت به‌گذشته کمتر شده است.

■ **تزریق‌های مقطعی برای کنترل مصنوعی قیمت**

اگر در بازار مبادله ارز مداخله مستقیم و بازارسازی صورت نگیرد و نرخ توافقی واقعی بدون دخالت تعیین شده و از تزریق‌های مقطعی برای کنترل مصنوعی قیمت پرهیز شود می‌توان انتظار داشت فاصله نرخ‌ها باز هم کاهش یابد. البته یکسان‌سازی کامل نرخ ارز ممکن است در شرایط فعلی امکان‌پذیر نباشد اما کاهش فاصله قیمتی می‌تواند از اتلاف منابع و شکل‌گیری رانت جلوگیری کند.

■ **پرداخت هدفمند یارانه‌ها**

از گذشته نیز پیشنهاد شده بود که درصورت آزادسازی نرخ ارز مابه‌التفاوت حاصل به‌صورت هدفمند به‌دهک‌های مشخص پرداخت شود و نه به‌شکل عمومی و یکسان. اگر پرداخت‌ها هدفمند و مبتنی بر شناسایی دقیق دهک‌های درآمدی باشد حتی با ارقام بالاتر از پرداخت‌های فعلی نیز می‌توان اثربخشی بیشتری ایجاد کرد.

■ **تزریق ارز حاصل از فروش نفت به‌اقشار آسیب‌پذیر**

دولت از محل افزایش نرخ ارز به‌ویژه باتوجه به دراختیارداشتن ارز حاصل از فروش نفت منابع بیشتری کسب می‌کند. بنابراین می‌تواند بخشی از این منابع را به‌صورت مستقیم به‌دهک‌های هدف اختصاص دهد تا فشار تورمی ناشی از افزایش نرخ ارز بر اقشار آسیب‌پذیر کاهش یابد. به‌گفته وی، اجرای این سیاست نیازمند یک سازوکار مشخص حمایتی است و نمی‌توان آن را به‌حال خود رها کرد.

■ **شتابزدگی و پیامدهای اجتماعی**

باید توجه داشت که افزایش نرخ ارز «انتخاب» دولت نبوده بلکه در شرایط موجود یک «الزام» بود. جامعه امروز ازنظر تحمل فشار اقتصادی به‌سطح بالایی از فرسایش رسیده و ظرفیت تاب‌آوری آن محدود شده است. از این رو هرگونه اصلاح قیمتی باید با درنظرگرفتن وضعیت معیشتی مردم انجام شود. دولت پیش از اجرای هرگونه افزایش قیمت باید برای جامعه اطمینان ایجاد کند که این تصمیم به‌کاهش قدرت خرید و آسیب به‌سفره خانوار منجر نخواهد شد. به‌بیان دیگر ابتدا باید سازوکار جبرانی به‌صورت شفاف طراحی و اعتماد عمومی نسبت به‌اثربخشی آن جلب شود و سپس سیاست جدید به‌اجرا درآید. حرکت شتاب‌زده و بدون ایجاد اطمینان می‌تواند پیامدهای اجتماعی و اقتصادی پیش‌بینی‌ناپذیری به‌همراه داشته باشد.

مبلغ ساتنا در ۶بانک کمتر از ۲۰۰میلیون‌تومان شد

ایسنا– رییس کل بانک مرکزی در نخستین‌اقدام جدی در دوره مدیریتی جدید خود برای مهار ناترازی بانک‌ها، سقف انتقال در سامانه ساتنا شش‌بانک ناترازرا محدود کرد؛ سیاستی که با هدف مهار اضافه برداشت‌ها و کنترل ناترازی اجرا شده که البته باید مشتریان بانکی را هم در این زمینه مدنظر قرار داد.

نخستین‌اقدام عملی سیاستگذار پولی برای اصلاح ناترازی شبکه بانکی با اعمال محدودیت بر سقف انتقال وجه ساتنا برای شش‌بانک از ۲۷بهمن اجرایی شد. این تصمیم که بانک مرکزی ایران پس از آغاز دوره جدید مدیریتی به‌ریاست عبدالناصر همتی دوهدف اصلی را اعلام کرده بود. همتی در حالی ماه گذشته یک‌بار دیگر سکان مهم‌ترین نهاد پولی کشور را برعهده گرفت که دو وعده اصلی را به‌مردم داد: اول ایجاد ثبات در بازار ارز و دوم برخورد با ناترازی بانک‌ها. ریشه ناترازی بانک‌ها به‌سال‌های دورتر برمی‌گردد که در حال حاضر آثار و نتایج خود را نشان داده که مهم‌ترین مصداق آن انحلال بانک آینده و ادغام آن در بانک ملی بود. با این وجود سیاستگذار پولی در ادوار مختلف تلاش کرده که معضل ناترازی بانک‌ها را حل کند اما خیلی از این سیاست‌ها عملا روی کاغذ باقی ماند و اگر هم اجرا شد در عرصه عمل چندان مثمرثمر واقع نشد.

برخی کارشناسان درخصوص انحلال بانک آینده معتقد بودند که اگرچه این اقدام دیرهنگام بود اما توانست درعمل نقطه شروعی برای برخورد با بانک‌های ناتراز باشد چراکه بعد از این اقدام برخی دیگر از بانک‌های ناتراز برنامه‌های اصلاحی را برای حل ناترازی‌های خود در دستور کار قرار دادند. حالا اما جدیدترین اقدام بانک مرکزی متوجه چند بانک ناتراز که استفاده بیش‌ازحد از منابع بانک مرکزی داشتند شده تا با اعمال محدودیت در میزان رقم انتقال پولی ساتنا در این بانک‌ها به‌نوعی سیاست تنبیهی اعمال شود. بانک‌های ایران زمین، رسالت، سپه، مسکن و موسسه ملل از جمله این بانک‌ها هستند که در دایره سیاست جدید سیاستگذار پولی قرار گرفتند و از ۲۷بهمن۱۴۰۴ مشمول این محدودیت شدند و سقف انتقال ساتنا که اکنون در شبکه بانکی روزانه ۲۰۰میلیون‌تومان بوده در این بانک‌ها کاهش یافته است؛ موضوعی که شرایط شبکه بانکی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

به‌اعتقاد کارشناسان این اقدام می‌تواند مانند یک‌تیغ دولبه عمل کند. به‌این معنا که اگرچه این سیاست به‌دلیل شرایط بحرانی برخی از بانک‌ها اعمال شده اما درنهایت فشار سنگین و آسیب جدی را به‌طور خاص به‌بانک‌های خصوصی وارد می‌کند چراکه از منظر اقتصادی و به‌طور طبیعی می‌تواند انگیزه سپرده‌گذاری را کاهش دهد و حتی انگیزه خروج پول از سیستم بانکی را افزایش خواهد داد؛ موضوعی که طبیعتا بر اعتماد مردم و سپرده‌گذاران تاثیرگذار خواهد بود. گفتنی است که ساتنا سامانه تسویه ناخالص آنی و یکی از سیستم‌های پرداخت الکترونیکی بین‌بانکی در ایران است که برای انتقال مبالغ بالا و تسویه در سریع‌ترین زمان استفاده می‌شود که از مهر ۱۳۸۶ توسط بانک مرکزی در شبکه بانکی اجرا شده است. در این‌سامانه مشتریانی که در بانک دارای یکی از انواع حساب(جاری، پس‌انداز و مدت‌دار) باشند می‌توانند نسبت به‌انتقال وجه به‌حساب خود یا سایر افراد در سایر بانک‌ها در همان روز اقدام کنند. ساتنا جایگزین کاملی برای چک‌های رمزدار بین‌بانکی است.

هشدار پورمحمدی در صحن علنی مجلس:

تخطی از قانون جدید بانک مرکزی نقدینگی را افزایش می‌دهد

تسنیم– رییس سازمان برنامه و بودجه در جلسه علنی نوبت عصر دیروز مجلس و در جریان بررسی ردیف(۵) الزامات مصارف لایحه بودجه۱۴۰۵ مربوط به الزامات تسهیلات، تادیه بدهی و افزایش سرمایه گفت که یکی از آسیب‌هایی که در حال حاضر اقتصاد با آن روبه‌رو بوده، تورم است. یکی از مهم‌ترین دلایل تورم این است که به بانک‌ها فشار وارد می‌شود. بانک‌ها یا از یک طرف اضافه برداشت می‌کنند یا تحت تکلیف دست در جیب بانک مرکزی می‌کنند که نتیجه آن خلق پول، چاپ پول، افزایش پایه پولی و در نهایت تورم است و روزبه‌روز اقلام و کالاها گران‌تر می‌شود. حمید پورمحمدی، در ادامه اظهار کرد: شما قبلا در قانون بانک مرکزی پیش‌بینی کردید که تسهیلات تکلیفی این جنس دیگر در قانون نیاید، در مجلس مطرح نشود و در لایحه بودجه هم نیاید بلکه هیات عالی بانک مرکزی بنشیند و تصمیم بگیرد. ما هم بر همین اساس که شما فرمودید، امسال در لایحه بودجه نیاوردیم چون قانون شما این را می‌گفت. بعد با بانک مرکزی صحبت کردیم تا در هیات عالی، با توجه به مقدورات و در نظر گرفتن آسیب‌ها، اولویت قوانین مانند کمیته امداد، بهزیستی و جوانی جمعیت هم انجام شود. وی با انتقاد از آنچه عدول از قانون خواند، تصریح کرد: الان شما خودتان آن قانونی که وضع کردید را دارید می‌شکنید. به این توجه کنید که اگر در سال اول اجرای قانون بانک مرکزی، خودتان زیر پای آن را شل کنید، فردا هر تورمی و هر افزایش نقدینگی را نمی‌شود درباره‌اش بحث کرد. رییس سازمان برنامه‌وبودجه تاکید کرد: دوستان ما در کمیسیون اقتصادی نشستند و با بانک مرکزی صحبت کردند. آنها هم از سر ناچاری چون اگر بگویند نه ممکن است اتفاق بدتری بیفتد، می‌گویند هرچه شما بگویید اما خواهش من این است که شما به‌عنوان رییس مجلس تدبیر کنید آیا ما پای قانون بانک مرکزی بایستیم و این موضوع را در هیات عالی دنبال کنیم یا اینکه آن را در لوایح بودجه بیاوریم؟

وی در ادامه بیان کرد: اگر قرار است در لوایح بودجه آورده شود، حواستان به بحث‌های آتی باشد چون اعضای محترم کمیسیون گفتند معاون بانک مرکزی حضور داشته و روی اعداد و ارقام به تفاهمی رسیده‌اند، من اظهارنظر نمی‌کنم. خواهش می‌کنم اما شما به‌عنوان رییس مجلس و کسی که نگرانی تورم را دارید و از سوی دیگر این قانون را وضع کرده‌اید، تدبیر کنید که چگونه این موضوع را جلو ببریم.

وی در ادامه بیان کرد: نگرانم مخالفت کنم پیشنهادی بیاید که بدتر باشد، موافقت هم کنم قانون پایه‌ای که به سختی سرپا نگه داشته‌ایم دچار آسیب شود بنابراین خواهشم این است که تدبیر کنید چگونه با همین موضوع پیش برویم.

زمان پایان مهلت بخشودگی ۷۰۰میلیون‌تومانی مالیات اعلام شد

تجارت‌نیوز– طبق اعلام سازمان امور مالیاتی مودیان برای بهره‌مندی از بخشودگی کامل جرایم مالیاتی تا سقف ۷۰۰میلیون‌تومان تا ۲۸بهمن‌ماه فرصت دارند. براساس پیامکی که توسط سازمان امور مالیاتی به‌مودیان ارسال شده دوروز دیگر مهلت استفاده از بخشودگی کامل جرایم مالیاتی تا سقف ۷۰۰میلیون‌تومان برای مودیان به‌پایان می‌رسد. طبق اعلام سازمان امور مالیاتی درصورت پرداخت بدهی مالیاتی تا ۲۸بهمن‌ماه سال‌جاری امکان بهره‌مندی از بخشودگی کامل جرایم مالیاتی تا سقف ۷۰۰میلیون‌تومان برای مودیان فراهم شده است. این سازمان اعلام کرده با هدف تسهیل تعاملات مودیان با نظام مالیاتی و گسترش خدمات الکترونیکی در کشور بهره‌مندی از بخشودگی جرایم مالیاتی ویژه ۷۰۰میلیون‌تومانی بدون نیاز به‌درخواست فیزیکی یا مکتوب مودیان و با ثبت درخواست به‌صورت سامانه‌ای یا پیامکی انجام می‌شود. مودیان مالیاتی برای استفاده از تسهیلات بخشودگی جرایم مالیاتی ویژه ۷۰۰میلیون‌تومانی نیازی به‌ارائه درخواست فیزیکی یا مکتوب ندارند. براساس مصوبه جاری ثبت درخواست به‌صورت سامانه‌ای یا پیامکی از کفایت لازم برخوردار بوده و دستگاه مالیاتی موظف است بر همان اساس نسبت به‌بررسی و اعمال بخشودگی اقدام کند. تاکید شده که زمان مشخصی برای ارائه درخواست بخشودگی تعیین نشده و هرمودی که واجد شرایط باشد بخشودگی تا میزان مقرر در مصوبه برای او قابل اعمال خواهد بود. سازمان امور مالیاتی یادآور شد درصورت تمایل مودیان به‌مراجعه حضوری ادارات کل امور مالیاتی موظفند درخواست کتبی آنان را دریافت و مراحل اجرایی را مطابق مقررات انجام دهند. گفتنی است این رویکرد با هدف تسهیل تعاملات مودیان با نظام مالیاتی و گسترش خدمات الکترونیکی در کشور اجرا می‌شود.

وقتی درآمد بالا می‌رود چقدر خرج می‌کنیم؟

در اقتصاد کلان یکی‌از ساده‌ترین اما اثرگذارترین پرسش‌ها این است: اگر درآمد مردم افزایش پیدا کند چه سهمی از آن را خرج می‌کنند و چه سهمی را پس‌انداز؟ پاسخ این پرسش در مفهومی نهفته است که اقتصاددانان آن را «میل نهایی به‌مصرف» می‌نامند؛ مفهومی که شاید در ظاهر فنی به‌نظر برسد اما مستقیما با زندگی روزمره ما در ارتباط است. میل نهایی به‌مصرف یعنی از هر واحد درآمد اضافی چه‌مقدار صرف مصرف می‌شود. فرض کنید حقوق شما یک‌میلیون‌تومان افزایش یابد. اگر ۸۰۰هزارتومان آن را خرج کنید و ۲۰۰هزارتومان را کنار بگذارید میل نهایی به‌مصرف شما ۰/۸ است. این عدد همیشه بین صفرویک قرار دارد. اگر برابر با یک باشد یعنی تمام افزایش درآمد خرج می‌شود و اگر صفر باشد یعنی کل آن پس‌انداز می‌شود. دلیل اهمیت این موضوع آن است که رفتار مصرفی خانوارها موتور اصلی تقاضا در اقتصاد است. در بسیاری از کشورها بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی از محل مصرف خانوار شکل می‌گیرد. بنابراین اینکه مردم چه نسبتی از درآمد اضافی خود را خرج می‌کنند تعیین می‌کند اقتصاد تا چه اندازه رشد کند یا دچار رکود شود. اینجاست که مفهوم «ضریب فزاینده» وارد می‌شود. اگر دولت هزینه‌های عمرانی را افزایش دهد یا یارانه‌ای پرداخت کند درآمد برخی خانوارها بالا می‌رود. اگر میل نهایی به‌مصرف بالا باشد این خانوارها بخش بزرگی از درآمد جدید را خرج می‌کنند. خرج آنها تبدیل به‌درآمد افراد دیگر می‌شود و این چرخه ادامه پیدا می‌کند. درنتیجه یک تزریق اولیه به‌اقتصاد می‌تواند اثری چندبرابری بر تولید و اشتغال بگذارد اما اگر مردم بیشتر تمایل به‌پس‌انداز داشته باشند این چرخه ضعیف‌تر خواهد بود. میل نهایی به‌مصرف در میان گروه‌های مختلف یکسان نیست. خانوارهای کم‌درآمد معمولا میل نهایی به‌مصرف بالاتری دارند زیرا بخش بزرگی از درآمدشان صرف نیازهای ضروری می‌شود. درمقابل خانوارهای پردرآمد سهم بیشتری از درآمد اضافی را پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری می‌کنند. به‌همین دلیل سیاست‌های حمایتی که به‌دهک‌های پایین درآمدی هدف‌گیری می‌شود معمولا اثر تحریک‌کننده بیشتری بر تقاضای کل دارد. این مفهوم در دوره‌های تورمی نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. درشرایطی‌که مردم انتظار افزایش قیمت‌ها را دارند ممکن است میل نهایی به‌مصرف آنها افزایش یابد زیرا ترجیح می‌دهند امروز خرید کنند تا فردا با قیمت بالاتر. این رفتار می‌تواند خود به‌تشدید تورم دامن بزند. درمقابل در دوره‌های رکودی و نااطمینانی شدید حتی اگر درآمد افزایش یابد خانوارها ممکن است ترجیح دهند آن را پس‌انداز کنند. دراین‌حالت میل نهایی به‌مصرف کاهش می‌یابد و سیاست‌های تحریک تقاضا اثر محدودی خواهند داشت. بانک‌های مرکزی و دولت‌ها هنگام طراحی سیاست‌های مالی و پولی به‌این شاخص توجه می‌کنند. اگر هدف تحریک رشد اقتصادی باشد باید دانست کدام گروهها درآمد اضافی را سریع‌تر به‌مصرف تبدیل می‌کنند. اگر هدف مهار تورم باشد سیاستگذار باید بداند افزایش نقدینگی تا چه اندازه به‌مصرف تبدیل خواهد شد. از سوی دیگر میل نهایی به‌مصرف فقط به‌درآمد وابسته نبوده بلکه به‌انتظارات، امنیت شغلی، دسترسی به‌اعتبار و حتی فرهنگ اقتصادی نیز مربوط است. در جامعه‌ای که آینده نامطمئن به‌نظر می‌رسد مردم ممکن است حتی با افزایش درآمد خرج‌کردن را به‌تعویق بیندازند. درمقابل در اقتصادی باثبات خانوارها با اطمینان بیشتری مصرف می‌کنند. میل نهایی به‌مصرف پلی است میان اقتصاد خرد و کلان و میان تصمیم یک خانواده درباره خرج‌کردن و مسیر رشد یک کشور. هربار که درآمدی افزایش می‌یابد و فردی تصمیم می‌گیرد آن را خرج کند یا پس‌انداز درمقیاسی کوچک درحال شکل‌دادن به‌تصویر بزرگ اقتصاد است. فهم این مفهوم کمک می‌کند بهتر درک کنیم چرا برخی سیاست‌ها به‌رونق منجر می‌شوند و برخی دیگر باوجود هزینه‌های سنگین اثر محدودی بر سفره مردم می‌گذارند.

دوردنیا

قرارداد ۸/۶میلیارد دلاری هند با رژیم‌صهیونیستی

ایسنا- نشریه فوربس هند از قرارداد تسلیحاتی ۸/۶میلیارد دلاری هند با رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۶ خبر داد که شامل بمب‌های هدایت‌شونده، سامانه‌های موشکی هوا به زمین، موشک‌های بالستیک فراصوت و موشک‌های مقاوم به جنگ الکترونیک است.

رژیم صهیونیستی قراردادهای تسلیحاتی به ارزش ۸/۶میلیارد دلار با هند در سال ۲۰۲۶ منعقد کرده است که شامل بمب‌هدایت‌شونده اسپایس ۱۰۰۰، موشک‌های هوا به زمین رَمپیج، موشک‌های بالستیک هوابرد اِیر لورا و سامانه موشکی آیس‌بِرکر است.

نشریه فوربس هند با انتشار این مطلَب گزارش داد: اسرائیل با انعقاد این قراردادها پس از فرانسه به بزرگ‌ترین تامین‌کننده تسلیحات هند تبدیل می‌شود. هند سال‌هاست که بزرگ‌ترین مشتری تسلیحاتی اسرائیل بوده است. براساس داده‌های موسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم، ۳۴درصد از کل صادرات تسلیحات اسرائیل از سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ به هند انجام شده است. آمارهای اداره همکاری‌های بین‌المللی نظامی وزارت جنگ اسرائیل نشان می‌دهد که مجموع فروش تسلیحات اسرائیل به هند در این بازه زمانی حدود ۲۰/۵میلیارد دلار بوده است.

رسانه هندی درباره جزئیات قراردادهای تسلیحاتی ۸/۶میلیارد دلاری نوشت: بمب‌های هدایت شونده دقیق اسپایس ۱۰۰۰ ساخت شرکت رافائل بخشی از خانواده سامانه‌های تسلیحاتی نقطه‌زن و خودکار هوابه‌زمین با برد ۱۰۰کیلومتر هستند. ویژگی منحصربه‌فرد این بمب‌ها، توانایی ناوبری و نشانه‌روی خودکار و مستقل از جی‌پی‌اس روی هدف است

موشک‌های هوابه زمین رمپیج ساخت شرکت البیت سیستمز با برد حدود ۲۵۰کیلومتر توسط نیروی هوایی هند روی جنگنده‌های سوخو-۳۰ و میگ-۲۹ استفاده می‌شوند. دقت بالای این موشک‌ها با برد ۱۵۰ تا ۲۵۰کیلومتر، به جنگنده‌های هندی اجازه می‌دهد تا از سامانه‌های دفاعی پاکستان که ساخت چین هستند، در امان بمانند.

موشک‌های بالستیک هوابرد ایر لورا ساخت واحد صنایع هوافضای رژیم صهیونیستی با برد حدود ۴۰۰کیلومتر این امکان را به جنگنده‌ها می‌دهد که بدون آنکه در معرض سامانه‌های پیشرفته پدافند هوایی دشمن قرار گیرند به اهداف مورد نظر آسیب وارد کنند. هدف اصلی این موشک‌ها پایگاه‌های موشکی، تاسیسات نظامی و سامانه‌های پدافند هوایی است. این موشک ۱۶۰۰کیلوگرمی فراصوت از مسیریابی ماهواره‌ای مقاوم در برابر جنگ الکترونیک برخوردار است. کلاهک‌های متنوع آن قابلیت هدف قرار دادن انواع اهداف کوچک‌تر با مقاومت کم و استحکامات را دارند. این موشک با برد ۴۰۰کیلومتر و شعاع عملیات حدود ۱۰متر برای حمله به هر پایگاهی در پاکستان قدرت بالایی به هند می‌دهد.به نوشته فوربس، سامانه موشکی آیس‌بِرکر ساخت شرکت رافائل برای حملات دوربرد تا ۳۰۰کیلومتر علیه اهداف زمینی و دریایی طراحی شده است. موشک‌های آیس‌بِرکر در تمامی شرایط آب‌وهوایی کارآمد بوده و در محیط‌های آکنده از جنگ الکترونیک عملکرد خوبی دارند.

در کنفرانس امنیتی مونیخ چه گذشت؟

ایرنا- شصت‌ودومین دور از نشست‌های سالانه کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۲۶ از ۱۳ تا ۱۵فوریه (۲۴ تا ۲۶بهمن) برگزار شد و رهبران جهان، وزرای ارشد، فرماندهان نظامی و کارشناسان را گردهم آورد تا درباره فوری‌ترین چالش‌های امنیتی جهان گفت‌وگو کنند

نخستین روز کنفرانس امنیتی مونیخ با حضور چهره‌های سرشناس سیاسی و نظامی از سراسر جهان برگزار شد و فضای نشست بیش از هر چیز تحت‌تاثیر نگرانی‌ها نسبت به آینده نظم جهانی، تنش‌های فراآتلانتیک و جنگ اوکراین قرار گرفت. در حالی که رهبران اروپایی بر ضرورت بازتعریف نقش قاره اروپا در امنیت جمعی تاکید کردند، مقام‌های آمریکایی تلاش داشتند پیام‌های اطمینان‌بخش درباره ادامه حمایت از متحدان غربی را منتقل کنند. همزمان مسائل منطقه‌ای و نقش بازیگران آسیایی مانند چین نیز در دستور کار قرار گرفت و تنوع دیدگاه‌ها و اختلافات استراتژیک کاملا مشهود بود.

سومین روز این کنفرانس با تاکید سران کشورهای اروپایی بر حفظ امنیت و اتحاد در قاره سبز آغاز شد. در سخنرانی‌های انجام شده بارها هشدار داده شد که اروپایی‌ها باید در مواقع بحرانی در کنارهم بمانند و قوی‌تر از گذشته عمل کنند. در ارتباط با سرنوشت جنگ اوکراین و پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا اما در این نشست سه روزه نیز نتیجه روشن و مشخصی حاصل نشد.

اوضاع فاجعه‌بار انسانی در نوار غزه و برقراری صلح و آتش‌بس بلندمدت در این منطقه از دیگر موضوعاتی بود که در حاشیه این کنفرانس مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

کایا کالاس، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در سخنرانی خود در این کنفرانس از کشورهای عضو این اتحادیه خواست که در مسائل نظامی رویکرد اروپایی داشته باشند و تفکر دفاع ملی را کنار بگذارند. وی گفت: «بیشتر اروپایی فکر کنید، نه ملی. به صورت منطقه‌ای فکر کنید زیرا تهدید اروپایی است و پاسخ آن نیز باید اروپایی باشد.»

کالاس همچنین درباره زمان‌بندی پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا گفت که احساس نمی‌کند اعضا حاضر به تعیین «تاریخ مشخص» باشند. وی افزود: «کار زیادی باید انجام شود و اولویت و ضرورت فوری این است که حرکت کنیم و نشان دهیم اوکراین بخشی از اروپاست.»

کریستین لاگارد، رییس بانک مرکزی اروپا نیز در سخنرانی خود تصریح کرد: «در زمان بحران، اروپا قوی‌تر می‌شود و با هم بهتر عمل می‌کند.» او طی سخنانی با اشاره به بحران‌های ناشی از جنگ اوکراین و افزایش هزینه‌های زندگی به تغییر موضع دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا نسبت به اروپا اشاره کرد و گفت: این موضوع «رهبران و سیاستگذاران اروپا را بسیار به هم نزدیک‌تر می‌کند و این روند باید ادامه پیدا کند.»

کریستن میخال، نخست‌وزیر استونی نیز اظهار داشت که معتقد است اروپا از بحران امنیتی کنونی «بسیار قوی‌تر از گذشته» بیرون خواهد آمد.

وی همچنین بر لزوم مدرن‌سازی و ایجاد محیطی ساده‌تر و دیجیتالی‌تر با قوانین کمتر که مانع رقابت‌پذیری نباشد، به‌ویژه در مقایسه با آمریکا و چین تاکید کرد.

ینس استولتنبرگ، دبیرکل سابق سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که اکنون وزیر دارایی نروژ بوده و قرار است ریاست دوره بعدی کنفرانس امنیتی مونیخ را برعهده بگیرد، طی گفت‌وگویی در حاشیه این کنفرانس گفت: «همه می‌بینند که روابط بین دو سوی اقیانوس اطلس با مشکلات و اختلافات جدی روبه‌رو است و شاهد تغییری بنیادین در این رابطه هستیم اما این به معنای پایان آن نیست.»

وی خاطرنشان کرد که باور دارد اروپا و آمریکای شمالی زمانی امن‌تر هستند که در کنارهم کار کنند و باید اختلافات درباره تعرفه‌ها، تجارت و موضوع گرینلند از طریق گفت‌وگو حل‌وفصل شود. به گفته او، کنفرانس امنیتی مونیخ امسال فرصتی برای انجام همین گفت‌وگوها فراهم کرده است.

عاکف چاغاتای قلیچ، مشاور ارشد رییس‌جمهور ترکیه در امور سیاست خارجی و امنیت نیز در نشستی با عنوان «گفت‌وگو درباره صلح پایدار در غزه» که در چارچوب برنامه‌های مجمع دوحه و در حاشیه شصت‌ودومین دوره کنفرانس امنیتی مونیخ برگزار شد، حملات رژیم صهیونیستی به غزه را نه‌تنها بحرانی انسانی بلکه چالشی ساختاری برای نظام و حقوق بین‌الملل توصیف کرد. قلیچ با اشاره به روند بازسازی غزه تاکید کرد که این فرآیند به سال‌ها زمان و منابع مالی گسترده نیاز دارد و بدون ایجاد امنیت و نهادهای موثر، دستیابی به ثبات پایدار امکان‌پذیر نخواهد بود.

وی تصریح کرد که مشارکت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در سطوح سیاسی، مالی و اجرایی همراه با هماهنگی بین‌المللی، از عناصر اصلی برای تداوم صلح به شمار می‌رود اما اساس اصلی احترام به حق فلسطینی‌ها در تعیین سرنوشت خویش است.

«جهان‌صنعت» فشارهای دولت ترامپ به متحدان اروپایی را واکاوی می‌کند

اروپا در منگنه گذشته و آینده

امیر علیخانی – بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید باعث یک‌سری تنش‌های واقعی با متحدان اروپایی و همچنین یک موضع‌گیری نسبتا تهاجمی و قاطع در برابر آنها شده است. این را نباید به شکل یک دعوای ساده دید بلکه نشانه این است که نظم بین‌المللی در حال بازتعریف و چالش است و روسای جمهور ایالات‌متحده برحسب دیدگاهشان در این میدان، رویکردهای متفاوتی اتخاذ می‌کنند. آنچه اکنون در روابط آمریکا- اروپا و آمریکا- ایران می‌بینیم، یک پیچ تاریخی در سیاست فراآتلانتیک و خاورمیانه است

■ تنش‌های ترامپ با اروپا

در چند ماه اخیر رابطه میان واشنگتن و کشورهای اروپایی که زمانی به‌عنوان ستون اصلی اتحاد فراآتلانتیک شناخته می‌شد، به‌وضوح سرد و پرتنش بوده است. اروپا نه‌فقط در مسائل نظامی و امنیتی مثل حمایت از اوکراین در برابر روسیه بلکه در حوزه‌های مهاجرت، مقررات داخلی و نقش جهانی اتحادیه اروپا نیز با انتقادهای صریحی از سوی دولت ترامپ مواجه شده است.

یک دیپلمات اروپایی گفته که انتقادهای آمریکا به‌گونه خاصی بوده که بیش از آنکه یک بحران امنیتی باشد، شبیه دخالت در امور داخلی اروپا به‌نظر می‌رسد. واشنگتن خطمشی‌ها و حتی جریمه‌های داخلی اروپا را در مسیر اشتباه توصیف و تهدید کرده که اگر بلوک اروپایی مسیر خود را تغییر ندهد با خطر رشد ناآرامی مواجه خواهد شد. این حجم از فشار سیاسی، باعث ایجاد شک و تردید در میان اروپایی‌ها شده که آیا آمریکا هنوز متحدی قابل اعتماد است یا نه؟

تنش‌ها تنها به انتقادهای لفظی محدود نبوده‌اند. روابط در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز به چالش کشیده شده؛ اروپایی‌ها نگران هستند که واشنگتن در پیمانی که زمانی آن را ستون دفاع جمعی می‌نامید، بیش از پیش رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه اتخاذ کند. این تغییر در رفتار آمریکا نسبت به اروپا را می‌شود به‌عنوان بازتابی از بازتعریف نقش آمریکا در نظم جهانی دید؛ واشنگتن اکنون کمتر به نقش راهبر چندجانبه‌گرایی فراآتلانتیک پایبند است و بیشتر روی منافع مستقیم سیاسی و استراتژیک خود تاکید دارد.

■ نقش نامطمئن اروپا میان ایران و آمریکا

در رابطه با ایران، ترامپ نه‌فقط مواضع سخت‌تری نسبت به دولت‌های قبلی آمریکا اتخاذ کرده بلکه تلاش می‌کند رویکردهای اروپایی در قبال تهران را هم تحت‌تاثیر قرار دهد. همزمان اروپایی‌ها تلاش می‌کنند میان فشار و گفت‌وگو تعادل برقرار کنند؛ با این حال اختلاف میان رویکرد سختگیرانه آمریکا و تمایل نسبی اروپا به دیپلماسی بیش از پیش آشکار شده است به‌گونه‌ای که در مذاکرات هسته‌ای و تحریم‌ها تنش‌های جدی میان دو طرف وجود داد. نوع رویکرد ترامپ در دوره جدید، ترکیبی از مواضع سخت، فشار اقتصادی، تهدید نظامی و دیپلماسی دوپهلو است؛ این رویکرد نه‌تنها تنش‌های مستقیم با ایران را افزایش داده بلکه به‌طور غیرمستقیم باعث فاصله افتادن میان آمریکا و متحدان اروپایی‌اش در مدیریت این چالش شده است.

■ واشکافی تمایز اروپا با آمریکایی‌ها

تا پیش از سال ۱۹۴۵ اروپا نه‌فقط یک قاره بلکه موتور تولید معنا، تکنیک و امپراطوری بود. از انقلاب صنعتی بریتانیا تا فلسفه ایده‌آلیسم درخشان آلمان و انقلاب‌های فرانسه، اروپا هم کارخانه صنعتی جهان بود و هم آزمایشگاه ایده‌ها اما دو جنگ جهانی این موتور را از درون فروپاشاندند. اروپا به شکلی دیالکتیکی آن چیز که تاکنون به‌مثابه ضعف و لغزش‌هایی جزئی و پنهان شده در یکپارچگی آن وجود داشت را به شکلی عیان در طول تاریخ دو جنگ جهانی به وضوح پیش‌روی خویش مشاهده کرد. این رخدادها برای مجموعه کشورهای اروپایی که از دیرباز تسلط نسبتا کاملی بر جهان داشتند به‌مثابه دهشتی تمام‌عیار بود.

جنگ جهانی اول را به مثابه قسمی خودکشی تمدنی برای اروپا می‌توان دانست. جنگی که در آن دیگر کشورهای اروپایی محروم مانده از توسعه اقتصادی-استعماری کشورهای استعمارگر، مساله سهم‌خواهی را علنا مطرح کردند. در طول این دو جنگ جهانی زیرساخت صنعتی، سرمایه انسانی، مشروعیت اخلاقی استعمار و اعتماد به نفس تاریخی اروپا درهم شکست. در همین لحظه آن سوی اقیانوس کشوری که جنگ را در خاک خود تجربه نکرده بود با صنعتی بکر، جمعیتی جوان و سرمایه انباشته آماده جهش بود

از منظر اقتصاد سیاسی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم، حدود نیمی از تولید صنعتی جهان را در اختیار داشت. این مختصات برای اروپایی‌ها یک سازوکار وابستگی نسبت به ایالات متحده ساخت و در همین راستا دلار تبدیل به ستون فقرات نظام مالی جهانی شد. در آن زمان عملا هر کشور اروپایی که می‌خواست نفس بکشد باید در این مدار می‌چرخید.

قدرت آمریکایی صرفا برآمده از ثروت نهفته در کشورشان نیست؛ این قدرت ریشه‌هایی در امنیت برآمده پس از جنگ جهانی دوم نیز دارد. در آغاز پس از شروع جنگ سرد، اروپا میان دو ابرقدرت گرفتار شد. ترس از اتحاد شوروی، کشورهای اروپای غربی را به زیرچتر امنیتی آمریکا کشاند. از آن لحظه امنیت اروپا تاحد زیادی به تصمیمات واشنگتن گره خورد. وقتی امنیت کشوری مستقل را کشوری دیگر تضمین کند، استقلال خودبه‌خود محدود می‌شود.

■ سنت اروپا در مقابل تکنیک آمریکایی

اروپا حامل سنتی بود که می‌توان آن را تاریخی- تراژیک نامید. از تراژدی یونانی تا هگل و نیچه، اروپا خود را در کشاکش تضادها می‌فهمید. آمریکا اما پروژه متفاوتی داشت؛ مدرنیته بدون گذشته فئودالی، بدون کلیسای قرون وسطی، بدون جنگ‌های مذهبی چندقرنی که به نوعی، فرم خاص حال ممتد را رقم زدند. فرهنگ آمریکایی از آغاز با عمل‌گرایی (پراگماتیسم) شکل گرفت.

در قرن نوزدهم، اروپا تولیدکننده نظریه بود و آمریکا شاگرد. قرن بیستم، آمریکا نظریه را به فناوری، فناوری را به صنعت و صنعت را به سلطه جهانی تبدیل کرد. اروپا هنوز درگیر تفسیر بود و آمریکا درگیر اجرا. اگر بخواهیم آمریکا را صرفا به‌عنوان کشوری بدون فرهنگ غنی تلقی کنیم باید کمی سختگیر باشیم. آمریکا فرهنگ کلاسیک هزارساله ندارد اما فرهنگ تودهوار عظیمی دارد. هالیوود، جاز، راک، صنعت سرگرمی، دانشگاه‌های پژوهشی مثل هاروارد و MIT، سیلیکون ولی و... اینها همگی قسمی از فرهنگ هستند، فقط از نوعی دیگر. فرهنگی که نه بر حافظه طولانی بلکه بر بازتولید سریع و مقیاس‌پذیری بنا شده است. به زبان بهتر باید گفت اروپا فرهنگ می‌ساخت ولی آمریکا فرهنگ را صنعتی کرد.

در قرن بیستم، فرم قدرت از عمق تاریخی به توان شبکه‌سازی منتقل شد. آمریکا در سه حوزه همزمان برتری ساخت؛ اقتصاد دلاری، امنیت نظامی و فرهنگ رسانه‌ای. این سه، یک مثلث هژمونیک ساختند. این شرایط هژمونی زیست‌جهانی شده است. سلطه پایدار آن است که رضایت تولید کند و نه صرفا اطاعت. آمریکا پس از جنگ دوم توانست رضایت تولید کند؛ وعده رفاه، مصرف، فردگرایی و آزادی‌های لیبرال. اروپا که از فاشیسم و جنگ خسته بود این بسته را خواناخواه پذیرفت.

در همین حال استعمار اروپایی کم‌کم روبه فروپاشی گذاشت. بریتانیا و فرانسه امپراطوری‌هایشان را از دست دادند. آمریکا اما یک امپراطوری غیرمستقیم ساخت؛ پایگاه نظامی، دلار و شرکت‌های چندملیتی. یعنی شکل‌گیری نوعی امپراطوری شبکه‌محور برای خود. بدون فرماندار کل اما با نقش اساسی وال‌استریت.

اروپا عملا در پروژه مدرن‌سازی خود موفق بود اما همین موفقیت، انرژی تخریبی عظیمی آزاد کرد که خود را سوزاند. آمریکا از بیرون این آتش بهره برد. این شبیه دیالکتیک هگلی است؛ سوژه خاصی که در تلاش برای تحقق خود، خود را نفی می‌کند و دیگری از این نفی نیرو می‌گیرد.

اروپا امروز هم بازیگر است اما بازیگری محدود در چارچوب ساختارهایی که پس از ۱۹۴۵ شکل گرفتند. اتحادیه اروپا، یورو و سیاست‌های مستقل در برخی حوزه‌ها، نشان می‌دهد داستان یک‌سویه نیست. با این حال در لحظات بحرانی - از بحران مالی ۲۰۰۸ تا جنگ اوکراین- وابستگی امنیتی و مالی به آمریکا آشکار می‌شود.

این ماجرا نه درباره فرهنگ غنی است و نه فقدان فرهنگ. درباره شکل قدرت در عصر مدرن است. قدرت از میراث به شبکه منتقل شد؛ از فلسفه به فناوری جهید و از امپراطوری سرزمینی به امپراطوری مالی-رسانه‌ای. اروپا میان خاطره و آینده معلق است. آمریکا هم با بحران‌های درونی دست‌وپنجه نرم می‌کند. هژمونی‌ها ابدی نیستند اما هر هژمونی لحظه خاصی است که در آن نیروهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی در یک مدار هم‌راستا می‌شوند. پس از سال ۱۹۴۵ این مدار به نام ایالات‌متحده تنظیم شد. پرسش بزرگ این است که آیا قرن بیست‌ویکم همین مدار را حفظ خواهد کرد یا شاهد بازچینی نیروها خواهیم بود؟ تاریخ دوست دارد مدارها را به هم بزند.

اگر به جای روایت ژئوپلیتیک، سراغ متافیزیک‌های پنهان برویم، مساله تا حد زیادی عوض می‌شود. اروپا از دل یونان، مسیحیت و سپس روشنگری بیرون آمد. یعنی سه لایه عمیق، تراژدی، الهیات و عقل انتقادی هستند و نتیجه‌اش خودآگاهی تاریخی است. اروپایی‌ها خودشان را در زمان می‌فهمند. هگل تاریخ را صحنه تحقق روح می‌دید. کانت اخلاق را قانون جهان‌شمول می‌خواست. نیچه تراژدی را بازخوانی کرد حتی مارکس با همه ماتریالیسمش در افق یک فلسفه تاریخ می‌اندیشد. این یعنی اروپا همیشه ذیل امر کلی فکر کرده است؛ کل تاریخ، کل انسانیت و کل نظم عقلانی. از همین‌جا هم ایده‌هایی مثل امپراطوری، انقلاب جهانی یا پروژه‌های عظیم ایدئولوژیک زاده شدند. وقتی چنین ذهنی شکست می‌خورد، شکستنش هم عظیم است. دو جنگ جهانی را می‌توان تا حدی محصول همین وسوسه خواست کلیت دانست؛ اراده برای سامان دادن به کل جهان.

در مقابل آمریکا از دل مهاجرت و پروتستانیسم بیرون آمد. نه امپراطوری کهن داشت و نه اشرافیت قرون وسطایی و نه کلیسای متمرکز. فلسفه‌اش به جای متافیزیک تاریخ بر تجربه و کارآمدی بنا شد. پراگماتیسم آمریکایی با نام‌هایی مثل ویلیام جیمز و جان دیویی می‌گوید: حقیقت چیزی است که در عمل جواب می‌دهد. حقیقت دیگر آسمانی یا دیالکتیکی نیست بلکه ابزار است. این تفاوت ظریف، پیامدهای ساختاری عظیم دارد.

اروپا به حقیقت وفادار است، آمریکا به کارکرد؛ اروپا به سنت نظریه و آمریکا به سنت حل مساله. دانشگاه‌های آلمانی قرن نوزدهم محل تولید نظام‌های فلسفی بودند؛ دانشگاه آمریکایی قرن بیستم به موتور پژوهش کاربردی، فناوری و سرمایه تبدیل شد.

از نظر سیاسی هم تفاوت چشمگیر است. اروپا با ایده دولت- ملت مدرن و بعدها با پروژه‌های کلان مثل سوسیالیسم و فاشیسم دست‌وپنجه نرم کرد. آمریکا از ابتدا با قانون اساسی خاصی طراحی شد که بیشتر یک سازوکار مهندسی قدرت است تا یک رویای متافیزیکی. بنیانگذاران آمریکا بیشتر حقوقدان و عمل‌گرا بودند تا فیلسوفان نظام‌ساز.

اروپا حامل یک نوع گناه تاریخی است؛ استعمار، هولوکاست، جنگ‌های درون قارهها. این حافظه سنگین، امروز سیاست اروپایی را محتاط، اخلاق‌محور و گاه فلج می‌کند. آمریکا حافظه فشرده‌تری دارد؛ اسطوره پیشرفت و استثناگرایی. این اسطوره به آن جسارت عمل می‌دهد. وقتی خودت را سرزمین فرصت می‌دانی، جهان برایت میدان آزمایش می‌شود

■ ۲ فلسفه متفاوت

از منظر فلسفه قدرت اروپا هنوز در افق هگلی- کانتی فکر می‌کند؛ قانون، چندجانبه‌گرایی و نهادهای بین‌المللی ولی آمریکا در افق واقع‌گرایی و پراگماتیسم عمل می‌کند؛ اگر لازم باشد یک‌جانبه عمل می‌کند، چون کارکرد مهم‌تر از هماهنگی نظری است. در حوزه فرهنگ هم تفاوت از ریشه است. فرهنگ اروپایی عمیقا تفسیری است. ادبیات، هنر، سینمای مولف و فلسفه قاره‌ای. فرهنگ آمریکایی تولیدی-بازاری است؛ مقیاس بزرگ، رسانه، صنعت سرگرمی. یکی معنا می‌کاود دیگری معنا را تکثیر می‌کند. در عصر رسانه‌های جمعی، دومی مزیت ساختاری دارد.

اروپا بدون آمریکا امروز احتمالا زیر فشار امنیتی فرو می‌پاشید. آمریکا بدون میراث فکری اروپا هم شکل نمی‌گرفت. قانون اساسی آمریکا فرزند لاک و مونتسکیو است. مدرنیته آمریکایی شاخه خاصی از درخت اروپایی است که در خاک دیگری رشد کرد. اروپا جهان را مساله نظری دید که باید فهمید و سامان داده شود. آمریکا جهان را پروژه عملی خاصی دید که باید مدیریت شود. در قرن بیستم جهان بیش از آنکه به نظام‌های فلسفی نیاز داشته باشد به مدیریت صنعتی و نظامی نیاز داشت. بنابراین ذهن پراگماتیک بر ذهن متافیزیکی پیشی گرفت.

اما تاریخ بازیگر سرسختی است. اکنون که بحران‌های هویتی، اقلیمی و تکنولوژیک پیچیده‌تر می‌شوند شاید دوباره نیاز به تفکر کلان و فلسفی برجسته شود. شاید همان سنت اروپایی که زمانی خود را سوزاند دوباره امکان بازاندیشی جهان را فراهم کند یا شاید ترکیبی تازه از عمل‌گرایی و عمق نظری شکل بگیرد. هژمونی‌ها فقط با تانک و دلار ساخته نمی‌شوند بلکه با مفروضات نادیده شده خاصی ساخته می‌شوند که ملت‌ها درباره حقیقت و کنش دارند. تفاوت اروپا و آمریکا، تفاوت دو شیوه بودن در جهان است. یکی تاریخ را حمل می‌کند، دیگری آینده را می‌سازد. وقتی آینده سریع‌تر از حافظه حرکت کند، برتری موقتا از آن آینده است اما حافظه هرگز کاملا خاموش نمی‌شود

تحلیل

فایننشال‌تایمز گزارش داد

دلار اسیر سیاست

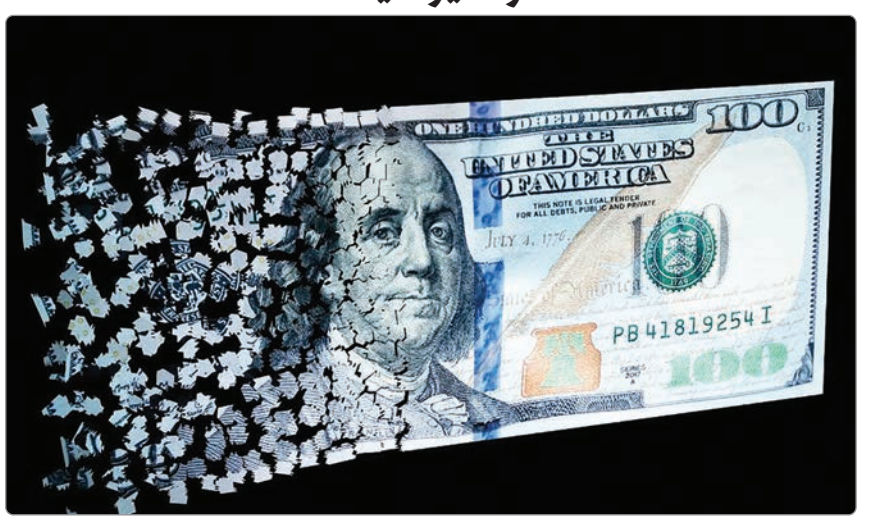

جهان‌صنعت‌نیوز- برای دهه‌ها، مسیر حرکت دلار آمریکا را می‌شد با مجموعه‌ای از متغیرهای کلاسیک اقتصادی مانند شتاب رشد تولید ناخالص داخلی، انتظارات نرخ بهره، تفاوت بازدهی اوراق قرضه با سایر اقتصادهای پیشرفته و جریان‌های سرمایه توضیح داد. اما اکنون نشانه‌هایی جدی از تغییر این الگو دیده می‌شود. رفتار بازار ارز گویای آن است که دلار به‌تدریج از یک متغیر اقتصادی صرف، به یک دارایی تبدیل شده که به‌طور مستقیم با تحولات سیاسی آمریکا پیوند خورده است.

تحلیلگران وال‌استریت هرچند در گزارش‌های رسمی با احتیاط سخن می‌گویند اما در محافل غیررسمی تصریح می‌کنند که نقش اختلاف نرخ بهره در تحرکات اخیر دلار محدودتر از گذشته شده است. آنچه اکنون مسیر این ارز را تعیین می‌کند، فضای سیاسی آمریکا و سطح نااطمینانی پیرامون آن است.

■ واگرایی میان بنیادهای اقتصادی و عملکرد دلار

از ابتدای سال جاری، پیش‌بینی‌ها درباره رشد اقتصادی آمریکا بهبود یافته است. برآورد رشد که پیشتر حدود ۲درصد بود، به نزدیکی ۲/۴درصد ارتقا یافته است؛ این تغییر عمدتا برپایه انتظار اجرای سیاست‌هایی است که اقتصاد را در آستانه انتخابات کنگره در نوامبر با سرعت بیشتری به حرکت درآورد. همزمان بسیاری از اقتصادهای پیشرفته دیگر رشد کندتری را تجربه می‌کنند.

در منطق سنتی بازار ارز، چنین شکافی در چشم‌انداز رشد باید به تقویت دلار بینجامد. علاوه بر این، فاصله میان بازدهی اوراق کوتاه‌مدت آمریکا و سایر کشورهای توسعه یافته نیز به‌گونه‌ای است که معمولا از دلار قوی‌تر حمایت می‌کند. با این حال شاخص دلار که ارزش آن را در برابر سبدی از ارزهای مهم می‌سنجد، از ابتدای سال حدود ۱/۷درصد کاهش یافته است. این افت اگرچه بزرگ نیست اما واگرایی آن با روابط متعارف بازار ارز معنادار است و نشان می‌دهد باید با لنزی متفاوت به این بازار نگریست.

حتی در رابطه با یورو نیز تحلیلگران اشاره کرده‌اند که نرخ برابری آن با دلار دیگر واکنش چندانی به تفاوت‌های ریسک سیاسی میان اروپا و آمریکا نشان نمی‌دهد بلکه تقریبا به‌طور کامل تحت‌تاثیر نااطمینانی‌های خاص آمریکا قرار گرفته است. این تغییر جهت، بیش از آنکه بیانگر بهبود شرایط اروپا باشد، بازتاب افزایش عدم‌قطعیت در ایالات متحده است.

■ فرسایش اعتماد نهادی و واکنش بازارها

بخش مهمی از این تغییر رفتار، به برداشت سرمایه‌گذاران از وضعیت نهادهای آمریکایی به‌ویژه بانک مرکزی بازمی‌گردد. در صورتی که بازارها تصور کنند فدرال‌رزرو بیش از گذشته در معرض فشارهای سیاسی قرار گرفته است، رابطه میان داده‌های اقتصادی و واکنش دلار می‌تواند معکوس شود.

نمونه عینی این پدیده در انتشار آمار اشتغال ژانویه مشاهده شد. این داده‌ها که به دلیل تعطیلی موقت دولت فدرال با تاخیر منتشر شد، نشان داد اقتصاد آمریکا ۱۳۰هزار شغل خالص جدید ایجاد کرده است؛ رقمی تقریبا دو برابر انتظار تحلیلگران. اگرچه برخی بازبینی‌های کاهشی در ماه‌های قبل انجام شد اما نتیجه کلی قوی بود. بازدهی اوراق دو ساله خزانه‌داری اندکی افزایش یافت زیرا بازارها احتمال می‌دادند نرخ‌های بهره در ادامه سال در سطوح بالاتری باقی بماند.

براساس الگوی سنتی، افزایش بازدهی باید دلار را نیز تقویت می‌کرد اما چنین نشد. ارزش دلار تقریبا بدون تغییر باقی ماند؛ رخدادی که از دید برخی تحلیلگران قابل‌توجه بود. تعبیر غالب این است که بازارها در حال ورود به مرحله‌ای هستند که در آن داده‌های اقتصادی قوی به جای تقویت دلار، به دلیل نگرانی از سیاسی شدن سیاست پولی، به تضعیف آن منجر می‌شود. به بیان دیگر همبستگی میان رشد و ارز در حال تغییر جهت است.

■ از فروش آمریکا تا پوشش ریسک آمریکا

برای برخی مشاوران سیاسی در واشنگتن، دلار ضعیف‌تر حتی می‌تواند خبر مطلوبی باشد زیرا تصور می‌شود به احیای اشتغال در بخش تولید کمک کند. با این حال پیامدهای بازار سرمایه پیچیده‌تر است و می‌تواند در بلندمدت دامنه‌دار شود.

سرمایه‌گذاران غیرآمریکایی به‌ویژه صندوق‌های بازنشستگی و سرمایه‌گذاران نهادی بلندمدت، طی سال‌ها، وزن قابل‌توجهی به سهام آمریکا اختصاص داده‌اند. تغییر این الگو نیازمند تصمیمات راهبردی و اقناع کمیته‌های سرمایه‌گذاری است؛ فرآیندی زمان‌بر و همراه با تردید. کاهش وزن دارایی‌های آمریکایی و افزایش تمرکز بر بازارهایی نظیر اروپا، مستلزم پذیرش ریسک‌های جدید است و به سادگی رخ نمی‌دهد.

در مقابل پوشش ریسک ارزی بسیار ساده‌تر است. سرمایه‌گذار می‌تواند همچنان سهام و اوراق آمریکایی را نگه دارد اما با فروش دلار در بازار مشتقه، ریسک نوسان ارز را خنثی کند. این گزینه نیازمند تجدیدنظر اساسی در ترکیب پرتفوی نیست و از نظر روانی نیز هزینه کمتری دارد.

به گفته مدیران سرمایه‌گذاری اروپایی، اکنون در اکثریت قریب به اتفاق قراردادهای جدید مشتریان، پوشش دست‌کم بخشی از ریسک دلار لحاظ می‌شود. سال گذشته برای بسیاری از سرمایه‌گذاران غیرآمریکایی زنگ خطری بود که نشان داد نمی‌توان نسبت به ریسک سیاسی آمریکا بی‌تفاوت ماند.

سال‌ها دلار از پریمیوم برخوردار بود؛ امتیازی که به دلیل جایگاه آن به‌عنوان مهم‌ترین ارز ذخیره جهان ایجاد شده بود. برآورد می‌شود این حق‌الزحمه در حدود ۵ تا ۱۰درصد بوده است اما اکنون این جایگاه با چالش مواجه شده و بسیاری از سرمایه‌گذاران دیگر حاضر نیستند برای آن هزینه اضافی بپردازند. در چنین شرایطی از منظر محاسباتی انتظار می‌رود دلار به‌تدریج در مسیر نزولی حرکت کند.

این وضعیت الزاما به معنای «فروش آمریکا» نیست بلکه بیش از آن به معنای «پوشش آمریکا» است. با این حال، اثر نهایی بر دلار تفاوتی ندارد. هرچه پوشش ریسک ارزی گسترده‌تر و پایدارتر شود، فشار نزولی بر دلار تقویت خواهد شد؛ حتی اگر اقتصاد آمریکا در همان زمان عملکردی پررونق داشته باشد.

■ عصر جدید؛ رشد قوی، دلار ضعیف

جمع‌بندی روندهای اخیر نشان می‌دهد بازار ارز در حال ورود به مرحله‌ای تازه است؛ مرحله‌ای که در آن رشد اقتصادی بالا، افزایش بازدهی اوراق و تفاوت نرخ بهره، دیگر تضمین‌کننده دلار قوی‌تر نیست. اگر برداشت غالب این باشد که سیاست پولی بیش از گذشته سیاسی شده و نااطمینانی نهادی افزایش یافته است، سرمایه‌گذاران ترجیح خواهند داد ریسک ارزی خود را کاهش دهند.

بر این اساس، ممکن است اقتصاد آمریکا در سال جاری رشد قابل‌توجهی را تجربه کند اما همزمان دلار در مسیر نزولی حرکت کند. چنین ترکیبی پیشتر کمتر دیده شده بود و اکنون نشانه‌های آن در بازارها نمایان شده است. اگر این الگو تداوم یابد، رابطه سنتی میان قدرت اقتصادی آمریکا و قدرت ارز آن وارد دوره‌ای از بازتعریف خواهد شد.

«جهان‌صنعت» کارنامه گروه کاشی و سرامیک بورس را بررسی می‌کند

شکست صنعت سرامیک با پتک تورم

هادی بهرامی– صنعت کاشی و سرامیک یکی از پیشران‌های تولید غیرنفتی ایران است که با ترکیب فناوری، انرژی و تقاضای ساخت‌وساز نقش مهمی در اشتغال و ارزآوری کشور دارد. شاخص گروه کاشی و سرامیک بورس طی یک‌ماه اخیر به‌میزان ۷/۳درصد کاهش یافته و از محدوده ۸۶هزارو۱۰۰واحد به۷۹هزارو۷۰۰واحد رسیده است

طبق آخرین بررسی‌ها سهام شرکت مجتمع کاشی و سنگ پرسپولیس یزد با نماد کپرسپولیس ۴هزارو۳۱۵میلیاردتومان کاشی سینا با نماد کساوه ۳هزارو۱۷۵میلیاردتومان، کاشی، سرامیک و چینی حافظ با نماد کحافظ ۳هزارو۸میلیاردتومان، صنایع کاشی وسرامیک الوند با نماد کلوند ۲هزارو۲۴میلیاردتومان و کاشی پارس با نماد کپارس ۲هزارو۱۸میلیاردتومان ارزش بازار دارند که لیدر صنعت کاشی و سرامیک بورس به‌حساب می‌آیند.

■ ارزش معاملات روزانه نمادهای صنعت

ارزش معاملات روزانه نماد کپرسپولیس ۹/۵میلیاردتومان، کساوه تنها ۴۰۰میلیون‌تومان، کحافظ ۲/۵میلیاردتومان، کلوند ۶۰۰میلیون‌تومان و کپارس ۶/۸میلیاردتومان است. نماد کساوه با نسبت ارزش به‌تراکنش ۷۹۳۸واحد و کلوند ۳۳۷۳واحد برآورد می‌شود که نقدشوندگی و ارزش معاملات کمتری در مقایسه با سه نماد لیدر گروه دارند و درمقابل نماد کپرسپولیس ۴۵۴واحد، کحافظ ۱۲۰۳واحد و کپارس ۲۹۷واحد نسبت ارزش به‌تراکنش دارند که نشان می‌دهد با نقدشوندگی بیشتری معامله می‌شوند.

■ تولید کاشی پرسپولیس یزد، کمتر از رقبا

طی یک‌ماهه منتهی به‌دی۱۴۰۴ شرکت مجتمع کاشی و سنگ پرسپولیس یزد ۶۰۰هزارو۴۳۴مترمربع سرامیک کف، کاشی سینا ۴۸۵هزارو۹۱۸مترمربع کاشی کف، کاشی، سرامیک و چینی حافظ ۳۶۱هزارو۱۱۹مترمربع کاشی پرسلانی، صنایع کاشی و سرامیک الوند ۲۹۹هزارو۸۶۳مترمربع کاشی پرسلانی و کاشی پارس ۲۸۵هزارو۴۹۸مترمربع کاشی پرسلانی به‌عنوان محصول اصلی تولید کردند

مقدار تولید محصول اصلی شرکت مجتمع کاشی و سنگ پرسپولیس یزد ۷درصد نسبت‌به دی ماه۱۴۰۳ کاهش یافته و درمقابل کاشی پارس ۳۸درصد، کاشی، سرامیک و چینی حافظ ۲۶درصد و صنایع کاشی و سرامیک الوند ۲۴درصد رشد تولید را تجربه کردند. مجتمع کاشی و سنگ پرسپولیس یزد عملکرد ضعیفی را از خود نشان داد و از سوی دیگر شرکت کاشی سینا تنها یک‌درصد رشد تولید داشت

■ کاشی‌سازها از تورم جا ماندند

در دی‌ماه۱۴۰۴ شرکت مجتمع کاشی و سنگ پرسپولیس یزد ۲۲۷میلیاردتومان، کاشی سینا ۲۴۹میلیاردتومان، کاشی، سرامیک و چینی حافظ ۲۵۹میلیاردتومان، صنایع کاشی و سرامیک الوند ۲۳۴میلیاردتومان و کاشی پارس ۱۷۹میلیاردتومان درآمد عملیاتی را به‌ثبت رساندند.درآمد پنج شرکت نامبرده جمعا از ۸۰۲میلیاردتومان در دی‌ماه۱۴۰۳ با افزایش ۴۳درصدی به‌هزارو۱۴۸میلیاردتومان در دی‌ماه۱۴۰۴ رسیده که نشان می‌دهد لیدر صنعت کاشی و سرامیک به‌عنوان نماینده شرکت‌های کاشی ساز بورس نتوانستند با نرخ ۶۰درصدی تورم نقطه‌به‌نقطه دی‌ماه رقابت کنند. درحقیقت نرخ رشد درآمد دی‌ماه این‌شرکت‌ها ۱۷درصد کمتر از تورم نقطه‌به‌نقطه است و عملکرد این‌گروه ریالی بورس چندان مطلوب به‌نظر نمی‌رسد.

مجتمع کاشی و سنگ پرسپولیس یزد ۲۹درصد، کاشی سینا ۳۵ درصد، کاشی، سرامیک و چینی حافظ ۵۶درصد، صنایع کاشی و سرامیک الوند ۴۷درصد و کاشی پارس ۵۴درصد رشد مبلغ فروش را نسبت‌به دوره مشابه سال قبل تجربه کردند. اگر بخواهیم تفاوتی از نظر رشد درآمدی قائل شویم کاشی، سرامیک و چینی حافظ و کاشی پارس عملکرد نسبتا بهتری داشته و سه‌شرکت دیگر درجا زدند. مجتمع کاشی و سنگ پرسپولیس یزد با کمترین نرخ رشد در میان پنج‌شرکت بزرگ کاشی ساز بورس در قعر جدول قرار می‌گیرد.

■ پیشتازان مطلق رشد فروش

طی ۱۰ماهه نخست۱۴۰۴ شرکت مجتمع کاشی و سنگ پرسپولیس یزد ۲هزارو۱۶۱میلیاردتومان، کاشی سینا ۲هزارو۴۵۱میلیاردتومان، کاشی، سرامیک و چینی حافظ ۲هزارو۳۸۰میلیاردتومان، صنایع کاشی و سرامیک الوند هزارو۷۹۳میلیاردتومان و کاشی پارس هزارو۹۴۰میلیاردتومان فروش داشتند

درآمد عملیاتی ناشی از فروش این پنج‌شرکت از ۷هزارو۳۶۲میلیاردتومان در ۱۰ماهه۱۴۰۳ با رشد ۴۶درصدی به۱۰هزارو۷۲۵میلیاردتومان در ۱۰ماهه۱۴۰۴ رسیده که روندی مشابه روند دی‌ماه را مشاهده می‌کنیم و رشد رضایت‌بخشی اتفاق نیفتاده است.

مجتمع کاشی و سنگ پرسپولیس یزد ۴۱درصد، کاشی سینا ۴۸درصد، کاشی، سرامیک و چینی حافظ ۴۹درصد، صنایع کاشی و سرامیک الوند ۳۱درصد و کاشی پارس ۶۲درصد رشد درآمد را نسبت‌به دوره مشابه سال قبل تجربه کردند. با توجه به‌نرخ رشد پنج‌لیدر صنعت کاشی و سرامیک بورس می‌توان چنین اظهار داشت که کاشی پارس بیشترین نرخ رشد را به‌ثبت رساند و عملکرد بهتری را از خود نشان داد.

■ پیش‌خور کردن درآمد۱۴۰۴ در ۱۰ماه

در سال مالی۱۴۰۳ شرکت مجتمع کاشی و سنگ پرسپولیس یزد هزارو۹۱۴میلیاردتومان، کاشی سینا ۲هزارو۷۸میلیاردتومان، کاشی، سرامیک و چینی حافظ هزارو۹۴۲میلیاردتومان، صنایع کاشی وسرامیک الوند هزارو۴۴۶میلیاردتومان و کاشی پارس هزارو۱۹۷میلیاردتومان فروش داشتند.

جالب است بدانید مجتمع کاشی و سنگ پرسپولیس یزد ۱۱۳درصد، کاشی سینا ۱۱۸درصد، کاشی، سرامیک و چینی حافظ ۱۲۳درصد، صنایع کاشی وسرامیک الوند ۱۰۹درصد و کاشی پارس ۱۶۲درصد از درآمد سال۱۴۰۳ را در عرض ۱۰ماه کسب کردند. درواقع شرکت‌های کاشی و سرامیک باید حداقل ۸۳درصد از درآمد یک‌سال قبل خود را در ۱۰ماه۱۴۰۴ کسب کنند تا بتوان به‌روند درآمدزایی و رشد آنها امیدوار بود که این‌رقم در لیدر صنعت بیشتر بوده اما کافی نیست و فروش باید بیشتر شود

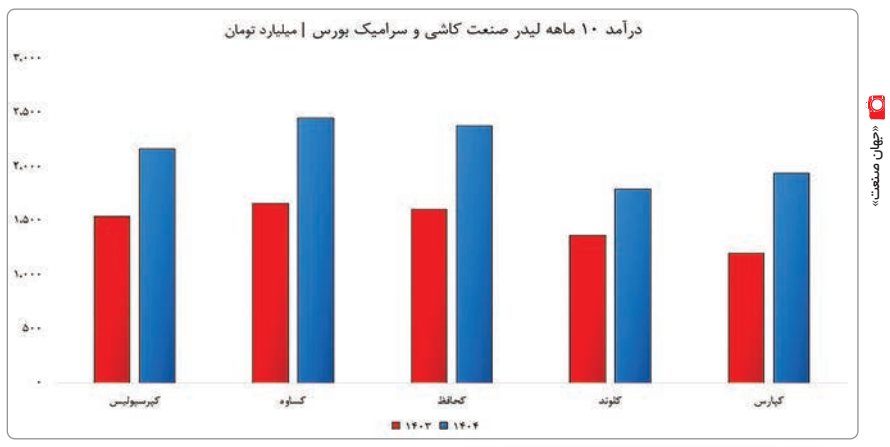

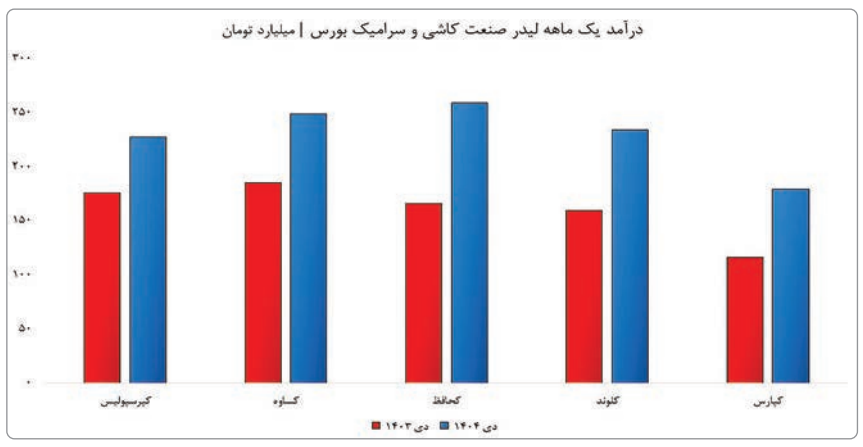

نمایه

شاخص کل بورس طی روزهای گذشته قله‌های زیادی را از دست داده و در مسیر نزولی شتاب گرفته است. کامل ابراهیمیان، کارشناس بازارسرمایه با اشاره به‌تشدید ریسک‌های سیستماتیک دامنه نوسان ۳درصدی را عامل تعمیق اصلاح بورس دانسته است.

بازارسهام در سومین‌روز هفته نیز با ریزش قیمتی همراه بود و گرچه در پایان ساعت معاملاتی با افزایش تعداد خریداران کمی از فشار منفی بازار کاسته شد اما همچنان بازار در محدوده منفی به‌کار خود پایان داد. به‌نظر می‌رسد بازارسرمایه در آستانه دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا که قرار است روز سه‌شنبه در ژنو برگزار شود درهاله‌ای از ابهام فرو رفته و فعلا مسیر احتیاط را در پیش گرفته است.

■ ۲هزارهمت در ۱۸روز از ارزش کل بورس کم شده است!

در این‌راستا کامل ابراهیمیان، کارشناس بازارسرمایه در گفت‌وگو با تجارت‌نیوز به‌بررسی دلایل ریزش سنگین بورس در روزهای اخیر پرداخت و اظهار داشت: «ارزش بازارسهام در ۱۸روز کاری اخیر از ۱۵هزارو۱۰۰همت به‌حدود ۱۲هزارو۹۰۰همت رسیده است. به‌این ترتیب حدود دو هزارو۱۵۰همت از ارزش کل بازار در این‌مدت کم شده که به‌طور متوسط روزانه حدود ۱۲۰همت بوده است.»

ابراهیمیان با اشاره به‌عمق این‌اصلاح افزود: «این ۱۵درصد اصلاح در کمترین زمان ممکن رخ داده و اگر نگاه تاریخی داشته باشیم جزو معدود دفعاتی است که بازار به‌این شدت اصلاح کرده است.»

کارشناس بازارسرمایه عنوان کرد

تشدید ریزش بورس با محدودیت دامنه نوسان

این‌کارشناس بازارسرمایه دلایل اصلاح بورس را از دومنظر تحلیل کرد و گفت: «بازارسهام بعد از اصلاح بسیار شدیدی که تا اوایل شهریور و پس از جنگ داشت باتوجه به‌تغییر سیاستگذاری درباره نرخ ارز توافقی و اجازه افزایش نرخ محصولات در بعضی از شرکت‌ها همگام با تورم روند صعودی به‌خود گرفت.»او افزود: «گزارش‌های خوب شرکت‌ها در فصل پاییز و عملکرد ماهانه مثبت شاخص کل را به‌بیش از ۴میلیون‌و۴۰۰هزارواحد رساند. در آن نقطه به‌صورت طبیعی و بدون درنظرگرفتن ریسک‌های سیستماتیک سرمایه‌گذاران تمایل به‌شناسایی سود داشتند. چه شرکت‌های حقوقی و چه سهامداران حقیقی همگی انتظار داشتند بازار یک‌اصلاح نرمال داشته باشد.»

ابراهیمیان عامل اصلی تشدید ریزش را این‌گونه توضیح داد: «در دوهفته گذشته به‌دلیل تشدید تنش‌های سیاسی بین ایران و آمریکا و بحث اعتراضات داخلی که متاسفانه تعداد زیادی از هموطنان‌مان را در این‌واقعه از دست دادیم ریسک سیستماتیک تشدید شد و اصلاح بازار عمق بیشتری پیدا کرد.»

این‌کارشناس بازارسرمایه با اشاره به‌نقش دامنه نوسان در فضای هیجانی گفت: «وجود دامنه نوسان مثبت و منفی ۳درصد در شرایط هیجانی منجربه تشدید ریزش می‌شود.»

او ادامه داد: «علت این‌است که سرمایه‌گذاران از نظر رفتاری ترجیح می‌دهند در صف‌های فروش قرار بگیرند و در اولین فرصت سهام خود را بفروشند زیرا احتمال می‌دهند روزهای آینده قیمت‌ها پایین‌تر بیاید. این‌رفتار از نظر روانی و هیجانی منجر به‌تشکیل صف‌های فروش سنگین در بازار شده است.»

■ باید دامنه نوسان بورس به‌مثبت و منفی ۱۰درصد افزایش یابد

ابراهیمیان پیشنهاد داد: «انتظار می‌رود همانطور که در صندوق‌های کالایی دامنه نوسان مثبت و منفی ۱۰درصد را داریم و سرمایه‌گذاران به‌راحتی می‌توانند خریدوفروش کنند دامنه نوسان سهام هم حداقل به‌مثبت و منفی ۱۰ درصد افزایش پیدا کند تا این‌صف‌های فروش به‌تعادل برسد و از بار هیجانی بازار کاسته شود.»

■ P/E بازارسهام به ۷/۱واحد رسید است

این‌کارشناس بازارسرمایه با اشاره به‌شاخص‌های بنیادی گفت: «در نقطه فعلی نسبت P/E گذشته‌نگر بازار از حدود ۹/۱واحد به۷/۱ واحد رسیده که دو واحد اصلاح کرده و این‌عدد بسیار بالایی است. البته اگر این‌ریسک سیستماتیک ادامه‌دار باش، بازهم می‌توانیم اصلاح بین ۵تا۱۰درصدی دیگر را شاهد باشیم.»

او افزود: «معمولا درمحدوده شش‌واحد سرمایه‌گذاران حتی باوجود ریسک‌های سیستماتیک اقدام‌به خرید می‌کنند. انتظار این‌است که با تعیین تکلیف وضعیت مذاکرات در حداکثر یک‌ماه آینده بازارسهام کمی از این‌وضعیت منفی خارج شود.»

ابراهیمیان درخصوص آینده بازار تاکید کرد: «اینکه چه اتفاقی خواهد افتاد به‌چند عامل بستگی دارد: نخست گزارش‌های ماهانه شرکت‌ها که انتظار می‌رود فصل زمستان امسال رشد سودآوری خوبی نسبت‌به زمستان سال گذشته داشته باشیم. دوم گزارش‌های ماهانه شرکت‌ها که می‌تواند مثبت باشد اما اگر ریسک سیستماتیک ادامه داشته باشد و یا تقابل نظامی رخ دهد طبعا کماکان شاهد بازار بی‌رمق و منفی خواهیم بود.»

این‌کارشناس بازارسرمایه در پاسخ به‌این سوال که نقدینگی خارج شده از بورس به‌سمت کدام بازارها می‌رود، گفت: «اولین مقصد نقدینگی که از بازارسهام خارج می‌شود صندوق‌های طلا هستند یا صندوق‌های درآمد ثابت. سرمایه‌گذار می‌خواهد ارزش پول خود را در کوتاه‌مدت حفظ کند و به‌طور طبیعی این‌دو بخش مقصد اصلی نقدینگی خروجی محسوب می‌شوند.»

او افزود: «بخشی هم می‌تواند وارد بازارهای دیگری مثل مسکن یا خرید کالاهای سرمایه‌ای مانند خودرو شود. همانطور که در بحث ثبت‌نام دو خودروساز بزرگ شاهد بودیم در مجموع بیش از ۱۰میلیون‌نفر ثبت‌نام کردند اما عمده نقدینگی که از سهام خارج شده وارد صندوق‌های طلا یا صندوق‌های درآمد ثابت می‌شود.»

زاویه

رییس کمیته فقهی سازمان‌بورس تاکید کرد

لزوم افزایش نقش بورس درجهت توسعه پایدار

رییس کمیته فقهی سازمان‌بورس و اوراق‌بهادار با تاکید بر لزوم انضباط بودجه‌ای و نقش بازارسرمایه در این‌مسیر بودجه انقباضی و استفاده از ابزارهای مالی نوین را از مهم‌ترین الزامات مهار تورم و دستیابی به‌رشد اقتصادی پایدار عنوان کرد.

به‌گزارش سنا غلامرضا مصباحی‌مقدم در یازدهمین‌همایش مالی اسلامی باعنوان «هوش‌مصنوعی و آینده مالی اسلامی؛ چالش‌ها، راهکارها و فرصت‌ها» حذف احکام از متن بودجه و محدودشدن آن به‌جداول درآمد و هزینه را از امتیازات مهم بودجه امسال دانست و گفت: این‌اقدام که با تدبیر مجلس و اصلاح آئین‌نامه داخلی انجام شده امکان دخل‌وتصرف‌های غیرضرور را کاهش داده و به‌شفافیت مالی کمک می‌کند.

رییس کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق‌بهادار با اشاره به‌تورم بالای ۴۵درصد در سال‌های اخیر تاکید کرد: کسری بودجه مهم‌ترین عامل بروز تورم است و ترازبودن منابع و مصارف دولت شرط اصلی کاهش تورم محسوب می‌شود. ارائه بودجه انقباضی از سوی دولت گامی روبه‌جلو برای مهار تورم و ایجاد چشم‌انداز کاهش آن در سال آینده است.

این‌عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به‌هدف‌گذاری رشد اقتصادی ۸درصدی در برنامه هفتم توسعه گفت: ظرفیت دولت برای تحقق این‌هدف کافی نبوده و استفاده از ظرفیت‌های ملی و مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

مصباحی‌مقدم با اشاره به‌سیاست‌های پولی و بانکی در دست تدوین در مجمع تشخیص مصلحت نظام «اوراق گواهی طلا» را یکی از ابزارهای موثر برای حفظ ارزش دارایی مردم و کاهش فشار تورمی دانست و افزود: این‌اوراق با جذب نقدینگی و قابلیت معامله‌پذیری هم پاسخگوی انتظارات مردم است و هم به‌اجرای سیاست‌های انقباضی کمک می‌کند. او از اعضای انجمن مالی اسلامی قدردانی کرد و نقش این‌انجمن را در ارتقای جایگاه علمی مالی اسلامی قابل‌توجه دانست.

درنگ

بحران اعتماد در بورس؛ سرمایه‌ها در حاشیه

مهدی دلبری*– طی هفته جاری بازار سرمایه به استقبال گزارش‌های ماهانه می‌رود و احتمالا از هفته آتی، گزارش‌های بهمن‌ماه شرکت‌ها منتشر خواهند شد. گزارش‌ها ممکن است خطی باشند و نتوانند روند خاصی را به بازار بدهند و از سوی دیگر، فعلا اخبار سیاسی سایه سنگینی بر بازار بورس انداخته است. نرخ بهره نیز به ۴۰درصد رسیده و با این نرخ نمی‌توان بازار پرنشاطی را شاهد بود.

بازار بورس اصلاح عمیقی را طی چند هفته اخیر تجربه کرد و رالی چند ماهه قبل از آن هم بیشتر به دلیل تک نرخی شدن ارز و گزارش‌های فصلی مثبت بود. در واقع گزارش‌های پاییز مثبت و امیدوارکننده به نظر می‌رسید اما اینکه دولت تا چه اندازه‌ای بتواند روند تک‌نرخی شدن ارز را ثابت یا اختلاف نرخ را در کمترین سطح نگه دارد همچنان در ابهام قرار دارد.

با توجه به شرایط فعلی به‌نظر می‌رسد ابزارهای دیگری مانند صندوق‌های فیکس اینکام و کالایی برای سهامداران جذاب‌تر از سهام هستند و بعید است که در یک تادو ماه آینده نیز استراتژی سرمایه‌گذاران تغییر پیدا کند.

در یک تا دو ماه آینده سایه اتفاقات سیاسی بر بازار سنگین خواهد بود و صدرنشینی اخبار ایران دوباره در رسانه‌های جهانی منجر به افزایش ریسک سهامداری شده است. قیمت طلا و نقره هم به دنبال مذاکره راجع به ایران، روسیه و اوکراین و همچنین سیاست‌های تعرفه‌ای و منطقه‌ای ترامپ نوسانات عجیبی را تجربه کرد.

سیاست‌ها و تحولات اقتصادی کلان روی صندوق‌های طلا و نقره تاثیر می‌گذارند اما قیمت جهانی اونس طلا و نقره بیش از حد تصورات رشد کرده است و باید دید قیمت‌ها می‌توانند در همان سطح بمانند یا خیر.

در رابطه با صندوق‌های ارزی باید گفت: هنوز سازوکار این صندوق‌ها تایید و نهایی نشده است اما با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی، بحث‌های مالیاتی و نحوه تسویه دارایی‌ها در ابهام قرار دارد. با توجه به مساله مالیات پیش فروش سکه‌ها توسط بانک مرکزی، تجربه تلخ سپرده‌های ارزی در گذشته، اوضاع نابسامان دولت و احتمال ریسک تسویه و تهیه ارز به نظر می‌رسد استقبال از صندوق‌های ارزی قابل ملاحظه نباشد.

*** کارشناس بازار سرمایه**

دیده‌بان

اداره میزهای صنعت سازمان‌بورس اعلام کرد

رشد ۳۱درصدی حاشیه سود خالص صنایع در پاییز

سنا– داده‌های آماری اداره میزهای صنعت و رتبه‌بندی ناشران سازمان‌بورس و اوراق‌بهادار نشان می‌دهد حاشیه سود خالص صنایع منتخب بازارسرمایه در پاییز امسال نسبت‌به تابستان با رشد ۳۱درصدی همراه بوده است.

داده‌های آماری اداره میزهای صنعت و رتبه‌بندی ناشران سازمان‌بورس و اوراق‌بهادار نشان می‌دهد حاشیه سود خالص صنایع منتخب بازارسرمایه از ۱۱/۶درصد در تابستان امسال به۱۵/۱۵درصد در پاییز رسیده است. براساس این‌گزارش حاشیه سود خالص صنایع در پاییز امسال در مقایسه با تابستان با رشد ۳۱درصدی همراه بوده است.

داده‌های این‌گزارش حاکی از آن است که حاشیه سود خالص صنایع استخراج کانه‌های فلزی، فرآورده‌های نفتی، فلزات اساسی و محصولات شیمیایی در پاییز امسال به‌ترتیب ۲۹، ۱۶، ۲۰ و ۲۰درصد بوده است. حاشیه سود خالص این‌صنایع در تابستان امسال به‌ترتیب ۱۸، ۱۰، ۱۷ و ۱۶درصد برآورد شده بود.

افشای نرخ جدید روغن نباتی در کدال

سنا– شرکت‌های فعال در صنعت محصولات غذایی و آشامیدنی به‌جز قندوشکر با انتشار اطلاعیه‌های جداگانه‌ای ضمن اشاره به‌نامه ارسالی انجمن صنفی صنایع روغن نباتی ایران در سامانه کدال از اصلاح نرخ محصولات خود خبر دادند.

همزمان با حذف ارز ترجیحی و با اشاره به‌افزایش روغن خام در ماه گذشته شرکت‌های فعال در صنعت محصولات غذایی و آشامیدنی به‌جز قندوشکر با انتشار اطلاعیه‌های افشای اطلاعات بااهمیت در سامانه کدال از اصلاح نرخ انواع روغن نباتی خبر دادند. انجمن صنفی صنایع روغن نباتی ایران در نامه خود به‌شرکت‌های «غکورش» و «غبشهر» از افزایش میانگین ۱۲درصدی نرخ محصولات انواع روغن نباتی خبر داده‌است

سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس:

بسته‌های حمایتی برای رونق بورس ارائه شود

سنا– سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی بر لزوم انجام اصلاحات اقتصادی و ارائه بسته‌های حمایتی برای رونق تولید و بازارسرمایه تاکید کرد.

مجتبی یوسفی ضمن تاکید بر اهمیت اتخاذ سیاست‌های اقتصادی پایدار و ایجاد ثبات در بازارسرمایه گفت: برای جلوگیری از تلاطم در بازارسهام باید به‌مردم پیام‌های مثبت و امیدوارکننده داده شود. سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی افزود: تصمیمات اقتصادی باید با دقت و به‌دور از اقدامات ناپایدار مانند آزادسازی و محدودکردن واردات کالاها و صادرات محصولات اتخاذ شده تا اعتماد مردم به‌بازارسرمایه حفظ شود

او در ادامه به‌مشکلات ایجاد شده برای بازارسرمایه در دوره‌های گذشته گفت: این‌وضعیت زمینه‌ساز تصویب، اصلاح و توسعه قانون تامین مالی تولید و زیرساخت‌ها شد

یوسفی با اشارهبه اینکه مجلس دوازدهم اقدامات حمایتی بیشتری را از بازارسهام مدنظر دارد یادآور شد: باید نرخ مالیات اصناف، کسبوکارهای کوچک و متوسط و شرکت‌های فعال در بازارسرمایه کاهش یافته و معافیت‌های مالیاتی به‌طور هدفمند تخصیص یابد. سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس تاکید کرد: باید برای تقویت تولید و بهبود شرایط اقتصادی بسته‌های حمایتی شامل تامین سرمایه درگردش تولید و صنعت ایجاد شود تا رشد اقتصادی و اشتغالزایی در کشور تحقق یابد.

نوبت اول

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان بوشهر

آگهی مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه)
یک مرحله‌ای (۰۴/۳۰) (تجدید مناقصه ۰۴/۲۴)

شرکت گاز استان بوشهر در نظر دارد انجام خدمات ذیل را براساس مشخصات و شرایط کلی مندرج در جدول و از طریق برگزاری مناقصه عمومی به صورت فشرده به شرکت واجد شرایط واگذار نماید.

۱	نام و نشانی مناقصه‌گزار	شرکت گاز استان بوشهر– بوشهر– فلکه قدس– بلوار رئیسعلی دلواری– نرسیده به چهارراه کشتیرانی
۲	شرح خدمات	خرید سیستم سرمایشی (کولینگ) اتاق سرور
۳	نوع مناقصه	یک مرحله‌ای
۴	مکان توزیع و تحویل اسناد	سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران)
۵	زمان دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران)	از ساعت ۰۸:۰۰ روز سه‌شنبه ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ لغایت تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنج‌شنبه ۱۴۰۴/۱۱/۳۰
۶	آخرین مهلت ارسال اسناد ارزیابی کیفی و پاکتهای پیشنهادی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران)	تا ساعت ۰۸:۰۰ روز شنبه ۱۴۰۴/۱۲/۱۶
۷	مکان تحویل ضمانت‌نامه و زمان تحویل پیشنهادها و اسناد ارزیابی کیفی	دبیرخانه کمیسیون مناقصات شرکت گاز استان بوشهر– شنبه ۱۴۰۴/۱۲/۱۶
۸	مکان و زمان گشایش پیشنهادها	سالن کنفرانس شرکت گاز استان بوشهر– یکشنبه ۱۴۰۴/۱۲/۱۷
۹	برآورد اولیه	۵۴/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۱۰	نوع و میزان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	ضمانتنامه معتبر بانکی– ۲/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۱۱	میزان پیش‌پرداخت	به میزان (بیست و پنج) ۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان
۱۲	رتبه‌بندی	گواهینامه صلاحیت از شورای عالی انفورماتیک در یکی از حوزه‌های: شبکه داده‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا خدمات پشتیبانی
۱۳	شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران)	۲۰۰۴۰۹۱۳۶۸۰۰۰۰۴۷
۱۴	قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.	
۱۵	ارائه مجوز پیاده‌سازی امنیت فیزیکی و محیط پیرامونی از مرکز مدیریت راهبردی افتا (گواهینامه افتا) الزامی می‌باشد.	

از کلیه شرکت‌ها/ پیمانکاران واجد شرایط دعوت می‌شود جهت اعلام آمادگی و شرکت در مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.SetadIran.ir اقدام نمایند تا پس از بررسی اسناد و مدارک واصله در چارچوب ضوابط و مقررات داخلی از شرکت‌های واجد شرایط جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه دعوت بعمل آید.
تلفن تماس: ۰۷۷۳۳۳۳۷۶۰۳– ۰۷۷۳۱۶۶۴۲۹۱
فکس: ۰۷۷–۳۳۳۳۰۹۶۴ شماره تاییدیه فکس: ۰۷۷–۳۱۶۶۴۱۱۵

شناسه آگهی: ۲۱۲۸۲۳۶

روابط‌عمومی شرکت گاز استان بوشهر

ضرورت شفافیت بانک مرکزی

شهرام فلاحی*

تحول شفافیت بانک‌های مرکزی داستانی است از دگرگونی آرام اما بنیادین قدرت پولی در جهان. در نیمه دوم قرن بیستم بانک‌های مرکزی بـــا دیوارهای ضخیم محرمانگی تصمیم می‌گرفتند و بازارها تنها شـــاهد خروجی نهـــایی بودند اما از دهه۱۹۹۰ به‌بعد با ظهور هدف‌گذاری تورم در نیوزیلند، اصلاحات نهادی در اروپا و بازشدن تدریجی درهای فدرال‌رزرو جهان شاهد چرخشی ساختاری شد: پول دیگر فقط با ابزارها اداره نشده بلکه با زبان نیز هدایت می‌شد. امروز شفافیت به‌عنصر مرکزی سیاست پولی تبدیل شده؛ از انتشار صورت‌جلسات و پیش‌بینی‌ها گرفته تا راهنمایی پیشرو و کنفرانس‌های مطبوعاتی که هرکدام بخشی از معماری جدید پاسخگویی هستند. با این‌حال چالش اصلی باقی است: شفافیت باید به‌اندازه باشد یعنی نه آن‌قدر کم که اعتماد را فرسوده کرده و نه آن‌قدر زیاد که سیگنال‌دهی را مخدوش کند. در جهانی که بی‌ثباتی ژئوپلیتیک و چرخه‌های تورمی بازگشتند کیفیت شفافیت مهم‌تر از کمیت آن است و اعتبار بانک مرکزی نه فقط در تصمیم‌گیری‌هایش بلکه در توانایی اش برای توضیح آن تصمیم‌ها سنجیده می‌شود.

■ تعریف شفافیت بانک مرکزی

شـــفافیت بانک مرکزی به‌مجموعه‌ای از استانداردهای ارتباطی، افشای اطلاعات و پاسخگویی نهادی گفته می‌شود که از طریق آن بانک مرکزی اهداف، راهبردها، مدل‌های تحلیلی، فرآیند تصمیم‌گیری، داده‌های مورد استفاده، ارزیابی ریسک‌ها و نتایج سیاست‌های پولی را به‌صورت منظم، قابل فهم، به‌موقع و قابل راســـتی آزمایی برای عموم، بازارهای مالی و نهادهای نظارتی منتشر می‌کند.

به بیان دقیق‌تر شفافیت بانک مرکزی یعنی اینکه:

۱.اهداف سیاست پولی روشن باشد

بانک مرکـــزی باید به‌طور صریح بیان کند که دنبال چه چیزی است:

کنترل تورم، ثبات مالی، اشتغال کامل، مدیریت نرخ ارز یا ترکیبی از این‌اهداف.

۲.مدل‌ها و مبانی تحلیلی آشکار باشد

بانک مرکزی مشـــخص می‌کند کـــه تصمیمات خود را براساس چه مدل‌های اقتصادکلان، سناریوها و پیش‌بینی‌هایی اتخاذ می‌کند.

این امر به‌بازارها امکان می‌دهد رفتار بانک مرکزی را قابل پیش‌بینی کنند.

۳. فرآیند تصمیم سازی و تصمیم‌گیری قابل رهگیری باشد

اعضای کمیته سیاست پولی، مباحثات، دلایل اختلاف‌نظر، رای‌ها و منطق پشت تصمیمات باید منتشر شود.

۴.اطلاعات به‌موقع و پیوسته ارائه شود

گزارش‌های دوره‌ای تورم، ثبات مالی، صورت‌جلســـات، داده‌های تحقیقاتی و انتشـــار پیش‌بینی‌های رسمی به‌صورت منظم و قابل اتکا باشد.

۵.پیام‌رســـانی (Forward Guidance) صریح و پایدار باشد

بازارهـــا باید بتوانند مسیر آتی سیاســـت پولی را از گفتار، سیگنال‌ها و چشم انداز رسمی بانک مرکزی استخراج کنند. این‌عنصر شـــفافیت یکی از ابزارهای اصلی سیاســـت پولی مدرن است.

۶.نتایج سیاســـت‌ها و عملکرد بانک مرکزی ارزیابی پذیر باشد

مردم و بازارها باید بتوانند بررسی کنند که سیاست‌های اتخاذ شده چه اثری داشته و آیا بانک مرکزی به‌اهداف خود رسیده است یا نه. این‌همان پاسخگویی (Accountability) است

■ چرا شفافیت بانک مرکزی مهم است؟

شفافیت، اعتماد و اعتبار بانک مرکزی را تقویت می‌کند. وقتی بازارها دقیق بدانند بانک مرکزی چگونه تصمیم می‌گیرد انتظارات تورمی تثبیت می‌شود، نااطمینانی کاهش و بازدهی سیاســـت پولی افزایش می‌یابد، رفتـــار بازارهای مالی قابل پیش‌بینی‌تر شده و هزینه‌های اقتصادی شوک‌ها کمتر می‌شود

در اقتصادهای مدرن شفافیت نه یک‌ویژگی اختیاری بلکه شرط لازم استقلال و کارآمدی بانک مرکزی است.

شـــفافیت بانک مرکزی عبارت است از افشای گسترده، زمان‌مند و قابل راســـتی‌آزمایی اطلاعـــات مربوط به‌اهداف، ابزارها، مدل‌های تحلیلی، روندهای تصمیم‌گیری و پیامدهای سیاست‌های پولی به‌گونه‌ای که رفتار بانک مرکزی برای مردم و بازارهای مالی قابل پیش‌بینی، ارزیابی‌پذیر و پاسخگو باشد. در چارچوب اقتصاد مدرن شفافیت به‌منزله ستون اعتبار بانک مرکزی عمل کرده و انتظارات تورمی را مهار می‌کند، ریسک‌های سیســـتماتیک را کاهش داده و کارآمدی سیاست پولی را در مواجهه با شوک‌های جهانی افزایش می‌دهد. شفافیت زبانی اســـت که بانک مرکزی از طریق آن با جهان مالی صحبت می‌کند و کیفیت این‌زبان کیفیت سیاست پولی را تعیین می‌کند

■ تاریخچه شفافیت بانک مرکزی در جهان

۱)پیش‌زمینه: دوران اســـرار نهادی تا پایان دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰

پیش از دهه۱۹۸۰ بسیاری از بانک‌های مرکزی خصوصا بانک‌هـــای مرکزی بزرگ ســـنت تصمیم‌گیری محرمانه و جلسات داخلی بسته را حفظ می‌کردند. افشای مباحث داخلی یا اســـتدلال‌های دقیق سیاستی نادر و ارتباط عمومی محدود به‌اعلام نرخ یا بیانیه‌های بسیار کوتاه بود. این‌رویکرد ریشه در سنت اداری قرن بیستم و نگاه به‌محرمانگی به‌عنوان تضمینی برای قدرتمندی و استقلال حرفه‌ای داشت.

۲)موج اول: هدف‌گذاری تورم و تولد شفافیت مدرن، نمونه نیوزیلند(۱۹۹۰)

نقطـــه قابل توجـــه و نمادیـــن آغاز تحول شـــفافیت تصویـــب رســـمی چارچـــوب هدف‌گـــذاری تورم توســـط Reserve Bank of New Zealand اســـت. در سال۱۹۹۰ قانون نوینی وضع شد که هدف تورم مشخص و سازوکار انتشار پیش‌بینی‌ها و گزارش‌ها را به‌صورت رسمی در هسته سیاستگذاری قرار داد. این‌گام الگویی شد برای کشورهایی که به‌دنبال قابل سنجش و قابل ردیابی‌کردن عملکرد بانک مرکزی بودند. در نتیجه انتظارات تورمی قابل تثبیت‌تر شـــد و بانک‌ها به‌تدریج اطلاع‌رســـانی منظم درباره پیش‌بینی‌ها و مدل‌ها را شروع کردند.

۳)گسترش الگو در اروپا: سوئد، بریتانیا و تکوین نهادها(اوایل تا اواخر ۱۹۹۰)

سوئد(Riks bank): ریکس بانک در سال۱۹۹۳ هدف تورم ۲درصد را اعلام کرد و از ســـال۱۹۹۵ به‌عنوان چارچوب رسمی مورد استفاده قرار گرفت. این‌اقدام شفافیت رسمی، اهداف و معیارهای سیاستی را تقویت کرد.

انگلیـــس(Bank of England): در ســـال۱۹۹۷ بانک مرکزی انگلســـتان اســـتقلال عملیاتی یافت و کمیته جدیـــدی (Monetary Policy Committee) تشکیل شـــد. همزمان ســـازوکارهای جدیدی برای انتشار تصمیمات، صورت‌جلسات و گزارش‌های تورمی شکل گرفت تا پاسخگویی و شفافیت نهادی تقویت شود. اقدام‌هایی مانند انتشار همزمان تصمیم و گزارش‌ها و بعدها انتشار متن نشست‌ها ازجمله اقدامات مهم بودند.

این‌دهه نشـــان‌دهنده انتقال از سیاست تاریک و ناشفاف به‌سیاســـت مبتنی بر هدف و گزارش است یعنی بانک‌های مرکزی پذیرفتند که انتشار اهداف و منطقی که تصمیمات بر آن مبتنی بوده خود ابزار تثبیت انتظارات است.

۴) ایالات‌متحـــده: از رازآمیزی به بازشـــدن گام‌به‌گام(اوایل ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱)

در ایالات‌متحده‌آمریکا نیز تغییرات تدریجی ولی مهمی رخ داد. اوایل دهه۱۹۹۰ فدرال‌رزرو پذیرفت که صورت‌جلسات و اســـناد تاریخی را با تاخیر زمانی در دســـترس قرار دهد. از ۱۹۹۳ به‌بعد صورت‌جلســـات در فرمت امروزی منتشر شدند و از ســـال۱۹۹۴ فرآیندی برای انتشـــار متن‌های نشست‌ها (Transcripts) با تاخیر پنج ســـاله آغاز شد؛ حرکتی که نشـــان‌دهنده تعهد به‌دسترسی تاریخی بحث‌ها بود هرچند با تاخیر برای حفاظت از فضای بحث.

ســـال۲۰۱۱ نقطه عطف دیگری بود. رییس فدرال‌رزرو، بن برنانکه شروع به‌برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی منظم پس از جلسات FOMC کرد که به‌عنوان یک‌کانال شفاف و مستقیم برای تشریح تصمیمات و افق سیاستی در نظر گرفته شـــد. این‌اقدام نشان‌دهنده روندی بود که در آن فدرال‌رزرو از رازآمیزی گذشته فاصله گرفت و ارتباط عمومی را تقویت کرد. این‌تحول در ایالات‌متحده مثال انتقال نهادی از محرمانگی محافظه کارانه به‌ارتباط فعال و تعاملی است.

۵)مفهوم‌ســـازی و اندازه‌گیری شـــفافیت: شاخص‌ها و مطالعات نظری(۲۰۰۰)

همزمـــان بـــا تغییـــر رفتـــار عمـــلی پژوهشـــگران تلاش کردنـــد شـــفافیت را کمی کنند. یکی از نخســـتین کوشـــش‌های نظام‌منـــد بـــرای طبقه‌بنـــدی شـــفافیت مطالعـــات Eijffinger & Geraats (۲۰۰۶) در پنج‌بعد ســـیاسی، اقتصادی، رویه‌ای، سیاســـتی و عملیاتی و ســـاخت یک‌شاخص سنجش بود که نشـــان داد شفافیت از اواخـــر دهه۱۹۹۰ تا اوایل۲۰۰۰ در بسیاری از بانک‌ها افزایش یافته است.

Dincer & Eichengreen(۲۰۱۳-۲۰۱۴) شاخص‌های به‌روزتر و مجموعه‌ای از شواهد را منتشر کردند که رشد پیوسته استقلال و شفافیت بانک‌های مرکزی در سطح جهانی را ثبت می‌کند. این‌مطالعات نشان می‌دهند که افزایش شفافیت با کاهش نوسان تورم و بهبود انتظارات همراه بوده است.

این کارهای آکادمیک دوپیام مهم داشت: اول اینکه شفافیت را می‌توان سنجید و مقایسه کرد و دوم اینکه روند کلی به‌سوی شفافیت بیشتر بوده است.

۶)بحران۲۰۰۸ و پساکرسی: شفافیت فعال و راهنمایی پیشرو (forward guidance)

بحران مالی جهانی(۲۰۰۷-۲۰۰۹) باعث شـــد بانک‌های مرکزی نه‌تنها در پیام‌رسانی فعلی شفاف‌تر شوند بلکه ابزارهای جدیدی ماننـــدforward guidance(راهنمایی آتی سیاستی)، انتشار جدول‌های پیش‌بینی رشد/تورم و گزارش‌های تفضیلی‌تر از عملیات تسهیل کمی(QE) را به‌کار گیرند. این‌دوره همزمان افزایش جلسات مطبوعاتی گزارش‌های کمی مفصل و شـــرح عملیات بازار را تقویت کرد تا باورپذیری سیاست‌ها و کانال‌های انتقال بهتر شود.

۷) دهه۲۰۲۰-۲۰۱۰: تنوع مدل‌های شفافیت و نقدها

در این‌دوره: بانک‌ها تنوع بیانیه‌ها، معیارها و قالب‌های انتشار را توسعه دادند(مثلا جدول پیش‌بینی‌های نرخ، نمودارهای احتمال و انتشار داده‌های خردتر).

در عین حال بحث آکادمیک و رســـانه‌ای درباره حد بهینه شفافیت داغ شد. آیا شفافیت کامل همیشه مفید است؟ آیا انتشار جزئیات بیش از حد باعث ابهام‌زدایی بازار و نوسان‌پذیری بیشتر می‌شود؟ برخی مطالعات و مقالات تحلیلی این‌دغدغه‌ها را مطرح کردند و نشان دادند که شفافیت کم‌کیفیت یا ناهماهنگ می‌تواند باعث سردرگمی شود.

۸)شـــاخص‌های کنونی و جمع‌بندی شواهد تجربی

مطالعـــات به روز(مـــثلا به روز رســـانی های Dincer & Eichengreen و پژوهش‌هـــای اخیر) نشان می‌دهد:

به‌طور کلی از دهـــه۱۹۹۰ تا به امروز یک‌حرکت همگرا به‌سمت شفافیت بیشـــتر وجود دارد. افزایش شفافیت غالبا با استقلال نهادی و نتایج مطلوب تورمی هم راستا بوده هرچند اثرات دقیق شفافیت بر متغیرهای اقتصادکلان بسته به‌ساختار نهادی کشور و کیفیت شفافیت متفاوت است.

■ آثار شفافیت بانک مرکزی

در اقتصاد امروز شـــفافیت بانک مرکزی دیگر یک‌ابزار ارتباطی جانبی نبوده به‌یک ســـازوکار اساسی برای هدایت انتظـــارات، تثبیت اقتصاد و ایجاد اعتماد در بازارهای مالی تبدیل شده است. تجربه سه‌دهه گذشته نشان می‌دهد که انتشار هدف‌ها، منطق تصمیمات و مسیر آینده سیاست پولی به‌اندازه خود نرخ بهره در کنترل تورم اهمیت دارد. شفافیت بیـــش از هر چیز انتظارات تـــورمی را منظم می‌کند. وقتی خانوارها و بنگاه‌ها بدانند بانک مرکزی به‌دنبال چه سطحی از تورم است و در چه شرایطی سیاست خود راتغییر می‌دهد تصمیمات اقتصادی‌شان کمتر هیجانی و قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود. این‌پیامد به‌بانک مرکزی اجازه می‌دهد بدون تکیه بر افزایش‌های شدید نرخ بهره تورم را مهار کند زیرا بخش مهمی از کار توسط انتظارات انجام می‌شود. کشورهای دارای شفافیت بالاتر معمولا با نوسانات تورمی کمتر و ثبات قیمتی پایدارتر روبه‌رو هستند.

در بازارهـــای مالی نیز شـــفافیت نقش کلیدی دارد. تصمیمـــات پولی زمانی کـــه پیش‌بینی‌پذیرتر باشـــند نوسان‌گیری سفته‌بازانه کاهش می‌یابد، ریسک پرمیوم پاییـــن می‌آید و هزینه تامین مالی دولت و شـــرکت‌ها کمتر می‌شود. انتشار گزارش‌های تورمی، صورت‌جلسات و سناریوهای سیاستی از ابهام‌زدایی در بازار اوراق و سهام گرفته تا کاهش نااطمینانی در معاملات نرخ بهره همگی نمونه‌هایی از این‌اثر هستند.

شفافیت معماری نهادی بانک مرکزی را تقویت می‌کند. نهادهـــایی که فرآیند تصمیم‌گیری و اســـتدلال‌های خود را آشـــکار می‌کنند از دومزیت برخوردارند: افزایش اعتبار دربرابر افکار عمومی و بازارها و دوم محافظت بیشتر در برابر فشارهای سیاسی زیرا چارچوب سیاستی آنها روشن و قابل ارزیابی است

بااین‌حال شفافیت بیش‌ازحد یا ارتباطات ناسازگار می‌تواند بازار را دچار سوءبرداشت کرده و نوسانات غیرضروری ایجاد کند. پیام اصلی اینجاست: در اقتصاد مدرن شفافیت نه یک‌ارزش تزیینی بلکه ابزاری قدرتمند است؛ ابزاری که اگر درست به‌کار گرفته شود می‌تواند تورم را آرام‌تر، بازارها را مطمئن‌تر و سیاست پولی را موثرتر کند.

■ تجـــارب بین المللـــی در زمینه شـــفافیت بانک مرکزی

در ادبیـــات اقتصـــاد پولی شـــفافیت به‌عنـــوان قابلیت مشـــاهده‌پذیری اهداف، ابزارها، فرآیندهای تصمیم‌گیری و پیامدهای سیاست پولی تعریف می‌شود. کشورها از دهه۱۹۹۰ به‌طور جدی به‌ســـمت افزایش شفافیت حرکت کردند آن‌هم عمدتا در پاسخ به‌تورم‌های بالا، ناپایداری مالی و افزایش تقاضا برای پاسخگویی نهادی. این‌حرکت جهانی سبب شکل‌گیری الگوهای متفاوتی شده که امروز از نیوزیلند تا اتحادیه اروپا و از شیلی تا هند قابل مشاهده است.

■ سیاست پیشگامان شفافیت: بلوغ چارچوب هدف‌گذاری تورم

نیوزیلند

نیوزیلند نخستین‌کشـــور جهان بود که در ســـال۱۹۹۰ چارچوب هدف‌گذاری تورم را با الزامات شفافیت قانونی تلفیق کرد. قرارداد هدف تورمی میان دولت و بانک مرکزی، انتشار پیش‌بینی‌های کمی و افشای مدل‌های اقتصادی آن را به‌الگوی جهانی تبدیل کرد. تجربه نیوزیلند اهمیت شفافیت مبتنی بر قانون را برجسته کرد.

کانادا

بانک مرکـــزی کانادا با انتشـــار گزارش‌هـــای پولی و پیش‌بینی‌های ســـناریوی پایه‌های شـــفافیت مدرن را شکل داد. تلفیق گزارش دهی منظم با نشست‌های رسانه‌ای دوره‌ای موجب شد کانادا یکی از معتبرترین بانک‌های مرکزی جهان در مدیریت انتظارات باشد.

سوئد

بانک مرکزی سوئد (Risk Bank)یکی از شفاف‌ترین نهادهای پولی جهان اســـت. انتشار صورت‌جلسات همراه با آرای اعضا و افشـــای عمومی مدل‌ها و داده‌ها میزان بالایی از پاسخگویی را تضمین کرده است. این‌کشور نشان داد که شفافیت کامل و فنی با کارایی سیاست پولی سازگار است.

■ تجربه اروپا و آمریکا: تکامل تدریجی ارتباطات پولی

بانک مرکزی اروپا (ECB)

در ابتدا چارچوبی نسبتا محافظه‌کارانه داشت اما پس‌از بحران بدهی اروپا(۲۰۱۰-۲۰۱۲) مسیر جدیدی از ECB شفافیت را آغاز کرد. انتشار صورت‌جلسات توضیح سیاست‌های غیرمتعارف و ارائه تحلیل‌های جامع اقتصادی نمونه‌ای از تطبیق شفافیت با شرایط بحران است.

فدرال‌رزرو آمریکا

فدرال‌رزرو که سال‌ها به‌بسته‌بودن مشهور بود از دهه۱۹۹۰ رویکرد خود را دگرگون کرد. امروزه شفافیت آن شامل موارد زیر است:

صورت‌جلسات(FMOC Minutes)، کنفرانس خبری رییس پس‌از هرنشست، پیش‌بینی‌های اقتصادی(SEP)، نمودار مسیر مورد انتظار نرخ بهره (Dot Plot) .

فدرال‌رزرو با این‌ساختار نشان داد که شفافیت می‌تواند ابزار مدیریت انتظارات در اقتصادهای بزرگ و پیچیده باشد.

■ اقتصادهای نوظهور: شفافیت به‌عنوان ابزار مدیریت بحران

شیلی

شیلی نمونه‌ای موفق در میان اقتصادهای نوظهور است. انتشار منظم گزارش‌های تورمی، پیش‌بینی نرخ بهره و توضیح سیاست‌های ضد شوک باعث کاهش ریسک و ارتقای اعتبار آن شده است.

برزیل

برزیل پس‌از دهه‌ها تورم بالا شفافیت را در مرکز سیاست پولی خود قرار داد. صورت‌جلسات مفصل و انتشار تحلیل‌های اقتصادی باعث شد اعتماد سرمایه‌گذاران نسبت به‌این کشور افزایش یابد.

ترکیه(نمونه عدم موفقیت)

ترکیه قوانین شفافیت را پذیرفته اما به‌دلیل مداخلات سیاسی، ضعف استقلال و ناپایداری تصمیمات شفافیت نتوانسته اثرگذار باشد. این‌تجربه نشـــان می‌دهد که شفافیت بدون استقلال ناکافی است.

■ تجربه کشورهای آسیایی: حرکت تدریجی به‌سوی شفافیت ساختاری

ژاپن

بانک مرکزی ژاپن در زمینه انتشار گزارش‌ها و تحلیل‌های سیاست پولی پیشرو بوده اما پیچیدگی برنامه‌های تسهیل کمی و سیاست کنترل منحنی بازده(YCC) باعث چالش‌هایی در انتقال پیام به‌بازارها شده است.

کره‌جنوبی

کره یکی از شـــفاف‌ترین بانک‌های مرکزی آسیاســـت. صورت‌جلســـات تفصیلی همراه با آرای فردی این‌کشـــور را به‌نمونه‌ای موفق از تلفیق شفافیت و استقلال تبدیل کرده است.

هند

هند طی دهه اخیر اصلاحات عمیقی در چارچوب سیاست پولی انجام داده اســـت. انتشار صورت‌جلسات کمیته سیاست پـــولی و گزارش‌های تورمی نقش مهمی در تثبیت اعتبار آن داشته است.

■ کشورهای نفتی: شفافیت محدود تحت سلطه سیاست ارزی

نروژ

نروژ نمونه استثنایی در میان کشورهای نفتی است. استقلال حقیقی بانک مرکزی، نظام گزارش‌دهی دقیق و صندوق ثروت ملی شفاف ساختاری کم‌نظیر ایجاد کرده است.

■ کشورهای خلیج فارس

در این‌کشورها به‌دلیل نظام ارزی ثابت و وابستگی شدید به‌دلار استقلال پولی محدود است. بنابراین شفافیت نیز بیشتر ماهیتی گزارشی دارد و کمتر شـــامل پیش‌بینی‌های کمی و صورت‌جلسات سیاستی می‌شود.

■ شـــفافیت بانک مرکزی ایران: از محرمانگی به‌پاسخگویی تدریجی

برای دهه‌ها بانک مرکزی ایران نهادی بود که پشت دیواری از محرمانگی فعالیت می‌کرد. داده‌ها با تاخیر منتشر می‌شد و سیاست پولی عمدتا ازطریق اقدامات عملی و نه ارتباط شفاف قابل فهم بود اما تورم‌های مکرر، فشارهای تحریمی و مطالبات روزافزون فعالان اقتصادی باعث شد این‌نهاد به‌سمت شفافیت تدریجی حرکت کند. در دهه۱۳۸۰ بانک مرکزی نخستین‌گام‌ها را برداشت: انتشار منظم گزارش‌های پولی و بانکی و فراهم‌کردن داده‌های نقدینگی و پایه پولی برای پژوهشگران و فعالان بازار. با این‌حال شفافیت سیاستگذاری همچنان محدود بود و اهداف تورمی، صورت‌جلسات کمیته سیاست پولی و پیش‌بینی‌ها علنی نمی‌شد. در دهه۱۳۹۰ تحت فشار بحران‌های ارزی و تورمی شاهد افزایش شفافیت عملیاتی بودیم. انتشار هفتگی نرخ سود بین بانکی، توضیح مداخلات ارزی و راه‌اندازی عملیات بازار باز از مهم‌ترین تحولات این‌دوره بود. این‌اقدامات به‌بانک مرکزی امکان داد تا بخشی از اثر سیاســـت پولی را ازطریق مدیریت انتظارات به‌دست آورد نه تنها ازطریق ابزارهای سخت افزاری مانند نرخ بهره. پس‌از تصویب قانون جدید بانک مرکزی(۱۴۰۲) شفافیت وارد بستر قانونی شد. تشکیل کمیته سیاست پولی، ارائه گزارش تورمی فصلی و سالانه به‌مجلس و برنامه‌ریزی برای انتشار پیش‌بینی‌های اقتصادی. این‌تحولات بانک مرکزی را به‌استانداردهای جهانی نزدیک‌تر کرده و امکان پاسخگویی و مدیریت بهتر انتظارات را فراهم می‌کند. با این‌حال چالش‌های مهمی باقی مانده است: نبود هدف‌گذاری تورم رسمی، عدم انتشار صورت‌جلسات کمیته سیاست پولی و محدودیت استقلال عملی. برای دستیابی به‌شفافیت واقعی ایران نیازمند ادامه اصلاحات نهادی و توسعه چارچوب‌های پیش‌بینی و ارتباطی است.

درمجموع روند شفافیت بانک مرکزی ایران هرچند آهسته از محرمانگی ساختاری به‌سمت شفافیت ساختاری و پاسخگو درحال حرکت است؛ تحولی که می‌تواند اعتماد بازارها، ثبات اقتصادی و اعتبار سیاست پولی را در بلندمدت تقویت کند.

مرور تجارب جهانی نشـــان می‌دهد که استقلال نهادی پیش‌نیاز اصلی شـــفافیت موثر است. شفافیت ابزار کلیدی در مهار انتظارات تورمی و کاهش نااطمینانی اســـت. شـــفافیت بدون پاسخگویی و انسجام سیاستی شکست‌پذیر است(نظیر تجربه ترکیه). هدف‌گذاری تورم و انتشار پیش‌بینی‌های کمی، بالاترین استاندارد شفافیت را رقم می‌زند. اقتصادهای نوظهور با شفافیت توانستند هزینه استقراض، ریسک‌پذیری و بی‌ثباتی مالی را کاهش دهند. کشورهایی که استقلال بانک مرکزی و هدف‌گذاری تورم را پذیرفتند بالاترین ســـطح شفافیت را دارند. کشـــورهای نفتی هنوز مسیر طولانی تا استانداردهای شفافیت دارند.

* پژوهشگر اقتصادی

جدول مقایسه شفافیت بانک‌های مرکزی

کشور	شفافیت کلی	هدف‌گذاری تورم؟	انتشارات صورت‌جلسات	یادداشت کوتاه
نیوزیلند	بالا	دارد	بله	پیشگام هدف‌گذاری؛ انتشار پیش‌بینی‌ها و قرارداد تورم
سوئد	بالا	دارد	بله	سطح بسیار بالا در شفافیت فنی
کانادا	بالا	دارد	بله	شفافیت بالا در پیش‌بینی‌ها
بریتانیا	بالا	دارد	بله	استقلال عملی و انتشار دقیق MPC و کنفرانس خبری رییس
آمریکا	بالا	ضمنی(بالا)	بالا	شفافیت کامل
نروژ	بالا	دارد	بله	ساختار شفاف نهادینه
سوئیس	بالا	جزئی	جزئی	شفافیت آماری بالا
استرالیا	بالا	دارد	بله	انتشارگزارش‌ها و RBA صورت‌جلسات تحلیلی
شیلی	بالا	دارد	بله	نمونه موفق اقتصاد نوظهور در استفاده از گزارش‌های تورمی
برزیل	بالا	دارد	بله	شفافیت نقش مهمی در مهار تورم داشته است
جمهوری چک	متوسط رو به‌بالا	دارد	بله	تجربه اروپایی با انتشار پیش‌بینی و گزارش‌های فصلی
لهستان	متوسط رو به‌بالا	دارد	بله	شفافیت افزایشی؛ گزارش‌دهی منظم و تعامل با بازار
مجارستان	متوسط	دارد	بله	اصلاحات در دهه‌های اخیر اما نوسانات سیاسی اثرگذار
اسرائیل	متوسط رو به‌بالا	دارد	بله	انتشار گزارش‌های تحلیلی و برخی صورت‌جلسات
کره جنوبی	متوسط رو به‌بالا	دارد	بله	انتشار صورت‌جلسات همراه با آرای؛ شفافیت در آسیا پیشرو
ژاپن	متوسط	جزئی	جزئی	گزارش‌های مفصل ولی پیچیدگی سیاست‌های QE
مکزیک	متوسط	دارد	جزئی	بانک مرکزی مستقل و انتشار پیش‌بینی‌ها؛ روند روبه‌بهبود
هند	متوسط	دارد	جزئی	هدف‌گذاری انعطاف‌پذیر؛ انتشار صورت‌جلسات و گزارش‌ها
اندونزی	متوسط	جزئی	جزئی	شفافیت افزایشی اما استقلال تاریخی محدود است
آفریقای‌جنوبی	متوسط	دارد	جزئی	گزارش‌های منظم دارد اما چالش‌های اقتصادی اثرگذارند
ترکیه	کم به‌سمت متوسط	جزئی	جزئی	قوانین شفافیت دارد اما استقلال ضعیف است
روسیه	کم	ندارد	جزئی	شفافیت پایین؛ محدودیت در انتشار پیش‌بینی‌ها و صورتجلسات
چین	کم	ندارد(مدیریت شده)	ندارد	سیاستگذاری با الویت‌های دولتی ؛ شفافیت محدود
عربستان سعودی	کم	ندارد	ندارد	کشورهای نفتی منطقه معمولا شفافیت سیاستی محدودی دارند
امارات‌متحده	کم	ندارد	ندارد	به دلیل پیوندهای ارزی و ماهیت سیاستگذاری شفافیت سیاستی پایین است
قطر	کم	ندارد	ندارد	گزارش دهی آماری است اما شفافیت سیاستگذاری محدود
آرژانتین	کم	ندارد	جزئی	نوسانات ارزی و تورمی و مداخلات سیاسی شفافیت راتضعیف کرده است
مصر	کم به‌سمت متوسط	جزئی	جزئی	اصلاحات آماری و گزارش‌دهی طی دهه اخیر اما شفافیت سیاستی محدود است
ایران	آماری؛ متوسط- سیاستی؛ کم	جزئی/درحال توسعه	جزئی	شفافیت آماری بهبود یافته و هدف‌گذاری رسمی ناقص است
فیلیپین	متوسط	جزئی	جزئی	شفافیت درحال تقویت؛ گزارش‌های فصلی و بیانیه‌ها موجود است

منبع: مجموع مطالعات و داده‌های Dincer- Eichengreen- Geraats و بانک‌های مرکزی

نوبت‌دوم

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان همدان (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی

مناقصه شماره ۴۷ -۱۴۰۴ - مناقصه عمومی (دومرحله‌ای)

موضوع مناقصه: خرید یک دستگاه مولد برق گازوئیل‌سوز با مشخصات زیر:

ITEM NO	DESCRIPTION	QTY TOTAL	VALUE
01	مولد برق با قدرت نامی 220 KVA دیزلی برای کارکرد اضطراری (طبق مشخصات فنی پیوست در کتابچه پیمان)	01	
	جمع کل	01	
	برنامه زمانبندی تحویل کالا	۱ دستگاه موتور برق باید طی مدت زمان ۴۵ روز تحویل گردد.	

۱- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (یک میلیارد و ششصد میلیون) ریال می‌باشد.
۲- شرکت‌کنندگان باید عضو سامانه توانیران باشند.
۳- مدت اجرای پروژه ٤٥ روز می‌باشد.
٤- متقاضیان باید عضو سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ایران به آدرس www.setadiran.ir باشند.
۵- قیمت متناسب پیشنهاددهندگان بر اساس دستورالعمل ارزیابی مالی و قیمت متناسب صنعت نفت (فرآیند دامنه قیمت)، تعیین می‌گردد.
۶- ضرورت دارد که **ضمانت‌نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار از آخرین مهلت پیشنهاد قیمت توسط مناقصه‌گران (به تاریخ ۱٤۰٤/۱۲/۱۸) به مدت سه ماه (تا تاریخ ۱٤۰۵/۰۳/۱۸) اعتبار داشته باشد.**
۷- کلیه مدارک و اسناد فنی (پاکت ب)، صرفا در قالب یک فایل پی‌دی‌اف (PDF) بارگزاری گردد.
۸- مناقصه‌گران در صورت مشاهده هرگونه ابهام و نقص احتمالی در اسناد مناقصه، باید حداقل تا 5 روز قبل از پایان مهلت بارگزاری اسناد مناقصه و پیشنهاد قیمت، مراتب را بصورت کتبی و رسمی به مناقصه‌گزار اعلام نمایند تا در فرصت باقیمانده، ابهام/ نقص احتمالی مرتفع گردیده و برای کلیه مناقصه‌گران اطلاع‌رسانی گردد.

مهلت، زمان و محل دریافت اسناد مناقصه توسط مناقصه‌گران:
حداکثر تا ساعت ۱۹/۰۰ روز شنبه به تاریخ ۱٤۰٤/۱۲/۰۲ از سامانه تدارکاتی الکترونیکی دولت (ستاد) ایران به آدرس www.setadiran.ir

مهلت، زمان و محل بارگزاری اسناد مناقصه و قیمتهای پیشنهادی توسط مناقصه‌گران:
حداکثر تا ساعت ۰۹/۰۰ صبح روز دوشنبه به تاریخ ۱٤۰٤/۱۲/۱۸ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ایران خواهد بود. www.setadiran.ir

زمان و محل برگزاری جلسه مشاهده و بازگشایی قیمتهای پیشنهادی مناقصه‌گران:
همدان، میدان شیرسنگی، ساختمان سردار شهیدعلی چیت‌سازیان، سالن کنفرانس شماره یک- ساعت ۰۹/۰۰ روز سه‌شنبه به تاریخ ۱٤۰٤/۱۲/۱۹ می‌باشد.

نشانی محل و کدپستی مناقصه‌گزار:
همدان، میدان شیرسنگی، ساختمان سردار شهید علی چیت‌سازیان شرکت گاز استان همدان- کدپستی ۶۵۱۵۷۸۶۵۷۶
تلفن: ٤- ۳۸۲۶۰۵۷۱، ۸-۳۸۲۶۱۰۷۵، دورنویس: ۳۸۲۵۶۲۰۷ = ۰۸۱
آدرس اینترنتی: WWW.nigc-hm.ir

شناسه آگهی: ۲۱۲۳۳۱۷- م الف ۴۰۶۴

«جهان‌صنعت» از ضعف‌های اجرایی در نحوه تخصیص یارانه گزارش می‌دهد

بازار سیاه کالابرگ!

«**جهان صنعت**»- درعصر دیجیتال ابزارهای اقتصادی قرار بود نه‌تنها سرعت توزیع یارانه را افزایش دهند بلکه عدالت اجتماعی را نیز تضمین کنند. کالابرگ به‌عنوان نمونه‌ای از این ابزارها با وعده شفافیت، دسترسی یکسان و کارآمدی اجرایی طراحی شد اما واقعیت تجربه شده در کشور نشان می‌دهد که فناوری به‌کاررفته در این سیستم‌ها نه‌تنها از تحقق این وعده‌ها بازمانده بلکه به‌شکل غیرمستقیم شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی را عمیق‌تر کرده است. وقتی قرار است شهروندان بتوانند کالاهای اساسی را از بسیاری از فروشگاه‌ها یا حتی با چند کلیک از فروشگاه‌های آنلاین خریداری کنند اما درعمل در لحظه ورود به‌برخی پلتفرم‌ها قابلیت استفاده از کالابرگ غیرفعال است یا برخی فروشگاه‌ها اعلام می‌کنند که سیستم اتصال به‌سامانه تخصیص یارانه قطع بوده این وضعیت نشانه‌ای روشن از فقدان عدالت و شفافیت در طراحی و پیاده‌سازی سیستم است. این‌محدودیت‌های فناوری پیامدهای گسترده‌ای دارند. وقتی زیرساخت‌های دیجیتال نتوانند جریان کالابرگ‌ها را به‌صورت یکپارچه ثبت و رصد کنند طبیعی است که این ابزار به‌کالایی قابل خریدوفروش در بازار سیاه تبدیل شود. بدین‌ترتیب ابزاری که قرار بود اعتماد عمومی را افزایش دهد و امنیت اقتصادی را تضمین کند خود تبدیل به‌منبع نابرابری و بی‌اعتمادی شده است. درمیان فروشگاه‌های زنجیره‌ای آنهایی که دسترسی به‌شبکه دولتی یارانه را دارند از مزیت قابل توجهی برخوردار می‌شوند درحالی‌که بخش گسترده‌ای از فروشگاه‌ها امکان اتصال پایدار به‌سامانه تخصیص یارانه را ندارند و دست‌برقضا این همان فروشگاه‌هایی هستند که مردم اقبال بیشتری به‌آنها نشان می‌دهند. این تبعیض تکنولوژیک پیامد مستقیم ضعف طراحی و عدم شفافیت است.

ازسوی‌دیگر یکی از مشکلات بنیادی فقدان زیرساخت‌های نظارتی و رصد دیجیتال شفاف است. سیستم‌های توزیع کالابرگ اغلب فاقد داشبوردهای عمومی، گزارش‌گیری دقیق و امکان نظارت مستقل هستند. بدون این قابلیت‌ها امکان پیگیری تخصیص منابع و بررسی عدالت در اجرا برای شهروندان وجود ندارد و درعین‌حال سیاستگذاران نیز نمی‌توانند پاسخگویی کامل داشته باشند. این‌کمبود بستر مناسبی برای تفسیرهای گزینشی و اجرای سلیقه‌ای سیاست فراهم می‌کند و باعث می‌شود آنچه قرار بود یک‌ابزار عدالت اجتماعی باشد به‌نمادی از ناکارآمدی تبدیل شود. ابعاد فناوری محدودیت‌ها تنها به‌دسترسی‌های نابرابر محدود نمی‌شود. بخش خصوصی نیز با چالش‌های جدی مواجه است. وقتی برخی فروشگاه‌های خصوصی نمی‌توانند به‌شکل پایدار به‌سیستم اتصال به‌کالابرگ‌ها دسترسی کامل داشته باشند انگیزه برای سرمایه‌گذاری و توسعه نوآوری در این بخش کاهش می‌یابد. رقابت بازار به‌شدت آسیب می‌بیند و پیامد اجتماعی آن افزایش احساس محرومیت و بی‌عدالتی درمیان مردم است. درنهایت چنین شکافی میان دسترسی‌های دیجیتال، پیامدهای مستقیم اقتصادی و اجتماعی برجای می‌گذارد که فراتر از یک نقص نرم‌افزاری است.

ازطرفی یک‌مساله کلیدی دیگر نبود داده‌های تحلیلی و ابزارهای هوشمند برای مدیریت جریان کالابرگ‌ها است. در طراحی مدرن چنین سیستم‌هایی داده‌ها باید امکان پایش رفتار مصرف‌کننده، الگوهای خرید و نیازهای واقعی خانوار را فراهم کنند تا تخصیص منابع بهینه باشد اما وقتی داده‌ها ناقص، پراکنده یا دیر به‌روز می‌شوند، تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد غیرممکن است و سیاست‌ها به‌شکل آزمون‌وخطا اجرا می‌شوند. پیامد آن تخصیص نابرابر منابع و اتلاف بودجه عمومی است. بودجه‌ای که می‌توانست رفاه واقعی مردم را افزایش دهد اکنون در چرخه‌ای ناکارآمد میان توزیع موقت، بازار غیررسمی و عدم شفافیت گرفتار شده است

ضعف امنیت سایبری نیز یکی از خطرات مهم است که اغلب نادیده گرفته می‌شود. هر سیستم دیجیتال که فاقد پروتکل‌های امنیتی پیشرفته باشد در معرض هک، جعل و سوءاستفاده قرار دارد. وقتی دسترسی‌ها به‌صورت انتخابی باز یا بسته می‌شوند و شفافیت اجرای سیستم محدود است احتمال سوءاستفاده و معاملات غیررسمی افزایش می‌یابد. فناوری بدون امنیت و شفافیت نه تنها عدالت اجتماعی را تامین نکرده بلکه امکان رانت و تخلف را نیز تقویت می‌کند. در این شرایط کالابرگ به‌جای تسهیل دسترسی خود به‌عنصری از بی‌اعتمادی و نابرابری تبدیل می‌شود. یکی دیگر از نقاط ضعف اساسی که باید به‌آن اشاره کرد فقدان یکپارچگی و همسویی سیستم‌های دولتی و خصوصی است. اجرای موفق کالابرگ نیازمند هماهنگی کامل میان بانک‌ها، پلتفرم‌های فروشگاهی، شبکه‌های توزیع و زیرساخت‌های دیجیتال است. وقتی بخش خصوصی به‌دلیل محدودیت‌های دسترسی یا مشکلات فنی قادر به‌شرکت در سیستم نیست ظرفیت بازار به‌شدت محدود می‌شود و تنها شبکه‌های دولتی و شبه‌دولتی از ابزار حمایتی بهره‌مند می‌شوند. مشکل بعدی فقدان مکانیسم بازخورد و پاسخگویی دیجیتال است. سیستم‌های مدرن توزیع باید بتوانند شکایات، گزارش‌های نادرستی تخصیص و مشکلات فنی را به‌سرعت دریافت و پردازش کنند اما در سیستم فعلی چنین سازوکاری یا وجود ندارد یا ناکارآمد است. درنتیجه کاربران در مواجهه با مشکلات دسترسی هیچ امکان قانونی یا فنی برای پیگیری یا اصلاح ندارند. این کمبود تجربه کاربری ضعیف و کاهش اعتماد عمومی را به‌همراه دارد و سرمایه اجتماعی را تحلیل می‌برد.

از بعد اجتماعی پیامدهای این ناکارآمدی‌ها بسیار جدی هستند. وقتی شهروندان حس کنند سیاست‌های حمایتی نه بر اساس نیاز واقعی و عدالت بلکه براساس دسترسی گزینشی و ضعف فناوری اجرا می‌شوند خستگی و بی‌اعتمادی جمعی شکل می‌گیرد. این بی‌اعتمادی سرمایه اجتماعی را فرسوده می‌کند و توانایی دولت برای اجرای سیاست‌های بعدی را کاهش می‌دهد. ابزارهای حمایتی دیجیتال که قرار بود اعتماد عمومی را افزایش دهند به‌دلیل ضعف شفافیت، امنیت و دسترسی یکسان به‌عامل فرسایش اعتماد بدل شدند. یکی دیگر از ابعاد کلیدی فقدان داده‌محوری و هوشمندی در تصمیم‌گیری است. سیستم‌های مدرن توزیع باید بتوانند الگوهای تقاضا، تغییرات قیمت و رفتار مصرف‌کننده را تحلیل و تخصیص منابع را بهینه کنند اما درغیاب تحلیل داده تخصیص کالابرگ به‌شکل دستوری و غیرهوشمند انجام می‌شود و اغلب با نیاز واقعی مردم همخوانی ندارد. بنابراین تجربه کالابرگ نشان می‌دهد که ابزارهای دیجیتال بدون طراحی مناسب، زیرساخت قوی و شفافیت کافی می‌توانند به‌جای حل مشکل خود مشکل‌ساز شوند. توزیع کالابرگ باید با فناوری هوشمند، امن، داده‌محور و پاسخگو همراه شود تا عدالت اجتماعی و دسترسی یکسان تضمین شود. درغیراین‌صورت سرمایه اجتماعی فرسوده شده و چرخه‌ای معیوب میان وعده‌های حمایتی، بازار غیررسمی و بی‌اعتمادی شکل می‌گیرد. فناوری وقتی با سیاست‌های حمایتی ترکیب می‌شود باید فراتر از صرفا مدیریت مالی و اجرای عملیات باشد. طراحی سیستم باید امکان پایش، شفافیت، امنیت و پاسخگویی را فراهم کند تا منابع به‌درستی تخصیص یابند و اعتماد عمومی حفظ شود. بدون این الزامات ابزارهای حمایتی مانند کالابرگ حتی اگر نیت خیرخواهانه‌ای داشته باشند در ذهن مردم به‌نشانه‌ای از ناکارآمدی و تبعیض تبدیل می‌شوند. دولت‌ها باید پیش‌از هرچیز زیرساخت‌های فناوری خود را تقویت کرده، مکانیسم‌های نظارت و بازخورد را ایجاد و سیستم‌های توزیع را به‌صورت داده‌محور و هوشمند طراحی کنند تا عدالت واقعی محقق شود. بدون چنین اصلاحات بنیادینی حتی بهترین ابزارهای دیجیتال نیز قادر نخواهند بود اعتماد عمومی را بازسازی کرده و اهداف سیاست حمایتی را محقق کنند.

خبر

روسیه روزانه ۶۴۸میلیون‌دلار رمزارز معامله می‌کنند

ایسنا- وزارت دارایی روسیه اعلام کرد که شهروندان این‌کشور روزانه حدود ۶۴۸میلیون‌دلار در بازار رمزارزها معامله می‌کنند.

ایوان چیسکوف گفت که استفاده از رمزارز در روسیه همچنان درحال رشد است و میلیون‌هانفر در تجارت رمزارز مشارکت دارند. این شامل خریدها و پس‌اندازهایی به‌ارزش تریلیون‌هاروبل می‌شود. حجم معاملات در روسیه بر مبنای سالانه بیش از ۱۳۰میلیارددلار است و تمام این فعالیت‌ها در حال حاضر در فضاهای غیررسمی و خارج از کنترل ما انجام می‌شود. مسکو قصد دارد در سال جاری قوانین مربوط به‌رمزارزها را سریع‌تر تصویب کند زیرا اندازه مشتقات رمزارزی و سایر ابزارهای مالی مبتنی بر بلاک‌چین در روسیه از مرز ۱۳میلیارددلار عبور کرده است. ولادیمیر چیستیوخین، معاون اول بانک مرکزی روسیه هم اظهار کرد پیش‌بینی می‌شود که قانونگذاران در جلسه بهار دومای دولتی قوانین جدید بازار رمزارزها را تصویب کنند. او افزود که اکنون دولت و بانک مرکزی از این مقررات حمایت می‌کنند و برای فعالان بازار دوره انتقالی فراهم خواهد شد تا مجوزهای لازم را دریافت کرده اسناد داخلی مورد نیاز را آماده و این بخش از بازارهای مالی را قانونی کنند. وزارت دارایی روسیه اعلام کرد که محاسبات خود را با استفاده از پلتفرم بلاک‌چین شفاف سازمان مبارزه با پولشویی «روس‌فین‌مانیتورینگ» انجام داده است.

رنگ‌پاشی اپل به‌مک‌بوک‌های جدید

بلومبرگ- شرکت اپل احتمالا رنگ‌های متنوعی به‌مک‌بوک اقتصادی آینده خود اضافه خواهد کرد و آنها را در رنگ‌بندی بی‌سابقه‌ای عرضه خواهد کرد. بنابراین شاید سخت‌ترین کار برای انتخاب مک‌بوک بعدی شما انتخاب رنگ آن باشد. به‌گفته مارک گورمن، افشاگر محصولات اپل این شرکت رنگ‌هایی ازجمله زرد روشن، سبز روشن، آبی و صورتی را برای مک‌بوک سطح پایه بعدی خود که برای دانشجویان و کاربران سازمانی در نظر گرفته شده آزمایش کرده است. او می‌گوید اپل فراتر از رنگ‌های پرجنب‌وجوش‌تر رنگ‌های کلاسیک نقره‌ای و خاکستری تیره خود را نیز برای لپ‌تاپ ارزان‌تر خود آزمایش کرده است. او افزود که همه این شش‌رنگ به‌محصول نهایی راه پیدا نخواهند کرد اما اپل اخیرا نشان داده که از انتخاب گزینه‌های پرزرق‌وبرق‌تر نمی‌ترسد. اپل آی‌مک را در سال۲۰۲۴ با مجموع هفت‌رنگ به‌روزرسانی و گزینه خاکستری فضایی را برای جدیدترین «مک‌بوک ایر» با آبی آسمانی جایگزین کرد. گذشته از انتخاب رنگ آخرین شایعات حاکی از آن است که مک‌بوک آینده قیمتی بین ۶۹۹تا۷۹۹دلار خواهد داشت. برای دستیابی به‌این قیمت پایین‌تر انتظار می‌رود اپل تراشه‌های طراحی‌شده برای آیفون‌ها مانند A۱۸Pro را که برای اولین‌بار در «آیفون ۱۶ پرومکس» دیدیم به‌این دستگاه‌ها منتقل کند. پیش‌بینی می‌شود که اپل درمورد مشخصات پورت‌ها یا حتی نمایشگر مصالحه خواهد کرد اما گورمن گزارش داد که این شرکت در مورد پوسته یا قاب خساست به‌خرج نخواهد داد. به‌گفته گورمن، اپل به‌جای انتخاب مواد ارزان‌تری مانند پلاستیک برای کاهش هزینه‌ها از یک فرآیند تولید جدید برای ساخت پوسته‌های آلومینیومی برای مک‌بوک مقرون‌به‌صرفه استفاده خواهد کرد.

«چت‌جی‌پی‌تی» در هند ۱۰۰میلیون کاربر هفتگی دارد

تک کرانچ- هند رکورد قابل‌توجهی را در استفاده از چت‌جی‌پی‌تی ثبت کرده است

سم آلتمن، مدیرعامل شرکت «اوپن‌ای‌آی» پیش از برگزاری اجلاس هوش‌مصنوعی گفت: هند ۱۰۰میلیون کاربر فعال هفتگی در چت‌جی‌پی‌تی دارد که این کشور را به‌یکی از بزرگ‌ترین بازارهای جهانی اوپن‌ای‌آی تبدیل می‌کند. آلتمن روز یکشنبه در مقاله‌ای که در روزنامه «تایمز آو ایندیا» منتشر شد به‌گسترش پذیرش چت‌جی‌پی‌تی در هند اشاره کرد. این در حالی است که اوپن‌ای‌آی خود را برای شرکت رسمی در اجلاس پنج‌روزه تاثیر هوش‌مصنوعی در دهلی نو که از روز دوشنبه آغاز می‌شود آماده می‌کند. آلتمن درکنار مدیران ارشد چندین شرکت پیشرو حوزه هوش‌مصنوعی جهان در این رویداد شرکت خواهد کرد. این رشد آمار کاربران درحالی رخ می‌دهد که اوپن‌ای‌آی مانند سایر شرکت‌های پیشرو در زمینه هوش‌مصنوعی به‌جمعیت جوان هند و بیش‌از یک‌میلیارد کاربر اینترنت آن برای توسعه جهانی چشم دوخته است. شرکت سازنده چت‌جی‌پی‌تی پس‌از ماه‌ها کار مقدماتی در این کشور در آگوست۲۰۲۵ دفتری را در دهلی نو افتتاح کرد و به‌تنظیم رویکرد خود برای بازار حساس به‌قیمت هند پرداخت؛ ازجمله راه‌اندازی یک‌سطح جدید به‌نام «چت‌جی‌پی‌تی گو» با قیمت زیر ۵دلار که بعدا به‌مدت یک‌سال برای کاربران هندی رایگان شد. آلتمن گفت که هند پس‌از آمریکا دومین پایگاه بزرگ کاربران چت‌جی‌پی‌تی است و این‌موضوع اهمیت روزافزون این کشور آسیای جنوبی را در راهبرد جهانی اوپن‌ای‌آی برجسته می‌کند. این‌افشاگری درحالی صورت می‌گیرد که استفاده کلی از چت‌جی‌پی‌تی در سراسر جهان افزایش یافته و این پلتفرم تا اکتبر۲۰۲۵ به‌۸۰۰میلیون کاربر فعال هفتگی رسیده و گزارش شده که به‌۹۰۰میلیون‌نفر نزدیک می‌شود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۵۵۰۱۴۵۱۳ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۱۵ هیات اول موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نظرآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجید مرادی فرزند علیرضا به شماره شناسنامه ۲۰۶۸ صادره از تهران مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ (بدون درج اعیان ساختمان) به مساحت ۷۸۶/۷۸ مترمربع از پلاک ثبتی ۹۸ اصلی از مالکیت آقای علی آزادفلاح برابر سند رسمی به شماره ۱۸۹۳ مورخ ۱۳۵۰/۰۷/۰۱ دفتر ۲۵ کرج (سهم فاطمه آزادفلاح‌احدی از ورثه) واقع در روستای ابراهیم‌بیگی واقع در بخش حوزه ثبت ملک نظرآباد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳

مهدی خان‌آشنا- رئیس ثبت اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۱۲۸۱۸۵- م‌الف ۲۴۵۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۵۵۰۱۴۵۱۶ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۱۵ هیات اول موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نظرآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجید مرادی فرزند علیرضا به شماره شناسنامه ۲۰۶۸ صادره از تهران مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ (بدون درج اعیان ساختمان) به مساحت ۱۰۸۵/۱۷ مترمربع از پلاک ثبتی ۹۷ اصلی از مالکیت آقای سرحد نخبه‌دهقان برابر سند به شماره ۶۶۹۲۹ مورخ ۱۳۷۳/۱۰/۰۸ دفترخانه ۹ کرج واقع در انبارتپه بخش حوزه ثبت ملک نظرآباد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳

مهدی خان‌آشنا- رئیس ثبت اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۱۲۸۱۷۴- م‌الف ۲۴۵۸

آگهی مزایده اموال منقول (موتورسیکلت)

به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۱۴۰۴۰۰۷۲۹ متعهد (مورث متعهد): بهرام مهربان‌مکوندی نام پدر: حیدر تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱۱/۱۲ شماره ملی: ۱۹۷۱۸۵۶۰۷۱ و (ورثه زوج): زهرا شبانپور نام پدر: حسین تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۶/۲۵ شماره ملی: ۱۱۹۹۳۵۰۷۶۱ شماره شناسنامه: ۳۱۹ و خانم شکوفه مهربان‌مکوندی نام پدر: بهرام تاریخ تولد: ۱۳۷۴/۰۵/۳۰ شماره ملی: ۱۷۴۱۹۹۷۸۲۸ شماره شناسنامه: ۱۷۴۱۹۹۷۸۲۸ متعهدله (زوجه): زهرا شبانپور

یک دستگاه موتورسیکلت تیز کار پلاک انتظامی ۸۵۱-۸۴۲۳۵ مدل ۱۳۸۸ مشکی رنگ دارای شماره شاسی ۸۸۰۹۴۳۴ شماره موتور ۰۲۰۰۹۱۰۴۹۹۳ وضعیت ظاهری موتورسیکلت: (موتور دارای پلاک مشخصات شماره موتور و شماره شاسی مطابق اسناد و املاک بوده و کلیه قطعات ظاهری و بدنه کاملا صحیح و سالم بودند و همچنین کارایی لاستیک محورهای جلو و عقب حدودا ٪۸۰ بوده و خودرو نزد امین اموال آقای بهمن مهربان به کدملی ۱۹۱۱۴۷۴۳۴۰ و تلفن همراه ۰۹۰۲۵۸۴۶۳۲۰ تحویل گردید که طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سیصد و پنجاه میلیون ریال) ارزیابی شده و قطعیت یافته است.

خودروی مزبور از ساعت ۹ الی ۱۲ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۲ (دوازدهم اسفندماه یکهزار و چهارصد و چهار) واقع در اهواز بلوار دعبل خزاعی- پشت مجتمع قضایی شهید باهنر- انتهای بلوار دماوند اداره ثبت اسناد و املاک، اداره اجرای اسناد رسمی اهواز از طریق مزایده به فروش می‌رسد. مزایده از مبلغ پایه ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می‌شود لازم به ذکر است پرداخت بدهی‌ها و هزینه‌های قانونی مربوط به مال مورد مزایده در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیم‌عشر و حق مزایده نقدا وصول می‌گردد. همچنین شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است و مابقی مبلغ را می‌بایست ظرف مهلت ۵ روز پس از مزایده به حساب سپرده ثبت واریز نماید. در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش به حساب سپرده واریز نگردد مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت نیز عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می‌گردد. ضمنا چنانچه روز مزایده مصادف با تعطیل رسمی گردد روز اداری بعد از تعطیلی، مزایده برگزار می‌گردد.

تاریخ انتشار آگهی: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

شناسه آگهی: ۲۱۲۹۸۹۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۵۵۰۱۴۲۴۱ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نظرآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد سخراوی فرزند قاسم به شماره شناسنامه ۱۵۴۶ مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ (بدون درج اعیان ساختمان) به مساحت ۱۱۲۸ مترمربع از باقیمانده پلاک ۹۸ اصلی از مالکیت آقای موسی ازادفلاح برابر با سند شماره ۶۴۳۹۶ مورخه ۱۳۷۲/۱۰/۱۳ دفترخانه ۹ کرج واقع در روستای ابراهیم‌بیگی بخش حوزه ثبت ملک نظرآباد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳

مهدی خان‌آشنا- رئیس ثبت اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۱۲۸۱۸۹- م‌الف ۲۴۶۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۵۵۰۱۴۵۱۲ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۱۵ هیات اول موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نظرآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجید مرادی فرزند علیرضا به شماره شناسنامه ۲۰۶۸ صادره از تهران مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ (بدون درج اعیان ساختمان) به مساحت ۶۸۱/۴۲ مترمربع از پلاک ثبتی ۹۸ اصلی از مالکیت آقای صفر اینانلو یغمورلو برابر سند شماره ۱۹۰۲ مورخ ۱۳۵۰/۰۷/۰۱ دفترخانه ۲۵ کرج واقع در روستای ابراهیم‌بیگی بخش حوزه ثبت ملک نظرآباد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳

مهدی خان‌آشنا- رئیس ثبت اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۱۲۸۱۸۸ - م‌الف ۲۴۶۰

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری رانا TU5 مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ۷۲۸ص۶۴ ایران ۹۶ به شماره موتور ۱۶۳B۰۲۲۹۶۴۰ و شماره شاسی NAAU۰۱FE۱GT۱۳۹۵۳۴ مفقود گردیده و از اعتبار ساقط می‌باشد.

شاهرود

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۰۶۰۲۶۹۲۴ مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۲۲ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک آستانه، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی‌رضا اعلائی‌آستانه فرزند عباس بشماره شناسنامه ۵۸۷۶ صادره از آستانه اشرفیه آقای مهدی غیاسوند فرزند عظیم (مشاعا بالسویه) در ششدانگ یک قطعه زمین باغ بادام‌کاری محصور به مساحت ۲۳۸/۲۸ مترمربع به شماره پلاک ۸۴۳ فرعی از ۹۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک یک فرعی از ۹۳ اصلی واقع در قریه اسطلخ بیجار بخش ۱۴ گیلان مورد خریداری از مالک رسمی آقای محمدرضا رحمتی (زارع صاحب نسق) بصورت مع‌الواسطه محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳

رئیس ثبت اسناد و املاک- مهدی مرادی
م‌الف ۷۱۳ - شناسه آگهی: ۲۱۲۶۱۸۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۰۶۰۲۷۴۵۶ مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۳۰ هیات اول موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک آستانه، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه حیدرنیای‌چهارده فرزند سیاوش بشماره شناسنامه ۵۴۱۲ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر انباری به مساحت ۴۴۷/۵۷ مترمربع به شماره پلاک ۶۴۸ فرعی از ۸۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۷۴ و غیره فرعی از ۸۹ اصلی واقع در چهارده بخش ۱۴ گیلان مورد خریداری از مالک رسمی آقای غلامرضا مسافر (زارع صاحب نسق) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳

رئیس ثبت اسناد و املاک- مهدی مرادی
م‌الف ۷۲۲ - شناسه آگهی: ۲۱۲۸۰۶۱

بازتاب

خبر

قائم‌مقام وزیر صمت:

تداوم فعالیت بنگاه‌ها ضروری است

مهر– قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجـــارت در امور بازرگانی با بیان اینکه باید چرخه تولید را به هر شکل ممکن فعال نگه داشت، گفت که تداوم اشتغال در بخش تولید از همه موارد مهم‌تر است. محمدصادق مفتح اعلام کرد: کشور با چالش‌های گسترده در حوزه بـــرق و حامل‌های انرژی به‌ویژه گاز مواجه اســـت اما با برنامه‌ریزی فشـــرده و اولویت‌بندی دقیق می‌توان شـــرایط سال آینده را مدیریت کرد. وی تاکید کرد: حفظ اشتغال حتی از تولید اهمیت بیشتری دارد و تداوم فعالیت بنگاه‌ها حتی با ظرفیت کمتر ضروری است تا از موج بیکاری و خسارات جبران‌ناپذیر جلوگیری شود. مفتح با دعوت از تشکل‌های تخصصی و بخش‌خصوصی برای ارائه پیشنهادهای مشخص گفت: تصمیم‌گیری در ستاد اقتصادی دولت– شامل وزارتخانه‌های مرتبط و بانک مرکزی– می‌تواند دقیق‌تر و کم‌هزینه‌تر شود و مشارکت فعالان اقتصادی ضریب خطا را کاهش می‌دهد. وی همچنین به ضرورت سیاستگذاری متفاوت برای بخش‌های مختلف مانند فولاد و ذوب‌آهن اشاره کرد و افزود: بورس کالا به‌عنوان ســـازوکار شفاف‌سازی و کاهش رانت در تامین مواد اولیه فعال اما لازم است تجربه آن به‌دقت ارزیابی و در صورت موفقیت به ســـایر بخش‌ها تعمیم یابد. قائم‌مقام وزیر صمت تاکید کرد: پیشکسوتان و فعالان اقتصادی با ارائه دیدگاه‌ها و پیشنهادهای کارشناسی می‌توانند نقش موثری در سیاستگذاری‌ها و کاهش آسیب‌های احتمالی سال آینده داشته باشند.

افت ۱۰درصدی تولید خودرو

ایلنا– دبیر انجمن خودروسازان ایران با اشاره به سال پر فراز و نشیب صنعت خودرو از مشکلات این عرصه صحبت و در عین حال عملکرد شرکت سایپا به‌ویژه در دوره مدیریت جدید را قابل دفاع ارزیابی کرد. احمد نعمت‌بخش درخصوص وضعیت صنعت خودروسازی کشور در سال۱۴۰۴ با وجود مشکلات و موانع فراوان اظهار کرد: سال‌جاری برای صنعت خودرو سالی همراه با فشارها و محدودیت‌های جدی بود. موضوع تامین ارز، روندهای اداری و بحث قیمت‌گذاری از جمله مســـائلی بودند که بر تولید اثر گذاشت و درنهایت موجب شد تیراژ تولید خودرو نسبت به سال قبل حدود ۱۰درصد کاهش پیدا کند. وی افزود: این کاهش صرفا مختص یک شرکت نبود و کلیت صنعت را دربرگرفت. با این وجود با اصلاح برخی رویه‌ها و هماهنگی‌های صورت‌گرفته، انتظار می‌رود شرایط در ادامه سال به سمت ثبات و بهبود حرکت کند و با روندی که در پیش است می‌توان اقدامات مناسبی انجام داد تا آرامش به بازار خودروی داخلی بازگردد. دبیر انجمن خودروسازان ایران درباره عملکرد سایپا نیز اظهار کرد: مدیریت جدید این شرکت در شرایطی مسوولیت را پذیرفته است که وضعیت این مجموعه نابسامانی‌های زیادی دارد و با مشکلات فراوانی دســـت و پنجه نرم می‌کند. یکی از مهم‌ترین مشکلات سایپا زمانی بود که مدیریت جدید این مجموعه روی کار آمد و سایپا با حجم قابل‌توجهی از تعهدات پیش‌فروش از دوره‌های گذشته روبه‌رو شد؛ از جمله پیش‌فروش محصولات شاهین و برخی دیگر از خودروها. وی افزود: بخشی از تاخیرهای ایجادشده در تحویل خودروها ناشی از همین تعهدات انباشـــته و شرایط کلی صنعت بود و نه تصمیمات مدیریتی جدید. به هر حال وقتی یک شرکت با تعهدات سنگین و محدودیت‌های بیرونی مواجه بوده طبیعی است که روند ساماندهی زمان‌بر باشد. نعمت‌بخش تاکید کرد: آنچه اهمیت دارد این است که سایپا سعی دارد این تعهدات را جبران کند و روند تحویل به مشتریان را بهبود بخشد و تا امروز هم این کار را انجام داده اســـت و امید می‌رود این روند رو به رشد ادامه داشته باشد. با توجه به شرایطی که شرکت در آن قرار داشت اما عملکرد مدیریت قابل قبول بوده است. وی در ادامه با اشاره به فعالیت‌های سایپا در حوزه خودروهای سنگین گفت: این مجموعه در بخش خودروهای سنگین عملکرد مناسبی داشته و آمار تولید در این حوزه رضایت‌بخش است. توسعه این بخش می‌تواند به تقویت جایگاه شرکت در بازار و افزایش سهم آن در حوزه حمل‌ونقل کمک کند و سایپا به نوعی در این زمینه پیشگام بوده و موفق عمل کرده است. نعمت‌بخش در پایان تصریح کرد: صنعت خودرو بیش از هر موضوعی نیازمند ثبات در سیاستگذاری، رفع تبعیض‌ها و تسهیل فرآیندهای تولید است. در صورت ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در تصمیمات کلان، خودروسازان می‌توانند با ظرفیت بالاتری فعالیت و مسیر افزایش تولید را دوباره با قدرت طی کنند. ایجاد زمان کافی و بستری مناسب برای فعالیت مدیرانی که آمار عملکردی موفقی از خودشان به جا گذاشتند، می‌تواند در بلندمدت ثمرات مناسبی برای خودروسازی داخلی داشته باشد.

هشدار جدی نایب‌رییس خانه صنعت

فشار بر تولید را کم کنید

ایســـنا– نایب‌رییس خانه صنعت، معدن و تجارت هشدار داد که ضروری است در سیاســـتگذاری‌ها، ضمن درک شرایط خاص اقتصادی کشور، از تحمیل هزینه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر و مقررات خلق‌الســـاعه بر بخش تولید پرهیز شود تا امکان بقا و رشد برای صنعت فراهم بماند. مجتبی رضوی گفت: امروز ما به‌شدت با کمبود نیروی کار مواجه هســـتیم و در حالی‌که برای مشاغل اجرایی و اپراتوری نیز نیاز جدی وجود دارد، بسیاری از این افراد تمایل دارند صرفا در موقعیت‌های اداری و پشت‌میزی فعالیت کنند. به این ترتیب هم در حوزه تامین نیروی انسانی و هم در حوزه انرژی و سایر نهاده‌ها با محدودیت‌هایی مواجه هســـتیم که با هزینه‌های بالا در اختیار تولید قرار می‌گیرد. وی افزود: علاوه‌بر این، ورود مستقیم برخی نهادها به فرآیندهای حسابرسی و مطالبه‌گری، بدون طی مراحل کارشناسی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موجب پیچیدگی بیشتر فضای کسب‌وکار شده است. ایجاد ساختارهای موازی حسابرسی و افزایش تعداد نیروها و پیمانکاران، به‌جای تسهیل امور، گاه به طرح ایرادهای جزئی و غیرمتعارف منجر می‌شود که در فضای رقابتی جهانی کمتر مشاهده می‌شود و در چنین شرایطی استمرار تولید خود به امری دشوار تبدیل شده است. نایب‌رییس خانه صنعت، معدن و تجارت گفت: با وجود همه این فشارها، صنعتگران و معدنکاران کشور همچنان در حال فعالیت هستند و تولید را متوقف نکرده‌اند. تداوم فعالیت در این وضعیت نشان‌دهنده توانمندی، تعهد و روحیه وطن‌دوستی فعالان این بخش و شایسته قدردانی است. رضوی ادامه داد: از سوی دیگر شرایط اقتصادی کشور عملا شرایطی ویژه و شبیه به وضعیت جنگی است. در چنین وضعیتی همان‌گونه که در دوران جنگ، پشـــتیبانی و تدارکات نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت جبهه داشت، امروز نیز پشتیبانی اقتصادی و ثبات در سیاستگذاری اهمیت حیاتی دارد. یکی از اقدامات مثبت دولت در یک‌ونیم تا دو سال اخیر، تلاش برای مدیریت بازار ارز و جلوگیری از چندنرخی شدن آن بوده است؛ اقدامی که قابل تقدیر است. با این حال در عمل همچنان نشانه‌هایی از چندنرخی بودن ارز مشاهده می‌شود و بیم آن می‌رود که به وضعیت‌های پیشین بازگردیم، هرچند با شیوه‌ای متفاوت.

وزیر کار:

دهک‌بندی از معیار دریافت یارانه حذف شد

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت که از دی‌ماه معیار دهک‌بندی برای دریافت یا حذف از جمع یارانه‌بگیران برداشته شد و معیارهای جدید شامل داشتن واحد مسکونی ۵۰میلیاردتومانی به بالا یا خودروی شـــخصی ۵میلیاردتومانی به بالا و ســـطح درآمد مشخص تعیین شده است.

احمد میدری در حاشیه همایش وفاق برای ایران ماهر در گفت‌وگو با ایلنا درباره دهک‌بندی یارانه‌بگیران گفت: دهک‌بندی از معیار حضور یا حذف از یارانه نقدی حذف شده است. وی افزود: براساس معیارهای جدید کسانی که واحد مسکونی ۵۰میلیاردی به بالا و خودروی ۵میلیاردتومانی یا سطح درآمدی مصوب در آئین‌نامه هیات وزیران داشته باشند، از یارانه نقدی حذف خواهند شد. اگر فردی اظهار کند که این ملاک‌ها را ندارد براساس اظهار خودش می‌پذیریم که یارانه سال‌های قبل را پرداخت کنیم.

وی با تاکید بر اینکه دهک‌بندی برداشته شده است، گفت: دهک‌بندی معیار پرداخت یا حذف از یارانه نیست این موضوع در آئین‌نامه دی‌ماه هیات وزیران تصویب شده است

وزیر رفاه درباره اظهارات دیروز تعدادی از نمایندگان مجلس درباره دهک‌بندی اظهار کرد: براساس نکاتی که نمایندگان مجلس و دولت داشتند آئین‌نامه‌ای در دی‌ماه در دولت تصویب شد که مبنای دریافت یارانه یک سطح درآمد مشخص باشد.

وی خاطرنشان کرد: مطابق این آئین‌نامه دیگر به افراد نمی‌گوییم که دهک ۸ تا ۱۰ هستید و مشمول دریافت یارانه نخواهید شد البته این آئین‌نامه ارتباطی به کالابرگ ندارد بلکه برای کسانی است که در بودجه سال‌جاری مجلس مصوب کرد که سه‌دهک درآمدی بالای جامعه از دریافت یارانه نقدی حذف شوند. میدری تاکید کرد: برداشت جامعه دانشگاهی از سه‌دهک درآمدی سه دهک جمعیتی است سپس در مجلس و دولت گفتند: منظور ما سه دهک جمعیتی و ۲۵میلیون‌نفر نیست سپس با خواست مجلس و تصویب دولت مبنای دهک درآمدی تغییر کرد و در مصوبه جدید، مبنا یک دارایی مشـــخص تعیین شد که شامل خودروی ۵میلیاردی به بالا یا واحد مسکونی ۵۰میلیاردتومانی به بالا و یک سطح درآمدی مشخص که جدول آن تهیه شده است. وی خاطرنشان کرد: در مجلس یکی از نمایندگان نسبت‌به دهک‌بندی اعتراض داشت. نکته‌ای که وجود دارد، این مساله است که برخی افراد فقیر مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند به این صورت که با نام این افراد کارت بازرگانی و حساب بانکی می‌گیرند بنابراین بر اساس اطلاعاتی که دریافت می‌کنیم یارانه این افراد قطع می‌شود این فرد هم به نماینده مجلس مراجعه کرده و می‌گوید با وجود اینکه فقیر هســـتم یارانه من را قطع کرده‌اند باید پرونده‌های مالیاتی این افراد به نام همان واردکننده اصلی تغییر کند نباید اجازه دهیم تا از افراد فقیر سوءاستفاده شود. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره اینکه چرا کالابرگ در وسط ماه شارژ می‌شود؟ گفت: امروز جلسه امنیت غذایی در بانک مرکزی برگزار می‌شود و درباره اینکه آیا کالابرگ فروردین‌ماه در نیمه این ماه شـــارژ خواهد شد یا ابتدای آن، بحث خواهیم کرد اما منطق اقتصادی بانک مرکزی برای شارژ کردن کالا برگ در نیمه ماه این است که واریز ۸۰همت منابع کالابرگ در ابتدای هر ماه که حقوق‌ها هم واریز می‌شود، تزریق نقدینگی به جامعه بوده و تورم‌زاست بنابراین شارژ اعتبار کالابرگ‌ها به نیمه هرماه منتقل شده است. وی تاکید کرد: مهلت استفاده از شارژ کالابرگ هر ماه، دو ماه است که تا سه ماه هم قابل تمدید خواهد بود؛ براساس تفاهمی که با وزارت جهاد کشاورزی داشته‌ایم در کالابرگ اسفندماه محصولات کشاورزی نیز اضافه می‌شود. قرار است این تفاهمنامه در جلسه امروز کمیسیون امنیت غذایی بانک مرکزی مطرح شده و به احتمال زیاد مورد موافقت قرار خواهد گرفت.

میدری در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا رقم کالابرگ اردیبهشت و خرداد همچنان نفری یک‌میلیون تومان خواهد بود یا افزایش می‌یابد؟ گفت: هنوز در این زمینه صحبتی صورت نگرفته است. وی درباره جلسه بعدی شورای‌عالی کار درخصوص دستمزد۱۴۰۵ گفت: قرار است هفته آینده جلسه بعدی برگزار شود.

«جهان‌صنعت» چشم‌انداز یکسان‌سازی نرخ ارز را بررسی می‌کند

آزمون دشوار برای تولید

ســـارا اصغـــری – یکسان‌ســـازی نرخ ارزبه‌عنوان یـــکی از مطالبـــات تولیدکنندگان طی چند سال گذشـــته، بالاخره از سوی دولت چهاردهم در حال اجرایی شدن است؛ اقدامی که در کوتاه‌مدت بهای گزافی برای دولت چه از بعد اقتصادی و چه اجتماعی به‌همراه داشت. این اقدام دولت، اینک ما را با این پرســـش مواجه می‌کند که آثار مثبت آن بر تولید ملی در چه افق زمانی قابل‌مشاهده اســـت؟ البته اثرات آن را می‌توان در قالـــب یـــک فرآیند کوتاه‌مـــدت، میان‌مدت و بلندمدت مـــورد بررسی قـــرار داد. هریک از ایـــن بازه‌ها ویژگی‌ها، مکانیســـم‌های انتقال و پیامدهای خاص خود را بـــر بخش تولید دارند. درک این تفکیک زمانی برای سیاســـتگذاران و فعالان اقتصادی حیاتی است تا بتوانند با مدیریت انتظارات، بستر لازم برای تحقق آثار مثبت این سیاست را فراهم آورند.

■ شوک اولیه و تعدیل‌های کوتاه‌مدت؛ بهای گذرای گذار

یکسان‌سازی نرخ ارز در کوتاه‌مدت که معمولا در بازه شش‌ماهه تا یک‌ساله پس از اجرای این سیاست را شامل می‌شود، اغلب با آثار انقباضی و تورمی همراه است که می‌تواند تولید را تحت‌فشار قرار دهد. این پدیده عمدتا ناشی از جهش سطح عمـــومی قیمت‌ها به‌دنبال حذف شـــکاف بین نرخ رســـمی و غیررسمی ارز است. افزایش نرخ ارز رسمی به ســـطح نرخ تعادلی، هزینه واردات نهاده‌های تولیـــد، ماشیـــن‌آلات و مواداولیه را به شـــدت افزایش می‌دهد. این افزایش هزینه، بنگاه‌های تولیـــدی را در کوتاه‌مدت که توانایی تعدیل ســـریع قیمت‌ها یا یافتن جایگزین‌های داخلی را ندارند، با مشـــکل نقدینگی و کاهش حاشیه سود مواجه کرده و در نتیجه ممکن است به کاهش تولید موقت منجر شود .

علاوه‌بر این پیش‌بینی‌پذیر بودن اصلاحات نقـــش مهـــمی در این بـــازه ایفـــا می‌کند. اگر فعالان اقتصادی انتظار داشـــته باشـــند که نرخ یکسان‌سازی‌شـــده در آینده از نرخ موازی فعلی بالاتر باشد، بلافاصله پس از اعلام سیاست، سبد دارایی‌های خود را به‌سمت ارزهای خارجی تعدیل می‌کنند. این رفتار می‌تواند منجر به کاهش ذخایر ارزی بانک مرکزی و حتی تشدید فشار بر تولید در دوره انتقالی پیش از اجرای کامل سیاســـت شود. بنابراین در کوتاه‌مدت اثرات مثبت بر تولید عمدتا ماهیت «تعدیلی» داشته و اغلب ملموس نیســـتند بلکه اقتصاد در حال تحمل هزینه‌های لازم برای اصلاح یک ناترازی ساختاری است.

در این رابطه احد خوشرو، فعـــال حـــوزه تولیـــد در گفت و گـــو بـــا «جهان‌صنعـــت» عنوان کرد: یکسان‌سازی نرخ ارز همـــواره یکی از مطالبات مشـــترک اتاق بازرگانی ایـــران و خانه صنعت، معدن و تجارت ایران به‌عنوان بخش‌خصوصی بوده اســـت اما باید یادآور شد که این اقدام در بدترین زمان ممکن خود اجرایی شد چراکه این امر مهم نیاز به زیرساخت‌هایی دارد که از جمله می‌توان به ذخیره قابل‌توجه ارزی، روند کاهش تورم، نبود کسری در بودجه دولت و وجود یک فضای امنیتی و سیاسی اشاره کرد، این درحالی اســـت که این اقـــدام بدون هیچ‌یـــک از این زیرساختارها اجرایی شد، ما نیز شاهد پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن در ماه‌های اخیر بودیم و شـــوکی که به مردم وارد کـــرد، بسیار بهای سنگینی به همراه داشت. البته باید به یاد داشته باشیم که همواره تغییر سیاســـت‌های ارزی در کشور همراه با شوک‌های بزرگ بوده که به‌نوبه خـــود پیامدهـــای منـــفی بسیـــاری برجـــای گذاشته است.

■ شـــکوفایی میان‌مدت؛ بهره‌وری، شفافیت و تخصیص بهینه منابع

یکسان‌ســـازی نرخ ارز در افـــق میان‌مدت تقریبا دو تا سه‌ســـال را در بر می‌گیرد که دوره ظهور تدریجی آثار مثبت این سیاست بر تولید است. مهم‌ترین دستاورد این دوره بهبود فضای کسب‌وکار از طریق حذف رانت‌ها و شفاف‌سازی جریان‌های مالی اســـت. در نظـــام چندنرخی فعالان اقتصادی زمان و سرمایه خود را صرف فعالیت‌های رانت‌جویی برای دســـترسی به ارز ارزان‌قیمت دولـــتی می‌کنند که بهره‌وری کل اقتصاد را کاهش می‌دهد. با یکسان‌سازی این انگیزه از بین رفته و منابع به سمت فعالیت‌های مولد ســـوق داده می‌شود. همچنین در این بازه زمـــانی بنگاه‌های تولیدی کـــه در کوتاه‌مدت با شـــوک هزینه‌ها مواجه شـــده بودند، فرصت می‌یابند تا ســـاختار تولید خود را با واقعیت‌های جدید قیمتی تطبیق دهند. دسترسی ارز به نرخ واحد و شفاف، برنامه‌ریزی برای آینده را تسهیل کرده و ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. اگرچه ممکن اســـت سطح عمومی قیمت‌ها در این دوره نیز افزایش یابد اما شـــدت آن نسبت به کوتاه‌مدت کاهش یافته و به‌تدریج به سمت نـــرخ تعادلی بلندمدت خود حرکت می‌کند. این ثبات نســـبی اعتماد ســـرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را جلب کـــرده و زمینه را برای احیای تولید و افزایش ظرفیت‌هـــای بالقوه اقتصادی فراهم می‌آورد.

خوشرو در ادامه با اشاره به اثرات میان‌مدت یکسان‌ســـازی نـــرخ ارز تصریح کـــرد: اثرات میان‌مدت یکسان‌سازی نرخ ارز بر صنعت زمانی خودش را نشان خواهد داد که تولید با مشکلات ساختاری همچون کمبود ســـرمایه در گردش، تورم فزاینده و کمبود مواد اولیه روبه‌رو نباشـــد؛ این در حالی اســـت که تولید همواره گرفتار این مســـائل ســـاختاری در یک اقتصاد بیمار است که با سیاســـت‌های غلـــط و غیرعلمی دولت‌ها نمی‌توان تنها با یک اقدام شرایط مثبتی را برای آن فراهم کرد.

■ تثبیت بلندمدت و رشد پایدار؛ ثمره نهایی اصلاحات

افـــق بلندمدت یعنی بازه زمانی پنج‌ســـاله و بیشتر، دوره بهره‌برداری کامل از مزایای ساختاری یکسان‌سازی نرخ ارز است. در این مرحله اثرات مثبت بر تولید عمدتا از کانال‌های بنیادین رشـــد اقتصادی مانند افزایـــش بهره‌وری کل عوامل، انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی و ارتقای کیفیت نهادها نمایان می‌شـــود. حذف شکاف نرخ ارز، ضمن کاهش انگیزه‌های فعالیت‌های سوداگرانه و رانت‌جویانـــه، اقتصاد را به ســـمت مزیت‌های نسبی واقعی خود سوق می‌دهد. این امر تخصیص بهینه منابع را در پی داشته و بهره‌وری را در سطح بنگاه‌هـــا و کل اقتصاد افزایش می‌دهد. علاوه‌بر این در بلندمدت، یکسان‌سازی به اصلاح ساختار مـــالی دولت نیز کمک می‌کنـــد. با حذف یارانه پنهان ارز ترجیحی و کاهش کسری بودجه‌های شـــبه‌مالی ناشی از آن، منابـــع پایدارتری برای ســـرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌ها و خدمات عمومی فراهم می‌شود. این ســـرمایه‌گذاری‌ها خود زیربنای رشـــد تولید در بلندمدت هستند. به بیان دقیق‌تر هدف غایی یکسان‌ســـازی نرخ ارز نه صرفا تعدیل یک قیمت بلکه ایجاد چارچوبی باثبات، شـــفاف و کارآمد برای عملکرد کل نظام اقتصادی است تا در آن تولیدکنندگان بتوانند با اطمینان بیشتری به برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و خلق ارزش‌افزوده بپردازند. بدیهی اســـت که دســـتیابی به چنین هدف والایی نیازمند گذر از فراز و نشیب‌های کوتاه‌مدت و صبوری برای به بار نشستن نتایج در میان‌مدت و بلندمدت است

در ایـــن رابطه خوشـــرو با اشـــاره به اثرات بلندمدت یکسان‌سازی نرخ ارز خاطرنشان کرد: بدون شک یکسان‌ســـازی نرخ ارز در بلندمدت همـــراه با اثرات مثبت بسیاری اســـت البته باید این اثرات را در مقایســـه با پیامدهای منفی که در کوتاه‌مدت به همراه داشـــت مقایسه کرد. با این وجود بدون شـــک یکسان‌سازی نرخ ارز در بلندمدت با حذف رانت و فساد در اقتصاد کشور همراه خواهد بود و امکان سوءاستفاده از این امر دیگر وجود نخواهد داشت و این امر به نوبه خود می‌تواند منجربه کشـــف نیازهـــای واقعی ارزی کشور شود که براساس نیازهای واقع‌بینانه مطالبه می‌شـــود و نیاز به ارز کاذب و غیرواقعی از بین خواهد رفت. وی در ادامه یادآور شد: برای فعالان اقتصـــادی نیز امکان پیش‌بیـــنی و برنامه‌ریزی منسجم میســـر، ریسک تصمیم‌گیری‌ها کاهش خواهد یافت و صورت‌های مالی شـــفاف خواهد شد. از ســـوی دیگر صادرات نیز رونق بیشتری می‌یابـــد و در یک بازه بلندمدت امکان ارزآوری بیشتری از سوی بنگاه‌های اقتصادی برای کشور مهیا خواهد شد. هرچند مشاهده پیامدهای مثبت یکسان‌ســـازی نرخ ارز، بســـتگی به مهیا بودن همان زیرســـاخت‌هایی دارد که به آن اشاره شد. دولت باید بتوانـــد تمام بایدهای ممکن را برای تولید فراهم کند که یکسان‌سازی نرخ ارز یکی از آنهاست.

انعکاس

رشد ۲۰درصدی قراردادهای صنعتی در مناطق کمتر توسعه‌یافته

رویکـــرد دولت چهاردهـــم در ایجاد واحدهای صنعتی و تولیدی با مشـــارکت بخش‌خصوصی، توازن و عدالت محوری در مناطق کم‌برخوردار است که در همین راســـتا با توسعه زیرســـاخت‌ها و عدالت منطقه‌ای سرمایه‌گذاران جذب می‌شوند. به گزارش ایرنا، یـــکی از اقدامات دولت به‌خصوص وزارت صنعت، معدن و تجارت تعریف طرح‌های سرمایه‌گذاری در مناطق کم‌برخوردار کشور و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به‌ســـمت کاهش نرخ بیکاری و رشـــد اشتغالزایی در مناطق مختلف کشور است.

در همین راستا طرح استراتژی توسعه صنعتی یا راهبرد صنعتی توســـط وزارت صنعت، معدن و تجارت با مشارکت فعال بخش‌خصوصی، تشکل‌ها، فعالان صنعتی و صاحب‌نظران تهیه شد. سند راهبرد ملی پیشـــرفت صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش «کشور که براساس تکلیف قانونی مندرج در بند«ت» ماده(۴۸) برنامه هفتم توسعه تدوین شده، نخستین سند راهبردی صنعتی است که با تصویب هیات‌وزیران مرحله اجرایی خود را آغاز کرده است. این ســـند حاصل مطالعات عمیق و هم‌راستا بـــا اهداف کلان برنامه هفتم توســـعه و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال۱۴۰۰ اســـت که ضرورت تدوین یک نقشه راهبردی جامع و عملیاتی برای صنعت کشور را مطرح کرده‌اند. اجرای این ســـند می‌تواند نقشی بی‌بدیل در تحقق توســـعه پایدار و ایجاد جهش صنعتی در کشور ایفا کند.

این سند به‌عنوان یک چارچوب راهبردی نه‌تنهـــا چالش‌های داخـــلی و بین‌المللی را شناســـایی کرده بلکه بـــا بهره‌گیری از ظرفیت‌های بی‌نظیر کشور از جمله زیست بوم دانش‌بنیان موقعیت ژئوپلیتیک ممتاز و منابع انرژی تجدیدپذیر افقی روشن برای رشد و توســـعه صنایع با ارزش‌افزوده بالا ترسیم کرده الگوی مورد استفاده در سند راهبرد صنعتی ماموریت‌محور است.

در این راستا ماموریت‌هایی برای رفع چالش‌ها براســـاس اهداف کلان و ضمن بهره‌گیری از مهم‌ترین فرصت‌های کشور زمینه مشـــارکت –عمومی خصوصی و همکاری‌هـــای بین ســـازمانی در جهت پیشـــرفت صنعتی کشـــور را با تاکید بر نقش‌آفریـــنی بخش‌هـــای غیردولتی و خصوصی و رشته فعالیت‌های مختلف در زمان‌بندی معین فراهم می‌آورد. بخش‌های اصلی راهبـــرد صنعـــتی ماموریت‌محور عبارتنـــد از: تعیین ماموریت‌ها متناســـب با چالش‌های موجـــود، تعیین بخش‌ها و رشـــته صنعت‌های اولویت‌دار متناسب با ماموریت‌ها، تعیین سیاست‌های حمایتی و پروژه‌ها برای تحقق ماموریت‌ها. این سند که به دستگاه‌های متولی در حوزه صنعت ابلاغ شده، مساله‌محور و ماموریت‌محور با هدف قابلیت اجرا در مناطق مختلف کشور و در راســـتای ارتقای بهره‌وری و هدایت صنعت کشور به‌سمت تکمیل زنجیره‌های ارزش است. توسعه صنعتی عدالت‌محور در مناطق مختلف کشـــور به‌ویژه مناطق کم‌برخـــوردار باعث می‌شـــود تا منجر به عدالت اقتصادی و کاهش نابرابری توسعه طرح‌های صنعتی در کشور شود که این امر از مهاجرت‌ها به مناطق برخوردار برای کسب فرصت‌های شغلی جلوگیری می‌کند و با ایجاد ارزش‌افزوده به رشد منطقه‌ای استان‌ها و د نهایت اقتصاد ملی کمک می‌کند.

■ سند استراتژیک صنعتی کشور سند کتابخانه‌ای نیست

سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجـــارت یکی از اقدامات مهم در جهت حفظ جریان تولیـــد و تقویت بنیان‌های تولید را تدوین «سند استراتژیک یا راهبردی صنعتی کشور» دانسته و گفته است که این سند با روشن کردن سمت و سوی صنعت، به نوعی تنظیم شده که مورد وفاق همه صنعتگران و دســـت‌اندرکاران باشد تا به یـــک ســـند ابلاغی در کتابخانه‌ها برای دوره‌های آتی تبدیل نشـــود. وزیر صمت تاکید کرده اســـت که فرق سند راهبردی با اسناد قبلی برای کشور این بوده که این سند فعلی ماموریت‌محور شده، برش‌های اســـتانی خورده و با برنامه پیشرفته هفتم کشور تطبیق داده شده که یک سند جامع و عملیاتی اســـت و برای صنعت می‌تواند پیشرفت‌های خوبی را حاصل کند.

توسعه زیرساخت‌های صنعتی در مناطق کمتر توسعه‌یافته، در مسیر تحقق عدالت صنعتی و اقتصادی از اولویت‌های اصلی وزارت صمت و زیرمجموعه آن ســـازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران است. این سازمان سیاست‌های حمایتی و مشـــوق‌های لازم را برای سرمایه‌گذاری در شهرک‌های صنعتی به سرمایه‌گذاران ارائه می‌کند.

■ رشد سرمایه‌گذاری طرح‌های صنعتی در مناطق کم‌برخوردار

در همین راســـتا رضا انصاری، رییس ســـازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران از رشد ســـرمایه‌گذاری در مناطـــق کم‌برخوردار کشـــور خبـــر داده اســـت به‌گونه‌ای که در ۱۰ماهه امســـال ۲هزار و ۳۸۸قرارداد جذب سرمایه‌گذاری بخش‌خصوصی در شـــهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور منعقد شـــده که این رقم نسبت‌به مدت مشابه سال گذشته(۲۰۰۱ قرارداد سال قبل)، رشدی حدود ۲۰درصدی را نشان می‌دهد. به گفته این مقام مسوول، آمارها نشان می‌دهد استقبال سرمایه‌گذاران در اســـتان‌های کمتر برخـــوردار بیش از کلانشـــهرها بوده که این موضوع بیانگر تحقق رویکرد تمرکززدایی و توسعه متوازن در حوزه صنعت است. مسیر تقویت تولید داخل و تحقق اشـــتغال پایدار در مناطق کم‌برخوردار نشانگر استمرار حمایت از تولید با هدف تحقق شعار «ایران؛ صنعت پیشران، معدن ارزش‌آفرین و تجارت هوشـــمند» در دســـتور کار وزارت صمت قرار دارد که مسیر تحقق عدالت‌محوری را برای مناطق مختلف کشور هموار کرده است.

نوبت اول

شهرداری اقبالیه

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری اقبالیه در نظر دارد در راستای اجرای مصوبه شورای محترم اسلامی شهر اقبالیه به شماره ۱۳۶۰/۶/ش مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ نسبت به خرید، نصب و راه‌اندازی تجهیزات اتاق سرور از طریق مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای منطبق با اسناد منتشر شده اقدام نماید. لذا شرکت‌ها و افراد حقیقی و حقوقی واجدالشرایط می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارکات دولت الکترونیک (سامانه ستاد) www.setadiran.ir مراجعه نمایند. مهلت تحویل اسناد فراخوان حداکثر ده روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد فراخوان می‌باشد.

۱– اســـناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ لغایت ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ در ســـامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir قابل دریافت می‌باشد و آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها، ساعت ۱۹ مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۱۴ می‌باشد.

۲– جلسه بازگشایی پاکت‌های (الف و ب، ج) راس ساعت ۰۸:۰۰ روز ۱۴۰۴/۱۲/۱۶ در سالن کنفرانس شهرداری اقبالیه تشکیل می‌شود.

۳– هزینه آگهی (هر چند نوبت) بر عهده برنده فراخوان می‌باشد.

۴– شرکت‌کنندگان موظفند نسبت به ارائه گواهی فعالیت و ایمنی از سازمان‌های ذیربط اقدام نمایند.

۵– برآورد پیش‌بینی شده از محل اعتبارات داخلی شهرداری و به مبلغ ۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.

۶– واریز مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال سپرده شرکت در فراخوان به حساب جاری ۰۱۰۶۳۹۵۲۸۱۰۰۳ بانک ملی شعبه اقبالیه یا ضمانت‌نامه بانکی.

۷– برندگان اول و دوم فراخوان چنانچه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان ضبط خواهد گردید.

۸– سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به معامله در اسناد فراخوان درج گردیده است.

۹– شرکت‌های دارای تایید امنیتی کمیسیون پایش تصویری استان می‌توانند در مناقصه شرکت کنند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲

خلیل نوروزی – شهردار اقبالیه

شناسه آگهی: ۲۱۲۸۱۲۸

رویداد

توافقنامه همکاری چادرملو و دانشگاه امیرکبیر با تمرکز بر هوش مصنوعی

توافقنامه همکاری میان شرکت معدنی و صنعتی چادرملو و دانشگاه صنعتی امیرکبیر دیروز با حضور مدیرعامل و معاونان این شرکت و رییس و اساتید دانشگاه به امضا رسید

فرید دهقانی، مدیرعامل چادرملو در آئین امضای این توافقنامه ضمن تاکید بر شرایط رقابتی حاکم بر صنعت فولاد جهان گفت: رمز ماندگاری در صنعت فولاد افزایش بهره‌وری است و ناگزیر هستیم برای بقا در این صنعت، خود را به فناوری‌های روز دنیا نزدیک کنیم

وی با تاکید بر ضرورت کاهش هزینه‌ها و تولید محصولات جدید با فناوری بالا و با اشاره به مفهومی که اقتصاددانان از آن با عنوان «دره مرگ فولاد» تا افق ۲۰۳۵ یاد می‌کنند، افزود: اگر می‌خواهیم از این دره عبور کنیم و در آینده صنعت فولاد باقی بمانیم باید از تولید محصولات مبتنی بر مزیت منابع به سمت تولید محصولات مبتنی بر مزیت فناوری حرکت کنیم. براساس این گزارش، توافقنامه همکاری میان شرکت معدنی و صنعتی چادرملو و دانشگاه صنعتی امیرکبیر با هدف ایجاد و توسعه همکاری‌های پژوهشی پایدار و نظام‌مند و در چارچوب اهداف مشترک علمی، فناورانه و صنعتی منعقد شده است. محور اصلی این همکاری توسعه زیرساخت‌های مرتبط با انقلاب صنعتی چهارم و همچنین شناسایی و حل مسائل فنی، مهندسی و راهبردی چادرملو، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های یکپارچه فولادی کشور، عنوان شده است.

در همین راستا گسترش و به‌کارگیری فناوری‌های نوظهور از جمله پردازش کلان‌داده‌ها، هوشمندسازی سامانه‌ها، توسعه فرآیندهای مواد پیشرفته، فعالیت‌های تحقیق و توسعه و سایر حوزه‌های نوین فنی و مهندسی در دستور کار مشترک دوطرف قرار خواهد گرفت

«جهان‌صنعت» از ضعف سیاستگذاری گزارش می‌دهد

فولاد در تله ناهماهنگی

گروه معدن– فعالان معدنی هشدار می‌دهند اگر اصلاحات در عرصه معدن به‌موقع انجام نشود فولاد از یک‌مزیت ملی و ارزآور به‌فعالیتی پرریسک، کم‌صرفه و ناپایدار تبدیل خواهد شد. تاجایی‌که مطرح می‌شود شنیدن این‌هشدار دیگر انتخاب نیست بلکه یک‌ضرورت است.

تاکید می‌شـــود با اینکه فولاد ایران سال‌هاست بار ارزآوری، اشتغال و حفظ سهم ایران در بازارهای جهانی را به‌دوش می‌کشد اما امروز بیش از هر زمان دیگری این‌مزیت ملی در معرض فرسایش تدریجی قرار گرفته است؛ فرسایشی که نه از کمبود تقاضای جهانی ناشی می‌شود و نه از ضعف توان تولید بلکه محصول مســتقیم سیاستگذاری‌های ناهماهنگ، ناپایدار و گاه ضدتوسعه است.

در این‌رابطه می‌توان به‌محدودیت‌های متعددی اشاره کرد: نخســتین مبحث بحران انرژی است؛ پاشنه‌آشیلی که در ســال‌های اخیر عملا به‌عامل اصلی کاهــش تولید، بی‌اعتباری تعهدات صادراتی و افت بهره‌وری تبدیل شده است. ناترازی برق‌وگاز، قطعی‌های فصلی و افزایش بی‌ضابطه قیمت انرژی فولاد را از یک‌صنعت پیشــران به‌صنعتی درحالت تدافعی سوق داده است. وقتی کارخانه نمی‌داند ماه آینــده برق دارد یا نه و صحبت از قرارداد بلندمدت صادراتی بیشتر شبیه شوخی تلخ است تا برنامه‌ریزی اقتصادی.

ناترازی انرژی هنوز یکی از بزرگ‌ترین مشکلات پیش روی تولید کشور است که بهره‌وری را کاهش می‌دهد و هزینه تولید را بالا می‌برد. ســال گذشته محدودیت برق به‌صنایع حدود ۱۷۳هزارمیلیاردتومان و محدودیت گاز ۱۵۰هزارمیلیاردتومان خســارت زده اســت. نیمــه اول امســال هــم نزدیــک به۲۰۰هزارمیلیاردتومــان عدم‌النفع محدودیت برق ثبت شــد و پیش‌بینی می‌شود خسارت گاز تا پایان سال به۱۵۷هزارمیلیاردتومان برسد.

صنعت فولاد که روزانه به۵۰میلیون‌مترمکعب گاز نیاز دارد در اوج محدودیت فقط ۲۱میلیون‌مترمکعب دریافت کرد که نشان از کمبود ۶۰درصدی دارد. در ادامه باید گفت که صنعت فولاد نیمی از برق خود را از نیروگاه‌های اختصاصی با راندمان بالا تامین می‌کند اما وقتی گاز قطع می‌شود این‌نیروگاه‌ها هم دچار مشکل شده و اعتماد سرمایه‌گذاری آسیب می‌بینند.

■ **جایگاه صنایع صادرات‌محور کجاست؟**

موضــوع محدودیت‌هــای گاز بــرای صنایع صادرات‌محور به‌ویژه صنایع فولادی درشرایطی‌که مصوبــات صریــحی درخصــوص عــدم اعمال این‌محدودیت‌ها زودتر از موعد وجود دارد یک‌مساله قابل تامل است. مساله این‌است که اعلام محدودیت گاز برای صنایع فولادی نه‌تنها دستور مقامات ارشد دولت را نادیده گرفته بلکه نگرانی‌های جدی درباره تبعــات این‌تصمیم برای صنعت و اقتصاد کشــور به‌وجود آورده است.

این درحالی اســت که صنایع فولادی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی صادرات غیرنفتی کشور نقش کلیدی در تامین درآمدهای ارزی و ایجاد اشــتغال دارند و محدودیت درتامین انرژی این‌صنایع می‌تواند به‌کاهش تولید، ازدســت‌رفتن بازارهای صادراتی و درنهایت ضررهای مالی سنگینی منجر شود.

براســاس داده‌های رســمی ایمیدرو و وزارت نفت، میانگین مصرف گاز طبیعی در زنجیره فولاد کشور حدود ۳۰۰تا۳۲۰مترمکعب برای تولید هرتن فولاد خام اســت. مصرف گاز در واحدهای داخلی به‌ویــژه در واحدهای جدیدتر به‌طور میانگین حدود ۸۰۰تا۸۵۰مترمکعب برای هرتن آهن اســفنجی برآورد می‌شــود. مســاله دیگر تعهــد وزارت نیرو درخصوص نیروگاه‌های صنایع متصل شده به‌شبکه سراسری بوده که براساس آن شرکت ملی گاز موظف به‌اختصاص سهمیه جداگانه گاز برای آن‌هاست اما این‌نوع تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را تحت تاثیر قرار دهد چراکه عدم ثبات در سیاســت‌های انرژی و اقتصادی می‌تواند باعث ســوق‌دادن سرمایه‌گذاران به‌سمت بازارهای دیگر شود که این‌امر به‌آسیب بیشتر به‌اقتصاد ملی منجر خواهد شد.

تامین انرژی صنایع و ناهماهنگی دستگاه‌های مختلف در این‌خصوص نیازمند بررسی‌های دقیق و ایجاد ســازوکارهایی برای هماهنگی بین نهادی است تا صنایع صادرات‌محور کشور بتوانند با آرامش و بدون دغدغه‌های نــاشی از تصمیمات ناگهانی به‌فعالیت خود ادامه دهند.

تاکید می‌شــود که صــادرات فــولاد نیازمند اصلاح همزمان حکمــرانی انرژی، ثبات مقررات، بازطراحی نظام ارزی، شفاف‌سازی تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت و فناوری است. هشدار اصلی این‌است که اگر این‌اصلاحات به‌موقع انجام نشــود فولاد از یک‌مزیت مــلی و ارزآور به‌فعالیتی پرریسک، کم‌صرفه و ناپایدار تبدیل خواهد شد.

■ **تصمیمات خلق‌الساعه**

بحران امروز اما تنها به‌انرژی ختم نمی‌شــود. دستورالعمل‌های خلق‌الساعه صادراتی که معمولا درست در بزنگاه‌های حساس اعمال می‌شوند نقش ترمز را برای صنعتی بازی کردند که باید با شــتاب در بازارهای جهانی حرکت کند. عوارض ناگهانی، ممنوعیت‌های مقطــعی و تغییر مداوم قواعد بازی نه‌تنها صادرکننده را تنبیه کرده بلکه پیام روشــنی به‌بازارهای هدف می‌دهد که شامل این‌مهم است که ایران شریک قابل پیش‌بینی نیست.

درکنار این‌دو نظام ارزی چندنرخی و الزام بازگشت ارز با نرخ‌های غیرتعادلی عملا بخشی از صادرات را از صرفه اقتصادی خارج کرده است. نتیجه به‌این صورت اســت که یا صادرات کاهش می‌یابد یا مسیرهای غیرشــفاف فعال می‌شوند. همین‌جاست که پدیده مخرب کارت‌های بازرگانی یک‌بارمصرف(اجاره‌ای) رشد می‌کند؛ ابزاری که نه‌تنها ارز حاصل از صادرات را به‌چرخه رسمی اقتصاد بازنمی‌گرداند بلکه اعتبار صادرکننــدگان واقــعی را نیز خدشــه‌دار می‌کند. این‌یک‌هشــدار جدی اســت: وقتی سیاستگذاری واقعیت اقتصاد را نادیــده می‌گیرد اقتصاد راه خود را ولو پرهزینه و پرریسک پیدا می‌کند. به‌این‌ها باید ضعف لجستیک، هزینه بالای حمل‌ونقل، کمبود زیرساخت‌های صادرات‌محور، ریسک‌های حقوقی قراردادهای بین‌المللی و عقب‌ماندگی در توســعه محصولات با ارزش‌افزوده بالاتر را هم افزود.

تولید

توسعه در صنعت گوهرسنگ کشور

دنیای معدن– در راســتای اجرای مفاد «سند ملی توسعه صنعت گوهرسنگ کشور» و با هدف راهبردی توسعه اشتغال پایدار، تکمیل زنجیره ارزش و توســعه تجارت بازارمحور گوهرسنگ‌ها، طرح توسعه صنعت گوهرسنگ کشور طی سال جاری مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و توســعه‌محور را در ســطح مــلی به‌اجرا درآورده است.

صنعت گوهرسنگ به‌دلیل ویژگی‌هایی همچون ارزش‌افزوده بالا، نیاز به‌ســرمایه‌گذاری اندک، قابلیت توسعه در مناطق کمتر برخوردار، اشــتغالزایی گسترده و امکان حضور فعال در بازارهای منطقه‌ای و جهانی یکی از صنایع پیشران در اقتصادهای نوظهور محسوب می‌شــود. برهمین اساس رویکرد طرح توسعه صنعت گوهرسنگ کشــور بر «تکمیل زنجیره ارزش از معدن تا بازار»، «مهارت‌محوری»، «استانداردسازی»، و «توسعه تجارت» استوار بوده است.در راستای ارتقای سطح آموزشی و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق دارای پتانسیل مطابق برنامه‌ریزی صورت‌گرفته بیش‌از ۱۰دور آموزشی حوزه گوهرسنگ(گوهرتراشی و گوهرشناسی) در مراکز منتخب آموزش فنی و حرفه‌ای، دانشــگاهی و تحقیقاتی استان‌های یزد، خراسان رضوی(گناباد)، خراسان‌جنوبی(نهبندان)، کرمان، سیستان‌وبلوچستان(ایرانشهر)، آذربایجان شرقی(آذرشهر) توسط استادان برجسته این‌حوزه برگزار شد.

باتوجه به‌نبود امکانات مناسب در مراکز آموزشی حوزه گوهرسنگ در چنداستان کشور و ضرورت برگزاری دوره‌های آموزشی مقدماتی و پیشــرفته با نگاه ویژه به‌آموزش‌های بــازار محور، کارگاه‌های گوهرتراشی در ۱۷مرکز منتخب سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای در سراسر کشور(استان‌های هرمزگان(بندرعباس)، لرستان(خرم‌آباد، کوهدشت)، ایلام(آبدانان)، مرکزی(تفرش)، خراسان‌جنوبی(سربیشه، سرایان و عشق آباد)، کرمان(زرند)، کرمانشاه، خراسان رضوی(خواف، رشــتخوار)، اردبیل، ارومیه، اصفهان(اردســتان، خور و بیابانک) و همدان(نهاوند) تجهیز شد.

■ **اجــرای پــروژه مطالعاتــی جامــع تجارت گوهرسنگ‌ها**

در راستای شناسایی و توســعه زنجیره ارزش گوهرسنگ‌ها، شناخت مســائل و مشکلات و ارائه نقشــه راه عملیاتی توسعه تجارت گوهرســنگ‌ها پروژه پژوهشی با عنوان «بررسی جامع وضعیت تجارت گوهرسنگ‌ها، چالش‌ها و راهکارهای توسعه‌ای» با همکاری دانشگاه شهید بهشتی درحال اجراست.

در چارچوب سیاســتگذاری مبتنی بر بازار و توســعه تجارت گوهرسنگ‌ها دومین نمایشگاه تخصصی صنعت گوهرسنگ کشور شهریورماه۱۴۰۴ در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد. این‌رویداد بستری برای هم‌افزایی میان فعالان زنجیره ارزش فراهم کرد. در حاشیه نمایشگاه پنل‌های تخصصی(توسعه تجارت داخــلی و خارجی، شناســایی موانع صــادرات، تحلیل ظرفیت‌های منطقه‌ای و نقش استانداردسازی در اعتمادسازی بازار) نیز باحضور علاقه‌مندان و متخصصان این‌حوزه برگزار شد.

■ **نگاشــت و اجرای ســند حرفه گوهرتراشی و گوهرشناسی**

یکی از پیش نیازهای توســعه پایدار هرصنعت تربیت نیروی انسانی متخصص و استانداردسازی مهارت‌ها ست. در همین راستا نگاشت و اجرای سند حرفه گوهرتراشی و گوهرشناسی در دستور کار قرار گرفت. این‌اقدام با اهداف تعریف چارچوب استاندارد مهارتی، یکپارچه‌سازی آموزش‌های پراکنده، ارتقای کیفیت مهارت‌آموزی، اتصال آموزش به‌بازار کار واقعی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کارگاه‌های تولیدی زیرســاخت انسانی صنعت گوهرسنگ را تقویت و مسیر حرفه‌ای‌سازی را هموار می‌کند.یکی از موانع توسعه این‌صنعت محدودیت واردات گوهرسنگ‌های خام از کشورهای همســایه و دارای پتانسیل جهت ایجــاد ارزش‌افزوده و فرآوری بوده است. در این‌راستا پیگیری خارج‌شدن گوهرسنگ‌ها از گروه کالایی‌چهار قانون مقررات صادرات و واردات کشور(کالای لوکس) و شناخته‌شــده آن به‌عنوان اصل اولیه و زیربنایی موردنیاز توسعه صنعت گوهرسنگ انجام شــده است. فرآوری گوهرسنگ‌ها در پایانه‌های گوهرسنگ داخل کشور و سپس صادرات گوهرسنگ‌های فرآوری‌شده به‌کشورهای هدف ارزش‌افزوده بسیار بالایی را ایجاد می‌کند و به‌تجارت چمدانی و قاچاق مواد کم‌کیفیت و غیراستاندارد وارداتی خاتمه خواهد داد که موجب جلوگیری از هدر رفتن سرمایه ملی می‌شود.

■ **توسعه فرآیند صدور شناسه گوهرسنگ‌ها**

در راســتای شفاف‌سازی بازار، جلوگیری از تخلفات و تسهیل صادرات پیگیری اخذ نمایندگی آزمایشگاه‌های معتبر گوهرشناسی با همکاری مرکز ملی شماره‌گذاری کالاوخدمات در دستور کار قرار گرفت. استانداردسازی فرآیند صدور شناسه گوهرسنگ یکی از ارکان اصلی اعتمادسازی در بازارهای بین‌المللی است و نقش مهمی در ارتقای برند ملی گوهرسنگ ایران ایفا خواهد کرد.برنامه‌ریزی برای برگزاری ســومین دوره مسابقات ملی آزاد مهارت گوهرتراشی در اردیبهشــت۱۴۰۵ در شهر قم و در راستای ارتقای کیفیت مهارت‌ها، شناســایی استعدادهای برتر و ایجاد انگیزه در میان فعالان این‌حوزه انجام شده است. این‌رویداد می‌تواند به‌بستری مناســب برای معــرفی ظرفیت‌های داخــلی و پیوند آموزش دیدگان با بازار داخلی و خارجی تبدیل شــود. با ثبت نام بیش از ۲۰۰نفــر از علاقه‌مندان حوزه گوهرتراشی داوری مقدماتی در دست انجام است.

بازارهای جهانی

چشم‌انداز تاریک بازار فولاد چک در ۲۰۲۶

ایراسین– باوجود اینکه جمهوری‌چک با مصرف ســرانه ۵۳۲/۳کیلوگرم در سال۲۰۲۴ رکورددار مصرف فولاد در اتحادیه اروپا بوده بازار این‌کشــور در پنج‌سال گذشته یک‌سوم کوچک و تولید فولاد تقریبا نصف شده است. اگرچه صنایع خودروسازی و ساختمان بهبود یافتند اما نتوانستند تقاضای فولاد را به‌سطح پیش از بحران بازگردانند و اکنون کارخانه‌های بزرگ فولاد این‌کشور با چالش‌های مالی و تغییر مالکیت برای احیای تولید مواجه هستند

جمهوری‌چک ازنظر مصرف سرانه فولاد از سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا (EU) عقب مانده و فاصله زیادی گرفته است. براســاس داده‌های «انجمن جهانی فولاد»(World Steel) این‌شاخص در سال۲۰۲۴ به۵۳۲/۳ کیلوگرم رسید درحالی‌که در ایتالیا ۳۸۸/۵کیلوگرم و در آلمان ۳۱۲/۷کیلوگرم ثبت شده است

با این‌حال در terms مطلق ظرفیت بازار کوچک اســت و به۵/۶میلیون‌تن می‌رســد. در پنج‌سال گذشته این‌بازار یک‌سوم کوچک شده و این‌در حالی است که پویایی تولید مثبت در صنایع اصلی که تقاضا برای فولاد را هدایت می‌کنند یعنی خودروسازی و ساختمان وجود داشته است. این‌صنایع نمی‌توانند فروش فولاد را در سطح پیش از بحران حفظ کنند بنابراین نقاط رشد جدیدی مورد نیاز است.

صنعت فولاد جمهوری‌چک در دومرکز متمرکز است: اوستراوا (Ostrava) و ترینتس(Trinec) . کارخانه فولاد اوستراوا که بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد تخت (rolled steel) در این‌کشور با ظرفیت سالانه ۴میلیون‌تن است در جولای۲۰۲۵ تغییر مالکیت داد. مدیریت جدید با یک‌وظیفه دشــوار روبه‌رو است: شرکت را از پرتگاهی که تحت مدیریت گروه بریتیش «لیبرتی اســتیل» (Liberty Steel Group) در ســال‌های ۲۰۲۰تــا۲۰۲۴ سقوط کرده بود نجات دهد. این‌موضوع به‌همین دلیل است که تولید فولاد در جمهوری‌چک در پنج‌سال گذشته تقریبا نصف شده درحالی‌که سهم واردات در تراز مصرف فولاد افزایش یافته است

■ **مشکلات دومین‌تولیدکننده بزرگ فولاد در نبود تقاضای داخلی**

ترینتســکه زله‌زارنی (Třinecke zelezarny)، دومین تولیدکننــده بــزرگ فولاد کــه محصولات طویــل (long products) تولید می‌کند و کارخانه فولاد ویتکوویس اســتیل جیندال (Vitkovice Steel Jindal) در اوستراوا که بر تولید ورق‌های ضخیم تمرکز دارد با مشکلات خاصی روبه‌رو هستند. جالب اینجاست که این‌مشکلات ربطی به‌کمبود تقاضای داخلی ازسوی مصرف‌کنندگان اصلی در صنایع ساختمان و خودرو ندارد باوجود اینکه بازار در سال‌های اخیر شاهد انقباض بوده است.

صنعت خودروی جمهوری چک از اثرات بحران کرونا بهبود یافته و با اطمینان موقعیت‌های ازدست‌رفته خود را بازپس گرفته اســت. در پس‌زمینه رکود صنعت اروپا خودروسازان چک شتاب قدرتمندی را نشان می‌دهند. مانند سایر کشورهای اروپای شرقی تقاضــای داخلی برای خودروهای جدید به‌دلیل ماهیت صادراتی تولیدکنندگان محلی اهمیت ثانویه دارد. فروش در جمهوری‌چک حدود ۱۵تا۲۰درصد از کل تولید خودرو را تشکیل می‌دهد.

شــایان ذکر است که تولید در کارخانه خودروی هیوندای در «نوشوویتسه» (Nošovice) در سال۲۰۲۵ با ۱۶/۱درصد کاهش به۲۷۶هزاردستگاه و در کارخانه تویوتا در «کولین» (Kolín) با ۱/۹درصد کاهش به۲۰۷هزاردســتگاه رسید. با این‌حال شرکت «شکودا اتو» (Skoda Auto) که متعلق‌به گروه فولکس‌واگن است، باعث شــد صنعت خودروی چک سال گذشته با نتایجی رکوردشکن به‌پایان برسد و از تقاضا برای فولاد ورق پشتیبانی کند

این‌امر با افزایش ۲۷درصدی تولید اتوبوس در ژانویه تا نوامبر به ۵۰۷۵دســتگاه تقویت شد. کارخانه «ایوکو سی‌آر» (Iveco CR) در «ویسوکه میتو»(Vysoké Mýto) با سهم ۴۶۴۰ دستگاهی و رشد ۲۷/۷درصدی بیشترین حجم را به‌خود اختصاص داد. این‌کارخانه قطعاتی را برای مونتاژ بیشتر در کارخانه ایتالیایی ایوکو در «فوجا» تولید می‌کند.صنعت ساختمان جمهوری‌چک پس از کاهش در سال‌های۲۰۲۳و۲۰۲۴ در سال۲۰۲۵ به‌سطوح قبلی خود بازگشت اما وضعیت در اینجا نیز دوپهلو است. طبق برآوردهای شرکت مشــاوره «سی‌بی‌آر ای»(CBRE) سرمایه‌گذاری در ساخت املاک تجاری به نزدیک ۴میلیارد یورو رسید.

کلر شیلز (Claire Sheils)، مدیرعامــل سی‌بی‌آرای در جمهوری چک گفت: «هرگز تاکنون این‌مقدار پول در دفاتر، مراکز خرید یا انبارهای چک سرمایه‌گذاری نشده است.»

با این‌حال سال گذشته توسعه‌دهندگان کمتر از ۲۷هزارمترمربع فضای جدید را به‌بهره‌برداری رســاندند کــه یک‌حداقل مدرن محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های رکوردی سرمایه‌گذاران بر پویایی این‌بخش تاثیری نگذاشت.

روند منفی در ساخت‌وســاز مســکن وجود دارد. در ژانویه تا ژوئن۲۰۲۵ تنها ۱۶هزارو۲۹۵آپارتمان در جمهوری‌چک آغاز شد که کمترین تعداد از سال۲۰۱۷ تاکنون است. تا اول ژوئیه تکمیل مســکن با ۴۰درصد افزایــش به۳هزارو۷۷۵واحد رسید. تکمیل پروژه‌های قدیمی شتاب گرفته اما پایه‌ای برای افزایش حجم‌ها در آینده نزدیک وجود ندارد. ارقام بالا به‌دلیل پایه مقایسه پایین سال۲۰۲۴ است.وضعیت مشابهی در نیمه‌دوم سال مشاهده شد. در اکتبــر تعداد پروژه‌های شروع‌شــده ۳۴/۵درصد و پروژه‌های تکمیل‌شده ۵۸/۱درصد افزایش یافت. این‌صنعت توسط پروژه‌های زیرساختی که از بودجه‌های ملی و اروپایی تامین مالی می‌شدند به‌سوددهی رسید. رشد در تولید ساختمان و خودرو منجر به‌افزایش مصرف کلی فولاد در سال۲۰۲۵ نشد.

این امر به‌دلیل وضعیت در ســایر بخش‌های مهندسی چک عمدتــا در مهندسی قدرت و صنعت دفاعی بود. طبق فدراسیون مهنــدسی آلمان (VDMA)، این‌موضوع با کاهش تعداد افراد شاغل در این‌صنعت از ۱۲۶هزارنفر در سال۲۰۲۲ به۱۲۳هزارنفر در سال۲۰۲۵ نشان داده می‌شود. کاهش مصرف فولاد ورق در سال‌های۲۰۲۲تا۲۰۲۵ به‌دلیل کاهش تولید لوله در کارخانه لیبرتی استیل در اوستراوا به‌طور منفی تاثیر گذاشت.

■ **چشــم‌انداز۲۰۲۶؛ تلاش برای احیای تولید با موانع مالی**

طبق گفته مارتین یان (Martin Jan)، رییس انجمن صنعت خودروی جمهوری‌چک تولید خودرو در این‌کشور در سال۲۰۲۵ با توجه به‌ظرفیت تولید موجود به‌حداکثر سطح خود رسیده است. به‌نظر او این‌رقم در ســال۲۰۲۶ ممکن است چند ده‌هزاردستگاه افزایش یابد اما نه بیشتر.

خبر

مدیرعامل مس ایران در تمرین تیم مس رفسنجان

«**جهان‌صنعت**»– مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران اعلام کرد که تیم فوتبال مس رفسنجان با حمایت لازم و تمرکز بر هم‌افزایی مسیر خود را ادامه خواهد داد

سیدمصطفی فیض ظهر یکشــنبه ۲۶ بهمن‌ماه در دیدار با مدیران، کادر فنی و بازیکنان تیم فوتبال مس رفسنجان با اشاره به‌مشکلات گذشته باشگاه تصریح کرد: بخش قابل‌توجهی از بدهی‌های گذشته تسویه شده و اصلاحات مدیریتی انجام شده تا باشگاه با ثبات و آرامش بیشتری امور جاری خود را دنبال کند.

وی عملکرد کادر فنی و بازیکنان را عامل اصلی موفقیت فنی دانست و پیروزی اخیر برابر پیکان را نشانه‌ای امیدبخش برای ادامه فعالیت این‌تیم برشمرد.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران تاکید کرد: منابع لازم در اختیار باشگاه قرار دارد و انتظار می‌رود مدیریت و کادر فنی با تمام توان برای کسب نتایج بهتر گام بردارند

میثم پاریزی، مدیرعامل باشگاه مس رفسنجان نیز ضمن قدردانی از حمایت‌های شرکت ملی مس ابراز امیدواری کرد تیم با تداوم این‌همراهی و تلاش بازیکنان و کادر فنی به‌نتایج مطلوب دست یابد.

بین‌الملل

طلا در بازارهای جهانی پس رفت

رویترز– قیمت طلا در معاملات روز دوشنبه بازار جهانی تحت تاثیر حجم معاملات کم به‌دلیل تعطیلی بازارهای آمریکا و چین و سودگیری معامله‌گران کاهش یافت.

قیمت هر اونس طلا برای تحویل فوری با ۱/۷درصد کاهش به۴هزارو۹۸۸دلار و۴سنت رسیــد. قیمت هر اونــس طلا در بازار معاملات آتی آمریکا برای تحویل در آوریل با ۰/۸درصد کاهش به۵هزارو۶دلار و۶۰سنت رسید. قیمت هر اونس نقره برای تحویل فوری با ۳/۲درصد کاهش به۷۴دلار و۵۰سنت رسید. تیم واتر، تحلیلگر ارشد بازار در شرکت کی‌سی‌ام ترید (KCM Trade) گفت: طلا در معاملات روز جاری بخشی از رشد قیمت معاملات روز جمعه را به‌دلیل شرایط تجاری ضعیف‌تر و فقدان کاتالیزورهای جدید برای افزایش قیمت از دست داده است. بازارهای آمریکا به‌دلیل تعطیلات روز رییس‌جمهور و بازارهای چین به‌دلیل تعطیلات سال نوی چینی تعطیل هستند.

اداره آمار کار آمریکا روز جمعه اعلام کرد شاخص قیمت مصرف‌کننده پس از افزایش بازبینی‌نشده ۰/۳درصدی در دسامبر ۰/۲درصد در ژانویه افزایش یافته است. اقتصاددانان در نظرسنجی رویترز پیش‌بینی کرده بودند که شاخص قیمت مصرف‌کننده ۰/۳درصد افزایش یابد. آستن گولسبی، رییس فدرال‌رزو شیکاگو اظهار کرد نرخ بهره ممکن است کاهش یابد اما خاطرنشان کرد که تورم بخش خدمات همچنان بالاست. فعالان بازار پیش‌بینی می‌کنند که بانک مرکزی آمریکا در نشســت بعدی خود در ۱۸مارس نرخ بهره را ثابت نگه دارد. با این‌حال طبق داده‌های گردآوری‌شده شرکت مالی LSEG فعــالان بازار در حال حاضر پیش‌بینی می‌کنند که ۷۵واحد پایه کاهش نرخ بهره در ســال جاری رخ دهد و اولین دور این‌کاهش در ژوئیه خواهد بود. طلای بدون بازده در محیط‌های با نرخ بهره پایین عملکرد بهتری دارد. براساس این‌گزراش واتر گفت: «احتمالا برای اینکه طلا قبل از پایان سال به‌سمت ۶هزاردلار حرکت کند لازم است دلار روند نزولی خود را از سر بگیرد.»

در بازار ســایر فلزات ارزشــمند بهای هــر اونس پلاتین بــا ۰/۴درصد کاهش به۲هزارو۵۴دلار و۷۸ســنت رســید و هــر اونــس پالادیوم بــا ۰/۲درصد کاهش به‌هزارو۶۸۲دلار و۴۴سنت رسید.

جزئیات از سرگیری فعالیت شرکت فولاد ایتالیا

فولادنیوز– بیانیه شرکت فولاد ایتالیا می‌گوید که اتمام این‌عملیات به‌کارخانه امکان بازگشت به‌ظرفیت تولید سالانه ۴میلیون‌تن فولاد تا پایان آوریل۲۰۲۶ را همراه با از سرگیری فعالیت بخش‌های کوک و شیمیایی خواهد داد. همانطور که اشاره شد طرح اضطراری صنعتی برای دارایی‌های اصلی در تارانتو طبق برنامه پیش می‌رود. آزمایش، گرم‌کردن و پرکردن کوره بلند شماره۲ تکمیل شده و راه‌اندازی آن در آینده نزدیک برنامه‌ریزی شده است. همزمان تعمیر و نگهداری برنامه‌ریزی شده کوره بلند شماره۴ از ۲۸فوریه آغاز خواهد شد و پیش‌بینی می‌شود حدود ۶۰روز به‌طول انجامد. شرکت فولاد ایتالیا قصد دارد باتری‌های کوره کوک شماره ۷، ۸ و ۱۲ که به‌طور موقت از مدار خارج شده بودند را دوباره فعال کند. از فوریه۲۰۲۴ بیش از ۹۹۷میلیون‌یورو برای نگهداری و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی شرکت فولاد ایتالیا اختصاص یافته است. علاوه بر این در طول سال۲۰۲۵ سایت صنعتی تارانتو بیشترین ساعت کار ثبت شده در سال‌های اخیر را هم توســط کارکنان مســتقیم و هم شرکت‌های ثالث تجربه کرده است. در فوریه کمیسیون اروپا وام اضطراری تا سقف ۳۹۰میلیون‌یورو برای شرکت فولاد ایتالیا، بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد یکپارچه ایتالیا براساس قوانین کمک‌های دولتی اتحادیه اروپا تایید کرد. این‌اقدام برای پوشش هزینه‌های عملیاتی شرکت تا زمان انتقال آن به‌اپراتور جدید در نظر گرفته شده است.

سیاست۲۰۲۶ معادن؛ تحول در مدیریت انرژی

ایراسین– گروه صنعتی مت‌اینوست با تصویب سیاست جدید مدیریت انرژی و اهداف۲۰۲۶ در کارخانه فرآوری معدنی متحد چشم‌اندازی برای کاهش نظام‌مند مصرف انرژی و توسعه تولید اختصاصی ترسیم کرد تا ضمن تضمین حجم تولید بهره‌وری در معادن اوکراین ارتقا یابد. گروه مت‌اینوست (Metinvest) در کارخانه فرآوری معدنی متحد (United Mining) نسخه جدیدی از سیاست مدیریت انرژی و اهداف۲۰۲۶ را تصویب کرد. این‌سند با هدف بهبود نظام‌مند کارایی انرژی و کاهش مصرف انرژی در کارخانه‌های فرآوری معدنی شمالی، مرکزی و اینگولتس تدوین شده است. از جمله اهداف این‌سند انطباق با استانداردهای مصرف انرژی، استفاده عقلانی از برق، گاز، حرارت و آب و جستوجو و اجرای اقداماتی برای بهبود عملکرد انرژی است. رعایت قوانین و الزامات صنعت در حوزه مدیریت انرژی نیز به‌صورت جداگانه در این‌سند تنظیم و مقرر شده است. ماکسیم استریلتس، رییس بخش مدیریت انرژی در کارخانه فرآوری معدنی متحد در این‌خصوص گفت: این سیاست کارخانه‌های فرآوری معدنی را به‌عنوان مشاغلی تعریف می‌کند که در آن کارایی انرژی یکی از اولویت‌های کلیدی محسوب می‌شود. این‌سیاست تضمین می‌کند که ضمن تحقق حجم‌های برنامه‌ریزی‌شده تولید حداکثر کارایی انرژی نیز محقق شود. سیستم مدیریت انرژی این‌شرکت تمامی فرآیندها را از استخراج و فرآوری سنگ معدن تا تولید کنسانتره و پلت و فعالیت‌های پیمانکاران را دربرمی‌گیرد. حوزه‌های کلیدی آن شامل کاهش مصرف ویژه انرژی، کاهش تلفات در انتقال برق، استفاده از منابع ثانویه و پیاده‌سازی کنترل خودکار است.

■ **توسعه تولید اختصاصی و انرژی‌های تجدیدپذیر**

این‌شرکت خاطرنشان می‌کند که باتوجه به‌محدودیت‌های نظامی بر مصرف انرژی کارخانجات به‌صورت نظام‌مند پروژه‌های استقلال انرژی را اجرا می‌کنند. به‌طورخاص درحال‌حاضر از تولید برق مبتنی بر گاز در کارخانجات فعال استفاده می‌شود و استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر و استفاده مجدد از منابع نیز درحال بررسی است.

یادآوری می‌شود که مت‌اینوست ازطریق اجرای یک‌مدل مدیریتی جدید و تحول مالی کارایی کارخانه فرآوری معدنی متحد را افزایش داده است. این‌شرکت سه‌واحد را در کریویی ریح تحت یک‌مدیریت‌واحد گردهم آورده که این‌امر امکان بهینه‌سازی هزینه‌ها، بهبود کیفیت محصول و تسریع در تصمیم‌گیری را فراهم کرده است. ایجاد یک‌مرکز مدیریت واحد هم‌افزایی(سینرژی) بین کارخانجات را تضمین و امکان استفاده کارآمدتر از منابع و جلوگیری از تکرار فرآیندها را فراهم کرده است.

خبر

معاون شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور خبر داد

افزایش ۳۷تا۴۳درصدی عوارض آزادراه تهران-شمال

ایسنا- معاون شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور با اشاره به‌اینکه کمتر از ۵۰درصد عوارض آزادراه‌ها وصول می‌شود، گفت که آزادراه اصفهان-شیراز و کنارگذر شمالی اراک ضرردیده‌ترین محورها هستند و تقریبا ۳۰درصد وصولی دارند.

میلا دوستی آخرین وضعیت عوارض آزادراهی را تشریح و اظهار کرد: طی پنج‌سال گذشته حدود ۱۵درصد نرخ عوارض افزایش یافت و باعث شد کیفیت خدمات آزادراه‌ها کاهش یابد و نیاز به‌بهسازی داشته باشند.

او افزود: افزایش عوارض آزادراهی در دولت این موضوع مطرح شد و براساس بند الف ماده ۲۰ قانون برنامه هفتم توسعه این اجازه داده شد که سرمایه‌گذاران خودشان نرخ عوارض را اعلام کنند و دستگاه‌های اجرایی نیز مکلف به‌اجرا شدند.

معاون ساخت و توسعه آزادراه‌های شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور تصریح کرد: این گزارش‌ها بررسی و سعی شد در چندمرحله نرخ عوارض آزادراهی افزایش پیدا کند تا به‌مردم و کاربران آزادراه‌ها فشاری وارد نشود.

تقریبا ۵۰تا۵۵درصد افزایش نرخ داشتیم. ممکن است در خودروهای سنگین در برخی آزادراه‌ها این عدد تا ۶۰درصد هم برسد. در آزادراه تهران-شمال نیز ۳۷تا۴۳درصد افزایش داشتیم.

او در پاسخ به‌اینکه چه میزان عوارض آزادراه‌ها وصول می‌شود، گفت: کمتر از ۵۰درصد وصولی عوارض داریم. آزادراه اصفهان-شیراز و کنارگذر شمالی اراک نیز ضرردیده‌ترین محورها هستند و تقریبا ۳۰درصد وصولی دارند.

به گفته دوستی، تقریبا در هر آزادراهی که پرداخت عوارض به‌صورت دستی انجام شده تا ۹۹درصد وصولی عوارض داشتیم و روزانه به‌صورت دستی انجام می‌شود.

این‌مقام مسوول درپاسخ به‌اینکه آیا موضوع برداشت عوارض به‌صورت مستقیم از کیف پول متصل به‌حساب بانکی افراد عملیاتی شده یا خیر، اظهار کرد: بانک مرکزی در این خصوص مقاومت دارد و برداشت از حساب‌های مردم را نیازمند قوانین بالادستی می‌داند.

دنبال این هستیم که کاربران کیف پولی را متصل به‌حساب معرفی کنند و این فضا فراهم شود که بعد از ۱۵روز از تردد امکان برداشت از آن فراهم شود. هنوز این موضوع در کمیسیون تخصصی مجلس و در حال بررسی است. حداکثر تا پایان سال نیز تعیین تکلیف می‌شود

به‌دلیل اعمال مالیات صورت خواهد گرفت

افزایش قیمت بلیت پروازهای سنگاپور

آسوشیتدپرس- پرواز به‌داخل و خارج از سنگاپور که پررفت‌وآمدترین فرودگاه جنوب شرقی آسیاست امسال به‌دلیل اعمال مالیات بین ۷۵سنت تا ۳۲دلار برای هربلیت برای تامین سوخت پایدار هواپیمایی کمی گران‌تر خواهد شد.

مالیات سنگاپور بر پروازهایی که پس از یک‌اکتبر انجام می‌شوند و بلیت‌هایی که پس از اول آوریل از فرودگاه بین‌المللی چانگی فروخته می‌شوند تاثیر می‌گذارد. سال گذشته ۷۰میلیون‌مسافر ازطریق این فرودگاه جابه‌جا شدند.

مسافران براساس مسافت سفر و کابین خود هزینه اضافی پرداخت خواهند کرد. کمترین مالیات یک دلار سنگاپور(حدود ۷۵سنت آمریکا) برای پروازهای اقتصادی در جنوب شرقی آسیا اعمال می‌شود. کسانی که با پروازهای کابین پریمیوم به‌قاره آمریکا سفر می‌کنند بیشترین مالیات را پرداخت خواهند کرد که ۴۱/۶۰دلار سنگاپور (حدود ۳۲دلار) است.

مالیات برای بار براساس مسافت طی‌شده و وزن است. برای اطمینان از شفافیت مالیات روی بلیت‌ها و قراردادهای حمل بار هوایی نشان داده خواهد شد.

این‌مالیات از استفاده روزافزون سنگاپور از سوخت پاک‌تر که اغلب از روغن پخت‌وپز استفاده شده یا ضایعات کشاورزی ساخته می‌شود حمایت خواهد کرد. صنعت هواپیمایی جهانی در تلاش است تا بدون تغییر هواپیماهای فعلی انتشار گازهای گلخانه‌ای روبه‌افزایش که به‌تغییرات اقلیمی کمک می‌کنند را کاهش دهد.

ابعاد ناهمخوانی بودجه با منابع مالی مورد نیاز برای تکمیل پروژه‌های خط‌آهن کشور بررسی شد

قفل توسعه ریلی

گروه حمل‌ونقل- شبکه ریلی هرکشوری به‌عنوان ستون‌فقرات حمل‌ونقل پایدار و موتور محرک توسعه منطقه‌ای شناخته می‌شود اما در دنیای امروز صنعت ریلی ایران با یک‌پارادوکس جدی روبه‌رو است. از یک‌سو ۳۵پروژه ریلی به‌طول بیش‌از ۱۰هزارکیلومتر درکشور درحال ساخت است و برای تکمیل آنها حدود ۱۶۰۰هزارمیلیاردتومان منابع مالی نیاز بوده اما ازسوی دیگر در سال‌جاری تنها ۳۰هزارمیلیاردتومان تخصیص یافته است. همین شکاف عمیق میان نیاز و تامین مالی باعث شده معاون شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل هشدار دهد که اگر این روند ادامه پیدا کند و راهکارهای جدیدی برای تامین مالی پیدا نشود تکمیل این‌پروژه‌ها ۵۳سال زمان خواهد برد. عدد ۵۳سال تنها یک‌برآورد ساده نبوده بلکه این عدد به‌معنای تعلیق چند نسل از فرصت‌های اقتصادی، ازدست‌رفتن مزیت‌های ژئوپلیتیکی و استمرار ناکارآمدی در ساختار حمل‌ونقل کشور است.

■ تصویر آماری از یک شبکه ناتمام

براساس داده‌های موجود نزدیک به۱۶هزارکیلومتر خط‌آهن در کشور وجود دارد و ۳هزارو۶۰۰کیلومتر پروژه ریلی جدید نیز تعریف شده است که ۳هزارکیلومتر آن در قالب کریدورها در دست ساخت است. افزون بر این ۴هزارو۱۸۹کیلومتر پروژه ریلی نیز در دست مطالعه قرار دارد و برخی طرح‌ها نیز با وجود بهره‌برداری از فاز نخست فازهای تکمیلی آنها در حال اجراست. این‌ارقام درظاهر نشان‌دهنده تحرک و گستردگی برنامه‌ریزی‌هاست اما در عمل حکایت از انباشت پروژه‌های نیمه‌تمام و پراکندگی منابع دارد. وقتی پروژه‌ای سال‌ها در وضعیت نیمه‌فعال باقی می‌ماند هزینه‌های مالی، استهلاک تجهیزات، تغییر قیمت مصالح و هزینه‌های اجتماعی ناشی از تاخیر همگی به‌صورت تصاعدی افزایش می‌یابد. درچنین‌شرایطی تعریف پروژه‌های جدید بدون تعیین تکلیف طرح‌های قدیمی نه‌تنها کمکی به‌توسعه نمی‌کند بلکه به‌تعمیق بحران مالی در بخش زیربناهای حمل‌ونقل می‌انجامد.

■ ریل؛ پیشران مغفول بهره‌وری اقتصادی

تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام ریلی صرفا یک‌اقدام عمرانی نبوده بلکه یک سرمایه‌گذاری راهبردی برای افزایش بهره‌وری اقتصاد ملی است. حمل‌ونقل ریلی در مقایسه با جاده‌ای مصرف انرژی کمتری دارد، ایمنی بیشتری فراهم می‌کند و هزینه تمام‌شده جابه‌جایی بار را کاهش می‌دهد. افزایش سهم ریل در حمل‌ونقل بار و مسافر آنگونه که در برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده می‌تواند فشار بر جاده‌ها را کم کند، استهلاک ناوگان جاده‌ای را کاهش دهد و هزینه‌های پنهان ناشی از تصادفات و آلودگی هوا را پایین بیاورد. بااین‌حال وقتی پروژه‌های ریلی سال‌ها معطل تامین اعتبار می‌مانند درواقع اقتصاد ملی از منافع بهره‌وری محروم شده و هزینه فرصت سنگینی به‌کشور تحمیل می‌شود؛ هزینه‌ای که در محاسبات رسمی بودجه‌ای کمتر دیده می‌شود اما درواقعیت رشد اقتصادی را کند می‌کند.

■ کریدورهای بین‌المللی؛ فرصت‌های درحال ازدست‌رفتن

ایران در مسیر کریدورهای بین‌المللی شمال-جنوب و شرق-غرب قرار دارد؛ موقعیتی که می‌تواند کشور را به‌هاب ترانزیتی منطقه تبدیل کند. تکمیل خطوط نیمه‌تمام ریلی و رفع گلوگاه‌ها زمان عبور کالا را کاهش داده، ظرفیت جابه‌جایی را بالا می‌برد و سهم ایران از ترانزیت بار و جابه‌جایی مسافر را افزایش می‌دهد. در رقابت فشرده منطقه‌ای کشورهایی که زیرساخت‌های سریع‌تر و ارزان‌تر ارائه دهند سهم بیشتری از جریان کالا را جذب می‌کنند. تعلل در تکمیل شبکه ریلی عملا به‌معنای واگذاری بازار ترانزیت به‌رقبای منطقه‌ای است. درشرایطی‌که اقتصاد ایران با محدودیت‌های ارزی مواجه است تقویت درآمدهای ارزی از محل ترانزیت می‌تواند یک منبع پایدار و کم‌ریسک باشد اما این‌فرصت در سایه کمبود منابع و نبود مدل‌های نوین تامین مالی درحال فرسایش است.

■ شکاف مالی؛ بحران مدیریت یا کمبود منابع؟

نیاز به۱۶۰۰هزارمیلیاردتومان برای تکمیل پروژه‌ها در برابر تخصیص ۳۰هزارمیلیاردتومان تنها یک‌شکاف عددی نبوده بلکه بیانگر نبود یک راهبرد منسجم تامین مالی است. در بسیاری از کشورها پروژه‌های زیربنایی ازطریق مشارکت عمومی-خصوصی، انتشار اوراق زیرساخت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده از صندوق‌های توسعه‌ای تامین مالی می‌شوند اما در ایران وابستگی سنگین به‌بودجه عمومی و درآمدهای نفتی پروژه‌های ریلی را دربرابر نوسانات مالی دولت آسیب‌پذیر کرده است. اگر قرار باشد هرسال تنها بخش کوچکی از نیاز مالی تامین شود نه‌تنها دوره ساخت طولانی می‌شود بلکه هزینه نهایی پروژه نیز چندین برابر خواهد شد. به‌بیان دیگر کمبود منابع تنها بخشی از مشکل بوده و بخش مهم‌تر نبود خلاقیت و جسارت در طراحی مدل‌های تامین مالی پایدار است.

■ پیامدهای منطقه‌ای و اجتماعی ایجاد تاخیر در پروژه‌ها

ساخت و تکمیل خطوط ریلی علاوه بر مزایای اقتصادی کلان آثار منطقه‌ای قابل‌توجهی دارد. هرخط ریلی می‌تواند به‌توسعه شهرهای کوچک، ایجاد مشاغل مستقیم‌وغیرمستقیم، رونق صنایع وابسته و افزایش دسترسی مردم به‌خدمات و بازارها کمک کند. وقتی پروژه‌ای سال‌ها نیمه‌تمام باقی می‌ماند این فرصت‌های توسعه‌ای نیز به‌تعویق می‌افتد. مناطق کمترتوسعه‌یافته که چشم‌انتظار اتصال به‌شبکه ریلی هستند درعمل از چرخه رشد ملی عقب می‌مانند. این‌تاخیر نه‌تنها شکاف منطقه‌ای را عمیق‌تر کرده بلکه مهاجرت به‌کلانشهرها را تشدید و فشار مضاعفی بر زیرساخت‌های شهری وارد می‌کند.

■ هزینه‌های پنهان انرژی و محیط‌زیست

یکی‌از مزایای مهم توسعه حمل‌ونقل ریلی صرفه‌جویی در انرژی و کاهش آلایندگی است. در شرایطی که مصرف سوخت در بخش حمل‌ونقل سهم قابل‌توجهی از یارانه‌های انرژی را به‌خود اختصاص می‌دهد افزایش سهم ریل می‌تواند به‌کاهش هزینه‌های بودجه‌ای دولت کمک کند. کاهش تردد کامیون‌ها در جاده‌ها به‌معنای کاهش انتشار آلاینده‌ها و بهبود کیفیت هواست اما تعلل در تکمیل پروژه‌های ریلی این منافع زیست‌محیطی را نیز به‌تاخیر می‌اندازد. در واقع هزینه تاخیر در پروژه‌های ریلی تنها در صورت‌های مالی دیده نمی‌شود بلکه در آلودگی هوا، تصادفات جاده‌ای و اتلاف سوخت نیز نمود پیدا می‌کند.

■ خط‌آهن میانه-اردبیل

یکی از این پروژه‌ها راه‌آهن میانه-اردبیل است؛ پروژه‌ای که ۲۰سال از عمر آن می‌گذرد ولی هنوز به‌اتمام نرسیده است. البته گفته می‌شود در مراحل پایانی قرار دارد و نیمه اسفندماه به‌بهره‌برداری می‌رسد. این مسیر ۱۷۵کیلومتری با هدف اتصال اردبیل به‌شبکه ریلی کشور اتصال مناطق شمال استان به‌راه‌آهن ازطریق ساخت راه‌آهن پارس آباد-اردبیل، اتصال منطقه زرخیز دشت مغان به‌راه‌آهن، ایجاد یک‌کریدور ترانزیتی دیگر به‌سمت قفقاز و روسیه و اروپا، بسترسازی برای توسعه منطقه محروم اردبیل که به‌واسطه محاصره‌شدن در رشته کوه‌های مرتفع امکانات حمل‌ونقل آن محدود بوده و شرایط بروز استعدادهای بالقوه آن فراهم نیست طراحی شده که سالانه می‌تواند ۶۰۰هزارمسافر و ۲/۵میلیون‌تن بار جابه‌جا کند و در سال‌بیستم بهره‌برداری به‌ظرفیت ۱/۵میلیون‌مسافر و ۴میلیون‌تن بار خواهد رسید.

■ خط‌آهن رشت-آستارا

راه‌آهن رشت-آستارا نیز یکی دیگر از پروژه‌های نیمه‌تمام است که از ۲۰سال پیش کلید خورده است. این‌پروژه ۱۶۲کیلومتری یکی از حلقه‌های کلیدی اتصال شبکه ریلی ایران به‌اروپا، روسیه، قفقاز و آسیای میانه است و حلقه اتصال بخش شمالی کریدور شمال-جنوب به‌شمار می‌رود و شامل ۹ایستگاه صومعه‌سرا، ماسال، رضوانشهر، پره‌سر، اسالم، لیسار، حویق، لوندویل و آستارا می‌شود. با بهره‌برداری از این مسیر ریلی ظرفیت جابه‌جایی بار سالانه تا ۱۵میلیون‌تن افزایش خواهد یافت که علاوه‌بر کاهش فشار بر حمل‌ونقل جاده‌ای باعث کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی نیز می‌شود.

گفته می‌شود بهره‌برداری از این مسیر افزون بر توسعه تجارت بین‌المللی و افزایش ظرفیت ترانزیت کالا از کشور ظرفیت گردشگری و حمل‌ونقل مسافری شمال کشور نیز افزایش می‌یابد.

■ خط‌آهن چابهار-زاهدان

از دیگر خطوط نیمه‌تمام ریلی راه‌آهن چابهار-زاهدان است که ۱۲سال از عمر آن می‌گذرد ولی هنوز به‌سرانجام نرسیده اگرچه براساس وعده‌های داده شده تا پایان سال ریل‌گذاری آن به‌اتمام می‌رسد. راه‌آهن چابهار-زاهدان با هدف ایجاد کریدور شمال-جنوب در شرق کشور و اتصال بندر شهید بهشتی چابهار به‌شبکه ریلی کشور و بهره‌مندی از مزایای ترانزیت ریلی کشور ازطریق اتصال آسیای میانه و افغانستان به‌آبهای آزاد اقیانوسی طراحی شد. این مسیر ریلی ۶۳۴کیلومتری در دوبخش شمالی و جنوبی تقسیم‌بندی شده که از چابهار آغاز و پس از عبور از نیکشهر، ایرانشهر و خاش به‌شهر زاهدان منتهی می‌شود.

تکمیل این‌مسیر ریلی و اتصال بندر شهید بهشتی چابهار(تنها بندر اقیانوسی کشور) به‌شبکه ریلی دسترسی مردم چابهار، نیکشهر، ایرانشهر و خاش به‌شبکه ریلی کشور را فراهم می‌کند و زمینه‌ساز بستر مناسب برای توسعه و رشد اقتصادی و صنایع بومی منطقه و مباحث پدافند غیرعامل است.

■ اظهارات معاون شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل

آنطور که معاون شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل اخیرا اعلام کرده در مجموع حدود ۳۵طرح به‌طول ۱۰هزارو۱۴۷کیلومتر پروژه ریلی در دست اجرا قرار دارد که برای تکمیل تمامی این طرح‌ها حدود هزارو۶۰۰همت منابع مالی نیاز بوده در حالی که در سال۱۴۰۴ تاکنون ۳۰همت تخصیص یافته است.

بنابر گفته خطیبی، با روند فعلی تکمیل این پروژه‌ها به‌طور متوسط حدود ۵۳سال زمان خواهد برد که قابل قبول نبوده و نیازمند راهکارهای جدید تامین مالی است.

البته این مقام مسوول عنوان کرده که بخشی از تامین مالی این کریدورها از محل استجازه رهبری انجام می‌شود اما این منابع کافی نبوده و لازم است از مدل‌ها و روش‌های دیگر نیز استفاده شود. از سوی دیگر سرمایه‌گذاری در بخش ریلی سابقه‌ای همچون توسعه آزادراه‌ها ندارد و موضوعی نسبتا جدید است اما ضرورتی اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. صاحبان معادن و صنایع بزرگ در حوزه نفوذ پروژه‌ها به‌ویژه در بخش‌هایی که بار معدنی دارند می‌توانند نقش موثری ایفا کنند. شرکت‌های تجاری داخلی و بین‌المللی مرتبط با کالا، شرکت‌های بزرگ حمل‌ونقل، شرکت‌های پیمانکاری و حتی کشورهایی که در مسیر این‌کریدورها قرار دارند می‌توانند در تامین مالی و سرمایه‌گذاری مشارکت کنند.

■ ریل؛ آزمون اراده سیاستگذار

انباشت پروژه‌های نیمه‌تمام نشان می‌دهد که نظام اولویت‌بندی در بخش زیربناهای ریلی نیازمند بازنگری جدی است. شاید لازم باشد به‌جای آغاز پروژه‌های جدید تمرکز بر تکمیل طرح‌های با پیشرفت فیزیکی بالا و اثرگذاری اقتصادی بیشتر قرار گیرد. تعریف پروژه‌ها باید مبتنی بر مطالعات دقیق تقاضا، بازده اقتصادی و مزیت‌های منطقه‌ای باشد تا از تکرار تجربه طرح‌های کم‌بازده جلوگیری شود. در غیراین صورت کشور با فهرستی طولانی از پروژه‌های نیمه‌کاره مواجه خواهد بود که هرسال منابعی اندک دریافت می‌کنند و هیچ‌گاه به‌بهره‌برداری کامل نمی‌رسند. بحران ۵۳ساله‌شدن تکمیل پروژه‌های ریلی بیش از آنکه یک‌مساله فنی باشد آزمونی برای اراده سیاستگذار است. اگر تکمیل شبکه ریلی به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری راهبردی برای افزایش بهره‌وری اقتصاد، رشد صادرات، جذب ترانزیت منطقه‌ای، کاهش هزینه‌های انرژی و بهبود کیفیت زندگی مردم پذیرفته شود باید سازوکارهای تامین مالی آن نیز متناسب با این اهمیت طراحی شود. ادامه روند فعلی به‌معنای استمرار اتلاف منابع، ازدست‌رفتن فرصت‌های منطقه‌ای و تعویق توسعه پایدار است. ریل توسعه امروز بیش‌از هرزمان دیگری نیازمند تصمیم‌های جسورانه و اصلاحات ساختاری در حوزه تامین مالی و مدیریت پروژه‌هاست و در غیر این صورت عدد ۵۳سال از یک‌هشدار فراتر رفته و به یک‌واقعیت تلخ تاریخی تبدیل خواهد شد.

انعکاس

نفوذ آمریکا در کریدور میانی اروپا-آسیای مرکزی

تایمز آسیای مرکزی- سفر اخیر جی‌دی‌ونس، معاون رییس‌جمهور آمریکا به‌ارمنستان و جمهوری‌آذربایجان که با ادعای تثبیت صلح در قفقاز جنوبی انجام شد نمایانگر تلاش واشنگتن برای گسترش نفوذ و پیشبرد اهداف راهبردی خود در منطقه و تقویت مسیرهای ترانزیتی اروپا-آسیای مرکزی ازطریق ابتکار «کریدور میانی» و طرح موسوم به«ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» (TRIPP) است.

سفر جی‌دی ونس به‌ارمنستان و آذربایجان به‌عنوان «سود صلح» برای قفقاز جنوبی تفسیر می‌شود اما برای آسیای مرکزی اهمیت آن در ظرفیت‌های زیرساختی برای طرح موسوم به«مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌الملل» (TRIPP) نهفته است. این سفر را می‌توان گامی دیگر در راستای قراردادن مسیر ترانزیتی جدید قفقاز در چارچوب «کریدور میانی» دانست. اگرچه تمرکز این سفر بر حل وفصل اختلافات میان ارمنستان و آذربایجان بوده اما بستر و موقعیت دیپلماتیک اخیر نشان می‌دهد که این ابتکار به‌همان اندازه پیشنهادی برای اتصال آسیای مرکزی به‌اروپا نیز محسوب می‌شود. محدودیت‌های کنونی در اتصال «ترانس خزر» شامل کمبود ظرفیت پایدار حمل‌ونقل قابل اطمینان در دریای خزر، دسترسی به‌بنادر و طولانی‌بودن زمان پردازش در مرزها بوده است. همانگونه که کمیسیون اروپا هفته گذشته به‌وقت محلی اشاره کرد از سال۲۰۲۲ تاکنون حجم ترافیک به‌طور چشمگیری افزایش یافته اما جهش بعدی به‌سرمایه‌گذاری هدفمند و راه‌حل‌های عملی در طول مسیر وابسته است. ابتکار «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» باهدف کاهش آسیب‌پذیری بخش قفقاز در کریدورهای ترانزیتی طراحی شده و قرار است در کنار خط‌آهن بازسازی و توسعه‌یافته باکو-تفلیس-قارص یک‌مسیر دوم ایجاد کند. در چارچوب اجرایی منتشرشده از سوی ارمنستان از تشکیل «شرکت توسعهTRIPP » با دوره اولیه ۴۹ساله سخن گفته شده که سهم پیشنهادی آمریکا در آن ۷۴درصد است. در عین حال تاکید شده که حاکمیت، اجرای قانون، امور گمرکی و اختیارات مالیاتی ارمنستان همچنان محفوظ خواهد ماند. این سازوکار خواسته‌های سیاسی داخلی ارمنستان برای تسریع در جابه‌جایی کالا را برآورده می‌کند بی‌آنکه انتقال رسمی صلاحیت‌های حاکمیتی صورت گیرد.

بسته پیشنهادی ونس در ایروان به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که نشان دهد ایالات‌متحده حاضر است چرخش راهبردی ارمنستان را با کمک‌های ملموس پشتیبانی کند. در این چارچوب پیش‌بینی شده توافق همکاری هسته‌ای غیرنظامی تحت چارچوب«۱۲۳» منعقد شود؛ توافقی که از صادرات بالقوه چندمیلیارد دلاری و روابط بلندمدت در حوزه سوخت و خدمات حکایت دارد آن‌هم در شرایطی که ارمنستان در پی جایگزینی نیروگاه قدیمی «متسامور» است.

«توافق۱۲۳» چارچوبی حقوقی و الزام‌آور براساس بخش۱۲۳ قانون انرژی اتمی آمریکا مصوب۱۹۵۴ است که تجارت هسته‌ای غیرنظامی قابل‌توجه، انتقال فناوری و تامین سوخت میان آمریکا و یک‌کشور شریک را مجاز می‌کند. اگرچه این موضوع به‌طور مستقیم به‌اتصال ترانزیتی مربوط نمی‌شود اما چنین تعهد سرمایه‌ای گسترده‌ای می‌تواند وعده ایجاد یک‌کریدور جدید را کمتر قابل بازگشت جلوه دهد.

گزارش نمایندگان «جهان صنعت» ازسراسرکشور

اصفهان

مدیر منطقه ۲عملیات انتقال گاز ایران خبر داد

ساماندهی سیستم حفاظت کاتدی ایستگاه‌های تقویت فشار گاز پتاوه

مدیر منطقه دوعملیات انتقال گاز ایران از اجرای موفق عملیات رفع تداخل و ساماندهی سیستم حفاظت کاتدی در مجتمع ایستگاه‌های تقویت فشار گاز پتاوه۲، ۳ و۱۰ خبر داد و گفت که این اقدام با هدف افزایش ایمنی، ارتقای پایداری تاسیسات و بهبود عملکرد سیستم‌های حفاظت کاتدی انجام شده است.

اسدالله مهری با اعلام این خبر اظهار کرد: این پروژه با تلاش مستمر کارکنان معاونت عملیات خطوط لوله و واحد کنترل خوردگی منطقه دواجرا شد و در نتیجه آن تداخل‌های موجود به‌طور کامل برطرف و شرایط بهره‌برداری از تاسیسات به‌شکل محسوسی بهبود یافت. او با اشاره به‌اهمیت سیستم‌های حفاظت کاتدی در صیانت از زیرساخت‌های حیاتی صنعت گاز افزود: ساماندهی این‌سیستم‌ها نقش موثری درکاهش ریسک خوردگی، افزایش طول عمر تجهیزات و تضمین انتقال ایمن و پایدار گاز طبیعی دارد.

مدیر منطقه دوعملیات انتقال گاز ایران ادامه داد: دراین‌طرح پس از گذشت بیش از دودهه تداخل‌های موجود با انجام بررسی‌ها و آزمون‌های تخصصی شناسایی و تایید شد و اقدامات اصلاحی لازم به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده در سطح ایستگاه‌ها به‌اجرا درآمد.

مهری تشکیل جلسات تخصصی و بهره‌گیری از دیدگاه خبرگان فنی را از عوامل اصلی موفقیت این پروژه دانست و تصریح کرد: تصمیم‌گیری‌های فنی مبتنی بر خرد جمعی و تجربیات کارشناسان مسیر اجرای صحیح و اثربخش این طرح را هموار کرد.

او از به‌روزرسانی زیرساخت‌های حفاظت کاتدی و تجهیز ایستگاه‌ها به‌سامانه‌های نوین کنترل و پایش به‌عنوان بخش دیگری از این پروژه یاد کرد و گفت: نتایج آزمون‌های نهایی و ارزیابی‌های مجدد نشان داد که تداخل‌ها به‌طور کامل رفع شده و سیستم‌ها به‌وضعیت پایدار و منطبق با استانداردها رسیدند.

مدیر منطقه دوعملیات انتقال گاز ایران در پایان خاطرنشان کرد: اجرای چنین طرح‌هایی نشان‌دهنده توان تخصصی نیروهای داخلی و تعهد منطقه۲ عملیات انتقال گاز ایران در حفظ ایمنی، پایداری و استمرار انتقال گاز در کشور است.

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین (سهامی عام)

آگهی شناسایی شرکت‌های مهندسی مشاور در زمینه طراحی و مهندسی نیروگاه‌های خورشیدی بزرگ مقیاس و نیروگاه‌های مولد موتور گازسوز (شماره ۳۱-TC-۴۰۴)

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین (سهامی عام) در نظر دارد از شرکت‌های مهندسی مشاور که دارای رتبه ۱ از سازمان برنامه و بودجه در رشته‌های مشاور تخصص تولید نیرو، انتقال و توزیع نیرو و همزمان حداقل رتبه ۳ انرژی‌های تجدیدپذیر، حاضر در لیست مشاوران خورشیدی مورد تائید سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی (ساتبا) و دارای تجربه در زمینه طراحی و مهندسی نیروگاه‌های خورشیدی بزرگ‌مقیاس و نیروگاه‌های مولد موتور گازسوز باشند، دعوت به همکاری می‌نماید.

سایر شرایط لازم مناقصه‌گران برای شرکت در مناقصه:

- ارائه معرفی‌نامه و تسلیم فیش واریزی به مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۱۳۷۸۰۰۲۰۰۰۷۵ نزد بانک سپه و یا حساب شماره ۵۰۷۷۹۵۵۷۲۱ و شماره شبا IR۲۷۰۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۵۰۷۷۹۵۵۷۲۱ نزد بانک ملت به نام شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین
- مهلت تسلیم درخواست خرید اسناد: از روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ تا روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۵ ساعت ۱۴:۰۰
- متقاضیان باید پاکت در بسته و مهر و امضا شده، حاوی مدارک کاغذی و CD (شامل کلیه مدارک اسکن شده) که نام و نشانی درخواست‌کننده و موضوع مناقصه به وضوح روی آن درج شده را حداکثر تا ساعت ۱۰:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۶ به دبیرخانه کمیسیون معاملات کارفرما تحویل داده و رسید دریافت کنند.

این آگهی به منظور ارزیابی کیفی انتشار یافته و پس از ارزیابی، از متقاضیان واجد شرایط طی مراحل بعدی دعوت به عمل خواهد آمد.

به مدارک و اسناد فاقد امضا، مخدوش، غیرمستند و همچنین مدارکی که بعد از انقضاء مهلت قید شده در آگهی واصل شوند، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

بدیهی است ارائه مدارک هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان جهت دعوت به ارائه پیشنهاد ایجاد نخواهد کرد. سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد ارزیابی کیفی مندرج می‌باشد.

جهت اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن‌های ۴۱۵۲۷۱۱۶-۰۳۴ و ۴۱۵۲۷۱۱۵-۰۳۴ و آدرس الکترونیکی (TC@GoharZamin.com) مکاتبه نمایند.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

نکته روز

رییس انجمن مالی اسلامی تصریح کرد

بازتعریف زیربنای نظام‌های مالی از طریق هوش‌مصنوعی

باشـــگاه خبرنگاران جوان– رییس انجمن مـــالی اسلامی گفت که هوش مصنوعی در حال بازتعریف زیربنای نظام‌های مالی اســـت و نظام مالی اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

علی صالح‌آبادی در یازدهمین همایش مالی اسلامی بیان کرد: هوش‌مصنوعی در حـــال بازتعریف زیربنای نظام‌های مالی اســـت و نظام مالی اسلامی نیز از این قاعده مســـتثنا نیســـت بنابراین پرسش اصلی این اســـت که چگونه باید هوش‌مصنوعی را در چارچوب مبانی شـــریعت، عدالت اقتصادی و مســـوولیت اجتماعی هدایت کنیم.

او افزود: هوش‌مصنوعی می‌تواند تحولاتی در حوزه‌های مختلف ایجاد کند ازجمله نوآوری در فین‌تک‌های اسلامی، بهبود مدیریت ریسک، کشف تقلب، ارتقای شفافیت، تقویت حاکمیت شرکتی، توسعه تکافل و حتی بازطراحی نظارت بانکی. همچنین فناوری‌هایی مانند بلاکچین و توکن کردن دارایی‌ها می‌توانند افق‌های جدیدی برای بازارهای مالی اسلامی ایجاد کنند.

رییس انجمن مالی اسلامی با اشـــاره به دغدغه‌های مطرح شـــده در پیش نشســـت‌ها اظهار کرد: در کنار فرصت‌هایی که هوش‌مصنوعی ایجاد می‌کند، چالش‌هایی نیز وجود دارد از جمله انقلاب الگوریتم‌ها در تطابق با شریعت، عدم شفافیت در مدل‌های پیچیده هوش‌مصنوعی، چالش‌های حقوقی و اخلاقی و نحوه مسوولیت‌پذیری در تصمیم‌های خودکار که این مسائل نیازمند بازنگری در نظام تنظیم‌گری است.

صالح‌آبادی تصریح کرد: اگرچه هوش‌مصنوعی سرعت، دقت و مقیاس را افزایش می‌دهد اما باید به همان نسبت بر اخلاق، عدالت و نظارت موثر تاکید داشـــته باشیم. آینده مـــالی اسلامی در تقابل با فناوری رقم نخواهد خورد بلکه در توان ما برای جهت‌دهی ارزشی و فناوری شکل می‌گیرد. اگر اصول مالی اسلامی را با فناوری‌های جدید هماهنگ کنیم هوش‌مصنوعی نه‌تنهـــا تهدیدی نخواهد بود بلکه فرصـــتی تاریخی برای تقویت هویت و کارآمدی مالی اسلامی خواهد بود.

«جهان‌صنعت» از مسیر بازار سرمایه گزارش می‌دهد

ایست مذاکرات به بورس

«جهان‌صنعت»– بورس روز دوشنبه و در میانه هفته همچنان منفی اما با تعادل بیشـــتری در روند معاملات همراه بود. نماگر شـــاخص کل در همان دقایق ابتدایی تا منفی ۸۰هزار واحد افت را نشـــان می‌داد و بازار در ابتدا با حجم منفی گسترده کار خود را آغاز کرده بود اما در ادامه به‌ویژه در ساعت پایانی معاملات با افزایش تعداد خریداران مواجه شد. همین استقبال نسبی موجب کاهش حجم منفی معاملات و کاستن از میزان تراز منفی ثبت شده توسط نماگر شاخص کل شد.به‌نظر می‌رسد بازگشت خریداران در ساعات پایانی تحت حمایت صندوق تثبیت و همچنین اخبار خروجی از مذاکرات ژنو قرار داشت اما با توجه به ارزش پایین معاملات در روز گذشته، بورس ایران همچنان با رونق روزهای نه‌چندان دور خود فاصله بسیاری دارد، سرمایه‌های حقیقی همچنان در انتظار تعیین‌تکلیف مذاکرات و کاهش ریسک‌های بیرونی بوده و ترجیح می‌دهند همچنان نظاره‌گر بازار باشند.

■ **شـــاخص کل روی خـــط حمایت ۳/۸میلیونی**

روز دوشنبه شاخص کل بورس با ثبت بیش از ۵۹هـــزار واحد افت دوباره به تراز ۳میلیون و ۸۲۲هزار واحد ســـقوط کرد. چهار نماد فارس، فملی، پارســـان و شبندر بیشـــترین تاثیر را بر نماگر شـــاخص کل داشـــتند. در معاملات روز گذشته همچنین چهار ســـهم شبندر، پارسان، فملی و وبملت بیشـــترین حمایت حقوقی‌های بازار را دریافت کردند. روز گذشته شاخص کل هـــم‌وزن نیز با ثبت افتی معادل ۰/۴۳درصد در تراز ۹۷۶هزار واحد قرار گرفت.

■ **تراز مثبت پول حقیقی در بازار سهام**

روز دوشـــنبه ارزش معـــاملات بازار به رقم ۱۱هـــزار و ۲۲۵میلیاردتومان رسید و طی این معاملات ۳۹۴میلیاردتومان خالص سرمایه‌های حقیـــقی وارد روند معاملات بازار شـــد. در این روز چهار نماد وپاسار، وســـاپا، وتجارت و ورنا بیشـــترین ورود سرمایه‌های حقیقی را در میان ســـهام بازار کســـب کردند. روز گذشته ارزش معـــاملات صندوق‌های اهرمی بازار نیز به رقم ۲هزار و ۹۵۸میلیاردتومان رسید.

■ **روز متعادل در صندوق‌های طلا**

روز دوشـــنبه با توجه به روند متعادل در نرخ اونس جهانی پس از بازگشایی و همچنین آرامش نســـبی در نرخ ارز آزاد به عنوان دو متغیر اصلی اثرگـــذار، صندوق‌های طلای بورسی نیز با وجود بازگشـــایی در محدوده منـــفی اما روند معاملات خـــود را در محدوده مثبـــت نزدیک به صفر تابلو ادامه دادند و در مجموع روز معاملاتی متعادلی را پشت سر گذاشتند.

■ **تعادل بازار در بازه منفی**

بازار ســـرمایه این روزهـــا در مواجهه با انواع ریســـک‌ها قرار داشـــته اســـت و طولانی شدن ریســـک‌های سیاســـی و اثرگذاری روانی منفی آن بر ذهـــن معامله‌گران و فعـــالان بازار باعث شده تا ســـرمایه‌گذاران با خروج بخش عمده‌ای از ســـرمایه‌های خود از بازار سهام در جهت حفظ ســـرمایه و همچنین کاهش نگرانی‌های ناشی از آن قدم بردارند.

طی سه روز گذشته نیز با توجه به ریزش‌های ادامه‌دار بورس، نماگر شاخص کل سطوح تکنیکال مهمی را از دســـت داد. شاخص هم‌وزن نیز با از دست دادن کانال یک‌میلیون واحد مهر تاییدی بر عمیق شدن روند نزولی در بازار زد. از طرف دیگر بازار ســـرمایه همچنان از کاهش معنادار ارزش معاملات روزانه نیز رنج می‌برد و این موضوع نیز به عمق رکود موجود دامن زده است.

در مقابـــل اما طی دو روز گذشـــته و با وجود ریزش‌های بزرگ، بازار سرمایه شاهد مثبت شدن روند ورود ســـرمایه‌های حقیقی نیز بوده اســـت؛ پدیده‌ای که در نگاه کلی و با اتکا به شـــاخص‌ها کمی عجیب به نظر می‌رســـد و مدیران سازمان نیـــز با ارجاع به همین موارد از طبیعی بودن روند معاملات بازار ســـخن به میان می‌آورند. باید اما توجه داشـــت که در دو روز ابتدایی هفته با توجه به ارزش پایین معاملات و کاهش معنادار ارزش معاملات حقیقی‌های بازار، تنها چند نماد و در چند گروه شـــاهد ورود سرمایه بوده‌اند و در کلیت بازار روند مثبتی مشاهده نمی‌شود.

بـــه معنی دیگر بـــا حذف چند نمـــاد از روند معاملات باردیگر تراز ورود ســـرمایه‌های حقیقی اعداد منفی را نشان خواهد داد و با توجه به منفی بودن همزمان شاخص هم‌وزن، به وضوح می‌توان عمق رکود معاملاتی توسط سرمایه‌های حقیقی را دریافت. تنها در روز گذشته حضور خریداران حقیقی به‌خصوص در ساعات پایانی بازار پررنگ‌تر بود و همین حضور به تعادل میـــان نمادهای مثبت و منفی بورس انجامید. از منظر تعدادی این ســـبز رنگی بیشـــتر در نمادهای کوچک بازار رخ داد و منجر به مثبت شـــدن تراز سرانه خریداران شد و در نهایت بورس در بازه‌ای منفی به تعادلی نسبی اما همچنان با حجم کم معاملات دست یافت.

■ **رصد لحظه‌ای سیاســـیون توسط فعالان بازار**

با توجه به تاثیر عمیـــق تهدیدهای نظامی و سیاسی بر بازار طی یک‌ماه گذشته و تبدیل شدن اظهارات لحظه‌ای و متناقض سیاسیون به جنگی روانی علیه بازار سرمایه که به تداوم ریزش و ایجاد رکود در بورس انجامید، هم‌اکنون نیز در آســـتانه دور بعدی مذاکرات در ژنو به‌نظر می‌رسد عملکرد معاملاتی فعالان بازار دچار واکنش‌های لحظه‌ای به خروجی اخبار شده است.

همین موضوع در صورت نبود تحلیل دقیق یا عدم پایبندی به استراتژی معاملاتی بلندمدت می‌تواند به بیش واکنشی بازار منجر و بار دیگر بازار بورس اسیر در تلاطمات لحظه شـــود. از این‌رو شاید بهتر باشد این‌بار مدیران سازمان و سیاســـتگذاران از پیش در پی تمهیدات موثر و حضور کامل در بازار باشند و به تاب‌آوری خود بازار بســـنده نکنند زیرا در صورت وقوع اخبار منـــفی، بازار تحمل موج منـــفی دوباره و ذوب روزانه سرمایه‌ها را نخواهد داشت.

نمایه

رییس ســـازمان بورس و اوراق بهادار با تاکید بر تحول پارادایم مالی اسلامی از «رعایت و تطبیق» به «اعتماد، انصاف و تاب‌آوری» گفت که بازار سرمایه ایران با وجود عدم قطعیت‌ها و ریسک‌های سیستماتیک، بر پایه دارایی‌های واقعی شکل گرفته و توانسته پایداری خود را حفظ کند.

به گزارش پایگاه خبری بازار سرمایه ایران (سنا)، حجت‌اله صیدی در یازدهمین همایش مالی اسلامی با عنوان «هوش‌مصنوعی و آینده مالی اسلامی؛ چالش‌ها، راهکارها و فرصت‌ها» که در محل سازمان بورس و اوراق بهادار برگزار شد با اشاره به اینکه نوسان جزو ذاتی بازار اوراق بهادار است، تاکید کرد: مهم، تاب‌آوری بازار، شفافیت و نقدشوندگی است که خوشبختانه محقق شده است.

رییس ســـازمان بورس و اوراق بهادار گفت: بازار سرمایه ایران با وجود ریســـک‌های سیســـتماتیک و عدم‌قطعیت‌ها همچنان از تاب‌آوری برخوردار اســـت که مهم‌ترین دلیلش تقاضای بیش از ۷۰درصدی سرمایه‌گذاران حقیقی و فرآیند روان معاملات حتی در روزهای منفی بازار است.

صیدی تاکید کرد: مهم نیست بازار در کوتاه‌مدت مثبت یا منفی باشد بلکه مهم این است که معاملات در فضایی شفاف، منصفانه و مبتنی بر دارایی واقعی انجام شود. صیدی گفت: فعالان حرفه‌ای بازار با افت‌وخیز قیمت‌ها آشنایی دارند و به همین دلیل در بازار می‌مانند و با صبر و دقت عمل می‌کنند تا بازده مناســـب را کسب کنند که عمدتا هم موفق بوده‌اند.

او تاکید کرد: ســـازمان بورس و ارکان بازار سرمایه تحولات و فرآیندها را با دقت رصد می‌کنند تا بازار از روند درســـت و طبیعی خودش خارج نشود البته در مواقع خاص هم صندوق‌های حمایتی نقش موثر خود را ایفا می‌کنند.

رییس سازمان بورس مطرح کرد

تاب‌آوری بازار سرمایه با اتکا بر حضور ۷۰درصدی سرمایه‌گذاران حقیقی

■ **کمیته فقهی؛ مزیت رقابتی بازار سرمایه ایران**

صیدی از تلاش‌های مستمر انجمن مالی اسلامی ایران و اعضای شورای آن در بیش از یک دهه گذشته قدردانی کرد و با تاکید بر نقش راهبردی رییس کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار در شکل‌گیری و هدایت انجمن مالی اسلامی گفت: این مسیر برکات فراوانی برای بازار سرمایه به همراه داشته و زمینه‌ساز نهادینه‌شدن ابزارهای مالی اسلامی در بازار سرمایه ایران شده است.

رییس سازمان بورس و اوراق بهادار با اشاره به اینکه کمیته فقهی بازار سرمایه ایران از پیشرفته‌ترین ساختارهای فقه مالی در جهان برخوردار است و در توسعه ابزارها نقش مهمی داشته، گفت: مصوبات این کمیته به‌واسطه پویایی فقه شیعه از پیشرفته‌ترین و راهگشاترین مصوبات فقه مالی در جهان به‌شمار می‌رود. در این کمیته بن‌بستی وجود نـــدارد و هر موضوعی در نهایت به راه‌حل عملیاتی منتهی می‌شود که جای تقدیر دارد.

■ **نقطه قوت بازار سرمایه**

صیدی با اشاره به ویژگی‌های فعالیت بازار سرمایه بر پایه قواعد مالی اسلامی گفت: وجود دارایی واقعی باعث می‌شود بازار به‌صورت درون‌زا تنظیم و ریسک به‌صورت منطقی و قابل برآورد توزیع شود، نه آنکه به‌صورت صفر یا ۱۰۰ درک شود. این ویژگی یکی از نقاط قوت بازار سرمایه مبتنی بر اصول اسلامی است.

صیدی با تاکید بر لزوم توسعه بازار سرمایه گفت: اقتصاد ایران در مقایسه با برخی کشورهای رقیب منطقه نیازمند بازار سرمایه‌ای بزرگ‌تر و سرمایه‌گذاری گسترده‌تر است. برای دستیابی به این هدف در کنار تمرکز بر بازده، باید به مدیریت و توزیع منصفانه ریسک توجه شود؛ موضوعی که اصول مالی اسلامی در آن ظرفیت‌های بالایی دارد و می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را تقویت کند.

■ **عبور مالی اسلامی از «تطبیق فقهی» به «اصول پایدار»**

رییس سازمان بورس و اوراق بهادار با اشاره به تحول نگاه جهانی به مالی اسلامی افزود: در گذشـــته مالی اسلامی بیشـــتر به‌عنوان مجموعه‌ای از محدودیت‌های فقهی و خطوط قرمز حلال و حرام تلقی می‌شد اما با تعمیق مبانی نظری بازار سرمایه و اقتصاد اسلامی و تلاش اندیشمندان این حوزه، امروز این رویکرد به سمت اصولی چون اعتماد، انصاف و تاب‌آوری حرکت کرده است.صیدی گفت: همانگونه که در حوزه گزارشگری مالی، حرکت از استانداردمحوری به اصول‌محوری شکل گرفت، در مالی اسلامی نیز تمرکز از تطبیق صرف به بنیان‌های نظری و اصول بنیادین منتقل شده است.

■ **هوش‌مصنوعـــی؛ ابـــزار تقویت قضـــاوت، نه جایگزین عقل انسان**

صیدی با اشاره به نقش هوش‌مصنوعی در آینده بازارهای مالی توضیـــح داد: هوش‌مصنوعی از فضای پردازش‌های الکترونیک و رایانه‌ای صرفا «صفر و یکی» عبور کرده و وارد حوزه قضاوت شده است اما همچنان عقل انسانی در جایگاهی بالاتر قرار دارد.

وی افـــزود: این فناوری ابزاری بـــرای واگذاری قضاوت‌های تکرارشونده به ماشین است تا انسان بتواند نقش تحلیلی و راهبردی خود را بهتر ایفا کند.

دیدگاه

کارشناس بازار سرمایه با اشاره به بهبود متغیرهای بنیادین بازار سرمایه گفت که «تغییر رویکرد سیاستگذار و افزایش نرخ‌هایی که در حال وقوع است، این اتفاق می‌تواند باتوجه به تورم، سیاست‌های پولی و تحولات بازار ارز ســـبب رشـــد برخی صنایع فعال در بازار سرمایه شود.»

علیرضا خان‌محمدی به ارزندگی و تغییر رویکرد مثبت در برخی صنایع بورس اشاره کرد و به سنا گفت: «به‌نظر من در مقطع کنونی برخی صنایع از نظر بنیادین در وضعیت مناســـبی قرار دارند و اگر ریسک‌های سیاسی را کنار بگذاریم، می‌توانند برای سال آینده برای سرمایه‌گذاران جذاب باشند.»

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به تحولات صنعت نیروگاهی توضیح داد: «تغییر رویکردی که در صنعت نیروگاهی در حوزه فروش و بخش درآمدی رخ داده، اثر مثبتی بر عملکرد شرکت‌های این گروه گذاشـــته است. این تغییرات باعث شده ساختار درآمدی شرکت‌ها شفاف‌تر و پایدارتر شود.»

خان‌محمدی تاکید کرد: «در صنایع فلزات اساسی و دارویی نیز حذف ارز ترجیحی و تغییرات بازار ارز اثرات مثبتی بر فروش شرکت‌ها داشته است. در صنعت دارو، این موضوع علاوه بر فروش، در قالب افزایش نرخ محصولات نیز نمود پیدا کرده است.»

او با اشاره به اینکه صنایع غذایی نیز از این تغییر رویکرد منتفع شده‌اند، توضیح داد: «صنایع غذایی که ماهیتا صنایع ریالی محسوب می‌شوند، در شرایط تورمی توانسته‌اند افزایش نرخ بگیرند. سال‌ها این صنایع تحت‌تاثیر قیمت‌گذاری دستوری بوده‌اند و امکان تعدیل نرخ متناسب با تورم و بهای تمام‌شده را نداشته‌اند؛ به همین دلیل یا با کاهش درآمد مواجه می‌شدند یا حتی به زیان می‌رسیدند.»

این کارشناس بازار سرمایه ادامه داد: «اما اکنون تغییر رویکرد سیاستگذار و افزایش نرخ‌هایی که در حال وقوع است، می‌تواند با توجه به تورم، سیاست‌های پولی و تحولات بازار ارز، این صنایع را در سال آینده به گزینه‌های جذاب سرمایه‌گذاری تبدیل کند. شواهد آن را هم در عملکرد فروش شرکت‌ها می‌بینیم به‌طوری که در ۱۰ ماه اخیر بسیاری از شرکت‌های غذایی و دارویی نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش فروش داشته‌اند.»

خان‌محمدی ضمن اشاره به یکی از نکاتی که سرمایه‌گذاران باید به آن توجه کنند، گفت: «نکته‌ای که نباید نادیده گرفت این است که با وجود افزایش فروش، هنوز در بسیاری از شرکت‌ها رشد معناداری در درآمد و سودآوری مشاهده نشده یا این رشد متناسب با افزایش فروش نبوده است.»

او دلیل این موضوع را تازه‌بودن تغییرات دانست و توضیح داد: «این تحولات به‌تازگی آغاز شده و هنوز اثر واقعی خود را در صورت‌های مالی شرکت‌ها نشان نداده است. برای مثال بسیاری از شرکت‌های غـــذایی و دارویی مواد اولیه وارداتی با دلار ارزان دریافت می‌کردند. با حذف این دلار و افزایش بهای تمام‌شده، لازم است این تغییرات در نظام قیمت‌گذاری اعمال و هماهنگ شود تا در نهایت به رشد واقعی درآمد و سودآوری منجر شود.»

این کارشناس بازار سرمایه افزود: «حتی در صنعت فلزات اساسی نیز با وجود رشد نرخ ارز، آثار واقعی آن هنوز به‌طور کامل در درآمد و سود شرکت‌ها منعکس نشده است.»

خان‌محمدی تاکید کرد: «چشـــم‌اندازی که برای سال آینده پیش‌روی این پنج صنعت وجود دارد در صورت کنترل ریسک‌های سیاسی می‌تواند چشم‌اندازی جذاب باشد. این صنایع با توجه به تغییر رویکردهای سیاستی و اقتصادی، قابلیت تبدیل‌شدن به گزینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری را دارند.»

او گفت: «در عین حال شرکت‌هایی که نتوانند خود را با شرایط جدید از جمله تغییرات ارزی، حذف رانت انرژی و کاهش یارانه‌های پنهان وفق دهند، به‌تدریج از چرخه رقابت بازار حذف خواهند شد و طبیعتا مورد اقبال سرمایه‌گذاران قرار نخواهند گرفت.»

کارشناس بازار سرمایه اظهار کرد

جذابیت بورس با حذف ارز ترجیحی

جدول بورس

پایان بازار دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۴

	مقدار تغییر	درصد تغییر	مقدار پایانی
شاخص کل بورس	-۵۹۲۹۱	-۱/۵۳	۳۸۲۲۵۷۶
شاخص هم وزن	-۴۳۵۸	-۰/۴۴	۹۷۶۸۰۰
حجم معاملات خرد	۲۷/۶میلیارد برگه سهم		
ارزش معاملات خرد	۱۱۱۷۸میلیارد تومان		
تراز پول حقیقی	+۳۸۸ میلیارد تومان		

بیشترین‌های بازار سهام در دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۴

ارزش معاملات نماد	وپاسار T ۱۲/۴۲
حجم معاملات نماد	خودرو B ۴/۶
ارزش بازار نماد	فملی T ۱۴۴۴۸
خرید حقیقی در نماد	وپاسار T ۱۱/۹۹
فشار تقاضا در نماد	خاور
بیشترین تاثیر نماد بر شاخص کل	فارس ۱۱۰۴۳- واحد

خبربان

کارشناس بازار سرمایه مطرح کرد

تداوم ابهام‌های ژئوپلیتیک، مهم‌ترین دغدغه بورسی‌ها

بورس‌نیوز– کارشـــناس بازار ســـرمایه تداوم ابهام‌هـــای ژئوپلیتیک و افزایش ریسک‌های سیاسی و منطقه‌ای را از مهم‌ترین عوامل احتیاط و تردید سرمایه‌گذاران در شرایط فعلی برشمرد. احسان عسگری معتقد است تا زمان کاهش نااطمینانی‌های سیاسی، بازار سهام با وجود ارزندگی بالا همچنان در فاز انتظار و محافظه‌کاری باقی خواهد ماند. عسکری با اشاره به شرایط فعلی بازار سهام، مهم‌ترین چالش ذهنی سرمایه‌گذاران را تداوم ابهام‌های ژئوپلیتیک و افزایش ریسک‌های سیاسی و منطقه‌ای عنوان کرد و گفت: در مقطع کنونی این ریســـک‌ها به بالاترین سطح خود نزدیک شده‌اند و همین مساله باعث شـــده که فضای تصمیم‌گیری در بازار بااحتیاط و تردید همراه باشد. وی با بیان اینکه یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های سرمایه‌گذاران، مدیریت این ریسک‌هاست، افزود: در شـــرایط فعلی، بسیاری از فعالان بازار تمرکز اصلی خود را بر ریســـک‌های سیاسی و منطقه‌ای گذاشـــته‌اند و به متغیرهای اقتصادی داخلی و سیاست‌های اقتصادی کمتر وزن می‌دهند. به عبارتی، فضای کلی بازار به‌گونه‌ای شـــده که نگرانی‌های ژئوپلیتیک بر سایر عوامل اثرگذار سایه انداخته است.

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به روند مذاکرات سیاسی و بین‌المللی تاکید کرد: اگر این مذاکرات با هدف رفع کامل تحریم‌ها و ایجاد گشـــایش‌های بزرگ اقتصادی دنبال شود، بدون تردید می‌تواند تاثیر بسیار مثبتی بر بازار سرمایه داشته باشد. عسگری ادامه داد: در کوتاه‌مدت انتظار کاهش جدی ریسک‌ها چندان واقع‌بینانه نیست و نباید انتظار داشت که در بازه زمانی محدود، فضای بازار به‌طور کامل آرام شود. در میان‌مدت نیز لازم است اقدامات موثر و عملی در حوزه سیاست خارجی و اقتصادی صورت گیرد تا آثار آن در بازار نمایان شود.وی در ادامه با نگاهی بلندمدت خاطرنشان کرد: در افق بلندمدت، اگر درگیری نظامی رخ ندهد و به زیرســـاخت‌های حیاتی کشـــور به‌ویژه در حوزه انرژی آسیبی وارد نشـــود که احتمال وقوع چنین آسیبی نیز چندان بالا نیســـت، بازار ســـهام با توجه به پتانسیل بالای خود می‌تواند مسیر رشد مناسبی را طی کند. به همین دلیل معتقدم در بلندمدت می‌توان بازدهی مطلوبی از بازار سرمایه کسب کرد.

عسگری در ادامه گفت‌وگوی خود با بورس نیوز به رفتار محافظه‌کارانه سرمایه‌گذاران اشـــاره کرد و گفـــت: به‌دلیل همین ریســـک‌های سیاسی و منطقـــه‌ای، بسیاری از سرمایه‌گذاران همچنان برای ورود جدی به بازار سهام مردد هستند و ترجیح می‌دهند تا زمان کاهش نســـبی این ریسک‌ها با احتیاط بیشتری عمل کنند. وی افزود: بخش قابل‌توجهی از فعالان بازار منتظر هستند تا فضای سیاسی و اقتصادی شفاف‌تر شود و نشانه‌های پایدارتری از ثبات مشاهده کنند. تا آن زمان تمایل دارند سطح سرمایه‌گذاری خود را در سهام پایین نگه دارند و بااحتیاط بیشتری پرتفوی خود را مدیریت کنند.

این کارشـــناس بازار سرمایه با تاکید بر جذابیت بنیادی بازار سهام اظهار داشت: با وجود همه این تردیدها، از منظر ارزندگی، بازار سرمایه در وضعیت بسیار مناسبی قرار دارد. برآوردها نشان می‌دهد حدود ۵۰تا۶۰درصد از شرکت‌های بورسی در سطوح قیمتی پایینی معامله می‌شوند و از منظر بنیادی، پتانسیل رشد بالایی دارند. عسگری ادامه داد: در صورت ایجاد آرامش نسبی در فضای سیاسی و اقتصادی، همین شرکت‌ها می‌توانند بازدهی بسیار مناسبی برای سرمایه‌گذاران فراهم کنند. به همین دلیل نمی‌توان گفت که بازار از نظر ارزشگذاری در وضعیت نامطلوبی قرار دارد بلکه مشکل اصلی فضای پر ریسک حاکم بر تصمیم‌گیری‌هاست.

وی همچنین درباره استراتژی فعلی سرمایه‌گذاران گفت: کاهش سطح سرمایه‌گذاری به‌دلیل ریســـک‌های سیاسی، یک استراتژی منطقی و قابل دفاع است. سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند تا زمانی که شـــرایط شفاف‌تر نشود و ریسک‌ها کاهش نیابد با احتیاط بیشتری وارد بازار شوند و منابع خود را مدیریت کنند.

عســـگری در بخش دیگری از این گفت‌وگو بـــه اقدامات اخیر دولت در حوزه اقتصادی اشاره کرد و گفت: در شش ماه تا یک‌سال گذشته، دولت گام‌های مهمی در جهت اصلاح ساختار اقتصادی برداشته است ازجمله حذف قیمت‌گذاری دستوری و حذف دلار ترجیحی که پیش‌ازاین منجر به شکل‌گیری رانت‌های ارزی گسترده شده بود. وی افزود: اگر بخواهیم بررسی کنیم که این اقدامات به نفع کدام گروه از سرمایه‌گذاران بوده باید گفت که تقریبا به‌طور کامل به سود فعالان بازار سهام تمام شده است. حذف رانت‌های ارزی و کاهش مداخلات دستوری فضای شفاف‌تری را برای فعالیت شـــرکت‌ها و سهامداران ایجاد کرده است.این کارشناس بازار سرمایه تصریـــح کرد: در مقابل افرادی که از بازارهای دلالی، ســـفته‌بازی یا ارز ترجیحی به‌عنوان منبع رانت اســـتفاده می‌کردند بیشترین آسیب را از این اصلاحات دیده‌اند و عملا متضرر اصلی این تغییرات بوده‌اند.

نوبت دوم
آگهی مناقصه
شماره ۲۱۰۴۱۸۷
شرکت ملی صنایع مس ایران
شـــرکت ملی صنایع مس ایران با عنـــوان مناقصه‌گزار در نظر دارد «پـــروژه لوله‌کشی و جمع‌آوری لوله‌های فرســـوده کارخانجات امور تغلیظ» را به شـــرکت‌ها یا مؤسسات واجد صلاحیت واگذار نماید. مقتضی است جهت کســـب اطلاعات بیشتر به وب‌سایت‌های رسمی این شرکت به شرح ذیل مراجعه نمایید.
www.nicico.com
www.dargah.nicico.com
www. sarcheshmeh.nicico.com

خبر

روغن طی ۴۰روز دوباره گران شد

ایلنـــا– افزایش قیمـــت روغن‌نباتی به‌صورت رســـمی تایید شد. شرکت‌های فعـــال درصنعت محصولات غـــذایی و آشامیدنی با انتشار اطلاعیه‌هایی از اصلاح نرخ محصولات خود و رشـــد محسوس قیمت روغن خبـــر دادند. در روزهای اخیر شرکت‌های تولیدکننده محصولات غذایی به‌جز قندوشکر با ثبت اطلاعیه‌های افشای اطلاعات بااهمیت از تغییر نرخ فروش انواع روغن‌نباتی پرده برداشتند. این‌تصمیم در ادامه تحولات اخیر بازار و تغییر شرایط تامین مواد اولیه اتخاذ شـــده است. براساس اعلام انجمن صنفی صنایع روغن‌نباتی ایران، میانگین افزایش نرخ محصولات روغن حدود ۱۲درصد برآورد می‌شـــود. این‌انجمن در مکاتبه رسمی با برخی شرکت‌های بزرگ فعال در این‌حوزه از جمله تولیدکنندگان مطرح خواستار اعمال نرخ‌های جدید شده است.

قیمت خرما برای ماه‌رمضان چقدر است؟

ایسنا– با نزدیک‌شدن به ماه مبارک رمضـــان تامین و ثبـــات قیمت کالاهای پرمصرف از جمله خرمـــا مورد توجه قرار می‌گیرد. دراین‌میان شرایط اقلیمی متفاوت، کم‌آبی و نوسانات اقتصادی نگرانی‌هایی درباره میزان تولید و عرضه خرما ایجاد کرده بود؛ موضوعی که رییس انجمن ملی خرمای ایران با تشریح آخرین وضعیت تولید، ذخایر و قیمت‌ها به‌آن پاسخ داد و از آمادگی کامل بازار برای تامین نیاز مصرف‌کنندگان در ماه‌رمضان خبر داد. رشید فرخی با اشاره به‌شرایط اقلیمی سال جاری اظهار کرد: امسال باوجود مشکلاتی همچون کم‌آبی، بی‌برقی و سایر محدودیت‌های اقلیمی خوشبختانه تولید خرما به‌سطح قابل قبولی رسید و میزان تولید کشور به‌طور متوسط بین یک‌میلیون‌و۳۵۰ تا یک‌میلیون‌و۴۰۰هزارتن برآورد می‌شود. بنابراین ازنظر تولید مشکل قابل‌توجهی وجود ندارد. وی با تاکید بر وضعیت مناسب ذخایر خرما در کشـــور افزود: ذخایر خرما به‌اندازه کافی در انبارها موجود است و حتی پس از ماه‌مبارک رمضان نیز تا فصل برداشـــت جدید از نظر تامین خرما با کمبودی مواجه نخواهیم بود. رییس انجمن ملی خرمای ایران با اشاره به‌وضعیت قیمت‌ها در بازار تصریح کرد: خرما یکی از مظلوم‌ترین کالاها در سبد مصرفی خانوار است. به‌طوری که باوجود تورم ۴۰تا۵۰درصدی که خود دولت نیز به‌آن اذعان دارد این‌میزان تورم در قیمت خرما اعمال نشده است. درنتیجه هم از نظر قیمت و هم از نظر مقدار عرضه بازار خرما در شرایط باثباتی قرار دارد.

فرخی از اقدامات حمایتی برای تامین بازار شب عید و ماه‌رمضان خبر داد و گفت: فروشگاه‌های زنجیره‌ای، میادین میوه و تره‌بار شهرداری و شبکه‌های وابسته به‌تعاون روستایی اقدام به‌خرید خارج از فصل خرما کردند و قرار است این‌محصولات در ماه مبارک رمضان عرضه شود تا هیچ‌گونه کمبودی در بازار ایجاد نشود.

وی درباره ارقام پرمصرف خرما در ماه‌رمضان توضیح داد: مصرف خرما کاملا وابسته به ذائقه خانوارهاست اما خرماهای مضافتی، کبکاب و زاهدی ازجمله ارقام روتین و پرتقاضای بازار در این‌ماه به‌شمار می‌روند. ایران از نظر تولید خرما در جهان رتبه‌دوم را دارد اما از نظر تنوع در جایگاه نخست قرار گرفته و ارقام متنوعی متناسب با سلیقه‌های مختلف در دسترس مصرف‌کنندگان است. رییس انجمن ملی خرمای ایران در بخش دیگری از این‌گفت‌وگو با اشاره به‌بحث قیمت‌گذاری گفت: تجربه نشان داده قیمت‌گذاری دستوری در اقتصاد کشور موفق نبوده چراکه قیمت‌ها تابع عرضه‌وتقاضاست. زمانی که عرضه‌وتقاضا متعادل باشـــد قیمت نیز به‌تعادل می‌رسد. این‌قاعده در مورد همه کالاها ازجمله خرما، برنج، گوشت و حتی ارز صدق می‌کند. به گفته وی، با این‌حال وزارت جهاد کشاورزی برای تنظیم بازار نرخ حدود ۳۱۰هزارتومان را برای هر کیلوگرم خرمای مضافتی در میادین و شـــبکه‌های توزیع در نظر گرفته است. فرخی در پایان درباره سهم مصرف داخلی و صادرات خرما اظهار کرد: براساس تجربه چندین ساله نسبت ۷۰درصد مصرف داخلی و صنایع تبدیلی به۳۰درصد صادرات بهترین الگو برای تعادل بازار است. با رعایت این‌نسبت هم صادرات خرما با موفقیت انجام می‌شود و هم بازار داخلی با کمبود مواجه نخواهد شد.

شوک قیمتی و کاهش تقاضای زعفران در بازار بین‌المللی

اتاق ایـــران آنلاین– نایب‌رییس شـــورای ملی زعفران بیان کرد که میزان صادرات زعفران به‌دلیل افزایش قیمت در آبان‌ماه و شوک قیمتی که اتفاق افتاد روند کاهشی یافته هرچنـــد درحال‌حاضر بازار به‌ثبات رسیده و سطح تقاضا بهبود پیدا کرد

غلامرضـــا میری خاطرنشـــان کرد: صادرات زعفـــران ایران به‌دلیل شـــوک قیمتی و افزایش ۱۰۰درصدی آن تحت‌تاثیر قرار گرفت و این‌روند منجر به‌کاهش تقاضا و خرید این‌محصول شد. او درباره صادرات زعفران تا پایان آذرماه ســـال جاری اظهار کرد: از ابتدای سال جاری تا پایان مهرماه صادرات زعفران از کشـــور حدود ۷۰درصد رشد داشته است. نایب‌رییس شورای ملی زعفران ادامه داد: این‌در حالی است که میزان صادرات زعفران در آبان‌ماه و آذرماه سال جاری کاهشی بوده و رشد صادرات چندان بالا نبود است. میزان رشد صادرات از ابتدای سال تا پایان آذرماه امسال به۱۵درصد رسیده است.میری درخصوص دلایل کاهش صادرات زعفران طی آبان‌ماه و آذرماه سال جاری نسبت‌به مدت مشابه سال گذشته ادامه داد: تا قبل از برداشت محصول در سال جاری یعنی در پایان مهرماه زعفران کیلویی از ۶۳میلیون‌تومان تا حداکثر ۸۷میلیون‌تومان در بازار فروخته می‌شد اما در آبان‌ماه امسال ناگهان قیمت زعفران ۱۰۰درصد افزایش پیدا کرد و شوک ناگهانی به‌بازار و خریدارن خارجی وارد شد. بنابراین خرید کمی با توجه به‌افزایش قیمت کاهش یافت. از طرفی میزان تولید زعفران نیز طی سال جاری کاهش یافته است.

رییس اتحادیه صادرکنندگان زعفران خراسان‌رضوی با تاکید بر اینکه اکنون بازار دچار ثبات شده و خریدارن خارجی به‌دنبال خرید زعفران ایران هستند، گفت: با توجه به‌افزایش قیمت زعفران در ایران برای خریداران خارجی از هزارو۱۰۰دلار شروع و تا هزارو۵۰۰دلار بسته به‌نوع زعفران است.

لزوم حضور فعال اتاق ایران در جریان مذاکرات

نایب‌رییس اتاق ایران معتقد است که بخش‌خصوصی باید در چارچوب مذاکرات ایران و آمریکا مشارکت کرده و فراتر از یک مشاور صرف نقش‌آفرین باشد چراکه اعتقاد دارد درجریان مذاکرات باید به‌موضوعات اقتصادی توجه کرد.

محمدرضا بهرامن گفت: مسائل و مواردی که در مذاکرات ایران و آمریکا مطرح می‌شود بیشتر جنبه سیاسی دارد در حالی که اعتقاد داریم جریان‌های اقتصادی هم باید درکنار جریان‌های سیاسی مطرح و پیگیری شوند.

وی با اشاره به‌بیانیه‌ای که با موضوع ضرورت اصلاح حاکمیت اقتصادی کشور به‌تصویب اعضا رسیده اشاره کرد و گفت: متناسب با مسائلی که امروز ایران با آنها روبـــه‌رو بوده این‌بیانیه مورد تصویب قرار گرفت. معتقدیم که بخش‌خصوصی باید به‌عنوان شریک در تصمیم‌ســـازی‌های دولت حضور داشته باشد و نه صرفا نقش مشـــاور را ایفا کنیم. البته جایگاه مشاور یک جایگاه کلیدی و مهم است اما امروز شرایط ایجاب می‌کند که اتاق ایران فراتر حرکت کند و اثرگذارتر باشد.

او ادامه داد: امروز گفتمان بین ایران و آمریکا در جریان است و شرایط خاصی را شاهد هستیم. مسائل و مواردی که مطرح می‌شود بیشتر جنبه سیاسی دارد در حالی که اعتقاد داریم جریان‌های اقتصادی هم باید درکنار جریان‌های سیاسی مطرح و پیگیری شوند. اتاق انتظار دارد که در گفتمان‌هایی که بین دوکشور انجام می‌شود مسائل اقتصادی مورد توجه باشند. از طرفی اتاق و اعضای اتاق باید حضور داشته باشند تا بتوانیم تصمیم‌سازی‌های عاجلی داشته باشیم.

بهرامن از نیاز به یک‌فرصت خاص سخن گفت و افزود: باید فرصتی فراهم شود تا از این‌گفتمان‌ها بهره خوب ببریم و بتوانیم از آن درنتیجه رسیدن به‌اهداف اصلی که همان آرامش و اجتناب از جنگ است استفاده کنیم.

نایب‌رییس اتاق ایران یادآور شـــد: بخش‌خصوصی باید بتواند حضور فعالی در تصمیم‌سازی‌هایی که کشور در جریان گفتمان‌های سیاسی انجام می‌دهد داشته باشد و در گفتمان‌های اقتصادی ســـهم کامل را کسب کند. این‌سهم کامل به‌این‌مفهوم اســـت که همزمان با وزارت امور خارجه درباره مســـائل و مبانی که اقتصاد کشور به‌آنها نیازمند است وارد تعامل شده و در این‌مسیر باری از دوش دولت برداریم.

در بخش دیگری از این‌گفت‌وگو بهرامن به‌موضوع ارز اشاره کرد و گفت: نباید اجازه بدهیم بحث ارز ترجیحی با چالش‌های کوچک مجدد به‌گذشته برگردد. مطمئن باشید که دراین‌صورت رانت‌ها از همین مسیر وارد می‌شوند. اگر ما امروز نتوانستیم بخش بزرگی از ســـرمایه‌های کشور که حاصل صادرات بوده را به‌کشور برگردانیم علت اصلی آن فاصله نرخ بوده که کسانی توانستند از این‌موقعیت سوءاستفاده کنند و ارز را به‌موقع برنگردانند و به‌این‌ترتیب سفره مردم را کوچک کرده و ناآرامی‌ها را در سطح کشور ایجاد کنند.

نایب‌رییس اتاق ایران تاکید کرد: از طرفی تســـهیلات ۷۰۰همتی که در اختیار گذاشتند تا به‌کمک آن مابه‌التفاوت ناشی از تک‌نرخی‌شدن ارز را پوشش دهند و از میزان آسیبی که به‌شرکت‌ها وارد شد بکاهند کافی نیست.

او ادامه داد: اعتقاد داریم که باید در کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی صورت گیرد و گفتمان بین به‌وزارت صمت و بخش‌خصوصی شکل بگیرد تا سطح مشکلات را کاهش دهیم

نظر کارشناس

واردکنندگان نهاده‌های دامی درصورت فروش نفت وارد لیست تحریم‌ها می‌شوند

خطر جدید در کمین امنیت غذایی!

گـــروه بازرگانی– از ســـال آینـــده مقرر شـــده وزارت کشاورزی کســـانی را که نسبت‌به واردات کالاهای اساسی اقدام می‌کنند به‌وزارت نفت معرفی کند و این‌شـــرکت‌ها محموله‌های نفتی دریافـــت کنند و ما درحـــال افزایش‌دادن ارقام تهاتر هســـتیم به‌طوری‌که سهم تهاتر که یک‌میلیارددلار برای امســـال بود تا پایان ســـال به۱/۵میلیـــارددلار افزایش پیدا کـــرد. اظهارات گفته‌شـــده از سمت غلامرضا نوری قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی درحالی مطرح می‌شود که وضعیت فروش نفت ایران بسیار پیچیده اســـت و به‌دلیل تحریم‌های بین‌المللی وضعیتی غیرشـــفاف دارد. درچنین‌شـــرایطی فروشندگان نفت ایران به‌طور دقیق مشـــخص نیســـتند و تلاش می‌کنند خود را مخفی نگـــه دارند تا درمعـــرض تحریم قرار نگیرند. حال اگر قرار است بخشی از فروش نفت ایران به‌عهده واردکنندگان نهاده‌های دامی باشد احتمال تحریم بالاتر میرود و ریسک فروش نفت افزایش می‌یابد.

تامین نهاده‌های دامی به‌دلیل وابستگی سهم قابل‌توجهی از محصولات سبد خانوار از مسائل مهم کشور به‌شمار می‌رود. تامین بخش بزرگی از نهاده‌های دام‌وطیور به‌واردات متکی است. کشور در پاییز گذشته با یکی از بی‌سابقه‌ترین بحران‌ها در این‌حـــوزه حیاتی مواجه شـــد و بحران تامین نهاده‌های دامی و روغنی که از ماه‌های گذشـــته آغاز شـــده بود درنهایت ابعاد گسترده ای یافت و بخش‌های مختلفی از صنعت خوراک دام، واردات کالاهای اساسی، کارخانه‌های روغن‌کشی و تولید روغـــن خوراکی را در برخی موارد با توقف کامل مواجه کرد. بررسی گزارش شـــرکت‌های بزرگ واردکننـــده، واکنش اتحادیه کارخانجات خوراک دام و شفاف‌سازی ناشران بورسی نشان می‌دهد اخـــتلال در تخصیص ارز به‌مرحله‌ای رسیده که امنیت غذایی کشور را به‌طور جدی تهدید می‌کند

از مهم‌تریـــن درس‌های پاییز گذشـــته برای سیاستگذاران و دولتمردان این‌بود که فراموش نکنند به‌خطرافتادن این‌حوزه حیاتی می‌تواند تا چه اندازه بر امنیت غذایی کشور اثر بگذارد؛ درسی که به‌نظر می‌رسد چندان خوب در خاطرشان نمانده چراکه وزیر جهاد کشاورزی به‌تازگی بیان کرد که سهم واردات نهاده‌های دامی و کالاهای اســـاسی با تهاتر نفت افزایش خواهد یافـــت. او درباره تغییرات در اجرای این‌روش تامین کالاهای اساسی گفته که مقرر شده از سال آینده واردکنندگان نهاده‌های دام‌وطیور جهت دریافت محموله‌های نفتی و تهاتر ازسوی وزارت جهاد کشاورزی به‌وزارت نفت معرفی شوند.

داوود رنـــگی، رییـــس هیات‌مدیـــره اتحادیه واردکننـــدگان نهاده‌هـــای دامی در گفت‌وگویی با تجارت نیوز بیان می‌کند که فروش نفت توســـط واردکننـــدگان نهاده‌هـــای دامی آنها را به‌لیســـت تحریم‌های اروپا و آمریـــکا وارد می‌کند. در نتیجه این‌امر و خودداری سیســـتم تجـــارت بین‌الملل از فروش نهاده‌های دامی به‌واردکنندگان تامین دچار مشکل می‌شود. این‌گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانیم.

وزیـــر جهـــاد کشـــاورزی گفت که از ســـال آینده واردکننـــدگان نهاده‌های دامی و کالاهای اســـاسی جهت دریافت محموله‌های نفتی و انجام تهاتر توسط وزارت جهاد کشـــاورزی به‌وزارت نفت معرفی می‌شـــوند. این‌روش برای تامین نهاده‌های دامی چه توجیهی داشته و چه تبعاتی خواهد داشت؟

واردات نهاده‌های دام و طیور نیازمند تخصص و تجربه و آشنایی با بازار است. فعالان این‌حوزه درحال انجام کارشان هستند. این‌گروه از کالا در مملکت تامین می‌شوند. اگر قرار باشد که واردکنندگان نقش صادرکننده نفت که پیچیدگی‌های بسیار دارد بگیرند نتیجه خوبی در انتظار نخواهد بود.

در این‌روش واردکننده برای نقد کردن طلبش یک محموله نفتی برمی‌دارد و به‌واسطه‌ای که با کار و بازار مربوطه آشناست تحویل می‌دهد تا بفروشد. پس از فروش توسط آن واسطه نتیجه عملی این‌است که هزینه انتقال پـــول ۳یا۴درصد افزایش می‌یابد. این‌درصورتی است که این پول گم یا خورده نشود. این‌کار کاری تخصصی است که باید توسط وزارت نفت و کارشناسان آن حوزه انجام شود. پول صادرات نفت باید به‌صندوق توسعه ملی منتقل شود و دولت تعیین کند کـــه واردکننده ارز را از صندوق بگیرد و به‌کارش ادامه دهد.

دلیـــل این‌تغییر روش بـــرای واردات چیست؟

دلیل این‌تغییر روش این‌است که از همان ابتدا در گزینش تراستی‌ها دقت لازم خرج نشد. افرادی برای این‌کار انتخاب و تایید شدند که پول‌ها را برنگرداندند. بحرانی که کشـــور درگیر آن است برنگشتن پول فـــروش نفت و کالاهایی دیگر بـــوده که دولتی و خصولتی‌ها می‌فروشند.

می‌خواهنـــد واردکنندگان نهاده‌هـــای دامی را درگیر فروش نفت کنند تا پول حاصل‌از فروش نفت خورده نشـــود اما اگر کسی که ۲۰یا۳۰سال درگیر کار نهاده دامی بوده به‌عنوان فروشـــنده نفت تلقی شود بلافاصله وارد لیست تحریم‌های اروپا و آمریکا می‌شود. دراین‌صورت دیگر سیستم تجارت بین‌الملل اجازه واردات نمی‌دهد.

درمورد خطرات گره‌زدن فروش نفت به‌واردات نهاده‌های دام‌وطیور و امر امنیت غذایی توضیح بیشتری می‌دهید؟

فروش نفت ایران و شرکت‌هایی که در کار فروش نفت هستند تحریم شدند. وقتی کسی وارد بازار خرید نهاده‌های دام‌وطیور می‌شود سوابق را بررسی می‌کنند. وقتی اسمی از نفت، فولاد، قیر، فلزات و این‌موارد باشد از همان ابتدا کالا را به‌واردکننده نمی‌فروشند.

این نفروختن به‌این‌معنا نیســـت که واردکننده نمی‌تواند محموله‌ای وارد کشـــور کند بلکه باید از مسیر قاچاق اقدام کرده و هزینه بالایی برای انتقال پول بدهد. درحال‌حاضر اختلاف قیمت شرکت‌هایی که جنس دســـت اول به مـــا فروخته و آنهایی که جنس دست‌دوم یا ســـوم به ما می‌فروشند چیزی حدود ۵۰یا۶۰دلار اســـت. با این‌روش این‌اختلاف قیمت هم تشدید می‌شود.

یعنی ممکن است تامین دچار مشکل نشود و فقط قیمت افزایش یابد؟

تامین که حتما به‌مشکل می‌خورد چراکه دولت و بانک مرکزی آن‌قدری ارز ندارند که نیاز کشور را به‌اندازه مصرف شش‌ماهه سال گذشته تامین کند. یک‌معنای گران‌کردن ارز کوچک‌کردن مصرف و ســـفره مردم بود. وقتی قیمت بالا رود مصرف کم می‌شـــود. نهاده‌های دام‌وطیـــور در نهایت به‌شیر و مرغ و تخم‌مرغ تبدیل می‌شوند. وقتی قیمت نهاده چهاربرابر شود قیمت تمام‌شده محصولات وابسته هم افزایش می‌یابد. این‌جامعه چندین‌میلیون حقوق‌بگیر دارد که دستمزدشان به‌اندازه افزایش قیمت‌ها زیاد نشده است. این‌کاهش مصرف معنای کوچک‌شدن سفره‌ها را دارد. شرکت‌های واردکننده نهاده‌ی دامی به‌خصوص شرکت‌های متوسط‌وکوچک اصلا توان فروش نفت ندارند. این‌اقدام مردود است.

چالش

کاهش ۶۵درصدی صادرات بادمجان ایران در سالی که گذشت

سقوط ارزآوری محصولات کشاورزی کشور

بادمجان ازجملـــه محصولات زراعی اســـت که تولید جهانی آن به ۶۰میلیون‌تن در ســـال نیز می‌رســـد. این‌در حالی اســـت که کشـــورهای چین، هند و مصـــر در تولید این‌محصول پیشرو محســـوب می‌شوند. درواقع داده‌های آماری منتشرشده ازسوی ســـازمان فائو نشان می‌دهد در ســـال۲۰۲۴ چین با تولید حـــدود ۳۵میلیون‌تن در جایگاه اول تولید این‌محصول قرار دارد و پس از آن کشـــورهای هنـــد با تولید حـــدود ۱۳میلیون‌تن، مصر بـــا تولید حدود ۱/۸میلیون‌تن، گینه بـــا تولید ۹۵۰هزارتن، ترکیه با تولید ۸۲۰هزارتن، اندونزی با تولیـــد ۶۷هزارتن، ایران با تولید حدود ۶۰هزارتن، بنگلادش بـــا تولید بیش از ۵۶هزارتن در جایگاه اول تا هشـــتم تولید قرار دارند.

■ **ایران در جایگاه‌هفتم تولید جهانی بادمجان**

به این‌ترتیب ایران با تولید حدود ۶۰هزارتن در جایگاه هفتمیـــن تولیدکننده بزرگ این‌محصول کشـــاورزی قرار دارد. داده‌های فائو نشان می‌دهد: کشورهای ایتالیا، اسپانیا، ژاپن، ازبکســـتان، فیلیپین، الجزیره، ســـوریه، پاکســـتان، ســـریلانکا، ساحل عاج، مراکش و عربستان‌سعودی هم در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

از ســـوی دیگر بازار صادراتی این‌محصول نیز روندی پویـــا درپیش دارد به‌طوری‌که براســـاس داده‌های آماری گزارش منتشرشده ازسوی سایت worldtopexports فروش بین المللی بادمجان صادراتی توسط همه کشورها در ســـال۲۰۲۴ به ۶۳۸/۹میلیـــون‌دلار رســـید. این‌مبلـــغ دلاری ناشی از افزایش متوســـط ۹/۸درصدی برای همه صادرکننـــدگان بادمجان درمقایســـه با ۵۸۱/۷میلیون‌دلار پنج‌سال قبل در سال ۲۰۲۰ است.

■ **افزایـــش ۱/۶درصـــدی ارزش بادمجان‌های صادراتی جهان**

ضمـــن اینکه سال‌به‌ســـال ارزش بادمجان‌های صادراتی جهـــانی ۱/۶درصد درمقایســـه با ۶۲۹/۲دلار از ســـال۲۰۲۳ افزایش یافته اســـت. ازســـوی دیگر گزارش نشان می‌دهد: پنج‌صادرکننده پردرآمد بادمجان کشورهای اسپانیا، مکزیک، هلند، ایالات‌متحده آمریکا و ترکیه هســـتند که روی‌هم‌رفته این پنج‌تامین‌کننده اصلی بیش‌از ســـه‌چهارم(۷۸/۹درصد) از درآمد حاصل از صادرات جهانی بادمجان را به‌خود اختصاص دادند. چنین‌درصد بالایی نشان دهنده مجموعه‌ای متمرکز از کشورهای صادرکننده بادمجان است.

درواقع درخصوص ۱۵کشـــوری که بیشترین ارزش‌دلاری بادمجان را در سال۲۰۲۴ صادر کردند در این‌گزارش آمده که اســـپانیا با صادراتی به‌ارزش حدود ۲۳۴میلیون‌دلار که حدود ۳۷درصد از کل بادمجان‌های صادراتی بوده اولین صادرکننده اســـت و پس‌از آن مکزیـــک با ۱۱۹/۴میلیـــون‌دلار، هلند با ۹۶/۴میلیون‌دلار، ایالات‌متحده با ۳۷/۹میلیون‌دلار و ترکیه با ۱۶/۹میلیون‌دلار در جایگاه‌دوم‌تاپنجم قرار دارند. کشورهای بلژیک، چین، فرانسه، ایران، ایتالیا، هندوراس، مالزی، کانادا، آلمان، لهستان در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

به گـــزارش بازار در واقع ایران در ســـال۲۰۲۴ صادراتی به‌ارزش حدود ۱۳میلیون‌دلار که ۲درصد از کل بادمجان‌های صـــادراتی بوده در رتبه‌نهم صادراتی این‌محصول قرار گرفته است. بنابراین از نظر ارزش ۱۵کشور ذکرشده ۹۴/۵درصد از بادمجان‌های صادراتی جهان را در سال۲۰۲۴ صادر کردند.

این درحالی است که درمیان صادرکنندگان برتر سریع‌ترین رشـــد صادرکنندگان بادمجان از سال۲۰۲۳ به‌این‌سو عبارت بودند از: مکزیک با ۳۲/۱درصد، چین با ۲۸/۲درصد، آلمان با ۲۲/۳درصـــد و ایتالیا با ۹/۵درصد از آن طرف تامین‌کنندگان ذکر شـــده که بیشترین کاهش ســـالانه در فروش بین‌المللی بادمجان خود را تجربه کردند عبارتند از: ایران با ۵/۳درصد کاهش نسبت‌به سال۲۰۲۳، بلژیک ۲۸/۲درصد کاهش، ترکیه ۱۹/۸درصد کاهش، لهســـتان ۱۷/۵درصد کاهش و فرانســـه ۹/۷درصد کاهش.

■ **صادرات جهانی از منظر قاره‌ای**

ازســـوی دیگر در میان قاره‌ها، تامین‌کنندگان اروپایی در ســـال۲۰۲۴ با محموله‌هایی بـــه‌ارزش ۳۸۷/۲میلیون‌دلار یا حدود ســـه‌پنجم(۶۰/۶درصد) از کل صادرات جهانی بالاترین ارزش بادمجـــان صادراتی را به‌فروش رســـاندند. در رتبه‌دوم صادرکنندگان مســـتقر در آمریکای شمالی با ۲۵/۵درصد قرار داشتند درحالی‌که ۱۰/۲درصد دیگر از فروش جهانی بادمجان از فروشندگان آسیایی سرچشمه می‌گرفت. درصدهای کمتری از تامین‌کنندگان آمریکای لاتین(۲درصد) به‌استثنای مکزیک اما شامل کارائیب، آفریقا(۱/۵درصد)، سپس اقیانوسیه(۰/۲درصد) به‌رهبری فیجی و تا حد کمتری استرالیا حاصل شد.

عمق بازار

قیمت به‌تومان

راسته با استخوان گوسفندی	ران کامل گوسفندی	گردن گوسفندی	سردست گوسفندی	ران پاک کرده گوساله	گردن گوساله	ماهیچه گوساله	سر دست گوساله
۱۲۰۰۰۰۰	۱۳۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰	۱۲۵۰۰۰۰	۲۰۳۰۰۰۰	۱۷۵۰۰۰۰	۱۷۵۰۰۰۰	۱۰۳۰۰۰۰

سرنوشت محتوم نفتکش‌هایی که تحریم می‌شوند

از دارایی استراتژیک تا آهن‌قراضه

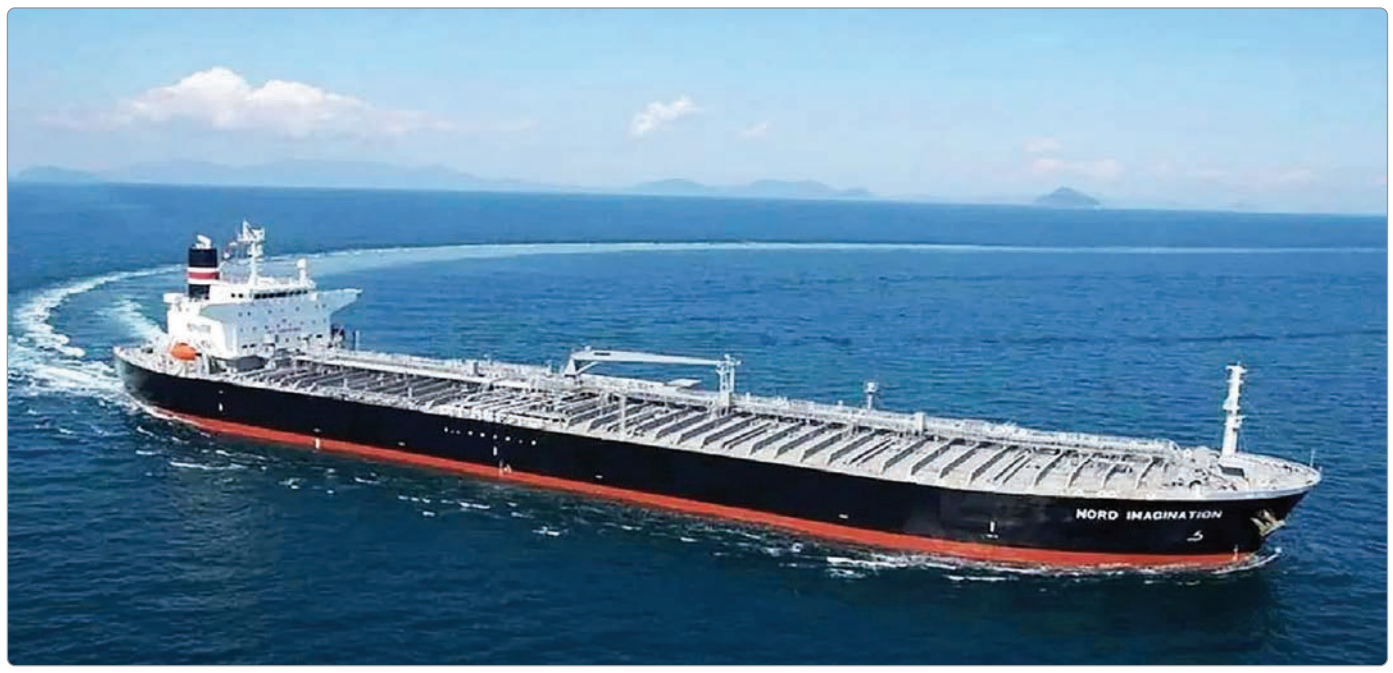

گروه انرژی– نفتکش‌هایی که تحریم می‌شوند، دیگر نه رنگ آب‌های آزاد را می‌توانند ببینند و نه بندری برای پهلو گرفتن. تحریم چنان اثری دارد که نفتکش را تبدیل به ابزاری می‌کند که نه قابلیت فروش دارد و نه حتی اجاره؛ آهن‌پاره‌ای که هرروز ارزشش کمتر می‌شود. در چنین شرایطی نفروختن نفتکش به‌معنای نگه‌داشتن سرمایه نیست بلکه به‌معنای تماشای آب رفتن سرمایه است.

این اتفاق برای ناوگان نفتکش و کشتیرانی ایران افتاده است. درحالی‌که زیان تحریم‌ها فروش نفت را به‌شدت متاثر کرده، ناوگان کشتیرانی و نفتکش را هم زمینگیر کرده است. برای نفتکش‌هایی که نام و نشان‌شان به‌دلیل ایرانی بودن لو رفته هیچ چاره‌ای جز انتقال به پارکینگ و اوراق شدن نیست. هرچند آماری وجود ندارد که چه تعداد از نفتکش‌های کشور به چنین سرنوشتی دچار شده‌اند، با این حال شرکت بازرگانی نفت ایران(نیکو) می‌گویند که خیلی از این نفتکش‌ها را با ترفندهایی نجات داده و جلوی زیان را گرفته‌اند. آنطورکه مجیدعلی نازی، مدیرعامل اسبق شرکت بازرگانی نفت ایران و مشاور فعلی این شرکت روایت کرده که نفتکش‌های تحریمی با مجوز سران قوا به فروش رفته‌اند.

او گفته است: «وقتی کشتی وارد لیست تحریم شد فارغ از سال ساخت و امکاناتش، به آهن‌پاره و آهن قراضه تبدیل می‌شود. اگر کشتی وارد لیست تحریم شود استفاده از آن یا برای انبار نفت است یا اینکه تنها می‌تواند در مسیری که وارد بندری نشود، تردد داشته باشد به همین دلیل ارزش آن به‌شدت افت می‌کند.»

فروش نفتکش‌های تحریمی آنطورکه این مدیرسابق نفتی روایت کرده است، اگرچه در ظاهر به‌عنوان یک تصمیم مدیریتی موفق معرفی می‌شود اما بررسی عددی نشان می‌دهد این اقدام بیش از آنکه سودآور باشد، تلاشی برای مهار زیانی است که سال‌ها پیش و همزمان با ورود کشتی‌ها به فهرست تحریم‌ها به کشور تحمیل شده است

منتقدان تصمیم شرکت بازرگانی نفت ایران آن را ارزان‌فروشی دارایی‌های ملی می‌دانند. در مقابل مدیرعامل اسبق شرکت بازرگانی نفت ایران با تاکید بر شرایط تحریمی فروش انجام‌شده را «عاقلانه، منطقی و بالاتر از ارزش واقعی» توصیف کرده است.

نازی در گفت‌وگو با ایلنا تصریح کرده است که هر کشتی به محض ورود به لیست تحریم، فارغ از سال ساخت و امکانات، به آهن‌قراضه تبدیل می‌شود. او با استناد به قیمت جهانی آهن اسکرپ، ارزش یک نفتکش VLCC تحریمی را حدود ۱۰ تا ۱۱میلیون‌دلار برآورد کرده و گفته که این کشتی‌ها با قیمتی بالاتر از ۱۴میلیون‌دلار فروخته شده‌اند. این ادعا مبنای اصلی دفاع از تصمیم فروش بوده اما آیا این مبنا برای نتیجه‌گیری درباره سود یا زیان کافی است؟

■ وقتی عددها تغییر می‌کنند

در بازار جهانی کشتیرانی نفتکش VLCC غیرتحریمی با توجه به سن، کلاس فنی و وضعیت عملیاتی، ارزشی بین ۵۰ تا ۶۰میلیون‌دلار دارد. این عدد ارزش مرجع چنین دارایی‌ای در شرایط عادی است. تحریم اما قواعد بازی را به‌طور کامل تغییر می‌دهد. کشتی تحریمی بیمه ندارد، اجازه پهلوگیری در بنادر رسمی را از دست می‌دهد، امکان دریافت خدمات فنی استاندارد ندارد و از مسیرهای بانکی و حقوقی بین‌المللی حذف می‌شود. نتیجه این وضعیت آن است که کشتی عملا از یک ابزار حمل‌ونقل به یک دارایی بلااستفاده یا کم‌استفاده تبدیل می‌شود.

در این نقطه است که محاسبه براساس وزن فلز بدنه آغاز می‌شود. اگر وزن یک VLCC را حدود ۴۰هزار تن در نظر بگیریم و قیمت هر تن آهن قراضه را حداکثر ۴۰۰دلار فرض کنیم، ارزش اسقاط یک کشتی غیرتحریمی حدود ۱۶میلیون‌دلار خواهد بود. این رقم سقف ارزش یک کشتی در بدترین حالت غیرتحریمی است اما وقتی کشتی تحریمی باشد، حتی همین مسیر اسقاط هم پرهزینه و پرریسک می‌شود. به همین دلیل به‌گفته نازی، حداقل ۳۰درصد از این ارزش کاسته می‌شود و قیمت به حدود ۱۰ تا ۱۱میلیون‌دلار کاهش می‌یابد.

اگر فروش نفتکش تحریمی واقعا بالاتر از ۱۴میلیون‌دلار انجام شده باشد، در مقایسه با قیمت اسقاط معامله‌ای بهتر از کف بازار صورت گرفته است. این مقایسه اما فقط بخشی از واقعیت را نشان می‌دهد. اقتصاد به‌ویژه در دارایی‌های سرمایه‌ای فقط با بدترین سناریو قضاوت نمی‌کند بلکه مسیر طی‌شده از نقطه آغاز تا نقطه پایان را می‌سنجد.

نفتکشی که پیش از تحریم ۵۰ یا ۶۰میلیون‌دلار ارزش داشته، با فروش ۱۴میلیون‌دلاری، حدود ۳۶ تا ۴۶میلیون‌دلار ارزش خود را از دست داده است. این افت ارزش نه در لحظه فروش بلکه در لحظه تحریم رخ داده است. فروش فقط زمانی اتفاق افتاده که این زیان تثبیت شده و بازگشت‌ناپذیر بوده است.

■ جمع ساده‌ای که نادیده گرفته می‌شود

در کنار افت ارزش، هزینه نگهداری نفتکش تحریمی عامل مهم دیگری است که در دفاع از فروش مطرح می‌شود. کشتی حتی اگر حرکت نکند، نیازمند حداقل خدمه، تعمیرات اضطراری، پایش ایمنی و مراقبت زیست‌محیطی است. برآوردهای فنی نشان می‌دهد که هزینه سالانه نگهداری یک نفتکش بزرگ می‌تواند بین یک تا ۲میلیون‌دلار باشد. این هزینه‌ها در شرایط تحریمی معمولا بالاتر هم می‌رود زیرا تامین قطعات، خدمات فنی و حتی پرداخت حقوق خدمه با محدودیت‌های جدی مواجه است.

اگر یک نفتکش تحریمی برای پنج‌سال نگه داشته شود، هزینه مستقیم نگهداری آن می‌تواند به ۵ تا ۱۰میلیون‌دلار برسد. این عدد باید به زیان ناشی از افت ارزش اضافه شود. به بیان ساده نگه‌داشتن کشتی تحریمی یعنی افزودن زیان سالانه به زیانی که پیشتر ایجاد شده است. در چنین شرایطی فروش دارایی حتی با قیمت پایین‌تر می‌تواند تصمیمی برای توقف خونریزی مالی باشد.

از این منظر استدلال مدیرعامل اسبق شرکت بازرگانی نفت ایران درباره جلوگیری از ضرر بیشتر قابل درک است. فروش کشتی به قیمت ۱۴میلیون‌دلار در مقایسه با نگه‌داشتن آن و پرداخت سالانه هزینه‌های نگهداری می‌تواند مانع از انباشت زیان شود. همین‌جا اما باید تاکید کرد که جلوگیری از زیان بیشتر با سودآوری تفاوت ماهوی دارد. فروش دارایی‌ای که ارزش اولیه آن چند برابر مبلغ فروش بوده حتی اگر تصمیمی عقلانی باشد، سود محسوب نمی‌شود.

کارشناسان براین باورند که اجاره دادن نفتکش‌های تحریمی نیز در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند. به گفته نازی، اساسا امکان اجاره این کشتی‌ها وجود ندارد زیرا هیچ بندری اجازه پهلوگیری به آنها نمی‌دهد و ناوگان نفتی ایران به‌طور مداوم رصد و تحریم می‌شود. حتی اگر تعداد محدودی از کشتی‌های تحریمی بتوانند در بنادر خاص تردد کنند، نرخ اجاره آنها به‌دلیل ریسک بالا چندان جذاب نیست و امکان استفاده پایدار از آنها وجود ندارد.

در مقابل، اجاره یک کشتی غیرتحریمی در مسیرهای آسیایی هزینه‌ای چندمیلیون‌دلاری دارد اما ریسک حقوقی و عملیاتی آن به‌مراتب کمتر است. از همین‌رو استدلال خرید کشتی غیرتحریمی جدید و فروش کشتی تحریمی قدیمی، از نظر عملیاتی منطقی به‌نظر می‌رسد. با این حال این منطق هم تغییری در جمع و تفریق نهایی ایجاد نمی‌کند. کشتی جدید سرمایه‌گذاری تازه‌ای است با ریسک‌های خاص خود، کشتی قدیمی دارایی‌ای است که ارزشش پیشتر از بین رفته است. کارشناسان می‌گویند تحریم پیش از آنکه در قرارداد فروش نمود پیدا کند، ارزش دارایی را نابود کرده است. فروش نفتکش‌ها فقط آخرین حلقه زنجیره‌ای بوده که سال‌ها پیش آغاز شده است. تمرکز صرف بر رقم فروش بدون توجه به این مسیر تصویر ناقصی از ماجرا ارائه می‌دهد.

به گفته آنان، فروش نفتکش‌های تحریمی نیکو اگر مطابق اظهارات مطرح‌شده انجام شده باشد، تصمیمی برای مدیریت خسارت و توقف زیان بیشتر بوده است نه معامله‌ای سودآور زیرا یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که سودی در کار نیست و فقط تلاش شده زیان از این بزرگ‌تر نشود.

نگاه

چرا آمریکا خواهان نفت و گاز ایران است؟

محمود خاقانی *– الیگارشی نوپای آمریکا، متشکل از صاحبان ثروت و قدرت در صنایع پیشرفته به‌ویژه هوش مصنوعی که نقش مهمی در حمایت از دونالد ترامپ برای پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری۲۰۲۴ ایفا کردند، به‌خوبی آگاهند که توسعه صنعت هوش مصنوعی به دو عامل حیاتی وابسته است؛ مصرف عظیم انرژی و دسترسی پایدار به عناصر کمیاب زیرزمینی. این واقعیت پیوندی مستقیم میان فناوری‌های نوین و سیاست خارجی ایالات‌متحده ایجاد کرده؛ پیوندی‌که موجب تمرکز راهبردی آمریکا بر کشورهایی با منابع غنی انرژی فسیلی و مواد معدنی کمیاب شده است.

در این چارچوب کشورهایی مانند ایران، ونزوئلا، عراق، سوریه، لیبی، سودان و برخی کشورهای آسیای مرکزی در کانون توجه سیاست خارجی آمریکا قرار گرفته‌اند. همزمان دولت دونالد ترامپ رویکردی انتقادی و حتی خصمانه نسبت‌به سرمایه‌گذاری سنگین در انرژی‌های تجدیدپذیر اتخاذ کرده و آمریکا را از توافق پاریس خارج کرد. پیمان پاریس که ذیل کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد درباره تغییرات اقلیمی(UNFCCC) تعریف می‌شود در سال۲۰۱۵ با هدف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با تغییرات اقلیمی به تصویب رسید و تا سال۲۰۱۷ توسط ۱۹۵کشور امضا و ۱۴۷کشور تصویب شد. خروج آمریکا از این توافق نشانه‌ای روشن از اولویت‌زدایی سیاست اقلیمی در دولت ترامپ بود.

■ پایان سرمایه‌گذاری در انرژی‌های سبز

در دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، سیاست‌های انرژی سبز به‌طور مستقیم هدف قرار گرفت. دولت آمریکا با صدور دستورات اجرایی و لغو یا کاهش اعتبارات مالیاتی، مسیر توسعه فناوری‌های انرژی پاک را مسدود کرد و در مقابل شرکت‌های نفت و گاز را به افزایش تولید سوخت‌های فسیلی تشویق کرد. پیامد این رویکرد رکود عمیق در صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر بود.

براساس داده‌های رسمی، سرمایه‌گذاری در صنایع تولید فناوری انرژی پاک در سال۲۰۲۵ به‌شکل محسوسی کاهش یافت به‌طوری‌که حجم سرمایه‌گذاری از ۵۰/۳میلیارددلار در سال۲۰۲۴ به ۴۱/۹میلیارددلار رسید. افزون‌بر این حدود ۲۲/۷میلیارددلار از پروژه‌های جدید فناوری انرژی پاک به دلیل افزایش نااطمینانی سرمایه‌گذاران لغو شد. این روند منجربه از دست رفتن دست‌کم ۱۰هزار شغل در صنعت انرژی سبز آمریکا در سال۲۰۲۵ شد؛ صنعتی که در سال‌های پیش از آن یکی از موتورهای اشتغالزایی محسوب می‌شد.

■ دستورات اجرایی و تناقض در وعده‌ها

دونالد ترامپ همواره وعده داده است که ظرفیت تولید داخلی آمریکا را افزایش داده و مشاغل بیشتری برای شهروندان آمریکایی ایجاد خواهد کرد. با این حال گزارش‌های تحلیلی از جمله گزارش اویل‌پرایس در بهمن۱۴۰۴ نشان می‌دهد که سیاست‌های دولت ترامپ عملا به گسترش برخی صنایع خاص و محدودسازی سایر بخش‌ها انجامیده است.

ترامپ در جریان کارزار انتخاباتی۲۰۲۴ ادعا می‌کرد که با بازگشت به کاخ سفید میلیون‌ها شغل ایجاد خواهد کرد و دستمزد کارگران آمریکایی به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد. پس از آغاز دوره دوم ریاست‌جمهوری در ژانویه۲۰۲۵ اما تمرکز اصلی دولت بر گسترش تولید سوخت‌های فسیلی– نفت، گاز و زغال‌سنگ– اعلام شد. ترامپ در سخنانی صریح گفت: «بحران تورم ناشی از هزینه‌های گزاف انرژی است و به همین دلیل وضعیت اضطراری ملی انرژی اعلام می‌کنم، ما حفاری خواهیم کرد.»

■ افزایش تولید نفت و گاز و تداوم سیاست‌های تاریخی

از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون، تامین امنیت انرژی و تسلط بر مناطق دارای منابع غنی نفت و گاز، به یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی آمریکا و متحدانش تبدیل شده است. کودتای ۲۸مرداد۱۳۳۲ در ایران که با مداخله مستقیم آمریکا و بریتانیا به براندازی دولت منتخب دکتر مصدق انجامید، نمونه‌ای بارز از این راهبرد تاریخی است.

در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ، سیاست «ایران‌هراسی» زمینه فروش گسترده تسلیحات به کشورهای تولیدکننده نفت‌وگاز و استقرار پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشورها را فراهم کرد. همزمان با مداخلات سیاسی و نظامی در کشورهایی چون لیبی، سوریه، عراق، سودان و ونزوئلا، کنترل بر منابع انرژی این کشورها تقویت شد. در ادامه همین سیاست، دولت ترامپ و متحدانش تلاش می‌کنند با فشارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی، زمینه تغییر ساختار قدرت در ایران را فراهم آورند. ترامپ بارها تاکید کرده است که آمریکا بزرگ‌ترین ذخایر نفت‌وگاز جهان را در اختیار دارد و از آنها استفاده خواهد کرد.

■ سیاست جنگ تعرفه‌ها و ناکامی در تولید داخلی

دولت ترامپ با اتکا به انرژی ارزان، سیاست «جنگ تعرفه‌ها» را به‌عنوان ابزاری برای بازگرداندن تولید به داخل آمریکا معرفی کرد. هدف این سیاست افزایش هزینه واردات کالاهای خارجی و تشویق سرمایه‌گذاری در تولید داخلی بود. با این حال پس از حدود یک سال نتایج مورد انتظار محقق نشد.

اشتغال در بخش تولید در ماه‌های ابتدایی دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ تقریبا ثابت ماند و سپس برای هشت‌ماه متوالی کاهش یافت. رشد دستمزد کارگران کارخانه‌ها نیز در سال۲۰۲۵ کند شد. منتقدان این سیاست معتقدند که سرمایه‌گذاری در ساخت کارخانه‌های جدید کاهش یافته و چشم‌انداز رشد میان‌مدت اقتصاد آمریکا با تردیدهای جدی مواجه است. در این میان صنعت انرژی سبز بیش از سایر بخش‌ها آسیب دید.

■ مقایسه با دوره جو بایدن

ترامپ به‌طور مداوم سیاست‌های انرژی دولت جو بایدن را مورد انتقاد قرار می‌دهد. داده‌ها اما نشان می‌دهد که در دوره بایدن صنعت فناوری انرژی‌های پاک در آمریکا رشد قابل‌توجهی داشت. سرمایه‌گذاری گسترده در تولید باتری، خودروهای برقی، پنل‌های خورشیدی و سایر فناوری‌های پاک– که با حمایت قانون کاهش تورم (IRA) تامین مالی می‌شد– منجر به ایجاد هزاران شغل و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به رشد بلندمدت این بخش شد.

■ دولت ترامپ چه می‌کند؟

در مقابل، دولت ترامپ با صدور دستورات اجرایی متعدد، کاهش اعتبارات مالیاتی و تشویق مصرف‌کنندگان به خرید خودروهای پرمصرف، مسیر توسعه انرژی‌های پاک را محدود کرده است. طبق داده‌های Clean Investment Monitor، شرکت‌ها در سال۲۰۲۵ حدود ۴۱/۹میلیارددلار در کارخانه‌های تولید فناوری پاک سرمایه‌گذاری کردند که کاهش چشمگیری نسبت‌به سال قبل دارد. لغو پروژه‌ها نیز به‌طور گسترده ادامه یافت. شرکت Bila Solar برنامه توسعه ظرفیت تولید خود در ایندیاناپولیس را متوقف کرد، Heliene کانادا در حال بازنگری پروژه مینه‌سوتا است و شرکت نروژی NorSun توسعه طرح‌های خود در آمریکا را به حالت تعلیق درآورد. همچنین دو مزرعه بادی فراساحلی در شمال‌شرق آمریکا به‌دلیل مخالفت دولت ترامپ در معرض تعطیلی قرار گرفتند که به از دست رفتن هزاران شغل انجامید.

■ اگر آمریکا شکست بخورد

کارشناسان اقتصاد انرژی هشدار می‌دهند که اگر آمریکا در پروژه‌های خود برای تسلط سیاسی و اقتصادی بر کشورهایی مانند ایران ناکام بماند و نتواند دولتی مطیع یا دست‌کم مشابه الگوی ونزوئلا ایجاد کند، با شکستی راهبردی مواجه خواهد شد؛ شکستی که یادآور تجربه تحقیرآمیز سال۱۳۵۷ در ایران است. چنین وضعیتی می‌تواند موجی از مقاومت در میان کشورهای تولیدکننده نفت‌وگاز ایجاد کند.

بر همین اساس سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای ـ از جمله توسط چهره‌هایی مانند ایلان‌ماسک ـ برای حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. به سرمایه‌گذاران وعده داده شده که در صورت تغییر ساختار قدرت با فروش نفت و گاز ایران سودهای کلان نصیب آنان خواهد شد. تحقق این سناریو اما بیش از هر زمان دیگری با عدم قطعیت و ریسک‌های ژئوپلیتیکی جدی همراه است

* کارشناس بین‌المللی انرژی

گزارش ۲

تحلیل ریستاد انرژی درباره رابطه مذاکرات با نفت ایران

۵سناریو برای نفت

میز نفت– ریستاد انرژی با بررسی اوضاع فعلی پنج‌سناریوی محتمل برای آینده ایران و تاثیر آنها بر قیمت و عرضه نفت ترسیم کرده که نشان می‌دهد مسیر تحولات تا حد زیادی وابسته به تعامل سیاسی، تنش نظامی و ثبات داخلی خواهد بود.

تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران در کنار فشارهای خارجی و حضور نظامی گسترده در خاورمیانه باعث افزایش ریسک ژئوپلیتیک در بازار جهانی نفت شده است.

■ سناریوی اول و تولید ۳/۶میلیون بشکه‌ای

در سناریوی نخست، موفقیت در احیای توافق هسته‌ای و بازگشت ایران به میز دیپلماسی باعث کاهش تنش‌ها و لغو مرحله‌ای تحریم‌ها می‌شود. در این سناریو تولید نفت ایران از حدود ۳/۲میلیون بشکه در روز به ۳/۶میلیون بشکه تا پایان سال۲۰۲۷ افزایش می‌یابد اما اثر فشار نزولی بر قیمت‌ها کم و تدریجی خواهد بود زیرا بازار افزایش عرضه را کم‌کم جذب می‌کند. در سناریوی دوم، تلاش‌های محدود نظامی ایالات‌متحده علیه اهداف هسته‌ای یا سپاه پاسداران بدون تبدیل به جنگ تمام‌عیار می‌تواند قیمت نفت را موقتا بین ۵ تا ۱۰دلار در هر بشکه افزایش دهد اما به‌دلیل ادامه جریان نفت و باز بودن آبراه‌ها مانند تنگه هرمز، این افزایش دوام زیادی نخواهد داشت.

■ ۲سناریو با عدد ۱۵دلار

سناریوی سوم و چهارم شامل اقدامات نظامی گسترده‌تر است که در هر دو حالت منجربه کشته‌شدن رهبری ایران می‌شود. در سناریوی سوم، یک جانشین عملگرا قدرت را به‌دست می‌گیرد که درنهایت ترجیح به بازگشت به تجارت جهانی می‌دهد اگرچه نفت و مسیرهای انتقال ممکن است برای مدتی کوتاه مختل شوند و قیمت‌ها بیش از ۱۰دلار افزایش یابد

در سناریوی چهارم اما جانشین سختگیرتری روی کار می‌آید که با تشدید مقابله، حملات به تاسیسات نفتی و مسیرهای حیاتی انرژی را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود قیمت‌های نفت تا حدود ۱۵دلار بالاتر بروند و ریسک ژئوپلیتیک به‌صورت ساختاری در بازار باقی بماند. در سناریوی پنجم، حملات گسترده و فروپاشی قدرت مرکزی ایران رخ می‌دهد و کشور به منابع بی‌ثبات منطقه‌ای تبدیل می‌شود. چنین وضعیتی می‌تواند همراه با کاهش شدید تولید، وقفه‌های مکرر در صادرات و اختلال در تنگه هرمز باشد. در این حالت بازار نفت با بحران عرضه مواجه می‌شود، قیمت‌ها بیش از ۱۵دلار افزایش می‌یابند و ریسک‌های ساختاری برای توانایی بازار در جذب شوک‌ها به‌وجود می‌آورند.

تحلیل ریستاد نشان می‌دهد که حتی سناریوهای کم‌تنش هم بر ریسک قیمت و اعتماد بازار اثرگذارند و سناریوهای پرتنش می‌توانند باعث افزایش ناگهانی و شدید قیمت نفت و ناپایداری در بازار انرژی جهانی شوند. همچنین تاکید شده که اهمیت ایران فراتر از سطح تولید آن است و موقعیت استراتژیک در مسیرهای انتقال و تاثیر آن بر کشورهای همسایه و بازار جهانی فشارهای قیمتی را تشدید می‌کند.

خبر

انتقال سهمیه سوخت به کارت بانکی

ایسنا– با تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال آینده سهمیه کارت سوخت افراد به کارت بانکی آنان به صورت ۱۰۰ در صد انتقال می‌یابد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی ردیف چهار الزامات مصارف لایحه بودجه۱۴۰۵ کل کشور مربوط به الزامات حوزه نفت و انرژی مصوباتی داشتند

سید حمید پورمحمدی، رییس سازمان یارانه و بودجه در خصوص این بند تاکید کرد: قانونی پیش‌بینی شده بود مبنی بر اینکه سهمیه از کارت سوخت افراد به کارت بانکی آنان منتقل شود. در این بخش تاکید شده است که این قانون در سال آینده به‌صورت ۱۰۰درصد اجرایی شود.

محمدباقر قالیباف، رییس مجلس هم اعلام کرد شایعه افزایش قیمت بنزین تا ۶۰هزارتومان در سال آینده صحت ندارد و این ادعا یک جنگ رسانه‌ای برای ایجاد فضاسازی است.

وی افزود: بعضی‌ها با توجه به جدول۱۴ جمعی– خرجی اینطور استنباط کردند که بنزین در سال آینده لیتری ۶۰هزارتومان خواهد شد که این‌طور نیست؛ این در حقیقت یک جنگ رسانه‌ای است برای اینکه بخواهند فضا را دنبال کنند که بنزین می‌خواهد لیتری ۶۰هزارتومان شود.

نقشه ترامپ و نتانیاهو برای نفت ایران

رویترز– نشریه آکسیوس نوشت که دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در توافقی به دنبال کاهش صادرات نفت ایران به چین هستند.

پایگاه خبری آکسیوس مدعی شد دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم‌صهیونیستی توافق کرده‌اند که واشنگتن برای کاهش صادرات نفت ایران به چین و افزایش فشارهای اقتصادی علیه تهران اقدام کند. براساس گزارش آکسیوس، این توافق در جریان دیدار ترامپ و نتانیاهو در کاخ سفید حاصل شده و هدف آن تشدید سیاست فشار حداکثری علیه ایران است. این رسانه به نقل از دو مقام آمریکایی که در جریان این موضوع قرار داشتند، این ادعا را مطرح کرده است.

یک مقام ارشد آمریکایی اعلام کرد: ما توافق کردیم که با تمام توان سیاست فشار حداکثری علیه ایران را اجرا کنیم، از جمله در زمینه فروش نفت ایران به چین.

در واکنش به این موضوع وزارت امور خارجه چین اعلام کرد همکاری‌های عادی میان کشورها در چارچوب قوانین بین‌المللی مشروع است و باید مورد احترام و حمایت قرار گیرد.

این گزارش می‌افزاید: چین بیش از ۸۰درصد از صادرات نفت ایران را خریداری می‌کند و هرگونه کاهش در این تجارت می‌تواند منجر به کاهش قابل توجه درآمدهای نفتی ایران شود.

امضای ۶ سند همکاری بین ایران و روسیه

شانا– معاون امور بین‌الملل و بازرگانی وزیر نفت از مذاکرات کارگروه‌های شانزده‌گانه در دو روز نخست نوزدهمین کمیسیون مشترک همکاری اقتصادی ایران و روسیه برای نهایی کردن فرآیند تهیه و امضای شش‌سند مجزا از سوی دستگاه‌های مختلف خبر داد.

سیدعلی‌محمد موسوی در حاشیه آئین گشایش نوزدهمین کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و روسیه گفت: گروه‌های کاری شانزده‌گانه، مباحث و مسائل مشترکی را که در طول سال از سوی هیات‌های دوطرف پیگیری شده، بررسی و متن نهایی سند کمیسیون را آماده می‌کنند.

موسوی با اشاره به ویژگی منحصربه‌فرد نوزدهمین کمیسیون مشترک گفت: افزون‌بر آماده‌سازی و تدوین سند اصلی کمیسیون که شامل گزارش کار و سند مفصل حدود ۱۹۰بند است، شش‌سند مجزا هم از سوی دستگاه‌های مختلف برای همکاری‌های دو کشور تهیه و امضا می‌شود، این اسناد در زمینه استاندارد، بهداشت، کشاورزی و دیگر حوزه‌هاست و احتمال می‌رود پیش از نشست خبری در حضور روسای کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و روسیه امضا شود.

وی با بیان اینکه همکاری‌ها در حوزه انرژی یکی از محورهای اصلی کمیسیون است، بیان کرد: در زمینه واردات گاز از روسیه پیشرفت‌هایی حاصل شده و این موضوع برای تبدیل ایران به قطب انرژی منطقه اهمیت دارد، همچنین همکاری‌های نفتی ایران و روسیه موفق بوده و روس‌ها در چند میدان نفتی ایران با هدف توسعه و افزایش برداشت سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

معاون امور بین‌الملل و بازرگانی وزیر نفت درباره ریاست کمیسیون مشترک توضیح داد: ریاست کمیسیون به‌عهده وزیران نفت و انرژی دو کشور است و نشست‌ها هر سال یک بار در روسیه و یک بار در تهران برگزار می‌شود، مباحث در طول سال از طریق سفرها، نشست‌های حضوری، مجازی و تلفنی پیگیری و تصمیم‌های اجرایی به‌طور مستمر گرفته می‌شود.

روزنامه جهان صنعت
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
نوبت دوم
شرکت پتروشیمی مارون
MARUNPetrochemical Co.
آگهی مناقصه عمومی
شماره: ۱۴۰۴/۸۹۳
• کارفرما: شرکت پتروشیمی مارون
موضوع مناقصه: تامین نیروی کمکی بازرسی فنی در تعمیرات اساسی ۱۴۰۵
• محل اجرا: شرکت پتروشیمی مارون به نشانی خوزستان ـ بندر ماهشهر ـ منطقه ویژه اقتصادی ـ سایت ۲
• میزان سپرده شرکت در مناقصه: ۵درصد مبلغ پیشنهادی به صورت ضمانت‌نامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی
مهلت و نحوه دریافت اسناد: از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ لغایت پایان وقت اداری ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ (به جزء ایام تعطیل)، برای دریافت غیرحضوری اسناد، مدارک مربوطه (نامه اعلام آمادگی، فیش واریزی و آدرس پست الکترونیکی جهت ارسال اسناد) را به آدرس پست الکترونیکی tenders@mpc.ir ارسال نمایند.
تلفن هماهنگی: ۰۶۱-۵۲۲۹۵۱۴۰ و ۰۶۱-۵۲۲۹۵۷۰۴
• حداقل شرایط حضور در مناقصه:
داشتن شخصیت حقوقی- داشتن تجربه و حسن سابقه در انجام حداقل سه کار مشابه- ارائه مدارک مثبته دال بر داشتن توان مالی و تجهیزاتی و فنی- داشتن رتبه اجرایی ابنیه (تاثیرگذار در امتیاز ارزیابی) و ...
• قیمت اسناد و نحوه واریز: ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال واریز به حساب شماره ۶۰۱۷۰۳۲۲۸۱ بانک تجارت شعبه مجتمع پتروشیمی مارون با شناسه بانکی ۳۱۱۵۰۱۵.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج گردیده است
روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت پتروشیمی مارون
www.mpc.ir

گزارش میدانی «جهان‌صنعت» از بهشت‌زهرا به مناسبت چهلم جانباختگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴

شمع‌ها خاموش نمی‌شوند

پویا اصل‌باغ – انتخاب روایت از میان مزارها آسان نبود. تا چشم کار می‌کرد مزار جوانانی بود که اغلب روی سنگ مزارشان نوشته شده بود: «تاریخ فوت: ۱۸یا۱۹دی۱۴۰۴». بیشترشان نیز متولد دهه‌های۷۰و۸۰ بودند. شمع‌های نیمه‌سوخته، گل‌های پرپرشده و خشکیده و تلی از خاک نم‌دار. از کدام‌شان می‌توان گفت، وقتی هریک می‌تواند روایت چندین صفحه‌ای باشد؟ بازگو کردن فضایی که در چهلم جانباختگان اعتراضات در بهشت‌زهرا وجود داشت کار آسانی نیست. از کدام مادر بگویم که بر سر مزار فرزندش چنان مویه‌ای می‌کرد که صدایش سکوت سنگین آرامستان را در هم می‌شکست؟ از کدام پدر روایت کنم که خیره به مزار تنها پسرش، مات و مبهوت مانده بود و حتی توان ریختن قطره‌ای اشک را نداشت؟ از خودم چه بگویم. چگونه از فضایی که دیده‌ام بنویسم؟ زمانی که پا به میان مزارها گذاشتم، هر مزاری را که دیدم، جوانی بود که زیر خروارها خاک آرام گرفته. جمعیتی نیز برای تسلی‌بخشیدن به خانواده‌های کشته‌شدگان آمده بودند. گاهی شعار می‌دادند: «این گل پرپر شده، هدیه به میهن شده» و گاهی زیر لب زمزمه می‌کردند: «از خون جوانان وطن لاله دمیده؛ از ماتم سرو قدشان سرو خمیده.» به راستی که این سوگ با همه غم‌ها فرق دارد.

■ **دلتنگی بی‌امان بازماندگان**

زمانی که به بهشت‌زهرا رسیدم اولین تصویری که دیدم و نخستین صدایی که شنیدم، ناله‌های خواهر جوانی بود بر سر مزار برادرش. هرچه در توان داشت فریاد می‌زد: «دلم برات تنگ شده داداش» و «دیدن لباس دامادیت، داغش به دلم موند.» هیچ‌کس جرات نزدیک شدن نداشت. هرکس می‌خواست نزدیکش شود با فریاد او عقب می‌رفت: «نیایید، بذارید تنها باشم.» صورتش را چنان به خاک فشرده بود که از دور لکه‌های کبودی دیده می‌شد. عده‌ای از مردم حضور داشتند اما احترام می‌گذاشتند. از دور کف می‌زدند و برخی زنان نیز با صدای بلند ناله می‌کردند. از عکس وی مشخص بود که او حدود ۲۵یا۲۶ساله بود. از فریادهای خواهرش فهمیدم که دانشجوی مهندسی بوده است. به راستی چه جوان برومند و رشیدی بود.

■ **رقص در سوگ یک دوست**

کمی آن‌طرف‌تر مزاری به چشمم خورد. نامش علی عربی بود، متولد سال۸۲ و تاریخ وفاتش ۱۸دی‌ماه۱۴۰۴ ثبت شده بود. دو،سه شمع نیمه‌سوخته کنار مزار باقی‌مانده بود. گل‌های پرپر زرد و سفید روی خاک افتاده بودند و یک دسته گل پشت عکسش قرار داشت. عکسش روی سنگ چسبانده شده بود. در عکس مشغول خندیدن بود و شلوار جین و کاپشنی سفید به تن داشت. چند دقیقه‌ای بر سر مزارش ماندم. زمانی که خواستم بروم، دیدم چند نفر از رفقایش با یک ضبط نزدیک شدند. آهنگ را پخش کرده و دو،سه نفر از دوستانش شروع به رقص سوگ کردند. اشک می‌ریختند و با صدایی لرزان می‌گفتند: «کجا رفتی داداش؟» همین که رفقایش برایش سنگ تمام گذاشتند، تعدادی از افراد دیگر نیز به آنجا آمدند و شعار دادند: «این گل پرپر شده، هدیه به میهن شده.»

■ **چهلم در سکوت**

از دور جمعیت زیادی نسبت به دیگر قطعات توجهم را جلب کرد. شمار حاضران بر سر مزار بیشتر از بقیه بود. نتوانستم به نزدیکی مزار برسم اما از صدای اطرافیان فهمیدم نامش مهدی است. فضای مراسم چهلمش برخلاف دیگر جانباختگان، سنگین و با سکوت نسبی همراه بود. چهره مادرش را ندیدم ولی صدای لرزانش شنیده می‌شد: «مهدی، منو فراموش نکنی» و «آی مردم، خواهش می‌کنم برای پسرم دعا کنین. می‌دونم جاش راحته اما هر وقت یادش افتادید، دعاش کنید.» جمعیت به سخنان مادرش با دست زدن و گاهی با شعار: «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان» پاسخ می‌دادند.

■ **ماشین عروسی مشکی‌پوش**

دور یکی از میدان‌های حوالی قطعه۳۲۷ ماشینی قرمز رنگ، شبیه ماشین عروس با گل تزئین شده بود. به جای روبان سفید، نوارهای مشکی سرتاسر ماشین را پوشانده بود. هیچ اعلامیه یا عکسی از جانباخته روی ماشین نبود. فقط برادرش پشت ماشین نشسته بود، آهنگ نسبتا شادی گذاشته و فریاد می‌زد: «داداشمو کشتن، داداشم داماد بود.» گریه می‌کرد و میدان را دور می‌زد. دو ماشین خاکستری نیز همراه این ماشین عروس مشکی‌پوش حرکت می‌کردند. نمی‌دانم از بستگانش بودند یا مردم عادی اما با هر دور ماشین، با ریتم بوق عروسی همراهی‌اش می‌کردند. تعدادی از افراد توجه‌شان به این صحنه جلب شده بود. خانمی همراه شوهرش کنارم ایستاده بود. صحنه را که دید، شروع کرد به گریه کردن و از اشک‌هایش می‌شد اندوه او را فهمید. زیر لب گفت: «دردت به جونم مادر.»

■ **برار سیگار داری؟**

سیگارم را روشن کردم و به اطراف خیره شدم تا ببینم مراسم چهلم کجا برگزار می‌شود. پسری تقریبا ۲۲یا ۲۳ساله به طرفم آمد. لباس‌هایش خاکی شده بود. با لهجه مشهدی گفت: «برار سیگار داری؟» سیگاری از من گرفت و چند ثانیه سکوت کرد. ناگهان با صدای بلند گفت: «می‌بینی وضعیتو؟ چقدر جوون کشته شدن. اون طرف یه پدر تنها داشت برای دخترش چهلم می‌گرفت.» آدرس مزار را از او پرسیدم. گفت: «برار، رفتش. نزدیک یک ساعت باباش بالا سر قبر بچه‌ش وایساده بود و فقط گریه می‌کرد. جرات نکردم ازش بپرسم، عمو چرا کسی نیومده سر خاک؟ یهو حال پدرش بد شد، پاهاش سست شد و روی زمین افتاد. دستشو گرفتم و بلندش کردم. صورتمو بوسید. برار حالم خیلی خرابه، تو بگو من شب چجوری بخوابم؟»

■ **برای سنگینی غم پریا**

همینطور که میان مزارها راه می‌رفتم، سنگ کوچکی توجهم را جلب کرد. چند گل پرپر روی آن ریخته شده بود. اسمش پریا قلاوند بود، متولد سال۸۱ و تاریخ وفاتش ۱۸دی‌ماه۱۴۰۴. این اولین مزار زنی بود که با آن برخورد کردم. غم سنگینی فضای اطراف را فرا گرفته بود. مزار خلوت و آرام بود. گمان می‌کنم مراسم چهلم هنوز برگزار نشده بود. اسمش را همراه با هشتگ جست‌وجو کردم. دانشجوی ۲۳ساله اهل اندیمشک که در پرند کشته شده بود. فیلم خاکسپاری‌اش را در اینستاگرام دیدم. خانمی سراسیمه فریاد می‌زد، صورتش را به قاب عکس پریا می‌فشرد و گریه می‌کرد. وقتی به سنگ مزار نگاه کردم، من نیز گریه‌ام گرفت. نمی‌دانم چرا این مزار، سنگینی فراوانی داشت.

■ **۳سال از من کوچک‌تر بود**

زمانی که از مزار پریا کمی فاصله گرفتم، خودم را میان چند مزار کشته‌شدگان اعتراضات دی‌ماه یافتم. حس عجیبی بود. لحظه‌ای خودم را میان این همه جوان خفته پیدا کردم. برایم سخت بود که کدامشان را روایت کنم. کافی بود یک یا دو قدم بردارید تا به مزار دیگری برسید. چند قدم آن‌طرف‌تر عکس پسری روی سنگ چسبانده شده بود: پارسا رحمتی، متولد۸۴ و تاریخ وفات ۱۸دی‌ماه۱۴۰۴. دو شمع سوخته کنار عکس و دو شمع دیگر روی آن قرار داشت. گل بنفش رنگی نیز گوشه عکس چسبانده شده بود. فضای مزار او نیز سنگین بود. چندین دقیقه آنجا ماندم و پاهایم یاری نمی‌کرد که بلند شوم. اسمش را در اینستاگرام جست‌وجو کردم. روایت شده که پارسا در منطقه فلاح تهران از ناحیه گردن مورد هدف گلوله قرار گرفته بود و خانواده‌اش پس از سه روز جست‌وجو، پیکرش را در میان کشته‌شدگان کهریزک شناسایی کردند و در روز ۲۲دی‌ماه به خاک سپرده شد. فردی با انتشار عکس پارسا نوشته بود: «پارسا به‌دلیل شرایط دشوار اقتصادی خانواده، برای کمک به تامین هزینه‌های زندگی در یک کارگاه تولیدی کوچک به کارگری مشغول بود.»

■ **از خون جوانان وطن لاله دمیده**

«از خون جوانان وطن لاله دمیده، از ماتم سرو قدشان سرو خمیده» مشهورترین تصنیف عارف قزوینی است؛ شعری که سال‌هاست در چنین رخدادهایی بیش از هر زمان دیگری به گوش می‌رسد. سنگ مزاری مشکی، آراسته با همین شعر متعلق به علی‌اصغر علی‌زاده بود. روی سنگ نوشته شده بود: «آغاز قصه او ۱۹خرداد ۱۳۷۷؛ آغاز غصه ما ۱۹دی۱۴۰۴.» اسم مادر و پدرش همراه یکدیگر حک شده بود. کلمه «خون» با رنگ قرمز و کلمه «پسرم» با خط نستعلیق درشت به چشم می‌خورد. بالای عکس نیز نوشته بودند: «فرزند ایران، جوان ناکام.» وقتی به مزار علی‌اصغر رسیدم، مشخص بود تازه کسی به آنجا رفته بود. سنگ شسته و تمیز شده در آن فضا به چشم می‌آمد. تصنیف عارف قزوینی، چهره زیبای علی‌اصغر و عبارت «فرزند ایران» با هم ترکیب شده و حس سنگینی و احترام را منتقل می‌کرد.

■ **آرمین ۱۹ سالش بود**

روی سنگ کوچکش خط و خش‌های زیادی افتاده بود. آرمین سلطان محمدی، متولد سال۸۴ و تاریخ وفات۱۸دی‌ماه۱۴۰۴. همانند دیگر جانباختگان، اگر اسمش را جست‌وجو کنید، می‌توانید روایت‌های مرتبط با او را پیدا کنید. ۱۹ساله بود و در تهرانپارس کشته شده بود. عکسی از او کنار مزارش نبود اما در فضای مجازی تصاویرش وجود داشت. در فیلم‌های خاکسپاری مردم فریاد می‌زدند «با غیرت» و گل بر پیکرش می‌ریختند تا بدرقه‌اش کنند. حالا پس از گذشت چند روز در سکوت آرام گرفته است.

■ **به عزای فرزندان مملکت نشسته‌ایم**

در مسیر بازگشت از بهشت‌زهرا در تاکسی نشسته بودم. چند نفر از مسافران یکدست مشکی پوشیده مشغول تماشای ویدئوهای خاکسپاری و چهلم دیگر جانباختگان اعتراضات دی‌ماه بودند. هیچ‌کس حتی پلک نمی‌زد. این زمستان تلخ گمان نمی‌کنم از حافظه جمعی ایرانیان پاک شود.

هزاران هزار جوان کشته شده‌اند، هزاران مادر داغدیده، هزاران پدر شکسته، هزاران برادر و خواهر بهت‌زده و حتی فرزندانی که پدر یا مادرشان رفتند و بازنگشتند.

تاکسی به آرامی از بهشت‌زهرا دور شد اما آنچه همراه من برگشت خاطره‌ای تلخ، اندوه و تامل است.

چالش

بحران بی‌آبی به وضعیتی بی‌سابقه رسید

«**جهان‌صنعت**»– بی‌آبی و کم‌آبی در ایران به‌ویژه در تهران پدیده‌ای مقطعی یا صرفا ناشی از یک‌سال کم‌بارش نیست بلکه نشانه‌ای از یک ناترازی عمیق و ساختاری در نظام تامین و مصرف آب کشور است. بی‌آبی، کم‌آبی یا هر بحران جدی مربوط به سدها و تامین آب در کشور به‌هیچ‌وجه موضوع تازه‌ای نیست. صرفا هر از چند گاهی با رسیدن به وضعیت قرمز، از این بحران مجدد سخن به میان می‌آید. بهنام بخشی، سخنگوی آبفای تهران با اشاره به وضعیت بارش‌ها گفته است که به‌دلیل آغاز دیرهنگام بارندگی‌ها و پاییز خشک، میزان بارش‌های امسال کمتر از حد نرمال بوده است. تاکنون تنها ۶۱میلیمتر بارش ثبت شده در حالی که سال گذشته در همین زمان ۷۶میلیمتر و میانگین بلندمدت حدود ۱۴۵میلیمتر بوده بنابراین میزان بارش کمتر از نصف حد نرمال است. به‌دلیل برودت هوا و بارش‌های عمدتا برفی، روان‌آب و ذخایر سدها نیز رشد چندانی نداشته‌اند و در حال حاضر ورودی و خروجی سدها تقریبا برابر است در حالی که در سال‌های گذشته ورودی‌ها پنج تا شش برابر خروجی بودند.

■ **بی‌آبی تاریخی سدهای کرج و لتیان**

سخنگوی آبفای تهران با اشاره به وضعیت وخیم سدهای تهران اعلام کرده است که حجم ذخیره سد کرج حدود ۶/۵میلیون مترمکعب و سد لتیان تنها ۴/۵میلیون مترمکعب بوده؛ رقمی که در ۴۶سال گذشته بی‌سابقه بوده است. با وجود این شرایط با مدیریت مصرف، اقدامات فنی و تسریع در نصب کاهنده‌ها می‌توان از چالش‌های پیش‌رو عبور کرد. این وضعیت بحرانی بار دیگر موضوع حساس مصرف نادرست و سوءمدیریت مسوولان را یادآوری می‌کند.

■ **ظرفیت‌های مغفول در استفاده مجدد از آب شهری**

آنچه در بحث مصرف آب باید مورد توجه قرار گیرد، نحوه استفاده از منابع آبی در تهران است. بخش زیادی از آبی که در این شهر مصرف می‌شود، تنها یک‌بار مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای نمونه در حمام یا سایر مصارف بهداشتی و پس از آن بدون بهره‌برداری مجدد وارد شبکه فاضلاب می‌شود. این در حالی است که حجم قابل‌توجهی از این آب می‌تواند با فرآیندهای ساده تصفیه، دوباره به چرخه مصرف شهری بازگردد اما عملا چنین ظرفیتی نادیده گرفته می‌شود. در بسیاری از کشورهای جهان، با استفاده از روش‌های تصفیه حداقلی، آب مصرف‌شده برای کاربری‌های غیرشرب دوباره مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال به‌جای حرکت به سمت توسعه فناوری‌های بازچرخانی و مدیریت بهینه مصرف، تصمیم بر آن است که آب از سایر مناطق به تهران منتقل شود؛ اقدامی که به معنای فشار بر منابع آبی دیگر نواحی کشور است. چنین رویکردی ادامه سیاست‌های نادرست گذشته به نظر می‌رسد و می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. از جمله نگرانی‌ها، آسیب‌دیدن دره حاصلخیز طالقان است؛ منطقه‌ای که از آن به‌عنوان یکی از آخرین پهنه‌های واقعا حاصلخیز کشور یاد می‌شود. باتوجه به آنکه مناطقی مانند بختیاری، اصفهان و ارومیه هر یک به دلایل مختلف با بحران‌های جدی زیست‌محیطی مواجه شده‌اند، بیم آن می‌رود که طالقان نیز در آینده با سرنوشتی مشابه روبه‌رو شود.

■ **بارندگی کافی اما ذخیره‌سازی ناکافی**

از طرفی کاهش بارندگی به‌تنهایی تعیین‌کننده وضعیت سدها نیست؛ نوع بارش، زمان‌بندی آن، دمای هوا و وضعیت خاک نیز نقش کلیدی دارند. در سال‌جاری سهم بالای بارش برف و برودت هوا موجب شده است که بخش قابل‌توجهی از نزولات به‌صورت ذخیره برفی باقی بماند. این امر باعث شده است ورودی سدها با خروجی تقریبا برابر شود در حالی که در شرایط نرمال، ورودی‌ها چند برابر خروجی هستند و مخازن امکان بازسازی ذخیره استراتژیک دارند. مساله اساسی در نهایت به حکمرانی آب بازمی‌گردد. رشد جمعیت، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در تهران، قیمت‌گذاری غیرواقعی آب و یارانه‌های پنهان انرژی در پمپاژ و انتقال همگی موجب شده‌اند هزینه واقعی تامین آب در قیمت پرداختی مصرف‌کننده منعکس نشود. در غیاب سازوکارهای اقتصادی بازدارنده، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات کاهنده مصرف، بازچرخانی یا بهینه‌سازی شبکه ایجاد نمی‌شود

■ **بازچرخانی و اصلاح تعرفه، مسیر آینده است**

وضعیت کنونی سدهای تهران نه یک بحران گذرا بلکه نشانه کاهش تاب‌آوری سامانه تامین آب در برابر شوک‌های اقلیمی و مدیریتی است. عبور پایدار از این شرایط مستلزم تمرکز روی تامین منابع بیشتر آب برای پاسخ به نیاز مصرف‌کنندگان، تشویق به صرفه‌جویی در مصرف خانگی و صنعتی، توسعه گسترده بازچرخانی، اصلاح نظام تعرفه‌گذاری و بازنگری در سیاست‌های تمرکز جمعیتی است. در غیر این صورت افت ذخایر در سدهای کرج و لتیان می‌تواند به الگویی تکرارشونده تبدیل شود و امنیت آبی پایتخت را در سال‌های آینده با ریسک‌های فزاینده مواجه کند.

فرم اشتراک روزنامه

جهان صنعت

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبلغ مندرج در جدول ذیل:
به شماره شبا IR۳۴۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۱۶۷۹۸۶۶۴۸ بانک رفاه به‌نام محمدرضا سعدی (مدیر مسئول)
واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده به دفتر امور مشترکین روزنامه «جهان‌صنعت» یا به شماره ۰۹۱۲۲۹۷۶۶۰۴ (تلگرام، واتس‌آپ، ایتا) و یا به آدرس ایمیل jahan1383@yahoo.com ارسال نمائید.
آدرس: خیابان شیخ‌بهایی شمالی، کوچه معصومی، پلاک۴
تلفن: ۲۱-۸۸۶۱۰۰۱۹ نمابر: ۸۸۰۳۹۷۰۷

« فقط تهران بزرگ »

دوره اشتراک	۶ ماهه	یک‌ساله
هزینه اشتراک (ریال)	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۶۰/۰۰۰/۰۰۰

شرایط اشتراک:
- ساعات تحویل روزنامه از ۶ الی ۱۱ صبح
- شروع اشتراک (متقاضیانی که درخواست خود را به طور کامل تحویل نمایند) اول و شانزدهم هر ماه می باشد.
- مبلغ مندرج در جدول فوق بابت روزانه یک نسخه اشتراک می باشد.
- لطفا کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگهداری فرمائید.
- در صورت عدم تحویل روزنامه حداکثر تا ساعت ۱۴ همان روز اعلام فرمائید.

نام و نام خانوادگی : ..... شرکت / موسسه : ..... کدپستی : ..... تلفن : .....
ایمیل : ..... تعداد درخواستی : ..... مدت اشتراک: ۶ ماهه ■ یک ساله ■
آدرس : .....
شماره فیش بانکی : ..... بانک : ..... تاریخ واریز فیش : .....

«جهان‌صنعت» از پیشتازی بازار توریسم خاورمیانه و عقب ماندن ایران گزارش می‌دهد

سایه تنش‌ها بر اقتصاد گردشگری

نادر نینوایی– براساس گزارش شورای جهانی سفر و گردشگری، صنعت گردشگری بین‌المللی در سال۲۰۲۵ رکوردی جدید در دوره پساکرونا را ثبت کرد. ورود گردشگران بین‌المللی به منطقه ۴درصد افزایش یافت و به حدود یک‌میلیارد و ۵۲۰میلیون نفر رسید یعنی نزدیک به ۶۰میلیون نفر بیشـــتر از سال ۲۰۲۴.

درآمدهای جهانی گردشگری نیز رشدی سریع‌تر از تعداد گردشگران داشت و به حدود ۱/۹تریلیون‌دلار رسید که ۵درصد بیشـــتر از سال قبل بود. مجموع درآمد صادراتی گردشـــگری (شـــامل حمل‌ونقل مسافری) نیز به حدود ۲/۲تریلیون‌دلار برآورد شد.

این داده‌ها نشـــان می‌دهد تقاضای ســـفر در جهان، باوجود تورم خدمات گردشگری، تنش‌های ژئوپلیتیـــک و نااطمینانی‌های اقتصادی، همچنان قدرتمند باقی مانده است؛ هرچند در سه‌ماهه پایانی سال کمی از شتاب رشد کاسته شد.

در چنین شرایطی که بازار جهانی سفر در حال ثبت رکوردهای تازه است و خاورمیانه ۳۹درصد بالاتر از سطح پیشاکرونا حرکت می‌کند، سهم ناچیز ایران از این رشـــد بیش از پیش به چشم می‌آید. پرسش اینجاســـت که در بازاری با این حجم تقاضا و این میزان گردش مالی چرا ایـــران باوجود آثار متعدد ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو و تنوع اقلیمی کم‌نظیر نتوانســـته از موج تقاضای جهانی بهره‌برداری کند.

پاســـخ را باید در ترکیـــبی از تصویر بین‌المللی پرریسک، تنش‌های سیاسی کشور، محدودیت‌های بانکی و پروازی، فرســـودگی ناوگان حمل‌ونقل و نبود سیاست‌های پایدار جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی جست‌وجو کرد؛ عواملی که باعث شده ایران در زمانی که منطقه در حال رکوردشکنی است در حاشیه این رشد باقی بماند.

■ خاورمیانه؛ پیشـــتاز در عبور از سطح پیشاکرونا

در میان مناطق جهان، خاورمیانه در سال گذشته میلادی عملکردی متمایز ثبت کرد. ورود گردشگران به منطقه در سال ۲۰۲۵ حدود ۳درصد افزایش یافت؛ رقمی که معادل ۳۹درصد بالاتر از سطح سال۲۰۱۹ (پیش از همه‌گیری) است. این بهترین عملکرد نسبی در مقایسه با سایر مناطق جهان به‌شمار می‌رود، در حالی که اروپا با ۷۹۳میلیون گردشگر رشد ۴درصدی را تجربه کرد و قاره آمریکا تنها یک‌درصد رشـــد داشـــت. خاورمیانه جایگاه خـــود را به‌عنوان قطب نوظهور سفر تثبیت کرد. آسیا و اقیانوسیه نیز با رشد ۶درصدی در حال بازیابی هستند.

ایـــن روند نشـــان می‌دهد که سیاســـت‌های تنوع‌بخشی اقتصادی، توســـعه زیرســـاخت‌های هوایی، تســـهیل ویزا و سرمایه‌گذاری گسترده در پروژه‌های گردشگری در کشورهای منطقه به ثمر نشسته است.

■ اعتماد بالا به آینده گردشگری

شـــاخص اعتمـــاد منتشرشـــده از ســـوی UN Tourism که براســـاس نظرســـنجی از هیات کارشناسان گردشگری تدوین می‌شود برای سال۲۰۲۶ عدد ۱۲۶ از ۲۰۰ را ثبت کرده است که نشانه‌ای از انتظار برای تداوم رشد را نشان می‌دهد

پیش‌بینی می‌شـــود گردشـــگری جهـــانی در ســـال۲۰۲۶ بین ۳ تا ۴درصد رشـــد کند؛ مشروط به آنکه شرایط اقتصادی جهانی مساعد باقی بماند، تورم خدمات گردشـــگری کاهش یابد، تنش‌های ژئوپلیتیک تشدید نشـــود و روند بهبود آسیا ادامه پیدا کند.

بـــا این حال کارشناســـان هشـــدار داده‌اند که ریســـک‌های سیاسی، درگیری‌هـــای منطقه‌ای، تنش‌های تجـــاری و رویدادهای اقلیمی می‌توانند اعتماد به ســـفر را تضعیف کنند. حـــدود نیمی از پاسخ‌دهندگان به نظرســـنجی عوامل اقتصادی، هزینه‌های بالای ســـفر و تنش‌های ژئوپلیتیک را مهم‌تریـــن چالش‌های پیش‌روی گردشـــگری در ۲۰۲۶ دانسته‌اند.

■ خاورمیانـــه چگونه مزیـــت رقابتی ساخت؟

رشد خاورمیانه تصادفی نیست. افزایش اتصال هوایی، توســـعه فرودگاه‌های هاب، سرمایه‌گذاری در هتل‌هـــای لوکس، دیجیتال‌ســـازی رزروها و تســـهیل ویزا به افزایش جذابیت منطقه انجامیده است. بسیاری از کشورهای منطقه همچون ترکیه، امارات متحده عربی و عربستان سعودی با تمرکز بر گردشگران متمول، میانگین هزینه‌کرد هر مسافر را افزایش داده‌اند.

امنیت نســـبی و تصویر «مقصد امن و مدرن» که در تبلیغات بین‌المللی تقویت شده، نقش مهمی در جذب گردشـــگران ایفا کرده است. در حالی که برخی مناطق جهان با نوسانات سیاسی یا اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، خاورمیانه توانسته از ثبات نسبی و مدیریت هدفمند برندینگ ملی بهره ببرد و در این میان این شاید فقط ایران بوده که به سبب مجموعه‌ای از عوامل تنش‌زا از جمله وقوع جنگ ۱۲روزه و سایه جنگ با رکودی ادامه‌دار در صنعت گردشگری مواجه شده است.

■ ایران؛ ظرفیت بالا، سهم اندک

در شرایطی که گردشـــگری جهانی در مسیر رکوردشکنی قرار گرفته و خاورمیانه عملکردی فراتر از سطح پیشاکرونا ثبت کرده، ایران سهم ناچیزی از این رشد دارد.

ایران با ۲۹اثر ثبت شـــده در فهرســـت میراث جهانی یونســـکو و تنوع اقلیمی کم‌نظیر ظرفیت بالقوه‌ای بالاتر از بسیاری از کشورهای منطقه دارد اما تنش‌های سیاسی داخلی و به‌ویژه اختلافات مزمن با غرب موجب شکل‌گیری تصویری پرریسک از ایران در افکار عمومی جهانی شده است.

در حالی که گزارش‌های بین‌المللی از «تقاضای قوی سفر» ســـخن می‌گویند، هشدارهای سفر و محدودیت‌های بانکی، ایران را عملا از بخش مهمی از بازار جهانی جدا کرده است. باید توجه داشت که گردشگری صنعتی مبتنی بر اعتماد است و هرگونه نااطمینانی سیاسی مستقیما بر تصمیم گردشگران اثر می‌گذارد.

■ زیرساخت‌هایی که مانع رقابت هستند

افزون بر تصویر بین‌المللی، ضعف زیرساخت‌ها نیز مانع حضور ایران در موج رشد جهانی شده است. بخشی از ناوگان هوایی کشور به دلیل کمبود قطعات و تحریم‌ها زمین‌گیر است و میانگین سنی هواپیماها بالاست. اتصال مستقیم هوایی ایران با بسیاری از بازارهای اصلی جهان نیز محدود است.

در حوزه ریلـــی و جاده‌ای نیز کمبود قطارهای سریع‌السیر، خدمات گردشگری بین‌راهی ناکافی و ضعف اســـتانداردهای بین‌المللی رقابت‌پذیری را کاهش داده اســـت. در مقابل کشـــورهای منطقه با افزایش ظرفیت پروازی و توســـعه فرودگاه‌های بین‌المللی دسترسی به مقاصد خود را تسهیل کرده‌اند.

فضای پرریســـک ســـرمایه‌گذاری، مانع ورود سرمایه‌های خارجی به صنعت گردشگری ایران شده است؛ در حالی که کشورهای همسایه با بسته‌های تشویقی، سرمایه‌های میلیارد دلاری جذب می‌کنند

■ فرصت از دست‌رفته

گزارش‌ها نشـــان می‌دهد گردشگری جهانی نه‌تنها احیا شـــده بلکه وارد فاز رشد جدیدی شده اســـت. خاورمیانه نیز با عبور ۳۹درصدی از سطح پیشاکرونا، به یکی از پیشران‌های اصلی این رشد بدل شده است.

پرســـش کلیدی برای ایران این اســـت که آیا می‌تواند با کاهش تنش‌های سیاسی، بهبود روابط خارجی، نوسازی زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ایجاد مشـــوق‌های واقعی برای سرمایه‌گذاری سهمی از رشـــد ۳ تا ۴درصدی پیش‌بینی‌شـــده در ۲۰۲۶ به دست آورد؟

در صنعـــتی که اعتماد، امنیت، اتصال هوایی و تصویر بین‌المللی نقش تعیین‌کننده دارند رقابت هر سال سخت‌تر می‌شود. اگر اصلاحات ساختاری و دیپلماتیک در دستور کار قرار نگیرد، فاصله ایران با قطب نوظهور گردشگری خاورمیانه بیش از پیش افزایش خواهـــد یافت؛ فاصله‌ای که جبران آن در سال‌های آینده پرهزینه‌تر خواهد بود.

از ســـوی دیگر باید در نظر داشت که یکی از مهم‌ترین موانع در مسیر توسعه گردشگری کشور، ادراک مخاطره‌آمیز از ایران در بازار جهانی اســـت. توصیه‌های اجتناب از سفر به ایران از سوی بیش از ۲۰کشور ناشی از تنش‌های امنیتی و هشدارهای سیاسی است که باعث شده بسیاری از گردشگران اروپایی و آمریکایی از برنامه‌ریزی برای سفر به ایران منصرف شوند یا قراردادهای تور به‌طور کامل لغو شود. این هشدارها به‌ویژه برای گروه‌های گردشگری جمعی تاثیر منفی دارد زیرا بســـیاری از بیمه‌گران بین‌المللی پوشـــش سفر به ایران را کاهش داده یا قطع کرده‌اند و شرکت‌های خارجی نمی‌توانند بدون بیمه معتبر تور به ایران بفرستند.

این «ریسک سیاسی» نتیجه مستقیم تنش‌های منطقه‌ای، رویدادهای امنیتی و بحران‌های داخلی اســـت که تصویر ایران را برای گردشگران بالقوه به‌عنوان مقصدی پرخطر تثبیت می‌کند. حتی اگر فرصت‌هـــای تاریخی و طبیعی ایـــران بسیار بالا باشـــد، این عوامل باعث شـــده است گردشگران ترجیح دهند به کشـــورهای همسایه‌ای با امنیت و دسترسی بهتر ســـفر کنند، آنچنان که ترکیه و امارات با جذب ده‌هامیلیون گردشگر سالانه فاصله زیادی با ایران دارند.

افزون براین، خروج بیمه‌های بین‌المللی از بازار، محدودیت‌های بانکی ناشی از تحریم‌ها، کارت‌های بین‌المللی که در ایران کار نمی‌کنند و مشـــکلات ارتباطی اینترنتی، توانایی آژانس‌ها و هتل‌ها برای خدمت‌رسانی به گردشگران را محدود می‌کند. این به معنای افزایش هزینه‌ها، کاهش خدمات قابل‌اعتماد و بی‌ثباتی در تجربه گردشگران است؛ عواملی که در تضاد با روندی قرار دارند که مقصدهای منطقه‌ای با آن موفقیت کسب می‌کنند.

پیامدهای این وضعیت برای ایران چندوجهی است. در کوتاه‌مدت، کاهش ورود گردشگران خارجی باعث افت درآمدهای ارزی و کوچک شـــدن بازار گردشگری می‌شود. در بلندمدت نیز فقدان اعتماد بازار جهانی به ایران به‌عنوان مقصدی امن و قابل پیش‌بینی، سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های گردشگری را کاهش داده و فرصت ایران برای رقابت با رقبای منطقه‌ای را کمتر می‌کند.

برای شکســـتن این چرخه، تحلیلگران بر لزوم اصلاحات سیاست خارجی و داخلی، بهبود تصویر بین‌المللی، بازگشت بیمه‌ها و تضمین‌های امنیتی برای گردشگران و تقویت زیرساخت‌های دیجیتال و خدمات گردشـــگری تاکید می‌کنند. بدون چنین تغییراتی، ایران ممکن است همچنان در حاشیه رشد عظیم گردشگری منطقه‌ای باقی بماند.

زاویه

انتقاد به مصوبه ۵یورویی مجلس

با تصویب دریافت ۵یورو عوارض ورود به ایران از هر گردشگر خارجی، نایب‌رییس جامعه تورگردانان ایران با انتقاد به این مصوبه مجلس، گفت: در وضع موجود که گردشگری با بحران و رکود مواجه شده، این قانون از هر جهت اشتباه است و هزینه سفر به ایران را گران‌تر می‌کند، درحالی‌که برعکس آن باید اتفاق بیفتد

نمایندگان مجلس شـــورای اسلامی در جریان جلسه علنی یکشنبه ۲۶بهمن با بررسی جداول منابع لایحه بودجه۱۴۰۵ کل کشور با پیشنهاد محسن زنگنه، نماینده مردم تربت حیدریه برای الحاق به جدول منابع لایحه بودجه موافقت کردند. براساس این پیشنهاد الحاقی، عوارض دریافتی از هر گردشگر خارجی از مبادی هوایی معادل ۵یورو با نرخ بازار مبادله خواهد بود.

مصطـــفی ســـروی، نایب‌رییس جامعـــه تورگردانان ایران دراین‌باره به ایسنا گفت: این مصوبه از چند جهت دارای مساله است؛ نخست آنکه اتفاقات رخ داده در کشور، گردشگری را وارد بحرانی کرده است که نمی‌توان آن را زیر فرش پنهان کرد حتی بالاتریـــن مقامات دولت هم به آن اذعان دارند. تحت‌تاثیر این شرایط، گردشگری دچار بحران شده است و تصویر دیگری از ایران نشان داده شده و مردم هم سفر رفتن را انتخاب نمی‌کنند و دیگر در سبدشـــان نیست. در چنین زمانی که باید تلاش‌مان برای بهبود وضعیت باشد، تصمیمی گرفته می‌شود که متاثر از آن، هزینه سفر به ایران گران‌تر می‌شود، کاری که اتفاقا در دنیا برعکس آن انجام می‌شود.

نایب‌رییس جامعه تورگردانان ایران در ادامه گفت: نقد دیگر به این مصوبه، ارزی است که تعیین شده است؛ ارز رایج کشور ما «یورو» نیست و نمی‌توانیم خارجی را از ایرانی تفکیک کنیم. واحد پولی ما «ریال» است که شناخته شده است و طبق قانون اساسی کشور نیز این ارز باید به‌صورت ریال محاسبه شود. همانطور که من به‌عنوان بخش‌خصوصی نمی‌توانم به مسافر اگر ایرانی باشد قیمت را به یورو اعلام کنم و با همان ارز به حساب‌های خود وارد کنم و از نظر دارایی دچار اشکال می‌شوم، دولت هم نمی‌تواند این کار را انجام دهد. وقتی لایحه‌ای در مجلس تصویب می‌شود باید با توجه به ارز رایج کشور و به‌صورت ریال باشد.

ســـروی با بیان این کـــه بارها به بهانه کمک به توســـعه گردشـــگری از گردشگر مبالغی را دریافت کرده‌اند، در حالی که اثر این کمک‌ها در صنعت گردشـــگری ملموس نبوده اســـت، اظهار کرد: اینها دریاغ سبز است که با آن عنوان از جیب صنعت گردشگری برداشت می‌شود؛ یک‌بار می‌گویند عوارض خروج از کشور را افزایش می‌دهیم تا برای توسعه گردشگری خرج کنیم. بار دیگر قیمت بلیت ســـفرهای خارجی را افزایش می‌دهند به این بهانه که برای گردشـــگری خرج کننـــد. این‌بار هم گفتند ۵یورو از گردشـــگران ورودی به ایران می‌گیریم تا برای توسعه گردشـــگری هزینه کنیم اما دریغ از آن که اثر این کمک‌ها را در گردشـــگری ببینیم یعنی در زمان‌های بحران و برای تبلیغ، هیچ کمکی نمی‌شود که ملموس باشد، آن هزینه‌ها وارد سفره گردشگری می‌شود.

نایب‌رییـــس جامعه تورگردانان ایران گفت: الان بیش از هر زمان دیگری احتیاج داریم که به گردشگری کمک شود، در حالی که اصلا کمکی نمی‌شود. برای همین این قانون از هر جهت اشـــتباه است، مخصوصا که از آقای زنگنه، نماینده تربت حیدریه بعید بود چنین الحاقی را ارائه دهد، چون ایشان از نگارنده‌های بخش گردشـــگری برنامه هفتم توسعه بودند و می‌دانند الان باید به بخش‌خصوصی چقدر کمک شـــود و چقدر هم در این مورد جلسه داشتند اما این را در قالب لایحه بودجه ارائه می‌دهند و مصوب می‌کنند. توقع‌مان این اســـت این مصوبه در شـــورای نگهبان، به خاطر آنکه خلاف اصول برنامه هفتم توسعه است، رد شود.

خبر

اقدامی برای کاهش ریسک مردود شدن پرونده ثبت جهانی سیراف

ایرنا– مدیرکل ثبت آثار و حفظ و احیای میـــراث معنوی و طبیعی گفت که رویکرد فعلی بر «تطبیق و تدقیق علمی» پرونده‌ها براساس استانداردهای یونسکو است و تمرکز پرونده سکونتگاه‌های خلیج‌فارس بر سیراف، تصمیمی فنی برای کاهش ریسک مردود شدن پرونده در فرآیند ثبت جهانی است.

علیرضا ایزدی در پاسخ به این پرسش که چرا پرونده سکونتگاه‌های تاریخی حاشیه خلیج‌فارس و مکران به‌صورت محدودتر دنبال می‌شود و تمرکز بر سیراف است، اظهار کرد: گستره‌ای از بندرعباس (گمبرون سابق) تا تیس و جزایری همچون کیش به‌دلیل تغییرات گسترده در عرصه و حریم طی دهه‌های اخیر با ریسک بالای چالش در یونسکو مواجه است. تجربه نشان داده در پرونده‌های گسترده و متغیر، احتمال رد بیش از پذیرش است، به همین دلیل تصمیم شورا تمرکز بر بخشی است که از انسجام تاریخی و هسته غنی‌تری برخوردار است تا با حداقل ریسک و حداکثر انطباق با معیارها پیش برود.

مدیرکل ثبت آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی در پاسخ به پرسشی دیگری مبنی بر اینکه چرا برخی پرونده‌ها مانند مساجد ایرانی به‌صورت موقت کنار گذاشته شده است، گفت: پرونده مساجد، گسترده و حساس است و مطالبات محلی و نمایندگان را هم در پی دارد. اگر حتی یک یا دو مولفه با معیارهای یونسکو همخوانی نداشته باشد مانند الحاقات غیراصولی، کل پرونده در معرض خطر قرار می‌گیرد. مدیریت فضا، اقناع ذی‌نفعان و آماده‌سازی کامل مستندات پیش از ارسال پرونده اثر شرط موفقیت است.

ایزدی تاکید کرد: در همین راستا از ارسال شتابزده پرونده‌ها پرهیز می‌شود تا اعتبار ملی حفظ شود.

ضرورت ثبت عرصه و حریم تپه گنج‌دره

«**جهان‌صنعت**»– رییس گروه حفظ و احیـــای بناهـــا و محوطه‌های تاریخی اســـتان کرمانشاه با تاکید بر اهمیت ثبت عرصـــه و حریم تپه گنج‌دره، این اقدام را ضرورتی اساسی برای حفاظت از یکی از ارزشمندترین محوطه‌های دوران نوسنگی در ایران دانست و گفت که این محوطه از نخستین نمونه‌های یکجانشینی انسان در فلات ایران به شمار می‌رود.

سیاوش شهبازی با اشاره به اهمیت ثبت عرصه و حریم تپه گنج‌دره اظهار کرد: ثبت دقیق عرصه و حریم این محوطه نقش تعیین‌کننده‌ای در حفاظت اصولی و جلوگیری از تعرض‌های احتمالی به یکی از مهم‌ترین استقرارهای پیش از تاریخ دارد.

رییس گروه حفظ و احیای بناها و محوطه‌های تاریخی استان کرمانشاه افزود: تپه گنج‌دره یکی از قدیمی‌ترین استقرارهای انسانی در دوران پیش از تاریخ محسوب می‌شود و شواهد باستان‌شناسی آن به هزاره هفتم تا هزاره نهم پیش از میلاد بازمی‌گردد. آثار به‌دست‌آمده نشان می‌دهد این محوطه در دوران نوسنگی پیش از تولید سفال، به‌صورت دهکده‌ای بسیار کوچک با خانه‌هایی ساده و ابتدایی شکل گرفته است.

او ادامه داد: با وجود تعلق این محوطه به دوره پیش از سفال، نمونه‌های اولیه سفال نیز در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی کشف شده که نشان‌دهنده گذار تدریجی ساکنان به فناوری تولید سفال است و اهمیت این محوطه را در مطالعه روند تحول فرهنگی و معیشتی انسان دوچندان می‌کند.

رییس گروه حفظ و احیای بناها و محوطه‌های تاریخی اســـتان کرمانشاه در پایان تصریح کرد: صیانت از تپه گنج‌دره در واقع حفاظت از بخشی مهم از تاریخ شکل‌گیری تمدن انسانی است و باید در اولویت برنامه‌های حفاظتی میراث فرهنگی قرار گیرد.

دستگیری سارقان ۱۵ سکه دوره اشکانی

«**جهان‌صنعت**»– فرمانده انتظامی شهرستان درمشهر از کشف ۱۵قطعه سکه نقره مربوط به دوره اشکانیان و بازداشت دو متهم خبر داد.

سرهنگ کرم‌حسنی اظهار کرد: در پی انجام اقدامات اطلاعـــاتی و رصد به‌موقع ماموران پلیس اطلاعات شهرستان درمشهر و با همکاری جامع اطلاعاتی شهرســـتان، مشخص شـــد افرادی قصد دارند تعدادی سکه تاریخی را از طریق پست به مقصدی نامعلوم ارسال کنند.

وی خاطرنشان کرد: ماموران انتظامی پس از هماهنگی با مرجع قضایی و طی عملیاتی، دومتهم را شناسایی و دستگیر کردند که در بازرسی‌های انجام شده ۱۵قطعه سکه نقره تاریخی کشف و ضبط شد. فرمانده انتظامی شهرستان درمشهر با بیان اینکه متهمان پس از تشکیل پرونده جهت سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شدند، تصریح کرد: برابر اعلام کارشناسان میراث فرهنگی، قدمت سکه‌های مکشوفه مربوط به دوره اشکانیان بوده و ارزش تقریبی آنها ۱۵میلیاردریال برآورد شده است.

جدول ۳۲۱۳

افقی:
۱– از صفات نیک انسانی – زیورها و اموال گرانبها
۲– صدا و آوای غیبی– لکنت و گرفتگی زبان – ورزشـــگاه باشگاه لیورپول
۳– کم و اندک بودن – فنی زیبا در ورزش کشتی فرنگی – نرخ بازاری
۴– ذبح‌کننده شـــتر – شـــبی در ماه رجب – فناوری پیشرفته برای آینده جهان
۵– سرخرگ اصلی – زرنگ و فرصت طلب – مجلس نشاط و سرور
۶– از رفته به جا ماند – قند پودری – شریک در غم و غصه دیگری

عمودی:
۱– کنایه از کسی که اعتبارش را از دست داده است را گویند
۲– بلندی اندام – از پادشاهان سلسله اشکانی – بشارت و خبرخوش
۳– از روی بخت و اقبال موفق شـــدن – تشکیل‌دهنده درون دهان – گوشه‌نشین عرصه شطرنج
۴– واحد پول کشور یونان بود – نوعی از سنگ معدن آهن
۵– کشف داروی بیهوشی (لانگ)آمریکایی در سال ۱۸۴۲ میلادی – یکی از سه زندان‌های حبس مسعود سعدسلمان شاعر قرن پنجم (هـ . ق) – مهره دوم گردن انسان – بازیکن هم‌تیمی در ورزش
۶– پوشاننده و پنهان‌کننده – آزردگی و تیرگی روابط – مخترع دینامیت و مشهورترین جایزه علمی جهان
۷– هنـــوز در لفظ انگلیسی – مغرور و متکبر – از بندرهای کشـــور فرانسه برکرانه دریای مانش
۸– معمای حل‌شده چنین است – زرد کمرنگ – زمین غیرآباد
۹– کمال مطلوب و آرزوی عالی – صدای بلند – آوای درد و رنج
۱۰– گیرا و مورد توجه – ناشناخته – دارای جهت و امتداد یکسان
۱۱– فقط خداوند را سزاست – مادربزرگ – ذره‌ای از عناصر – مزه پرسرعت
۱۲– از صنایع شعری – تومور بدخیم پوستی
۱۳– از ویتامین‌ها – کشوری در جنوب‌غربی قاره اروپا همنام با پایتخت خود – نخ بافت لباس گرم
۱۴– از دســـتگاه‌های ارتباط از راه دور – از جمهوری‌های خودمختار روسیه با پایتخت ماگاس – رودی در اروپا
۱۵– کتـــاب مجموعـــه غزلیات مولوی شـــاعر و عارف قرن هفتم هجری قمری

۷– روحیه باخته – اتاقک بلیت‌فروشی – علف و گیاه ستوران
۸– از رمان‌های برجسته و مشهور رابیند رانات تاگور شاعر و نویسنده هندی – ناله و فریاد و جنجال کردن – سوره نوزدهم قرآن کریم
۹– رنگ زرد انگلیسی – خطای رایانه – از اصطلاحات علم شیمی
۱۰– کنـــد و آرام – جزیـــره مثلثی شـــکل مصـــب رودخانه – نام پیشین شهر یزد
۱۱– گله احشـــام – امتناع و خودداری داشـــتن – شکست خورده و رنج دیده
۱۲– ضمیر جمع اشـــاره به دور – فرزندزاده – حلقه لاستیکی بین پیچ و مهره
۱۳– چهره و صورت – نظریه علمی و فرضیه – ضمیمه تکمیلی
۱۴– قابل دســـترسی با زحمت بسیار – از گیاهان طبی – کشـــت و زراعت
۱۵– نخســـتین فیلم ناطق سینمای کشورمان – صمیمی و به دور از تکلف و تعارف

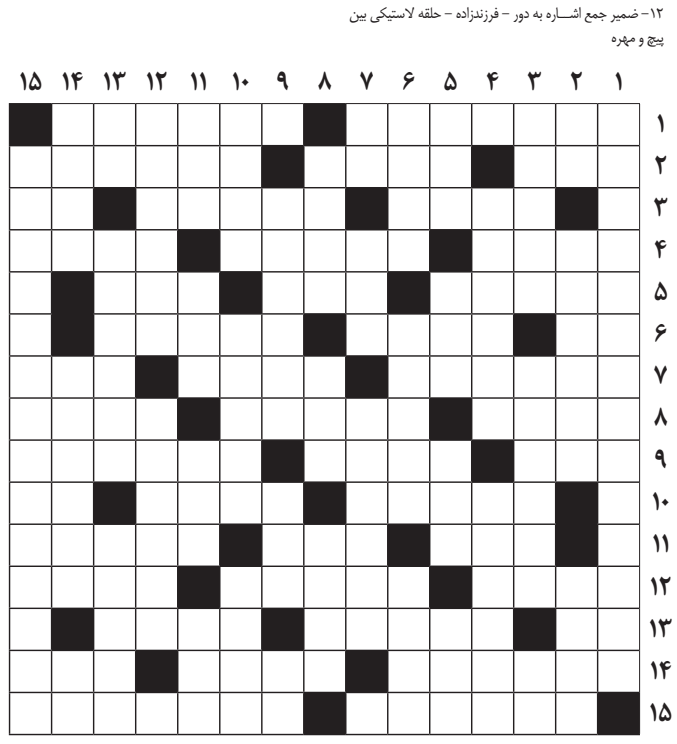

۱۷۹۸

حل سودوکو ساده

۳	۶	۱	۲	۹	۵	۸	۷	۴
۹	۸	۴	۱	۶	۷	۵	۳	۲
۷	۵	۲	۸	۴	۳	۱	۶	۹
۱	۴	۳	۹	۲	۶	۷	۸	۵
۶	۷	۸	۴	۵	۱	۲	۹	۳
۵	۲	۹	۷	۳	۸	۶	۴	۱
۸	۹	۶	۳	۱	۲	۴	۵	۷
۴	۱	۷	۵	۸	۹	۳	۲	۶
۲	۳	۵	۶	۷	۴	۹	۱	۸

حل سودوکو سخت

۸	۵	۷	۳	۶	۹	۱	۴	۲
۲	۱	۳	۴	۸	۵	۷	۶	۹
۹	۶	۴	۷	۲	۱	۳	۵	۸
۱	۴	۵	۸	۹	۷	۶	۲	۳
۷	۳	۹	۲	۴	۶	۵	۸	۱
۶	۲	۸	۵	۱	۳	۴	۹	۷
۴	۹	۱	۶	۷	۸	۲	۳	۵
۳	۷	۲	۹	۵	۴	۸	۱	۶
۵	۸	۶	۱	۳	۲	۹	۷	۴

جواب جدول شماره ۳۲۱۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ن	د	ر	ز	گ	و	■	ق	ل	ر	ت	■	ا	ی
۲	ب	ا	ی	ن	■	س	و	ل	د	و	ز	■	ک	س	ا
۳	■	و	ل	گ	ا	■	ل	و	ر	ک	■	م	م	ی	ز
۴	گ	■	م	ی	ل	هـ	■	پ	د	■	م	ت	ر	د	د
۵	ر	م	■	ن	ا	م	هـ	■	ا	ر	س	ن	■	و	هـ
۶	د	خ	م	هـ	■	س	ی	گ	ن	ا	ل	■	ا	ز	■
۷	و	ف	ا	■	ف	ر	م	ی	■	س	م	ا	ت	■	ن
۸	ی	ی	■	س	ر	■	هـ	ب	هـ	■	ی	خ	■	ک	ا
۹	ی	■	گ	و	هـ	ر	■	و	ا	گ	ن	■	ا	ع	م
۱۰	■	پ	ز	■	ن	ا	ر	ن	ج	ی	■	س	ر	ب	ی
۱۱	گ	ر	■	ن	گ	ی	ن	■	ر	س	م	ی	■	هـ	ا
۱۲	ل	ا	غ	ر	ی	■	ج	ن	■	و	ا	ل	هـ	■	ب
۱۳	ا	ن	ش	ا	■	م	ی	م	هـ	■	د	ن	ی	ا	■
۱۴	ب	ت	ا	■	پ	س	د	و	ز	ی	■	د	و	ی	ت
۱۵	ی	ز	■	ن	ا	خ	ن	■	ل	ن	ت	ر	ا	ن	ی

طراح: محمود کیمیایی

۱۷۹۹

سودوکو ساده

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱– در هر ســـطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲– در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود

سودوکو سخت

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

سودوکو

ســـودوکو(Sudoku)یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک ســـرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

					۲	۵		۸
۳			۴	۹				
۴		۷				۹		
			۸					۲
۵	۶	۴				۷		
	۱		۹		۶			
۷	۸		۱		۴		۳	
		۱		۲	۹			
	۳					۴		۱

۲	۴	۱						
						۴		۳
		۹	۵		۲	۱		
۸				۷	۵	۲		
			۸				۱	
۵	۶							۷
۱	۷			۸			۳	
			۷			۵		
	۸		۱		۴			۲

جهان صنعت

۲۸ بهمن ۱۴۰۴ ۲۸ شعبان ۱۴۴۷ ۱۷ فوریه ۲۰۲۶ سه‌شنبه

شماره ۶۰۲۲ - سال بیستوم

عضو انجمن صنفی روزنامه‌های غیر دولتی و تعاونی مطبوعات

پایان نامه

آیین نامه اخلاق حرفه‌ای: http://www.jahanesanat.ir

■ صاحب امتیاز و مدیر مسوول: محمدرضا سعدی

■ تلفن تحریریه: ۸۸۰۳۶۸۹۰

■ نمابر: ۸۸۰۳۹۷۰۷

■ تلفن سازمان آگهی‌ها: ۲۱- ۸۸۶۱۰۰۱۹

■ نشانی: خیابان شیخ‌بهایی شمالی، کوچه معصومی، پلاک ۴

■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۸۳۸۸

■ روابط عمومی: ۸۸۶۱۰۰۲۳

■ لیتوگرافی و چاپ: ایرانچاپ

www.jahanesanat.ir jahan1383@yahoo.com

سینمای جهان

یک اقتباس ادبی صدرنشین گیشه سینما شد

گاردین- فیلم «بلندی‌های بادگیر» در نخستین آخر هفته اکران خود گیشه جهانی را تسخیر کرد و این اقتباس سینمایی جدید به فروش ۷۶/۸میلیون دلار دست یافت. همچنین این فیلم در آمریکای شمالی در ۳۶۸۲سالن سینما، ۳۴/۸میلیون دلار فروش کرد و به بزرگ‌ترین افتتاحیه سال تا اینجای کار تبدیل شد. اگرچه این رقم کمتر از پیش‌بینی‌های اولیه ۴۰ تا ۵۰میلیون دلاری برای آخر هفته افتتاحیه در آمریکا و کانادا بود اما استودیو برادران وارنر پیش‌بینی کرده است که فروش فیلم تا پایان تعطیلات«روز رییس‌جمهور»(سه‌شنبه) در آمریکا به ۴۰میلیون دلار برسد. در بازارهای بین‌المللی «بلندی‌های بادگیر» فراتر از پیش‌بینی‌ها ظاهر شد و در ۷۶کشور به فروش ۴۲میلیون دلار رسید. این درام عاشقانه با بازی مارگو رابی و جیکوب الوردی در نقش کاترین و هیثکلیف در استرالیا نیز عملکرد قدرتمندی داشت و در نخستین آخرهفته اکران ۶/۰۷میلیون دلار استرالیا(۴/۳میلیون دلار آمریکا) فروخت. مجموع فروش جهانی ۸۲میلیون دلاری به این معناست که بلندی‌های بادگیر در همان هفته نخستین اکران، بودجه تولید گزارش‌شده ۸۰میلیون دلاری خود را بازگردانده است البته بدون در نظر گرفتن میلیون‌ها دلار هزینه بازاریابی و تبلیغات. این فیلم همچنان اکران‌های مهمی را در پیش دارد: در ژاپن و ویتنام از ۲۷فوریه و در چین از ۱۳مارس. این موفقیت در شرایطی به دست آمده که آینده کمپانی برادران وارنر تولیدکننده این فیلم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و کمپانی پارامونت همچنان پیشنهاد تصاحب خود را افزایش می‌دهد تا بر نتفلیکس پیشی بگیرد. نسخه ساخته امرالد فنل از بلندی‌های بادگیر که در آن آزادی‌های زیادی نسبت‌به رمان امیلی برونته به کار رفته، واکنش‌های متفاوتی از سوی منتقدان دریافت کرده و در وب‌سایت رات تومیتوز امتیاز متوسط ۶۳درصد را ثبت کرده است. همچنین مخاطبان به فیلم نمره نسبتا متوسط «B»در نظرسنجی‌ها داده‌اند.

گریز از سیاست در برلیناله ممکن نیست

مهر- جشنواره فیلم برلین بیانیه‌ای طولانی به امضای تریشیا تاتل، رییس جشنواره منتشر کرد تا درباره آنچه «طوفان رسانه‌ای» توصیف شده که جشنواره را فرا گرفته، اظهارنظر کند. این یادداشت پس از آن منتشر شد که از چندین شرکت‌کننده به دلیل سخنان‌شان درباره سیاست انتقاد شد. انتقاد اصلی به‌ویژه شامل سخنان هیات داوران در کنفرانس مطبوعاتی روز افتتاحیه است. ویم وندرس، رییس هیات داوران در برابر سوال‌هایی که از او درباره درگیری غزه پرسیده شد، گفت: «ما باید از سیاست دور بمانیم زیرا اگر فیلم‌هایی بسازیم که کاملا سیاسی باشند، وارد عرصه سیاست می‌شویم.» این سخنان بلافاصله با واکنش‌های منفی در رسانه‌های اجتماعی مواجه شد و به‌دنبال آن آروندتی روی، نویسنده هندی خشم خود را از این سخنان ابراز و از حضور در جشنواره خودداری کرد. میشل یئو و نیل پاتریک هریس هم پس از آن به سوال‌هایی که مربوط به سیاست و ظهور فاشیسم بود پاسخ ندادند و یئو برنده خرس طلای افتخاری امسال تاکید کرد ترجیح می‌دهد درباره چیزی که اطلاعی از آن ندارد، اظهارنظر نکند. این سخنان با انتقاد آنلاین روبه‌رو شد و هریس به‌دلیل اینکه گفت به «انجام کارهایی که غیرسیاسی هستند» علاقه‌مند است، مورد انتقاد قرار گرفت. بر همین اساس در بیانیه جشنواره آمده است: «افراد در برلیناله خواستار آزادی بیان شده‌اند. آزادی بیان در برلیناله در حال وقوع است اما به طور فزاینده‌ای از فیلمسازان انتظار می‌رود به هر سوالی که از آنها پرسیده می‌شود پاسخ دهند. اگر پاسخ ندهند، مورد انتقاد قرار می‌گیرند و اگر پاسخ دهند و ما از آنچه می‌گویند خوشمان نیاید، مورد انتقاد قرار می‌گیرند. اگر نتوانند افکار پیچیده را در یک جمله کوتاه خلاصه کنند در حالی که میکروفنی جلوی آنها قرار گرفته و دارند فکر می‌کنند، باز از آنها انتقاد می‌شود. دشوار است که برلیناله و صدها فیلمساز و افرادی که در این جشنواره کار می‌کنند در چیزی ببینیم که همیشه در گفتمان آنلاین و رسانه‌ای نمی‌شناسیم. در طول ۱۰روز آینده در برلیناله فیلمسازان همواره باهم حرف می‌زنند. آنها در مورد کار خود صحبت می‌کنند. آنها گاهی اوقات در مورد ژئوپلیتیکی حرف می‌زنند که ممکن است به فیلم‌هایشان مربوط باشد یا نباشد. این یک جشنواره بزرگ و پیچیده است؛ جشنواره‌ای که مردم به طرق مختلف و به دلایل بسیار زیادی برای آن ارزش قائل هستند. ۲۷۸فیلم در برنامه امسال جشنواره جای دارد. آنها دیدگاه‌های متفاوتی دارند. فیلم‌هایی درباره نسل‌کشی، درباره مسائل جنسی، خشونت در جنگ، درباره فساد، درباره خشونت مردسالارانه، درباره استعمار یا قدرت دولتی سوءاستفاده‌گر. اینجا فیلمسازانی هستند که در زندگی خود با خشونت و نسل‌کشی روبه‌رو شده‌اند، کسانی که ممکن است به‌خاطر کارهایی که انجام داده‌اند یا مواضعی که اتخاذ کرده‌اند با زندان، تبعید و حتی مرگ روبه‌رو شوند. آنها به برلین می‌آیند و آثار خود را با شجاعت به اشتراک می‌گذارند. این اتفاق اکنون در حال رخ دادن است. آیا ما به اندازه کافی این صداها را تقویت می‌کنیم؟ همچنین فیلمسازانی هستند که با اهداف سیاسی متفاوتی به برلیناله می‌آیند، برای اینکه بپرسند چگونه می‌توان درباره هنر به‌عنوان هنر صحبت کرد و چگونه می‌توان سینماها را زنده نگه داشت تا فیلم‌های مستقل همچنان جایی برای دیده شدن و بحث داشته باشند. در یک محیط رسانه‌ای که تحت سلطه بحران است، اکسیژن کمتری برای گفت‌وگوی جدی درباره فیلم یا فرهنگ باقی می‌ماند، مگر اینکه بتوان آن را در یک برنامه خبری نیز گنجاند. برخی فیلم‌ها اشاره فرعی به سیاست دارند: آنها قدرت را در زندگی روزمره بررسی می‌کنند، چه کسی و چه چیزی دیده می‌شود یا دیده نمی‌شود، چه چیزی دیده می‌شود یا حذف می‌شود. برخی دیگر با دیدی پررنگ به سیاست می‌پردازند: دولت‌ها، سیاست‌های دولتی، نهادهای قدرت و عدالت. این یک انتخاب است؛ صحبت با قدرت به روش‌های قابل مشاهده یا با مسائل شخصی آرام‌تر. در طول تاریخ برلیناله، بسیاری از هنرمندان حقوق بشر را محور کار خود قرار داده‌اند. برخی دیگر فیلم‌هایی ساخته‌اند که ما آنها را به‌عنوان اعمال سیاسی رادیکال و بی‌سروصدا می‌بینیم که بر لحظات کوچک و شکننده مراقبت، زیبایی، عشق یا بر افرادی که برای بیشتر ما نامرئی هستند، افرادی که تنها هستند، تمرکز دارند. آنها به ما کمک می‌کنند تا از طریق فیلم‌هایشان با انسانیت مشترک خود ارتباط برقرار کنیم و در دنیایی شکسته این ارزشمند است. آنچه بسیاری از این فیلمسازان را در برلیناله به هم پیوند می‌دهد، احترام عمیق به کرامت انسانی است. ما باور نداریم که فیلمسازی در این جشنواره حضور داشته باشد که نسبت به آنچه در این جهان اتفاق می‌افتد بی‌تفاوت باشد، کسی که حقوق، زندگی و رنج عظیم مردم غزه و کرانه باختری، جمهوری دموکراتیک کنگو، سودان، اوکراین، مینیاپولیس و تعداد وحشتناکی از مکان‌ها را جدی نگیرد. هنرمندان آزادند که حق آزادی بیان خود را به هر روشی که انتخاب می‌کنند، اعمال کنند. نباید از هنرمندان انتظار داشت که در مورد تمام بحث‌های گسترده‌تر در مورد رویه‌های قبلی یا فعلی یک جشنواره که هیچ کنترلی بر آنها ندارند، اظهارنظر و همچنین نباید از آنها انتظار داشت درباره هر مساله سیاسی که مطرح می‌شود صحبت کنند، مگر اینکه خودشان بخواهند. ما به این کار ادامه می‌دهیم زیرا عاشق سینما هستیم اما امیدواریم و معتقدیم که تماشای فیلم می‌تواند اوضاع را تغییر دهد حتی اگر این تغییر، تغییر تدریجی افراد، یک قلب یا یک ذهن در یک زمان باشد. از تیم، مهمانان، هیات داوران، فیلمسازان و بسیاری دیگر از کسانی که در برلیناله حضور دارند، برای حفظ خونسردی در این دوران پرهیجان تشکر می‌کنیم.»

دوربین

رضا لاله باغ - «جهان صنعت»

دستان پینه‌بسته

«جهان‌صنعت» از یازدهمین جشنواره بازی‌های ویدئویی ایران گزارش می‌دهد

نمایش خلاقیت در سایه محدودیت!

گروه فرهنگ و هنر- برگزاری «هفته بازی؛ هفت‌خوان» را می‌توان تلاشی فشرده برای بازنمایی کلیت صنعت بازی ایران در یک قاب زمانی محدود دانست؛ کوششی که با گرد هم آوردن رقابت‌ها، نمایشگاه، نشست‌های تخصصی، سرمایه‌گذاری و بازی‌های جدی زیر یک سقف، می‌خواهد تصویری یکپارچه از زیست‌بوم بازی ارائه و نشان دهد این حوزه صرفا یک سرگرمی حاشیه‌ای نیست بلکه صنعتی چندلایه با ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی است. انتخاب سوله‌های مجاور برج میلاد نیز از نظر نمادین حامل این پیام است که «بازی» می‌تواند در قلب پایتخت و در یکی از شاخص‌ترین فضاهای شهری، حضوری رسمی و قابل‌اعتنا داشته باشد. با این حال آنچه در عمل رخ داده، ترکیبی از امید و تردید است؛ از یک‌سو پویایی و انگیزه گروه‌های جوان و از سوی دیگر سایه سنگین چالش‌های ساختاری که همچنان بر سر این صنعت سنگینی می‌کند. تجمیع چند رویداد در قالب «هفت‌خوان» ایده‌ای هوشمندانه به‌نظر می‌رسد. پراکندگی رویدادها در سال‌های گذشته باعث می‌شد هر بخش تنها مخاطبان خاص خود را جذب کند و تصویر کلی صنعت در ذهن افکار عمومی شکل نگیرد. اکنون با کنار هم قرار گرفتن بیش از ۵۰ غرفه بازی‌سازی در سه سالن مجزا، بازدیدکننده می‌تواند در یک روز طیفی از بازی‌های موبایلی تا پروژه‌های مستقل رایانه‌ای و حتی نمونه‌های اولیه بازی‌های جدی را ببیند. این تمرکز به لحاظ نظری می‌تواند به هم‌افزایی میان بازی‌سازان، سرمایه‌گذاران و نهادهای حمایتی بینجامد. پرسش اصلی اما این است که آیا این تمرکز رویدادی توانسته تمرکز توجه عمومی را نیز به همراه آورد؟

شواهد میدانی نشان می‌دهد پاسخ چندان مثبت نیست. با وجود ارتقای نسبی کیفیت برگزاری، نظم بهتر سالن‌ها و تنوع برنامه‌ها، بازتاب رسانه‌ای و حضور مخاطبان عام کمتر از حد انتظار بوده است. سوله‌های عریض و طویل، آن‌گونه که برگزارکنندگان امیدوار بودند، در طول روز چندین‌بار پر و خالی نشده‌اند. این مساله را نمی‌توان صرفا به یک عامل نسبت داد اما ضعف در تبلیغات و اطلاع‌رسانی به‌ویژه در مقایسه با برخی رویدادهای فرهنگی دیگر که در همین بازه زمانی برگزار شده‌اند، سهم مهمی در این کم‌رونقی داشته است. صنعت بازی برای آنکه جدی گرفته شود، نیازمند حضور پررنگ در رسانه‌های جریان اصلی است نه فقط در رسانه‌های تخصصی حوزه فناوری و بازی. از سوی دیگر ترکیب غرفه‌ها خود حامل پیامی دوگانه است. حضور پررنگ استودیوهای نوپا و گروه‌های جوان، از یک منظر نشانه زنده بودن جریان تولید و انگیزه نسل تازه بازی‌سازان است. ایده‌های متنوع، گرافیک‌های خلاقانه و تلاش برای روایت‌های بومی، همگی حکایت از ظرفیتی دارد که اگر در بستر مناسب قرار گیرد، می‌تواند به محصولات رقابت‌پذیر منجر شود. کمرنگ بودن شرکت‌های باسابقه و استودیوهای بزرگ اما خلئی محسوس ایجاد کرده است. این غیبت را برخی فعالان بی‌ارتباط با شرایط اخیر کشور نمی‌دانند؛ شرایطی که بر تصمیم‌گیری شرکت‌ها برای حضور عمومی، سرمایه‌گذاری یا حتی ادامه فعالیت تاثیر گذاشته است. نتیجه آنکه جشنواره بیش از آنکه ویترین یک صنعت بالغ باشد، به نمایشگاهی از ظرفیت‌های در حال شکل‌گیری شباهت دارد

یکی از پرتکرارترین دغدغه‌هایی که در گفت‌وگوهای حاشیه‌ای شنیده می‌شود، مساله فیلترینگ و ناپایداری اینترنت است. صنعت بازی به‌ویژه در شاخه موبایل و آنلاین، وابستگی عمیقی به دسترسی پایدار و سریع به شبکه جهانی دارد. از به‌روزرسانی و پشتیبانی بازی‌ها گرفته تا ارتباط با سرورهای خارجی، دریافت بازخورد کاربران و حتی نمایش آنلاین نسخه‌های آزمایشی در رویدادها، همگی نیازمند زیرساختی باثبات هستند. وقتی این زیرساخت با اختلال مواجه باشد نه‌تنها تجربه کاربر آسیب می‌بیند بلکه فرآیند توسعه نیز کند و پرهزینه می‌شود. بازی‌سازی در جهان امروز یک فعالیت کاملا شبکه‌محور است. محدودیت دسترسی آن را به فعالیتی فرسایشی تبدیل می‌کند.

تحریم‌ها نیز لایه دیگری از این پیچیدگی را شکل می‌دهند. دشواری همکاری‌های بین‌المللی، محدودیت در استفاده از برخی ابزارها یا پلتفرم‌های انتشار و چالش‌های نقل‌وانتقال مالی، همگی موانعی هستند که بازی‌ساز ایرانی باید پیش از ورود به رقابت جهانی با آنها دست‌وپنجه نرم کند. در چنین شرایطی صحبت از «صادرات فرهنگی» یا «حضور جهانی» بدون حل این گره‌ها، بیشتر به شعار شباهت دارد تا برنامه عملیاتی. اگر سیاستگذاری فرهنگی و اقتصادی کشور صنعت بازی را به‌عنوان یک بخش جدی از اقتصاد خلاق به رسمیت نشناسد، این موانع همچنان پابرجا خواهند ماند. از طرفی موضوع سرمایه‌گذاری نیز از دیگر محورهای انتقادی است. بسیاری از تیم‌های جوان در «هفت‌خوان» با نمونه‌های اولیه یا پروژه‌های نیمه‌تمام حضور دارند و آشکارا به‌دنبال جذب سرمایه هستند. اکوسیستم سرمایه‌گذاری خطرپذیر در حوزه بازی در ایران اما هنوز کوچک و محتاط است. نبود تضمین‌های حقوقی، ریسک بالای بازار و بی‌ثباتی اقتصادی سرمایه‌گذاران را محافظه‌کار کرده است. در چنین فضایی رویدادهایی از این دست می‌توانند نقش پل ارتباطی را ایفا کنند اما به شرطی که به جلسات واقعی مذاکره و قراردادهای عملی منجر شوند، نه صرفا تبادل کارت ویزیت.از سوی دیگر حضور مسوولان و مدیران فرهنگی در سالن‌ها صحنه‌ای آشنا و تکرارشونده است. حلقه‌هایی که دور یک مقام شکل می‌گیرد، درد دل‌هایی که در چند دقیقه فشرده بیان می‌شود و وعده‌هایی که درباره حمایت و توسعه زیرساخت‌ها داده می‌شود، بخشی از آئین همیشگی چنین رویدادهایی است. پرسش اساسی اما اینجاست که چه سازوکاری برای پیگیری این وعده‌ها وجود دارد؟ صنعت بازی بیش از وعده، به ثبات سیاستی نیاز دارد؛ به نقشه راهی میان‌مدت که با تغییر مدیران دچار گسست نشود. فراز و فرودهای مدیریتی در سال‌های گذشته بارها مسیر برنامه‌ها را تغییر داده و فعالان این حوزه را با عدم قطعیت مواجه کرده است. در نگاه کلان، «هفت‌خوان» را می‌توان ادامه تلاشی دانست که پس از فروکش کردن محدودیت‌های کرونایی برای احیای زیست‌بوم بازی آغاز شد. سال‌های کرونا ضربه‌ای جدی به رویدادهای حضوری وارد کرد و پس از آن نیز برخی سیاست‌های نادرست، رونق این فضا را کاهش داد. اکنون این مدل تجمیعی می‌کوشد دوباره شور و تحرک را به صنعت بازگرداند. با این حال مقایسه غیررسمی با اواسط دهه ۹۰ نشان می‌دهد هنوز تا بازگشت به سطح مشارکت و دیده‌شدن آن سال‌ها فاصله وجود دارد. بخشی از این فاصله به تغییرات اجتماعی و اقتصادی بازمی‌گردد و بخشی دیگر به مهاجرت نیروهای متخصص که سرمایه انسانی این صنعت را کاهش داده است.

با همه این انتقادها نمی‌توان از جنبه‌های مثبت رویداد چشم پوشید. برای بسیاری از تیم‌های جوان، همین امکان ارائه حضوری اثر، دریافت بازخورد مستقیم و شبکه‌سازی، فرصتی ارزشمند است. دیدن اینکه در کنار ده‌ها گروه دیگر ایستاده‌اند و بخشی از یک جریان بزرگ‌تر هستند، می‌تواند انگیزه‌بخش باشد. همچنین تنوع ایده‌ها نشان می‌دهد خلاقیت در این حوزه هنوز زنده است و محدود به چند ژانر تکراری نیست. این سرمایه انسانی مهم‌ترین دارایی صنعت بازی ایران است؛ دارایی‌ای که اگر حمایت نشود به‌راحتی از دست خواهد رفت. این جشنواره را باید آینه‌ای دانست که هم توانمندی‌ها و هم کاستی‌ها را بازتاب می‌دهد. این رویداد نشان می‌دهد صنعت بازی ایران نه در نقطه صفر ایستاده و نه به بلوغ کامل رسیده است؛ در میانه مسیری پرچالش قرار دارد. اگر قرار است چنین جشنواره‌ای صرفا به یک گردهمایی سالانه تبدیل نشود، لازم است خروجی‌های آن به سیاستگذاری مشخص، بهبود زیرساخت‌های ارتباطی، تسهیل دسترسی به بازارهای بین‌المللی و ایجاد سازوکارهای پایدار سرمایه‌گذاری منجر شود. وگرنه «هفت‌خوان» نیز به یکی از همان خوان‌های دشواری بدل خواهد شد که بازی‌سازان هرسال باید از آن عبور کنند، بی‌آنکه مطمئن باشند در انتهای مسیر، افقی روشن‌تر در انتظارشان است.

بازتاب

جزئیاتی از اکران نوروزی و قیمت بلیت سینما

ایسنا- دبیر شورای صنفی نمایش با تشریح جزئیاتی از مصوبات جدید این شورا، درباره تقسیم درآمد فروش سینما و بلیت شناور، از برنامه‌ریزی برای اکران جدید سینماها خبر داد و اعلام کرد که متقاضیان اکران نوروزی درخواست خود را به شورا ارائه دهند. مهدی کرم‌پور ابتدا با اشاره به وضعیت اکران سینماها بیان کرد: در ماه‌های اخیر به‌دلیل فشارهای اقتصادی که در نهایت منجربه حوادث دی‌ماه شد سینما دچار رکود اقتصادی بود که البته این شرایط فقط مختص سینما نبود و همه عرصه‌های اقتصادی در حوزه‌های مختلف به نحوی با افت مواجه شدند اما سینما، تئاتر و دیگر حوزه‌های فرهنگی و هنری خیلی زودتر از سبد خانوارها حذف می‌شوند. با این وجود نکته مهم این است که افت فروش سینما به‌جز مسائل اقتصادی، به خود فیلم‌ها هم بستگی دارد. او با اشاره به فیلم پرفروش سال گذشته(۷۰ سی) و مقایسه آن با فیلم پرفروش امسال(مرد عینکی) که با ریزش مخاطب همراه بوده، ادامه داد: البته امسال دو فیلم پرمخاطب غیرکمدی «زن و بچه» و «پیرپسر» را داشتیم که سبب شد فروش در تابستان و اوایل پاییز رشد خوبی داشته باشند اما به هر حال باید درنظر داشته باشیم که وضعیت فعلی سینما هم به حوادث اقتصادی و اجتماعی مربوط می‌شود و هم به خود فیلم‌ها. او در این زمینه از طرح‌هایی یاد کرد که برای اجرایی شدن آنها در شورا پیگیری‌هایی صورت گرفته و قرار است از همین اسفندماه عملی شوند. به گفته کرم‌پور یکی از این طرح‌ها بلیت شناور است که با اکران جدید شروع می‌شود. او درباره جزئیات این طرح گفت: قیمت‌ها در طول روز و براساس سانس‌ها تغییر خواهند کرد و درواقع قیمت بلیت‌ها در ساعت‌های صبح، شب و روزهای تعطیل و آخر هفته همه متفاوت خواهند بود. به این ترتیب یک استانداردسازی مطابق دنیا صورت می‌گیرد که به تایید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم رسیده ولی هنوز بازه قیمتی و سقف و کف آن نهایی نشده است. او در پاسخ به اینکه پس بلیت سینما با افزایش قیمت مواجه خواهد شد، گفت: قیمت فعلی بلیت سینما حتی نسبت‌به قیمت بلیت تئاتر و موسیقی شوخی است اما این وعده را می‌دهیم که مردم می‌توانند با همان قیمت سابق هم در طول هفته امکان تماشای فیلم‌ها را داشته باشند و افزایش قیمت احتمالا در روزهای آخر هفته خواهد بود. قیمت بلیت‌ها براساس روزهای هفته و ساعت سانس‌ها تنوع خواهد داشت تا برای قشرهای مختلف از جمله دانشجویان امکان تماشای فیلم‌ها وجود داشته باشد. کرم‌پور درباره یکی دیگر از مصوبات شورا که با اکران جدید اجرایی می‌شود توضیح داد: سال‌هاست موضوع تقسیم سهم تهیه‌کنندگان و سینماداران از فروش محل بحث است و با همراهی اصناف، شورای صنفی و وزارت ارشاد و فراهم شدن زیرساخت توسط موسسه سینماشهر توافق شده که از اکران بعدی طرح تقسیم درآمد سینما از مبدا اجرایی شود تا سینما به یک کش‌بیزینس‌تبدیل شود و تهیه‌کننده و سینمادار از همان لحظه خرید بلیت توسط تماشاگر بتوانند درآمد خود را تقسیم کنند. دبیر شورای صنفی نمایش با بیان اینکه این طرح‌ها پیشتر عملی نشده بودند و حالا قرار است به اجرا برسند ادامه داد: علاوه بر اینها طرح سینما کارت را برای افراد سالمند، دانشجو و فرهنگی در نظر داریم و امیدواریم از سال آینده بتوانیم آن را به اجرا برسانیم که البته این کار نیازمند هماهنگی با برخی نهادها و وزارتخانه‌هاست. کرم‌پور در بخشی دیگر از این مصاحبه درباره اینکه اکران بعدی از چه زمانی آغاز می‌شود و چه فیلم‌هایی متقاضی اکران هستند، گفت: منتظر اعلام متقاضیان هستیم تا برای اکران نوروز تصمیم بگیریم. با توجه به اینکه امسال اکران نوروز و عید فطر یکی هستند، بنا داریم که اکران نوروز را از اسفندماه شروع کنیم و با بسته‌های تشویقی کمک خواهیم کرد که اسفند چندان در تاریخ اکران لحاظ نشود و نمایش فیلم‌ها ادامه‌دار باشد. او افزود: تا الان فقط فیلم «تاکسیدرمی»(در جشنواره فجر سال۱۴۰۳ رونمایی شد) متقاضی اکران بوده ولی در جلسه روز ۲۶بهمن‌ماه به پخش‌کنندگان و تهیه‌کنندگان اعلام شد که متقاضیان اکران آثار خود را ارائه کنند. در این نوبت هفت‌فیلم برای نوروز اکران می‌شوند که تصمیم‌گیری درباره آنها با شورای صنفی نمایش است و بحث اصلی ما هم مخاطب خواهد بود تا فیلم‌ها براساس تنوع ژانر و به نفع مخاطب انتخاب شوند. البته خود دوستان تهیه‌کننده و پخش‌کننده باید پای کار باشند چون ما به زور نمی‌توانیم فیلمی را اکران کنیم و قطعا بین آنچه موجودی خواهد بود و پروانه نمایش دارد، تصمیم‌گیری می‌کنیم. کرم‌پور در پایان درباره اینکه با توجه به همزمانی اسفند با ماه رمضان آیا برنامه اکران افطار تا سحر هم اجرا خواهد شد. پاسخ داد: ابتدا باید ببینیم چه فیلم‌هایی متقاضی هستند و شرایط اکران و مجوز آنها چگونه است و هرکدام برای آماده‌سازی اکران چقدر زمان احتیاج دارند.